

تفسیر و بیان کلمات قرآن

مؤلف:

شیخ حسنین محمد مخلوف

مترجم:

عبدالکریم ارشد

پاورقی:

برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیدة علی کتاب کلمات القرآن...»
نوشتہ ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس

عنوان کتاب: تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم
عنوان اصلی: صفة البيان لمعاني القرآن
نویسنده: شیخ حسنین محمد مخلوف
مترجم: عبدالکریم ارشد
موضوع: ترجمه معانی قرآن کریم
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: شهریور (سنبله) 1394 شمسی، ذوالقعدة 1436 هجری
شمارگان (نشر کاغذی): 0



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com
www.islamtxt.com
www.shabnam.cc
www.sadaislam.com

www.mowahedin.com
www.videofarsi.com
www.zekr.tv

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فہرست مطالب

7	مقدمہ مترجم
9	سورۃ فاتحہ
9	سورۃ بقرہ
25	سورۃ آل عمران
35	سورۃ نساء
43	سورۃ مائدہ
51	سورۃ اُنْعَام
60	سورۃ اعراف
71	سورۃ اَنْفَال
74	سورۃ تَوْبَہ
80	سورۃ یونس
84	سورۃ ہود
90	سورۃ یوسف
96	سورۃ رعد
98	سورۃ ابراہیم

101	سورۃ جِجْر
104	سورۃ نحل
109	سورۃ اسراء
115	سورۃ كهف
122	سورۃ مَرِيْم
125	سورۃ طه
132	سورۃ انبياء
136	سورۃ حَجّ
140	سورۃ مؤمنون
143	سورۃ نُور
147	سورۃ فرقان
150	سورۃ شُعْرَاء
154	سورۃ نمل
158	سورۃ قَصَص
161	سورۃ عَنكَبُوت
163	سورۃ روم
166	سورۃ لقمان
168	سورۃ سجده
169	سورۃ احزاب
174	سورۃ سبأ
177	سورۃ فاطر
180	سورۃ يس

182	سورة صافات
186	سورة ص
190	سورة زمر
195	سورة غافر
198	سورة فصلت
201	سورة شوری
204	سورة زخرف
207	سورة دخان
209	سورة جاثیه
210	سورة احقاف
212	سورة محمد
214	سورة فتح
216	سورة حجرات
217	سورة ق
219	سورة ذاریات
221	سورة طور
223	سورة نجم
225	سورة قمر
227	سورة رحمان
230	سورة واقح
233	سورة حدید
236	سورة مجادله

- 238 سورة حَشْرِ
- 239 سورة مُمتَحِنَه
- 240 سورة صَف
- 241 سورة جُمُعَه
- 242 سورة مُنَافِقُون
- 243 سورة تَغَابِن
- 243 سورة طَلَاق
- 244 سورة تَحْرِيم
- 245 سورة مُلْك
- 247 سورة قَلَم
- 251 سورة حَاقَّة
- 253 سورة مَعَارِج
- 255 سورة نُوح
- 256 سورة جِن
- 257 سورة مُزَّمِّل
- 259 سورة مُدَّثِّر
- 261 سورة قِيَامَت
- 262 سورة اِنْسَان
- 264 سورة مُرْسَلَات
- 265 سورة نَبَا
- 267 سورة نَازِعَات
- 268 سورة عَبَسَ

270	سورة تَكْوِيْرٍ
271	سورة اِنْفِطَارٍ
271	سورة مُطَفِّفِيْنَ
273	سورة اِنْشِقَاقٍ
274	سورة بُرُوجٍ
274	سورة طَارِقٍ
275	سورة اَعْلَى
276	سورة غَاشِيَةٍ
277	سورة فَجْرِ
278	سورة بَلَدٍ
279	سورة شَمْسٍ
280	سورة لَيْلٍ
281	سورة ضُحَى
282	سورة شَرَحٍ
282	سورة تِيْنٍ
282	سورة عَلَقٍ
283	سورة قَدْرِ
283	سورة بِيِّنَةٍ
284	سورة زَلْزَلَةٍ
284	سورة عَادِيَاتٍ
285	سورة قَارِعَةٍ
285	سورة تَكَاثُرٍ

286	سورۃ عَصْر
286	سورۃ ذِیْمَر
287	سورۃ فِیل
287	سورۃ قُرَیْش
287	سورۃ مَاعُون
288	سورۃ کَوْثَر
288	سورۃ کَافُرُون
288	سورۃ نَصْر
288	سورۃ مَسَد
290	سورۃ اِخْلَاص
290	سورۃ فَلَاق
290	سورۃ نَاس
291	منابع مورد استفادہ مترجم

مقدمه مترجم

قرآن کریم این کتاب بزرگ آسمانی و قانون کامل و تام از آغاز نزول تا این دوران انسان را از زنجیر اسارت و بردگی ره ساخت، از گمراهی‌ها نجاتش داد و به سوی دانش و روشنایی هدایتش کرد، خوشبختی و سعادت دارین او را فراهم نمود، بدون شک مکتب انسان ساز قرآن برای بشریت عدالت خواهی، امانت داری، شجاعت، ایثارگری و دلسوزی آموخت و برایش فیهامانده جهان و هستی بدون هدف و بدون حساب و کتاب نیست، بلکه همه اعمال انسان از خوب و بد محاسبه و باز پرس خواهند شد.

پیش از نزول این راز خلقت جامع بشری گرفتار ظلم، بی داد، جهل و تاریکی بود، زورمندان بد اندیش و استبدادگران کور دل با آشامیدن خون انسان روزگار بشر را تیره و تاریک ساختند. در جاهلیت آن دوران خانواده‌ها روز به دنیا آمدن دختران خود را روز سیاه و ماتم می دانستند اشک حسرت می ریختند و آن‌ها را زنده به گور می نمودند، قرآن این چشمه جوشان زندگی دستور داد: فرزندان خود را زنده بگور نکنید. پیام آور گنجینه علم و معرفت و مشعل دار راه نجات اعلام داشت روز ولادت هر نوزادی شادی نمایند و گوسفند سرببرند و به شخصی که دو دختر و یا دو خواهر خود را بخوبی تربیت و بزرگ نماید وعده بهشت برین داد. قرآن معجزه پیامبر اسلام و دلیل زنده و روشن حقانیت راه او انسان را به تفکر در آفرینش آسمان‌ها، خورشید، ماه، ستارگان، زمین، کوه‌ها، دریاها، نباتات، حیوانات و انسان دعوت می کند و نظام شگفت آوری را که در هر یک از انواع موجودات حکم فرماست گوشزد می نماید، تا با مطالعه و اندیشیدن درباره این موجودات برای بشر حقانیت وجود الهی آشکار شود و در عین حال از عالم هستی به نیکویی بهره بگیرند و آن‌ها را مورد استفاده و در خدمت انسان قرار بدهند.

علمای بزرگ اسلام در همه عصرها و قرن‌ها برای درک مفاهیم عالی و رسیدن به عمق معانی قرآن به تفسیر و تشریح آن پرداختند تا مسلمانان مقصد و مراد آن را بخوبی دریابند

و از این نعمت با ارزش الهی بهره‌ور شوند و به اوج سعادت و آرامش دست یابند و با درک این اندیشه کامل که هستی انسان را ارزش و تکامل می‌دهد به سوی هدف نهائی بالا بروند. به تاسی از این هدف نیک شیخ حسنین محمد مخلوف از دانشمندان بزرگ جهان اسلام که سال 1307 هـ به قاهره به دنیا آمد و بعد از فراغت از دانشگاه ازهر آنجا به تدریس پرداخت و سال 1410 هـ از ج‌ه‌ان رفت. هنگام تدریس متوجه گردید که علاقه‌مندان قرآن از معانی بعض آیات آن بسیار سوال می‌کنند پس «تفسیر و بیان کلمات قرآن» را نگاشت که مورد استقبال قرار گرفت و بارها به شیوه‌ای گوناگون چاپ و نشر شد، این دانشمند «صفوة البیان لمعانی القرآن» و چند کتب دیگر را نیز نوشت است. برای استفاده بیشتر از این کتاب آن را به شکل شیوا و رساله زبان فارسی ترجمه کردم تا کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند از آن بهره کامل و تمام بگیرند.

والسلام

عبد الکریم «ارشد»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة فاتحه

- 1- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾: ثنا و ستایش خاصه خداست.
- 1- ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: مربی و تربیت کننده موجودات، مالک و چاره‌ساز امور ایشان.
- 4- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز جزاء.
- 6- ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: ما را موفق گردان تا به راه روشن و آشکار اسلام که هیچ کجی و نادرستی در آن نیست ثابت قدم و استوار باشیم.
- 7- ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾: یهود.
- 7- ﴿الضَّالِّينَ﴾: نصاری، همچنان امثال ایشان در ضلالت و گمراهی.

سورة بقره

- 2- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ﴾: قرآن کریم.
- 2- ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾: بدون شک این قرآن حق و از جانب پروردگار نازل شده است.
- 2- ﴿هُدًى﴾: از گمراهی و ضلالت به راه راست هدایت می کند.
- 2- ﴿لِّلْمُتَّقِينَ﴾: برای آن‌هایی که از گناه اجتناب و اوامر او تعالی را به جا کردند و خود را از عذاب آخرت نگاه داشتند.
- 5- ﴿عَلَىٰ هُدًى﴾: با قلب مطمئن به راه راست و روشن قرار دارند.
- 7- ﴿حَتَّمَ اللَّهُ﴾: خدا م‌هرن‌هاده است.

- 7- ﴿غَشَوَةٌ﴾: پوشش و پرده‌ای است.
- 9- ﴿يُخَدِّعُونَ﴾: منافقان مکاران‌ه با فریب و نیرنگ رفتار می‌کنند.
- 10- ﴿مَرَضٌ﴾: شک و نفاق یا تکذیب و انکار است.
- 14- ﴿خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ﴾: اهل نفاق نزد بزرگان‌شان بروند یا با آن‌ها تن‌ها شوند.
- 15- ﴿يَمُدُّهُمْ﴾: خدا آن‌ها را زیادت می‌بخشد یا مهلت می‌دهد.
- 15- ﴿طُعْيَنِهِمْ﴾: پافشاری در کفر و تجاوز از حد خویش.
- 15- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: منافقان درجه‌الت باقی می‌مانند و راه راست را نمی‌یابند یا متحیر و سرگردان می‌شوند.
- 17- ﴿مَثَلُهُمْ﴾: حالت شگفت‌انگیز یا صفت آن‌ها.
- 17- ﴿أَسْتَوْقَدَ نَارًا﴾: آتش افروخت.
- 18- ﴿بُكْمٌ﴾: از بیان حق گنگ هستند.
- 19- ﴿كَصَيْبٍ﴾: مانند کسانی هستند که بارانی تند و شدید بر آن‌ها ببارد. صیب: باران در حال باریدن از آسمان، یا ابر بارنده است.
- 20- ﴿بَجَظُفٌ أَبْصَرُهُمْ﴾: نور برق بینایی آن‌ها را به سرعت ببرد.
- 20- ﴿قَامُوا﴾: متحیر و سرگردان در جای خود متوقف شوند.
- 22- ﴿الْأَرْضِ فِرَاشًا﴾: زمین را بسترو فرش جهت استقرار در آن.
- 22- ﴿السَّمَاءِ بِنَاءً﴾: آسمان را سقف برافراشت‌ه یا مانند گنبد مستحکم.
- 22- ﴿أَنْدَادًا﴾: امثال و همتا، از بت‌ها که پرستش می‌کنید.
- 23- ﴿أَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ﴾: خدایان یا یاران و یاوران خود را حاضر کنید.
- 25- ﴿مُتَشَبِهًا﴾: مانند هم، در رنگ و ظاهر با هم شباهت دارند‌ه در طعم و لذت.
- 29- ﴿أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾: خدا قصد و اراده آفرینش آسمان را کرد، قصد راست و درست.
- 29- ﴿فَسَوَّيْنَهُنَّ﴾: پس خلقت آسمان‌ها را به اتمام رساند و آن‌ها را استوار و مستحکم ساخت.
- 30- ﴿يَسْفِكُ الدَّمَاءَ﴾: از دشمنی و عداوت دست‌به‌خونریزی و ستم می‌زند.

30- ﴿نُسِّحَ بِحَمْدِكَ﴾: تورا از همه بدی‌ها پاک و پاکیزه می‌شماریم و تورا ثنا و ستایش می‌کنیم.

30- ﴿نُقَدِّسُ لَكَ﴾: تورا به بزرگی یاد می‌کنیم و یاد تورا از آنچه سزاوار عظمت و شرف نیست پاک می‌دانیم.

34- ﴿أَسْجُدُوا لِآدَمَ﴾: به آدم فروتنی کنید، یا سجده تعظیم و احترام نمایید.

35- ﴿رَعَدًا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی‌زحمت.

36- ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ﴾: شیطان آدم و همسرش را فریب داد و از آن مقام رفیع دور ساخت.

40- ﴿إِسْرَائِيلَ﴾: لقب یعقوب.

40- ﴿فَارْهَبُونِ﴾: در پیمان شکنی‌ها اتان تن‌ها از من بترسید.

42- ﴿لَا تَلْبِسُوا﴾: مخلوط ننمایید یا پن‌ها نکنید.

44- ﴿بِالْبَيِّنَاتِ﴾: به طاعت و عبادت بسیار و کارهای نیک.

45- ﴿إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ﴾: به درستی نماز خیلی دشوار، سخت و سنگین است.

45- ﴿الْخَاشِعِينَ﴾: انسان‌های متواضع و با تمکین.

46- ﴿يُظُنُّونَ﴾: یقین می‌دانند.

47- ﴿الْعَلَمِينَ﴾: ج‌هانیان دوران خود شما.

48- ﴿لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾: هیچ کس نمی‌تواند برای دیگری کاری انجام

دهد.

48- ﴿عَدْلٌ﴾: بدیل و جای‌گزین.

49- ﴿يُسْؤِمُونَكُمْ﴾: به شما می‌چشانند و شما را به کارهای دشوار می‌گماشتند.

﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را بخاطر خدمت زنده می‌گذاشتند.

49- ﴿بَلَاءٌ﴾: آزمون و امتحانی بود با اعطای نعمت‌ها و گرفتاری به شکنجه و عذاب.

50- ﴿فَرَقْنَا﴾: شکافتیم.

51- ﴿أَتَّخَذْتُمُ الْعَجَلِ﴾: گوساله را خدا و معبود قرار دادید.

- 53- ﴿الْفُرْقَان﴾: شریعت را که ممیز حلال و حرام است.
- 54- ﴿بَارِئِكُمْ﴾: خالقتان.
- 54- ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾: در میان خود شما نیکوکار باید گناه کار را بکشند.
- 55- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار.
- 55- ﴿الصَّلْوةُ﴾: آتش و یا آواز شدید که از سوی آسمان آمد.
- 57- ﴿الْعَمَامُ﴾: ابر سفید نازک.
- 57- ﴿الْمَنْ﴾: ماده صمغی که مثل عسل شیرین است.
- 57- ﴿وَالسَّلْوَى﴾: مرغ مشهور به سمایی.
- 58- ﴿رَعْدًا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی زحمت.
- 58- ﴿تُولُوا حِطَّةً﴾: بگویند: پروردگارا، گناهان ما را ببخش.
- 59- ﴿رَجْرًا﴾: عذابی را، گفته شده طاعون است.
- 60- ﴿فَأَنْفَجَرْت﴾: شکافت و فوران کرد.
- 60- ﴿مَشْرَبُهُمْ﴾: جای آشامیدن خود را.
- 60- ﴿لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ﴾: در زمین دست به فساد نزنید.
- 60- ﴿مُفْسِدِينَ﴾: فساد همیشه.
- 61- ﴿فَوْمَهَا﴾: گندم و یا سیر.
- 61- ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ﴾: آن‌ها را احاطه کرده یا به آن‌ها چسبیده است.
- 61- ﴿الذَّلَّةُ﴾: خواری، بی عزتی و پستی.
- 61- ﴿الْمَسْكَنَةُ﴾: ناداری و بخل ذاتی.
- 61- ﴿بَاءً وَبَعْضٍ﴾: باز هم به قهر و غضب خدا دچار شدند که مستحق آن بودند.
- 62- ﴿هَادُوا﴾: یهودی شدند.
- 62- ﴿الصَّابِغِينَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره پرستان.
- 63- ﴿مِيثَاقَكُمْ﴾: عهد و پیمان شما را به این که به تورات عمل می‌کنید.

- 65- ﴿خَسِینَ﴾: رانده شدگان پست و بی ارزش.
- 66- ﴿فَجَعَلْنَهَا نَكَلًا﴾: این کیفر را شکنجه و عذاب قرار دادیم.
- 67- ﴿هُزُؤًا﴾: مسخره و ریشخند.
- 68- ﴿لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ﴾: نه کلان سال است و نه جوان نوس.
- 68- ﴿عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ﴾: میان سال است.
- 69- ﴿فَاقِعٌ لَوْنُهَا﴾: رنگ آن گاو بسیار زرد است.
- 71- ﴿لَا ذُلُولٌ﴾: رام نیست.
- 71- ﴿تُثْبِرُ الْأَرْضَ﴾: تا زمین را شخم زند.
- 71- ﴿الْحَرْثَ﴾: کشت یا زمین آماده برای زراعت را.
- 71- ﴿مُسَلَّمَةٌ﴾: بی عیب است.
- 71- ﴿لَا شَيْءَ فِيهَا﴾: رنگ دیگری غیر از رنگ زرد در آن وجود ندارد.
- 72- ﴿فَأَذَرْتُكُمْ فِيهَا﴾: و در باره او به دشمنی و ستیز پرداختید.
- 74- ﴿يَتَفَجَّرُ﴾: به وفرت جاری می شود.
- 74- ﴿يَشَقُّقُ﴾: شکاف می شود به طول و یا عرض.
- 75- ﴿يُحْرِفُونَهُ﴾: گروهی از یهودیان تورات را تحریف یا به باطل تأویل می کنند.
- 76- ﴿خَلَا بَعْضُهُمْ...﴾: نزد بزرگان شان بروند یا با آن تنه‌ها بنشینند.
- 76- ﴿فَتَحَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾: خدا بر شما حکم کرده است یا آن را به شما بیان داشته است.
- 78- ﴿أُمِّيُونَ﴾: جاه‌لند، نمی‌توانند تورات را بخوانند.
- 78- ﴿أَمَانِيَّ﴾: دروغ‌های که از دانشمندان خود آموختند.
- 79- ﴿فَوَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت، یا عذاب شدید، یا وادی است درجه‌نم.
- 81- ﴿كَسَبَ سَيِّئَةً﴾: کفر ورزید.
- 81- ﴿أَحْطَتْ بِهٖ﴾: گناه او را محاصره کرد و بر حسنائش چیره شد.

- 85- ﴿تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ﴾: در ظلم و ستم به آن‌ها، با یکدیگر همکاری می‌کنید.
- 85- ﴿أَسْرَى﴾: اسیران.
- 85- ﴿تُقَدُّوهُمْ﴾: فدی‌ه آن‌ها را می‌دهید و از اسارت ره‌اشان می‌سازید.
- 85- ﴿خِزْيٌ﴾: ذلت، فزاحت، عذاب و شکنجه.
- 87- ﴿فَقَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ﴾: پس از او پیامبرانی را پی‌درپی فرستادیم که به شریعت او حکم می‌کردند.
- 87- ﴿بِرُوحِ الْقُدْسِ﴾: به روح پاکیزه، جبرئیل عليه السلام.
- 88- ﴿فَلَوْبِنَا غُلْفٌ﴾: دل‌های ما از آفرینش در پرده است.
- 89- ﴿يَسْتَفْتِحُونَ﴾: به وسیله بعثت او عليه السلام یاری و کمک می‌خواستند.
- 90- ﴿أَشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را به آن فروختند.
- 90- ﴿بَغِيًّا﴾: از حسادت.
- 90- ﴿فَبَاءٌ وَبَعْضٌ﴾: به غضب دیگر خدا گرفتار شدند که مستحق آن بودند.
- 92- ﴿أَتَّخَذْتُمْ الْعِجْلَ﴾: به پرستش گوسال پرداختید.
- 93- ﴿الْعِجْلَ﴾: محبت گوسال‌های که پرستش کردند.
- 96- ﴿لَوْ يَعْمُرُ﴾: کاش عمرش دراز می‌شد.
- 100- ﴿نَبَذَهُ﴾: عهده را نقض کرد و بدور انداخت.
- 102- ﴿تَتْلُوا الشَّيْطَانِ﴾: شیطان‌ها سحر و جادورا می‌خواندند، یا به دروغ می‌گفتند.
- 100- ﴿نَحْنُ فِتْنَةٌ﴾: ما از جانب پروردگار برای امتحان شما هستیم.
- 100- ﴿خَلْقِي﴾: بهره از خیر یا قدر و مرتبت.
- 100- ﴿شَرَوْا بِهِ﴾: خود را به آن فروختند.
- 104- ﴿لَا تَقُولُوا رَاعِنَا﴾: شما مسلمانان «راعنا» نگوئید، این کلمه در زبان یهود دشنام زشت و تحقیر است.
- 104- ﴿قُولُوا أَنْظَرْنَا﴾: بگوئید: به سوی ما بنگریا بر ما مهلت بده و به‌تأنی سخن بگو تا معانی آیات را درک نماییم.

- 106- ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ﴾: حکم هر آیه یا تعبد به تلاوت آن را که برداریم.
- 106- ﴿نُنسِهَا﴾: آن را از دل او و حافظه او محو کنیم.
- 107- ﴿وَلِيٍّ﴾: مالک یا سرپرست و ناظر کارهای شما.
- 108- ﴿سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾: راه مستقیم.
- 111- ﴿أَمَانِيَهُمْ﴾: خیالات و آرزوهای باطل آن‌هاست.
- 112- ﴿أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾: به خلوص نیت، خود و طاعت و عبادت او را به خدا تسلیم نماید.
- 114- ﴿خِزْيٍ﴾: خفت، پستی، مرگ و اسارت.
- 115- ﴿فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾: همان جهت قبله مورد رضای اوست که شما را به آن امر کرده.
- 116- ﴿سُبْحَانَهُ﴾: خدا از انتخاب فرزند پاک و منزّه است.
- 116- ﴿لَهُو قَلْبُتُونَ﴾: فرمانبردار او هستند.
- 117- ﴿بَدِيعُ...﴾: ایجاد کننده.
- 117- ﴿قَضَىٰ أَمْرًا﴾: اراده ایجاد چیزی را بخواهد یا حتمی و قطعی گرداند.
- 117- ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾: ایجاد شو، او فوراً ایجاد می‌شود.
- 122- ﴿الْعَلَمِينَ﴾: ملت‌های دوران خودتوان.
- 123- ﴿لَا تَجْزِي نَفْسٌ﴾: هیچ کس انجام نمی‌دهد. 123- عَدْلٌ: بدل و فدی‌های.
- 124- ﴿أَبْتَلَىٰ﴾: آزمود.
- 124- ﴿بِكَلِمَةٍ﴾: تکالیف شرعی، اوامر و نواهی.
- 124- ﴿فَأَتَمَّهُنَّ﴾: و او خاص برای خدا هم‌را را انجام داد.
- 125- ﴿مَثَابَةَ اللَّئِيسِ﴾: پناه‌گاه یا محل اجتماع یا موضع کسب ثواب انسان.
- 125- ﴿عَهْدَنَا﴾: سفارش کردیم یا امر کردیم یا وحی فرستادیم.
- 125- ﴿بَيْتِي﴾: کعبه شریف به مکه.
- 126- ﴿أَصْطَرُّهُ﴾: او را روان می‌کنیم.

- 128- ﴿مُسْلِمِينَ لَكَ﴾: فرمانبردار، فروتن و مخلص به خودت.
- 128- ﴿أَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾: مقررات اعمال و افعال حج را به ما بیاموز.
- 129- ﴿يُزَكِّيهِمْ﴾: آن‌ها را از ناپاکی شرک و گناه پاک نماید.
- 130- ﴿مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ﴾: کیست که از دین روشن ابراهیم روگردان شود.
- 130- ﴿سَفِيهَةٌ نَفْسُهُ﴾: خود را به جهالت افکنده یا سبک و خوار کرده یا خود را تباه نموده است.
- 131- ﴿أَسْلِمَ﴾: فرمانبردار باش یا خالص و بی‌ریا مرا عبادت کن.
- 132- ﴿الَّذِينَ﴾: اسلام، برگزیده ادیان را.
- 134- ﴿حَلَّتْ﴾: گذشتند و رفتند.
- 135- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان مایل به دین حق.
- 136- ﴿الْأَسْبَاطِ﴾: فرزندان یا نبیرگان یعقوب عليه السلام.
- 138- ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ﴾: از دین یا فطرت خدا حتماً پیروی کنید.
- 142- ﴿السُّفَهَاءُ﴾: افراد کم عقل، یهود و امثال ایشان در انکار از تحویل قبله.
- 142- ﴿مَا وَلَّيْنَاهُمْ﴾: چه چیز آن‌ها را برگردانید؟
- 142- ﴿عَنْ قِبْلَتِهِمُ﴾: از بیت المقدس.
- 143- ﴿أُمَّةً وَسَطًا﴾: ملت برگزیده یا ملت عادل.
- 143- ﴿يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ﴾: هنگام تحویل قبله به سوی کعبه، از اسلام برمی‌گردد.
- 143- ﴿لِكَبِيرَةٍ﴾: بر اشخاص سخت و دشوار است.
- 143- ﴿لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾: خدا هرگز نمازه‌ای شما را که به سوی بیت المقدس ادا کرده‌اید، باطل نمی‌کند.
- 144- ﴿شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: به سوی کعبه.
- 147- ﴿الْمُتَرِينَ﴾: شک کنندگانی که با آگاهی از حق آن را می‌پوشانند.
- 151- ﴿يُزَكِّيْكُمْ﴾: شما را از شرک و گناه پاک می‌سازد.
- 151- ﴿الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾: قرآن، سنت و دانش در امور دین را.

- 155- ﴿لَتَبْلُوَنَكُمْ﴾: شمارا آزمایش می کنیم با این که از همه احوال تان آگاهیم.
- 157- ﴿صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ﴾: رحمت یا مغفرت و آمرزش از سوی پروردگارشان.
- 158- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: نشان‌های دین خداست در حج و عمره.
- 158- ﴿أَعْتَمَسَ﴾: کعبه معظمه را به وجه مشروع زیارت کند.
- 158- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ﴾: هیچ گناهی براو نیست.
- 158- ﴿يَطَّوَّفُ بِهِمَا﴾: سعی بین آن دورا انجام دهد.
- 159- ﴿يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ﴾: پروردگار آن‌ها را از رحمت خود دور می کند.
- 162- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: عذاب آن‌ها به تأخیر نمی افتد.
- 164- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: با تولید مثل در زمین پراکنده ساخت.
- 164- ﴿تَصْرِيفِ الرِّيحِ﴾: در تغییر جهت دادن وزش و احوال باده از سردی، گرمی، تندی و ملایمت.
- 165- ﴿أَنذَادًا﴾: همتاک‌ها او را پرستش می کنند.
- 166- ﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾: پیوندهای نژادی، دوستی و تعهداتی که در دنیا بین آن‌ها وجود داشت از هم بپاشد.
- 167- ﴿كَرَّةٍ﴾: بازگشتی به دنیا.
- 167- ﴿حَسْرَاتٍ﴾: پشیمانی‌های شدید.
- 168- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه‌های شیطان، آثار و اعمال او.
- 169- ﴿يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ﴾: شیطان شما را به گناه دستور می دهد.
- 169- ﴿الْفَحْشَاءِ﴾: گناه بسیار زشت.
- 170- ﴿الْفَيْنَاءِ﴾: یافتیم.
- 171- ﴿يَنعُوقُ﴾: صدا می کند. ﴿بُكْمٍ﴾: از بیان حق گنگ هستند.
- 173- ﴿أَهْلٌ بِهِ لِعَیْرِ اللَّهِ﴾: حیوانی که هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.
- 173- ﴿أَضْطَرُّ﴾: نیازمندی او را ناچار ساخت تا از چیزهای حرام بخورد.

- 173- ﴿غَيْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت در پی حرام نباشد و حالت اضطرار را باره اختیار نکند.
- 173- ﴿لَا عَادٍ﴾: از حدی که مانع مرگ است تجاوز نکند.
- 174- ﴿ثُمَّنَّا قَلِيلًا﴾: به ای اندک.
- 174- ﴿لَا يُزَكِّيهِمْ﴾: آن‌ها را از پلیدی گناه پاک نمی‌کند.
- 176- ﴿لَفِي شَفَاقٍ بَعِيدٍ﴾: در نزاع و اختلاف دور از حقیقت قرار دارند.
- 177- ﴿الْبِرِّ﴾: طاعت و کاره‌ای نیک گسترده.
- 177- ﴿وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافری که از خانواده‌اش جدا و توان رسیدن به مال خود را نداشته باشد.
- 177- ﴿فِي الرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان و اسراء.
- 177- ﴿الصَّابِرِينَ﴾: اشخاص شکیبا تخصیص صابرین جهت فضیلت بیشتر آن‌هاست.
- 177- ﴿الْبَأْسَاءِ﴾: سختی، بلا، بیماری و رنج.
- 177- ﴿حِينَ الْبَأْسِ﴾: وقت شدت جنگ با دشمن.
- 178- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ﴾: بر شما فرض شده است.
- 178- ﴿عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ﴾: ولی مقتول قصاص راره‌ا کند.
- 180- ﴿تَرَكَ خَيْرًا﴾: مال فراوان بجا گذاشت.
- 182- ﴿جَنَفًا﴾: عدول از حق ناآگاهانه.
- 182- ﴿إِنَّمَا﴾: آگاهانه ستمی را مرتکب شده است.
- 184- ﴿يُطِيقُونَهُ﴾: توانش را دارند، این حکم به اثر آیه 185 بقره منسوخ است.
- 184- ﴿تَطَوَّعَ خَيْرًا﴾: به دلخواه خویش خیری افزون انجام دهد، یعنی به فدی‌ه بیفزاید.
- 185- ﴿لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ﴾: تا خدا را حمد و ستایش کنید.
- 187- ﴿الرَّفَثِ﴾: آمیزش جنسی.
- 187- ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ﴾: زن‌ها برای شما مایه آرامش یا مانع از حرامند.
- 187- ﴿حُدُودُ اللَّهِ﴾: ممنوعات و محرّمات الهی است.

- 191- ﴿تَقِفْتُمُوهُمْ﴾: مشرکان را یافتید.
- 191- ﴿الْفِتْنَةُ﴾: شرک به خدا در حالی که در حرم قرار دارند.
- 191- ﴿عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: در هم جای حرم.
- 194- ﴿الْحُرْمَتُ﴾: آنچه حفظ حرمتش واجب است.
- 195- ﴿الْتَهْلُكَةُ﴾: ترک جهاد و عدم مصرف مال در آن راه مایه هلاکت و تباهی است.
- 196- ﴿أُحْصِرْتُمْ﴾: بعد از احرام مانعی شما را از اتمام حج جلوگیری کرد.
- 196- ﴿فَمَا أُسْتَيْسِرَ﴾: آنچه به آسانی آماده شود.
- 196- ﴿مِنَ الْهَدْيِ﴾: چارپایی که برای قربانی به کعبه برند.
- 196- ﴿لَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ﴾: با تراشیدن سر از احرام خارج نشوید.
- 196- ﴿يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾: قربانی به جای وجوب ذبحش، حرم برسد یا هر جا که از رفتن به کعبه منع شوید، حرم یا بیرون حرم.
- 196- ﴿فَفِدْيَةٌ﴾: هر که سر خود را بتراشد باید فدیّه بدهد.
- 196- ﴿نُسْكِ﴾: قربانی و اینجا گوسفند مراد است.
- 196- ﴿مِنَ الْهَدْيِ﴾: مراد قربانی حج تمتع است.
- 197- ﴿فَرَضَ﴾: با گرفتن احرام بر خود فرض کرد.
- 197- ﴿فَلَا رَفَثَ﴾: آمیزش جنسی یا گفتار زشت جایز نیست.
- 197- ﴿لَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ﴾: خصومت، ستیز و جدال در حج جایز نیست.
- 198- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناهی.
- 198- ﴿فَضْلًا﴾: منافع تجارتنی و کسب در موسم حج.
- 198- ﴿أَفْضَتُمْ﴾: دسته جمعی کوچ کردید و رفتید.
- 198- ﴿الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾: هم جای مزدلفه یا کوه قزح.
- 200 ﴿مَنْدَسِكُمْ﴾: اعمال حج را.
- 200- ﴿خَلَقَ﴾: س همی از خیر یا قدر و عزت.

- 200- ﴿فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً﴾: نعمت، عافیت و توفیق در دنیا.
- 200- ﴿فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً﴾: رحمت، احسان و نجات در آخرت.
- 204- ﴿الَّذُ الْخِصَامُ﴾: سرسخت ترین دشمنان، در راه باطل مجادل می کند.
- 205- ﴿الْحَرْثُ﴾: کشت را.
- 206- ﴿أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ﴾: تکبر و نخوت او را به گناه می کشاند.
- 206- ﴿فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ﴾: دوزخ برای او جزای کافی است.
- 206- ﴿لَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾: چه نم جایگاه بدی است.
- 207- ﴿يُبْشِرِ نَفْسَهُ﴾: با بذل جان در طاعت و عبادت خود را به خدا فروخت هاند.
- 208- ﴿فِي السِّلْمِ كَآفَةً﴾: در اسلام و همه احکام آن.
- 208- ﴿خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه، آثار و کارهای شیطان.
- 209- ﴿زَلَلْتُمْ﴾: منحرف شدید و حقیقت را گم کردید.
- 210- ﴿ظُلِّلِ مِنَ الْعَمَامِ﴾: سایه بان هایی از ابره ای سفید نازک.
- 212- ﴿يَغْيِرِ حِسَابٍ﴾: آنچه او تعالی می بخشد پایان ناپذیر و سخاوت مندان ه است.
- 213- ﴿بَغْيًا﴾: از حسادت، حرص به دنیا و انحراف از حق.
- 214- ﴿مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا﴾: حالت مؤمنانی که در گذشت هاند.
- 214- ﴿الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ﴾: سختی، بلا، تنگدستی، بیماری و رنج.
- 214- ﴿زُلْزَلُوا﴾: از بسیاری بلا ه شدیداً مضطرب شدند.
- 216- ﴿كُرْهُ لَكُمْ﴾: در حالی که بر شما دشوار است.
- 217- ﴿كَبِيرٌ﴾: گناه هی بزرگ است.
- 217- ﴿الْفِتْنَةُ﴾: تشویق مردم به کفر و شرک به خدا.
- 217- ﴿حَبِطَتْ﴾: باطل و برباد می رود.
- 219- ﴿الْمَيْسِرِ﴾: قمار.
- 219- ﴿الْعَفْوُ﴾: آنچه افزون بر نیاز شماست.

- 220- ﴿لَاَعْتَنَكُمُ﴾: همانا کارهای دشوار را به شما می سپرد.
- 222- ﴿أَذَى﴾: آلوده و زیان آور است.
- 223- ﴿حَرْتُ لَكُمْ﴾: محل کشت نسل شما هستند.
- 223- ﴿أَنْتِ سِتْنُومُ﴾: به هر روش که خواستید، در محل تناسل.
- 224- ﴿عُرْضَةً لِّأَيْمِنِكُمْ﴾: مانع از خیر، قسم بخورید که کار نیک انجام نمی دهد.
- 225- ﴿بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾: قسم لغو آن است که شخص بر چیزی قسم بخورد به باور این که آن چیز راست است، در حالی که حقیقت خلاف آن باشد یا بدون این که قصد سوگند داشته باشد، کلمات سوگند بر زبانش بیاید.
- 226- ﴿يُولُونَ مِنْ بَسَائِهِمْ﴾: قسم می خورند که با همسران خود مقاربت نمی کنند.
- 226- ﴿تَرْبُصُ﴾: ... انتظار بکشند...
- 226- ﴿فَأَوْوُ﴾: در مدتی که قسم خورده اند، رجوع کنند.
- 228- ﴿ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾: سه حیض، گفته شده سه پاکی است.
- 228- ﴿بُعُولَهُنَّ﴾: شوهره اشان.
- 228- ﴿ذَرَجَةٌ﴾: منزلت و برتری به سبب این که مرد عده دار اداره خانواده و نفقه است.
- 229- ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ﴾: طلاق رجعی دو بار است.
- 229- ﴿تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾: جدایی با ادای حقوق و بدون زیان و ضرر.
- 229- ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ﴾: این احکام و فرایض الهی هستند.
- 231- ﴿فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ﴾: به آخرین روزه ای عده خود رسیدند.
- 231- ﴿لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا﴾: به قصد آزار، به آن رجوع نکنید.
- 231- ﴿لَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا﴾: احکام خدا را مسخره نکنید با سهل انگاری و مخالفت.
- 231- ﴿الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ﴾: قرآن و سنت.
- 232- ﴿فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ﴾: مانع آن ها نشوید.
- 232- ﴿أَرْكَى لَكُمْ﴾: برای شما بهتر و مفیدتر است.

- 233- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانایی خود.
- 233- ﴿عَلَى الْوَارِثِ﴾: بر وارث کودک یتیم.
- 233- ﴿أَرَادَا فِصَالًا﴾: پدر و مادر بخواهند کودک را پیش از دو سالگی از شیر بگیرند.
- 235- ﴿عَرَضْتُمْ﴾: به اشاره و کنایه وانمود کنید.
- 235- ﴿أَكْنَنْتُمْ﴾: نهان داشتید.
- 235- ﴿وَلَا تُؤَاعِدُوهُمْ﴾: ولی با آن‌ها در خفا و تن‌هایی با صراحت پیش‌نهاده از دواج نکنید.
- 235- ﴿يَبْلُغُ الْكِتَابِ أَجَلَهُ﴾: عده آن‌ها به پایان برسد.
- 236- ﴿فَرِيضَةً﴾: مهر.
- 236- ﴿مَتَّعُوهُمْ﴾: چیزی که به آن‌ها سودمند است برای شان بدهید.
- 236- ﴿الْمُوسِعِ﴾: توانگر.
- 236- ﴿قَدْرُهُ﴾: به اندازه توان خود.
- 236- ﴿الْمُقْتِرِ﴾: تنگدست.
- 238- ﴿وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾: و خصوصاً نماز عصر را، این نماز را بخاطر فضیلت بیشتر آن نماز میان‌ه گویند.
- 238- ﴿قَنْبَتَيْنِ﴾: فروتن و فرمانبردار.
- 239- ﴿فَرِحَالًا﴾: پس در حال پیاده روی نماز بخوانید.
- 241- ﴿لِلْمُطَلَّقاتِ مَتْنَعٌ﴾: لازم است برای زنان طلاق شده متعه یا در روزهای عده نفقه بدهید.
- 245- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: مال خود را از طیب خاطر برای رضای خدا مصرف کند.
- 245- ﴿يَقْبِضُ وَيَضْطُّ﴾: گروهی را تنگدست و گروهی را بی‌نیاز می‌گرداند.
- 246- ﴿الْمَالِ﴾: بزرگان قوم.
- 246- ﴿عَسَيْتُمْ﴾: شاید شما.
- 247- ﴿أَتَى يَكُونُ﴾: چگونه می‌شود؟
- 247- ﴿زَادَهُ بَسْطَةً﴾: خدا به او توانایی بیشتر، قامت بلند و برتری بخشیده است.

- 248- ﴿يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ﴾: صندوق تورات نزد شما خواهد آمد.
- 248- ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ﴾: در آن اطمینان و آرامش دل‌های شماست.
- 249- ﴿فَصَلِّ طَالُوتَ﴾: طالوت با سپاه خود از بیت المقدس بیرون رفت.
- 249- ﴿مُبْتَلِيكُمْ﴾: خدا شما را امتحان می‌کند در حالی که از همه چیز شما آگاه است.
- 249- ﴿أَعْتَرَفَ...﴾: با کف خود آب بردارد، به دهان ازن هر آب نخورد.
- 249- ﴿طَاقَةٌ لَنَا﴾: ما قدرت و توان نداریم.
- 250- ﴿فِئَةٌ﴾: جماع‌های از مردم.
- 250- ﴿بَرَزُوا﴾: به میدان آمدند.
- 251- ﴿الْحِكْمَةَ﴾: نبوت را.
- 253- ﴿بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾: به وسیله جبریل.
- 254- ﴿لَا خُلَّةٌ﴾: نه دوستی است و نه یآوری.
- 255- ﴿الْحَيُّ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.
- 255- ﴿الْقَيُّومُ﴾: همیشه مدبر و حافظ امور آفرینش.
- 255- ﴿سِنَةٌ﴾: خواب سبک و کوتاه.
- 255- ﴿لَا يَوْدُهُرُ﴾: بر او دشوار نیست.
- 256- ﴿تَبَيَّنَ الرُّشْدُ﴾: هدایت و ایمان مشخص شده است.
- 256- ﴿مِنَ الْغَيِّ﴾: از گمراهی و کفر.
- 256- ﴿بِالطَّلُوعِ﴾: غیر از خدا هر چه مورد پرستش قرار گیرد طاغوت است از بت، شیطان و مانند این‌ها.
- 256- ﴿بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾: به عقیده ثابت و استوار.
- 256- ﴿لَا أَنْفِصَامَ لَهَا﴾: هرگز گسسته نمی‌شود و از بین نمی‌رود.
- 258- ﴿الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ﴾: ستم پیش‌ه سرکش نمرود بن کنعان با ابراهیم عليه السلام به جدال و گفتگو برخاست.

- 258- ﴿فَبُهَّتْ﴾: مغلوب و متحیر گردید، دلایل او تمام شد.
- 259- ﴿خَاوِيَةً عَلَىٰ عُرُوشَهَا﴾: دیواره‌ای آن بر سقف‌های فروریخت‌هاش افتاده بود.
- 259- ﴿أَلَيْ يٰحَىٰ﴾: چگونگی یا کی زنده می‌کند.
- 259- ﴿لَمْ يَنْسَنَّهُ﴾: با گذشت سال‌ها هیچ تغییر نیافت‌هاست.
- 259- ﴿نُنْشِرُهَا﴾: استخوان‌ها را از زمین بلند و اجزای پراکنده آن‌ها را با هم وصل می‌کنیم.
- 260- ﴿فَصْرُهِنَّ إِلَيْكَ﴾: آن‌ها را پیش خود ریزه ریزه و مخلوط کن.
- 262- ﴿مَنًّا﴾: شمردن احسان و نیکویی‌ها و بار منت ن‌دادن.
- 262- ﴿لَا أَدَىٰ﴾: به انفاق مال نمی‌نازند و فخر نمی‌فروشند.
- 264- ﴿رِبَاءَ النَّاسِ﴾: برای این‌که مردم ببینند و بشنوندن‌ها به راه خدا.
- 264- ﴿صَفْوَانَ﴾: سنگ بزرگ صاف.
- 264- ﴿وَابِلٌ﴾: باران تند با قطره‌های بزرگ.
- 264- ﴿صَلْدًا﴾: صاف و بی‌خاک.
- 265- ﴿تَنْبِيئًا﴾: با کمال اطمینان و یقین به ثواب انفاق.
- 265- ﴿جَنَّةٍ بَرِّيَّةٍ﴾: باغی پر درخت است که به جای بلندی قرار گرفته باشد.
- 265- ﴿أُكْلَهَا﴾: میوه‌هایش را.
- 265- ﴿فَطْلٌ﴾: باران نرم و ریز.
- 266- ﴿إِعْصَارٌ﴾: تندبادی، گردباد.
- 266- ﴿فِيهِ نَارٌ﴾: باد سوزان یا صاعق‌ها.
- 267- ﴿لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ﴾: قصد انفاق مال تباه و بد را نکنید.
- 267- ﴿تُعْمِضُوا فِيهِ﴾: از بی‌میلی و سهل‌انگاری آن‌ها را می‌گیرید.
- 273- ﴿أُحْصِرُوا﴾: آن‌ها را ج‌ها از اشتغال به امور دیگر باز داشته‌هاست.
- 273- ﴿ضَرْبًا﴾: به تجارت و کسب و کار پردازند.
- 174- ﴿التَّعَفُّفِ﴾: دوری از سؤال.

- 275- ﴿بِسْمِهِمْ﴾: از سمایشان که نشانگر فقر و نیازمندی است.
- 276- ﴿الْحَافَا﴾: سؤال به زاری و التماس.
- 275- ﴿يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان او را دچار صرع کند و بر زمین بزند.
- 275- ﴿الْمَسِّ﴾: جنون و زوال عقل.
- 276- ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا﴾: خدا مالی را که به او را بیکجا شود نابود می کند.
- 276- ﴿يُرِي الْأَصْدَقَاتِ﴾: مالی را که از آن صدقه داده شده می افزاید.
- 279- ﴿فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ﴾: باور داشته باشید که به جنگ برخاسته اید.
- 280- ﴿ذُو عُسْرَةٍ﴾: تنگدست و فقیر.
- 280- ﴿فَنظِرَةٌ﴾: پس مهلت و تأخیر بر شما واجب است.
- 282- ﴿وَلِيْمَلٍ...﴾: و باید املاء و دیکته کند...
- 282- ﴿لَا يَبْخَسُ مِنْهُ﴾: از حقی که بر ذمه اوست کم نکند.
- 282- ﴿لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمَلَّ هُوَ﴾: خود نتواند دیکته کند.
- 282- ﴿لَا يَأْبُ﴾: امتناع نرزد.
- 282- ﴿لَا تَسْمَوُا﴾: دلتنگ و ملول نشوید.
- 282- ﴿أَفْسَطُ﴾: عادلان تر.
- 282- ﴿أَقَوْمٌ لِلشَّهَدَةِ﴾: درست تر و مساعدتر به ادای شهادت.
- 282- ﴿أَدْنَى﴾: نزدیکتر.
- 282- ﴿فُسُوقٌ﴾: خروج از فرمان خدا و ارتکاب اعمال زشت.
- 285- ﴿غُفْرَانِكَ﴾: از دربارت آمرزش می خواهیم.
- 286- ﴿وُسْعَهَا﴾: توانش.
- 286- ﴿إِصْرًا﴾: بار سنگین، مراد تکالیف شاقه است.
- 286- ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: توان انجام آن را نداریم.

- 2- ﴿الْحَىٰ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.
- 2- ﴿الْقِيَوْمُ﴾: همواره به تدبیر آفرینش و حفظ آن می پردازد.
- 4- ﴿أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ﴾: قرآن را نازل کرد که به وسیله آن حق از باطل جدا شود.
- 4- ﴿اللَّهُ عَزِيزٌ﴾: خدا غالب و قوی است که نتوان بر او چیره شد.
- 7- ﴿ءَايَاتٍ مُّحْكَمَاتٍ﴾: آیات قرآن واضح و روشن است که هیچ اشتباه و حدس و گمان در آن نیست.
- 7- ﴿أُمُّ الْكِتَابِ﴾: اصل و اساس کتاب که آیات دیگر با مراجعه به آن ها واضح می شود.
- 7- ﴿مُتَشَابِهَاتٍ﴾: معنای آن ها پوشیده است، علم آن ها خاصه خداست یا واضح و روشن نمی شود مگر به نظر دقیق.
- 7- ﴿زَيْغٌ﴾: اعراض و انحراف از حق است.
- 7- ﴿تَأْوِيلُهُ﴾: تفسیر او را موافق خواهش خود.
- 8- ﴿لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا﴾: دل های ما را از حق و راه نیک منحرف نگردان.
- 11- ﴿كَذَّابٌ...﴾: همچون عادت و حالت ...
- 12- ﴿بِئْسَ الْمِهَادُ﴾: دوزخ جایگاه بد است.
- 13- ﴿لَعِبْرَةٌ﴾: پند و اندرز است.
- 14- ﴿حُبُّ الشَّهَوَاتِ﴾: تمایل به هوس های غریزی.
- 14- ﴿الْمُقَنْطَرَةُ﴾: مال فراوان.
- 14- ﴿الْمُسَوَّمَةُ﴾: نشانی دار یا بزرگ و زیبا.
- 14- ﴿أَلَا نَعْلَمُ﴾: شتر، گاو، بز و گوسفند.
- 14- ﴿وَالْحَرْثُ﴾: کشتزار.
- 14- ﴿حُسْنُ الْمَأْبُوتِ﴾: مرجع نیکو، بازگشت به جنت.
- 17- ﴿الْقَنَاتِینِ﴾: فرمان برداران در برابر او تعالی.
- 17- ﴿بِالْأَسْحَارِ﴾: در آخره ای شب تا سپیده دم.

- 18- ﴿قَابِمًا بِالْقِسْطِ﴾: مجری عدالت در همه موارد.
- 19- ﴿الَّذِينَ﴾: فرمانبرداری و طاعت مورد رضایت خدا، یا شریعت مورد قبول او.
- 19- ﴿الْإِسْلَامُ﴾: اقرار و تصدیق به وحدانیت خدا و عمل به شریعت اوست.
- 19- ﴿بَعِيًّا﴾: از حسادت و طلب ریاست.
- 20- ﴿أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ﴾: خود را به خلوص نیت به خدا تسلیم کردم یا عبادتم خاص برای اوست.
- 20- ﴿وَالْأَمِّيْنَ﴾: مشرکین عرب.
- 22- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ﴾: اعمال آن‌ها بطلان پذیرفت و بی ثمر ماند.
- 24- ﴿غَرَّهُمْ﴾: آن‌ها را فریفت و به طمع خام انداخت.
- 24- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: افتراء می کردند.
- 27- ﴿تُولِجُ﴾: داخل می کنی.
- 27- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.
- 28- ﴿أَوْلِيَاءَ﴾: همراز، دوستدار، یار و یاور.
- 28- ﴿تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَنَّةً﴾: از آن‌ها حذر داشتید، خود را از شرشان حفظ کنید به زبان تظاهر به دوستی نمایید.
- 28- ﴿يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾: خدا شما را از غضب و عذاب خود می ترساند.
- 30- ﴿مُحْضَرًا﴾: آن را در نامه اعمال خود مشاهده می کند.
- 33- ﴿ءَالَ عِمْرَانَ﴾: عیسی و مادرش مریم دختر عمران.
- 35- ﴿مُحْرَرًا﴾: آزاد و فارغ برای عبادت تو و خدمت بیت المقدس.
- 36- ﴿أُعِيدُهَا بِيكَ﴾: او را به پناه و حفظ تو می سپارم.
- 37- ﴿كَفَلَهَا زَكْرِيَّا﴾: خدا ذکر یار را سرپرست و عهده دار مصالح مریم قرارداد.
- 37- ﴿الْمِحْرَابِ﴾: اتاق عبادت او در بیت المقدس.
- 37- ﴿أَنِّي لَكَ هَذَا﴾: چگونه یا از کجا این غذا به دست تو رسید.
- 37- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: عطا و بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.

- 39- ﴿بِكَلِمَةٍ﴾: به عیسی که بدون پدر و به گفتن «کن: ایجاد شو» آفریده شده است.
- 39- ﴿حَصُورًا﴾: با این که توان آمیزش با زن را دارد اما از زهد و پاکدامنی از مقاربت با آن اجتناب می کند.
- 40- ﴿أَلَيْ يَكُونُ﴾: چگونه یا از کجا می شود؟
- 41- ﴿ءَايَةً﴾: نشان ه باردار شدن همسر تا شکرگزارت باشم.
- 41- ﴿أَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ﴾: که نتوانی با مرد سخن بگویی بدون این که به تو آفتی رسیده باشد.
- 41- ﴿إِلَّا رَمَزًا﴾: مگر به اشاره.
- 41- ﴿سَبَّحَ بِالْعَشِيِّ﴾: از زوال تا غروب تسبیح بگو.
- 41- ﴿إِلَّا بَكْرٍ﴾: از طلوع صبح تا چاشت.
- 43- ﴿أَفْتِنِي﴾: همواره به خلوص نیت طاعت و عبادت کن.
- 44- ﴿يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ﴾: بابت قرعہ کشی تیره ای خود را انداختند.
- 45- ﴿بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ﴾: به کلمه از خدا به گفتن لفظ «کن».
- 45- ﴿رَجِيهَا﴾: دارای جاه، قدرت و شرف.
- 46- ﴿فِي الْمَهْدِ﴾: درگ هواره و شیرخوارگی پیش از زمان سخن گفتن.
- 46- ﴿كَهَلًا﴾: زمان کمال قوتش، پس از فرود آمدن از آسمان.
- 47- ﴿فَصَصَىٰ أُمْرًا﴾: چیزی را بخواهد یا آفرینش او را حتمی گرداند.
- 48- ﴿الْكِتَابِ﴾: نوشتن با دست را به زیباترین شکل.
- 48- ﴿الْحِكْمَةِ﴾: دانش یا گفتار و کردار نیک.
- 49- ﴿أَخْلُقُ لَكُمْ﴾: بخاطر رد انکار شما، شکل و اندازه اش را می سازم.
- 49- ﴿أُبْرِيءُ الْأَكْمَةَ﴾: کور مادر زاد را ب بود می بخشم.
- 49- ﴿مَا تَدَّخِرُونَ﴾: آنچه برای استفاده در آینده زخیره می کنید.
- 52- ﴿أَحْسَ﴾: به یقین دانست.
- 52- ﴿الْحَوَارِيُّونَ﴾: دوستان نزدیک، یاران عیسی عليه السلام.

- 54- ﴿مَكَرَ اللَّهُ﴾: خدا با تدبیر درست دسیس‌ه ایشان را بی اثر ساخت.
- 55- ﴿مُتَوَفِّيك﴾: تورا با روح و جسمت بگیرم.
- 59- ﴿مَثَلِ عِيسَى﴾: حالت و صفت شگفت انگیز او.
- 60- ﴿الْمُؤْتِرِينَ﴾: شک و تردید کنندگان در حقانیت عیسی.
- 61- ﴿تَعَالُوا﴾: با عزم قاطع و اندیش‌ه درست بیایید.
- 61- ﴿نَبْتَهْل﴾: هر کدام از ما دروغگو باشد بر او لعنت می کنیم.
- 64- ﴿كَلِمَةٍ سَوَاءٍ﴾: سخنی که بین ما و شما یکسان است یا هم‌ادیان در آن اتفاق دارند.
- 67- ﴿كَانَ حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان و به دین حق بود.
- 67- ﴿مُسْلِمًا﴾: یکتاپرست یا فرمانبردار خدای متعال بود.
- 68- ﴿وَلِیُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾: خدا مسلمانان را کمک می کند و به اعمال نیک آن‌ها پاداش می دهد.
- 71- ﴿لِمَ تَلْبِسُونَ...﴾: چرا حق و باطل را مخلوط می کنید یا پنهان می دارید.
- 75- ﴿عَلَيْهِ قَائِمًا﴾: با فشار از او مطالبه نمایی.
- 75- ﴿فِي الْأُمِّسِّن﴾: از اموال عرب هر چه به دست ما بیاید.
- 75- ﴿سَبِيلٌ﴾: ملامتی یا گناه‌ی.
- 77- ﴿لَا خَلْقَ لَهُمْ﴾: هیچ خیری نصیب آن‌ها نمی شود یا قدر و منزلتی ندارند.
- 77- ﴿لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ﴾: به آن‌ها نیکی نمی کند و آن‌ها را نمی بخشد.
- 77- ﴿لَا يُزَكِّيهِمْ﴾: آن‌ها را از گناه پاک نمی سازد یا به نیکی یاد نمی کند.
- 78- ﴿يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ﴾: حقایق تورات را می پوشانند و آنچه را تحریف کرده‌اند به زبان می آورند.
- 79- ﴿الْحُكْمَ﴾: حکمت یا فهم و دانش.
- 79- ﴿كُونُوا رَبَّيِّنِينَ﴾: در موردین دانشمند، فقی‌ه و معلم باشید.
- 79- ﴿تَدْرُسُونَ﴾: کتاب خدا را می خواندید.
- 81- ﴿إِصْرِي﴾: عهد مرا.

- 83- ﴿لَهُوَ أَسْلَمَ﴾: به او گردن نهاده و فروتنی کرده است.
- 84- ﴿الْأَسْبَابِ﴾: فرزندان و نبیرگان یعقوب علیه السلام.
- 85- ﴿الْإِسْلَمِ﴾: یکتا پرستی یا شریعت پیامبر ما صلی الله علیه و آله.
- 88- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: عذاب آن‌ها یک لحظه هم به تأخیر نمی‌افتد.
- 92- ﴿الْبِرِّ﴾: احسان و خیر کامل را.
- 93- ﴿إِسْرَائِيلَ﴾: یعقوب بن اسحاق علیه السلام.
- 95- ﴿حَنِيفًا﴾: مایل به دین حق.
- 96- ﴿بَيْكَةً﴾: درمک‌ه قرار دارد.
- 99- ﴿تَبْعُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهید این راه مستقیم کج شود.
- 101- ﴿مَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ﴾: کسی که به خدا پناه ببرد یا به دین او چنگ بزند.
- 102- ﴿حَقِّ ثِقَاتِهِ﴾: پرهیزگاری شایسته و لازم.
- 103- ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ﴾: به عهد خدا یا کتاب او یا دین او چنگ بزنید.
- 103- ﴿شَفَا حُفْرَةٍ﴾: کناره پرتگاه.
- 111- ﴿أَذَى﴾: ضرر اندک با دروغ یا تدید.
- 11- ﴿يُؤَلُّوكمُ الْأَدْبَارَ﴾: از شما شکست می‌خورند و خوار می‌شوند.
- 112- ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ﴾: آن‌ها را در احاطه گرفت‌ه است یا به آن‌ها چسبیده است.
- 112- ﴿الذَّلَّةُ﴾: خواری و بی‌عزتی.
- 112- ﴿تُفَفُّوا﴾: یافت شوند.
- 112- ﴿بِحَبْلِ مِّنَ اللَّهِ﴾: به عهد او تعالی، مراد اسلام است.
- 112- ﴿حَبْلِ مِّنَ النَّاسِ﴾: عهد و پیمان مسلمانان.
- 112- ﴿بَاءُ وَ بَعْضٍ﴾: باز هم به قهر خدا که سزاوار آن بودند دچار شدند.
- 112- ﴿الْمَسْكَنَةُ﴾: بخل و بینوایی در سرشت آن‌هاست.
- 113- ﴿لَيْسُوا سَوَاءً﴾: اهل کتاب هم یکسان نیستند.

- 113- ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ﴾: گروهی از آن‌ها مستقیم و پایبند حقند.
- 116- ﴿لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ﴾: هرگز از آن‌ها دور نمی‌کند.
- 117- ﴿فِيهَا صِرٌّ﴾: در آن باد سرمای شدید یا گرمای سوزنده است.
- 117- ﴿حَرَّتْ قَوْمٍ﴾: به کشت آن‌ها.
- 118- ﴿طَائِفَةٌ﴾: دوستانی که رازن‌هانی شما را دریابند.
- 118- ﴿لَا يَأْتُونَكُمُ خَبَالًا﴾: در تباہ کردن دین شما کوتاهی نمی‌کنند.
- 118- ﴿وَدُّوْا مَا عِنْتُمْ﴾: دوست دارند که شما به رنج و مشقت شدید گرفتار باشید.
- 119- ﴿خَلَوْا﴾: رفتند، یا با یکدیگر تن‌ها شدند.
- 119- ﴿مِنَ الْعَيْظِ﴾: از خشم و غضب شدید.
- 121- ﴿غَدَوْتُ﴾: صبحگاه از مدینه بیرون آمدی.
- 121- ﴿تُبَوِّئُ﴾: آماده می‌کردی.
- 121- ﴿مَقْلَعِدَ الْقِتَالِ﴾: میدان جنگ را در روز احد.
- 122- ﴿أَنْ تَفْشَلَا﴾: که ناتوانی و بزدلی کنند.
- 123- ﴿أَذَلَّةٌ﴾: ضعیف بودید، افراد کم و سازو برگ نظامی اندک داشتید.
- 124- ﴿أَنْ يُمِدَّكُمْ﴾: شما را تقویت کند و کمک رساند، روز بدر.
- 125- ﴿يَأْتُوكُمْ﴾: مشرکان بر شما هجوم بیاورند.
- 125- ﴿فَوْرِهِمْ هَذَا﴾: شتابان در همین لحظه.
- 125- ﴿مُسَوِّمِينَ﴾: خود یا اسب‌هایشان را با علایم خاص نشانی کرده‌اند.
- 127- ﴿لِيَقْطَعَ طَرَفًا﴾: تا خدا گروهی را من‌هدم کند.
- 127- ﴿يَكْبِتُهُمْ﴾: آن‌ها را من‌هزم، رسوا و انده‌گین سازد.
- 130- ﴿مُضْعَفَةً﴾: چند برابر، کم و بیش ربا حرام است.
- 134- ﴿السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: توانگری و تنگدستی.
- 134- ﴿وَالْكٰظِمِينَ الْغَيْظِ﴾: آن‌ها بر خشم خود تسلط دارند.

- 135 ﴿فَعَلُوا فَحِشَةً﴾: گناه بزرگی در منت‌های قباحت و زشتی انجام داده‌ند.
- 137 ﴿خَلَّتْ﴾: گذشت‌ه و سپری شده است.
- 137 ﴿سُنُّنٌ﴾: حوادثی در مورد ملت‌های که پیامبران را تکذیب کردند.
- 139 ﴿لَا تَهْنُوا﴾: در جنگ با دشمنان ناتوانی نکنید.
- 140 ﴿فَرَحٌ﴾: جراحی در احد.
- 140 ﴿فَرَحٌ مِّثْلُهُ﴾: جراحی مانند آن در بدر.
- 140 ﴿نُذَاوِلُهَا﴾: این روزه‌ها را به حالت‌های مختلف بر می‌گردانیم.
- 141 ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا از گناه پاک گردند.
- 141 ﴿يَمْحَقُ﴾: نابود و ریش‌ه‌کن سازد.
- 145 ﴿كَيْتَبًا مُّوجَّلاً﴾: وقت مرگ هر کس معین و نوشت‌ه است.
- 146 ﴿وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيٍّ﴾: بسیاری از پیامبران.
- 146 ﴿رَبِّيُونَ﴾: علما فق‌ها یا گروه‌های بسیار.
- 146 ﴿فَمَا وَهَنُوا﴾: عاجز و ناتوان نشدند یا بزدل نگردیدند.
- 146 ﴿مَا أَسْتَكَانُوا﴾: از دشمنان خود خواری و ذلت نکشیدند.
- 150 ﴿أَلَلَّهُ مَوْلَاكُمْ﴾: تن‌ه‌ا خدا یار و یاور شماست.
- 151 ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس را.
- 151 ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- 151 ﴿مَثْوَى الظَّالِمِينَ﴾: جای اقامت ستمگران.
- 152 ﴿حُسُونُهُمْ﴾: آن‌ه‌ا را به سرعت می‌کشید.
- 152 ﴿فَشِلْتُمْ﴾: از دشمن ترسیدید و بزدل شدید.
- 152 ﴿لِيَبْتَلِيَكُمْ﴾: تا صبر و ثبات شما را امتحان کند.
- 153 ﴿تُصْعِدُونَ﴾: دروادی احد فرار می‌کردید.
- 153 ﴿وَلَا تَلُونُ﴾: به هیچ کس توجه نمی‌کردید.

- 153- ﴿فَأْتِبِكُمْ﴾: پس خدا جزای نافرمانی شما را داد.
- 153- ﴿عَمَّا يَغْمُرُ﴾: غم در پی غم.
- 154- ﴿أَمْنَةً﴾: امنیت، بدون ترس و بیم.
- 154- ﴿نُعَاسًا﴾: آرامش یا خواب سبک.
- 154- ﴿يَعِشَى﴾: مانند پوشش و پرده می پوشاند.
- 154- ﴿لَبْرَزًا﴾: حتماً بیرون می آمدند.
- 154- ﴿مَضَاجِعِهِمْ﴾: قتلگاه‌های خویش که خدا معین کرده است.
- 154- ﴿لِيَتَّبِعِيَ﴾: تا خدا امتحان کند.
- 154- ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا پاک و خالص گرداند یا آشکار سازد.
- 155- ﴿أَسْتَرَلَهُمُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان با وسوسه‌های خود آن‌ها را به لغزش انداخت.
- 156- ﴿صَرَبُوا﴾: برای تجارت یا کار دیگر به مسافرت رفتند و مردند.
- 156- ﴿عُرَى﴾: به صف مجاهدین پیوستند و ش‌هید شدند.
- 159- ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ﴾: به سبب مهربانی بسیاری که.
- 159- ﴿لِنْتَ لَهُمْ﴾: با آن‌ها به اخلاق نیکو رفتار نمودی و درشتی نکردی.
- 159- ﴿فَطَا﴾: تند و خشین در گفتار و کردار.
- 159- ﴿لَا نَفْضُوا﴾: مردم بیزار و پراکنده می شدند.
- 160- ﴿فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾: کس نتواند شما را شکست دهد و بر شما چیره شود.
- 161- ﴿يُغْلَ﴾: به غنیمت خیانت کند.
- 162- ﴿بَاءَ بِسَخَطٍ﴾: غرق امواج خشم خدا بازگشت.
- 164- ﴿يُزَيِّجُهُمْ﴾: آن‌ها را از آلودگی‌های جاه‌لیت پاک می کند.
- 165- ﴿أَنِّي هَذَا﴾: این شکست و خواری از کجا به ما روی آورد.
- 168- ﴿فَادْرَعُوا﴾: پس دور کنید.
- 172- ﴿أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ﴾: روز احد زخمی شده بودند.

- 178- ﴿أَتَمَّا نُمَلِي لَهُمْ﴾: به کافران که مهلت می دهیم.
- 179- ﴿يَجْتَبِي﴾: انتخاب می کند.
- 180- ﴿سَيَطُوفُونَ﴾: به زودی طوق گردنشان خواهد شد.
- 183- ﴿عَهْدِ الْيَتَامَى﴾: خدا در تورات به ما دستور داده و سفارش کرده است.
- 183- ﴿بِقُرْبَانٍ﴾: قربانی، عمل نیکی که به وسیله آن به دربار خدا تقرب جویند.
- 184- ﴿الزُّبُرِ﴾: کتاب‌های پندآمیز.
- 185- ﴿عَنِ النَّارِ زُجْرًا﴾: از دوزخ دور داشته شود.
- 185- ﴿الْعُرُورِ﴾: فریبنده یا ناچیز و ناپایدار.
- 186- ﴿الْتِبُّونَ﴾: بدون شک با گرفتاری به محنت‌ها مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرید.
- 187- ﴿فَنَبَدُوهُ﴾: پس آن عه‌درابی اعتنا به دور انداختند.
- 188- ﴿بِمَقَاظَةٍ﴾: نجات وره‌ایی.
- 191- ﴿بَطِلًا﴾: بی‌هوده و عاری از حکمت.
- 191- ﴿فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾: پس ما را از عذاب دوزخ حفظ نما.
- 192- ﴿أَخْرَجْتَهُ﴾: رسوا، حقیر و تباه‌ش ساخت‌های.
- 193- ﴿مُنَادِيًا﴾: پیامبر اکرم یا قرآن کریم.
- 193- ﴿ذُنُوبَنَا﴾: گناهان کبیره ما را.
- 193- ﴿كَفَّرْنَا عَنْكَ صِغِيرَتَنَا﴾: گناهان صغیره ما را محو کن.
- 196- ﴿لَا يَعْرَتُكَ﴾: تورا فریب ندهد.
- 196- ﴿تَقَلُّبُ﴾: جنب و جوش و کسب و کار.
- 197- ﴿مَتَعٌ قَلِيلٌ﴾: روزی ناپایدار و نعمت نابود شدنی.
- 197- ﴿بِئْسَ الْمِهَادُ﴾: چه‌نم جایگاه بد است.
- 198- ﴿نُزُلًا﴾: ضیافتی، مهمان‌داری و پاداشی است.

- 200- ﴿صَابِرُوا﴾: با صبر و ثبات بردشمنان پیروز شوید.
 200- ﴿رَابِطُوا﴾: آماده جهاد شوید و از مرزهای سرزمین اسلامی مواظبت نمایید.

سوره نساء

- 1- ﴿بَثَّ مِنْهُمَا﴾: از آدم و همرش با ایجاد نسل، پراکنده ساخت.
 1- ﴿الْأَرْحَامَ﴾: از قطع پیوند و محبت خویشاوندان پرهیزید.
 1- ﴿رَقِيبًا﴾: آگاه یا مراقب اعمال شماست.
 2- ﴿حُوبًا كَبِيرًا﴾: گناه‌ی بزرگ یا ستمی بزرگ است.
 3- ﴿أَلَا تُقْسِطُونَ﴾: این که عدالت و انصاف نکنید.
 3- ﴿مَا ظَابَ لَكُمْ﴾: آنچه به شما حلال است.
 3- ﴿رُبْعَ﴾: چه ارزن، زیاد از چه حرام است.
 3- ﴿أَلَا تَعْدِلُونَ﴾: که در نفع و حقوق دیگر نمی‌توانید عدالت کنید.
 3- ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾: این نزدیک تر به ترک ستمکاری است یا که زن و فرزندان زیاد نگردد.
 4- ﴿صَدَقْتِهِنَّ﴾: مهر آن‌ها را.
 4- ﴿نِحْلَةً﴾: به عنوان فریضه یا بخشش.
 4- ﴿هَنِيئًا مَّرِيًّا﴾: حلال و خوشگوار با فرجام نیکو.
 5- ﴿قِيَمًا﴾: مایه آراستگی اسباب زندگانی و خیر و صلاح امور شما.
 6- ﴿وَأَبْتَلُوا أَلِيَّتِي﴾: یتیمان را قبل از بلوغ بیازمایید، آیا راه استفاده مناسب از اموال خود را می‌دانند.
 6- ﴿ءَأَنْتُمْ﴾: دریافتید.
 6- ﴿رُشْدًا﴾: راه استفاده درست از اموال خود را.
 6- ﴿بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا﴾: به شتاب از ترس این که بزرگ شوند و به حد رشد برسند.

- 6 ﴿فَلْيَسْتَعْفِفْ﴾: از خوردن اموال آن‌ها امتناع ورزد.
- 6- ﴿حَسِيبًا﴾: محاسب یا شاهد اعمال شماست.
- 7- ﴿مَّفْرُوضًا﴾: واجب یا معین و قطعی.
- 9- ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾: گفتار خوب یا درست و عادلانه.
- 10- ﴿سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾: به زودی به آتش شعل‌ه‌ور و هول‌انگیز درآیند.
- 11- ﴿يُؤْصِيكُمُ اللَّهُ﴾: خدا به شما دستور می‌دهد و معین می‌کند.
- 11- ﴿فَرِيضَةً﴾: بر شما فرض است.
- 12- ﴿كَلَّلَةً﴾: متوقای که نه فرزند دارد و نه پدر.
- 13- ﴿حُدُودُ اللَّهِ﴾: احکام، شریعت و فرموده خداست.
- 17- ﴿بِجَهْلَةٍ﴾: از روی نادانی، هر نافرمان جاهل است.
- 19- ﴿كَرْهًا﴾: بدون خوشی و رضایت‌شان.
- 17- ﴿لَا تَعْضُلُوهُنَّ﴾: به قصد ضرر رساندن به آن‌ها، مانع ازدواج‌شان نشوید.
- 17- ﴿بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ﴾: گناه آشکار، ناسازگاری، خوی بد یا زنا.
- 20- ﴿بِهْتِنَانًا﴾: به باطل و ستم.
- 21 ﴿أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ...﴾: از یکدیگر کام‌گرفت‌ه‌اید، به مقاربت جنسی یا خلوت صحیح.
- 21- ﴿مَيْثِقًا غَلِيظًا﴾: عهده استوار.
- 22- ﴿مَقْتًا﴾: ن‌ه‌ایت ناسپاسی و پستی است.
- 23- ﴿رَبِّبِكُمْ﴾: دختران همسران از شوهر دیگران‌ها.
- 23- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ﴾: بر شما گناه محسوب نمی‌شود.
- 23- ﴿حَالِئُلُ أَبْنَائِكُمُ﴾: همسران پسران‌تان.
- 24- ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ﴾: زنان شوهردار.
- 24- ﴿مُحْصِنِينَ﴾: پاکدامنان.
- 24- ﴿غَيْرِ مُسْفِحِينَ﴾: ن‌ه‌به‌زنا.

- 24- ﴿أَجُورَهُنَّ﴾: مهر آن‌ها را.
- 25- ﴿طَوْلًا﴾: ثروت و توان مالی.
- 25- ﴿الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان آزاد.
- 25- ﴿فَتَيَاتِكُمْ﴾: کنیزان خود.
- 25- ﴿مُحْصَنَاتٍ﴾: پاکدامنان.
- 25- ﴿غَيْرِ مُسْفِحَاتٍ﴾: نه کنیزانی که به طور آشکار دست به زنا می‌زنند.
- 25- ﴿لَا مَتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾: نه کنیزانی که دوستان نه‌انی برای زنا می‌گیرند.
- 25- ﴿خَشِيَّ الْعَنَتِ﴾: از زنا و یا از ملوث شدن به این گناه بترسد.
- 26- ﴿سُنَنٍ﴾: راه‌ها و شیوه‌های.
- 29- ﴿بِالْبَطْلِ﴾: به ناحق و مخالف حکم پروردگار.
- 30- ﴿نُضْلِيهِ نَارًا﴾: او را در دوزخ می‌افکنیم.
- 31- ﴿سَيِّئَاتِكُمْ﴾: گناهان صغیره شما را.
- 31- ﴿مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾: جای خوب جنت.
- 33- ﴿جَعَلْنَا مَوَالِيَّ مِمَّا تَرَكَ﴾: عصبه و وارثانی قرار دادیم که از اموال متوفّا ارث بگیرند.
- 33- ﴿الَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَنُكُمْ﴾: کسانی که با آن‌ها عهد بست‌اید که از هم میراث بگیرید، این به نزد جم‌هور منسوخ است.
- 34 ﴿قَوَامُونَ عَلَى الْنِسَاءِ﴾: مدبر امور و سرپرست زنان هستند مثل حمایت و سرپرستی فرمانروایان مصلح از عامه مردم.
- 34- ﴿فَلْيَتَدَنَّ﴾: فروتن و فرمانبردار در برابر خدا و شوهر.
- 34- ﴿حَفِظْتُ لِلْغَيْبِ﴾: ناموس و ثروت شوهر را در غیاب او حفظ می‌کنند.
- 34- ﴿بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾: زنان نیز بالای شوهران خویش حقوقی دارند.
- 34- ﴿نُشُورَهُنَّ﴾: ناسازگاری و برتری جویی آن‌ها را.
- 36- ﴿الْجَارِ الْجُنُبِ﴾: همسایه‌های که خویشاوند نزدیک نیست یا منزلش دورتر است.
- 36- ﴿الصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ﴾: همنشین نیکو.

- 36- ﴿أَبْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافریا م‌ه‌مان.
- 36- ﴿مُحْتَالًا﴾: متکبر خود پسند.
- 36- ﴿فَخُورًا﴾: کسی که به هنر و کاره‌ای نیک خود افتخار و تکبر کند.
- 38- ﴿رِجَاءَ النَّاسِ﴾: برای این که مردم ببینند و بشنوند نه به رضای خدا.
- 40- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا گرد و غبار.
- 42- ﴿لَوْ نُسَوِّ بِهُمُ الْأَرْضُ﴾: با خاک یکسان می‌بودند و مبعوث نمی‌شدند.
- 43- ﴿عَابِرِي سَبِيلٍ﴾: مسافره‌ایی که آب نیابند تیمم می‌کنند.
- 43- ﴿الْعَاطِطِ﴾: جای قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.
- 43- ﴿لَمَسْتُمُ النَّسَاءَ﴾: با آن‌ها مقاربت انجام دهید یا به بدن آن‌ها دست بمالید.
- 43- ﴿صَعِيدًا طَيِّبًا﴾: خاک یا زمین پاک.
- 46- ﴿يُحْرِقُونَ الْكَلِمَ﴾: سخنان را تغییر می‌دهند یا به باطل تأویل می‌کنند.
- 46- ﴿وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ﴾: و بشنوک‌ه‌ی بیچ نشنوی، ی‌ه‌ود به این سخن قصد نفرین او را داشت.
- 46- ﴿رَاعِنًا﴾: ی‌ه‌ود این جمله را به قصد دشنام و کم و کاست نشان دادن پیامبر می‌گفت.
- 46- ﴿لَيَّا بِالسِّنِّيهِمْ﴾: طوری به زبان می‌آوردند که معنی ناشایست می‌داد.
- 46- ﴿أَقْوَمَ﴾: شایسته‌تر و درست‌تر.
- 47- ﴿نَطْمِسَ وُجُوهًا﴾: آثار چه‌ره‌ه‌را محو کنیم یا آن‌ه‌را در گمراهی بگذاریم.
- 49- ﴿يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را می‌ستایند که از گناه پاک‌کند.
- 49- ﴿فَتِيلاً﴾: به اندازه رشت‌ه‌نازک روی هست‌ه‌خرما.
- 51- ﴿بِالْحَبِطِ وَالطَّلْعُوتِ﴾: به بت و طاغوت، هر چه غیر از خدا مورد پرستش قرار گیرد.
- 53- ﴿نَقِيرًا﴾: به اندازه فرورفتگی پشت هست‌ه‌خرما.
- 56- ﴿نُضَلِّيهِمْ نَارًا﴾: آن‌ه‌را در آتش هول‌انگیز داخل و بریان می‌کنیم.
- 56- ﴿نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ﴾: پوست تن آن‌ها بسوزد و نابود گردد.

- 57- ﴿ظَلِيلًا﴾: سایه مداوم با هوای متعادل.
- 58- ﴿ثَوْدُوا الْأَمْنَتِ﴾: حقوق خدا و بندگان او را ادا کنید.
- 58- ﴿نِعْمًا يَعِظُكُم بِهِ﴾: خدا با این چیزها شما را چه نیکو اندرز می دهد.
- 59- ﴿أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾: فرجامش نیکوتر و عاقبتش ستوده تر است.
- 60- ﴿الظُّلُوعِ﴾: یهودیی گمراه، کعب بن اشرف.
- 61- ﴿يَصُدُّونَ عَنْكَ﴾: منافقان از آمدن نزد تو اعراض می کنند.
- 65- ﴿شَجَرَ بَيْنَهُمْ﴾: در اختلافات خود که حکمش بر آن ها پوشیده است.
- 65- ﴿حَرَجًا﴾: دلتنگی یا شک.
- 66- ﴿أَشَدَّ تَثْبِيتًا﴾: موجب ثبات و پایداری ایمان آن ها می شد.
- 71- ﴿خُدُوا حِذْرُكُمْ﴾: مسلح شوید یا در برابر دشمن بیدار و هوشیار باشید.
- 71- ﴿فَأَنْفِرُوا ثُبَاتٍ﴾: به صورت گروهه و دسته های جداگانه و با ثبات به جهاد حرکت کنید.
- 72- ﴿الْيَبْطِنَ﴾: سستی و تنبلی می کند یا روحی هجاء را ضعیف می نماید.
- 74- ﴿يَشْرُونَ﴾: می فروشند، مؤمنان.
- 76- ﴿الظُّلُوعِ﴾: شیطان، راه آن کفر است.
- 77- ﴿فَتِيلًا﴾: به اندازه رشت ه نازک روی هسته خرما.
- 78- ﴿بُرُوجٍ﴾: پناه گاهه و قلعه ها یا قصرها.
- 78- ﴿مُشِيدَةً﴾: محکم یا بسیار بلند.
- 80- ﴿حَفِيطًا﴾: حافظ، مراقب اعمال آن ها.
- 81- ﴿بِرَزْوًا﴾: بیرون رفتند.
- 81- ﴿بَيْتِ طَافِيَّةٍ﴾: گروهی در جلسات شبانه تصمیم مزوران می گیرند.
- 83- ﴿أَدَاغُوا بِهِ﴾: آن را فاش و شایع می سازند، این کارمای ه زیان و فساد است.
- 83- ﴿يَسْتَنْبِطُونَهُ﴾: افشاگران تدبیر و تحلیل آن را به دست می آوردند که کدام خبر قابل نشر است یا از راست و دروغ بودن آن آگاه می شدند.

- 84- ﴿بَأْسٌ﴾: زور و قدرت.
- 84- ﴿أَشَدُّ بَأْسًا﴾: دارای بزرگترین قدرت است.
- 84- ﴿أَشَدُّ تَنَكُّيلاً﴾: عذاب و انتقام او تعالی شدیدتر است.
- 85- ﴿كَيْفُلٌ مِّنْهَا﴾: س همی از آن گناه.
- 85- ﴿مُقَيَّتًا﴾: توانا یا حافظ است.
- 86- ﴿حَسِيْبًا﴾: محاسب، پاداش دهنده یا شاهد.
- 88- ﴿أَرْكَسَهُمُ﴾: خدای متعال آن‌ها را سرنگون ساخت و به حکم کفر برگردانده است.
- 90- ﴿حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ﴾: دلتنگ شده‌اند.
- 90- ﴿السَّلَمِ﴾: صلح را.
- 91- ﴿أَرْكُسُوا فِيهَا﴾: به زشت‌ترین حالت در رفتن سرنگون می‌شوند.
- 91- ﴿تَقْفُومُهُمْ﴾: آن‌ها را یافتید یا بر آن‌ها تسلط پیدا کردید.
- 94- ﴿ضَرَبْتُمْ﴾: سفر کردید.
- 94- ﴿السَّلَامِ﴾: اظهار اسلام یا سلام مسلمانی.
- 95- ﴿عَرَضَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا﴾: غنیمت را که نعمت نابود شدنی است.
- 95- ﴿غَيْرِ أُولِي الضَّرْرِ﴾: بدون کسانی که عذر خاصی، مانع رفتن‌شان به ج‌ه‌امی گردد.
- 100- ﴿مُرَاعَمًا﴾: اقامت گاه‌ی که در آنجا رود.
- 101- ﴿يَفْتِنَكُمْ﴾: به شما رنج و اندوه برساند.
- 102- ﴿حِذْرُهُمْ﴾: خود را از دشمن حفظ نمایند.
- 102- ﴿تَعْفُلُونَ﴾: غافل شوید.
- 103- ﴿كُتِبَآ مَوْقُوتًا﴾: فرض است، اوقات معینی دارد.
- 104- ﴿لَا تَهْنُوا﴾: سستی و ناتوانی نکنید.
- 105- ﴿حَصِيْمًا﴾: مدافع آن‌ها.
- 107- ﴿يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ﴾: با ارتکاب گناه به خود خیانت می‌کنند.

- 108- ﴿يَبَيْتُونَ﴾: در دل شب توطی می کنند.
- 109- ﴿وَكَيْلًا﴾: حافظ و نجات دهنده از عذاب خدا.
- 112- ﴿بُهْتَنًا﴾: دروغ بسیار زشت.
- 114- ﴿مَجْوَلُهُمْ﴾: سخنانی که پنهانی و سری به یکدیگر می گویند.
- 115- ﴿يُشَاقِقِ الرَّسُولَ﴾: با پیامبر مخالفت می کند.
- 115- ﴿نُؤْلَهُ ۚ مَا تَوَلَّى﴾: او را به روشی که اختیار کرده است راه می سازیم.
- 115- ﴿نُضْلِهِ ۚ جَهَنَّمَ﴾: او را به دوزخ وارد می کنیم، در آن جا کباب می شود.
- 117- ﴿إِنثًا﴾: بت های راکه مانند زنان زینت می کنند.
- 117- ﴿شَيْطَانًا مَّرِيدًا﴾: شیطان سرکش و عاری از خیر.
- 118- ﴿مَفْرُوضًا﴾: تعداد معینی را به گمراهی و کفر می کشانم.
- 119- ﴿فَلْيَبْتِكُنَّ﴾: تا قطع کنند یا بشکافند.
- 119- ﴿خَلَقَ اللَّهُ﴾: آفرینش خدا را، مراد دین خداست.
- 120- ﴿عُرُورًا﴾: فریب و ناچیز.
- 121- ﴿مَحِيصًا﴾: جای فرار، پناه گاهی و جای برگشتی.
- 122- ﴿قِيَلًا﴾: سخن.
- 124- ﴿نَقِيرًا﴾: اندازه فرورفتگی کوچک در پشت هسته خرما.
- 125- ﴿أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾: بدون ریا تسلیم امر خدا شده یا به اخلاص به عبادت خدا روی آورده است.
- 125- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان و متمایل به دین حق.
- 127- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت در میراث و اموال.
- 128- ﴿بَعْلَهَا﴾: شوهرش.
- 128- ﴿نُشُورًا﴾: به ستم از او دوری گزیند.
- 128- ﴿الشُّحَّ﴾: بخل آمیخته به حرص.

- 129- ﴿أَنْ تَعْدِلُوا﴾: که در محبت و میل خاطر عدالت کنید.
- 130- ﴿مَنْ سَعَتِهِ﴾: از فضل و از ثروت بی پایانش.
- 132- ﴿وَكَيْلًا﴾: آگاه یا مدافع یا برپادارنده جهان است.
- 135- ﴿أَنْ تَعْدِلُوا﴾: تازشتی های عدول از حق دامنگیرتان نشود.
- 135- ﴿تَلَوْنَا﴾: در ادای شهادت از حق انحراف نمایید.
- 135- ﴿نُعْرَضُوا﴾: شخصاً شهادت ادا نکنید.
- 139- ﴿الْعِزَّةَ﴾: نیروی دفاعی، قدرت و پیروزی.
- 141- ﴿يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ﴾: مراقب هستند چه حوادثی به شما پیش می آید.
- 141- ﴿فَتَحَّ﴾: پیروزی و غنیمت.
- 141- ﴿أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ﴾: آیا ما نمی توانستیم با مسلمانان هم دست شویم و بر شما تسلط یابیم اما ما شما را نجات دادیم.
- 143- ﴿مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ﴾: متردد بین کفر و ایمان.
- 144- ﴿سُلْطَنَا مُبِينًا﴾: دلیل آشکار برای تعذیب خود.
- 145- ﴿الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ﴾: طبق های که در عمق جهنم است.
- 153- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار به چشم.
- 153- ﴿الصَّعِقَةَ﴾: آتش یا آوازی از آسمان.
- 154- ﴿لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ﴾: با شکار ماهی در روز شنبه، دست به تجاوز نزنید.
- 154- ﴿مَيْثَقًا غَلِيظًا﴾: عهد و پیمان محکم به اطاعت از خدا.
- 155- ﴿قُلُوبُنَا غُلْفٌ﴾: دل های ما از آفرینش در غلاف و پرده اند سخنان تو را نمی فهمند.
- 155- ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا﴾: خدا بر دل های آن هم مرزده و از درک حقایق مانع شده است.
- 156- ﴿بُهِتْنَا عَظِيمًا﴾: دروغ و تهمت بسیار زشت.
- 157- ﴿شِبَّةَ لَهُمْ﴾: مقتول شبیه عیسی شد.
- 162- ﴿وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ﴾: و نمازگزاران را به نیکویی یاد می کنیم.

- 163- ﴿الْأَسْبَاطُ﴾: فرزندان و نبیرگان یعقوب علیه السلام.
- 163- ﴿زُبُورًا﴾: کتابی که سراسر پند و حکمت است.
- 171- ﴿لَا تَغْلُوا﴾: افراط نکنید و از حد تجاوز ننمایید.
- 171- ﴿الْمَلَكُوتُ﴾: کلمه اوست، به کلمه «کن: ایجاد شو» بدون پدر و نطفه خلق شد.
- 171- ﴿وَرُوحٌ مِّنْهُ﴾: دارای روح از امر خدا، مانند سایر ارواح مخلوق اوست.
- 172- ﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ﴾: مسیح هرگز از بندگی خدا ننگ ندارد، برتری نمی جوید و تکبر نمی ورزد.
- 174- ﴿بُرْهَانٌ﴾: رسول خدا.
- 174- ﴿نُورًا مُّبِينًا﴾: قرآن کریم.
- 176- ﴿الْكَالِفَةُ﴾: متوفایی که پدر و فرزند ندارد.

سوره مائده

- 1- ﴿بِالْعُقُودِ﴾: به عهد و پیمان های مؤکد.
- 1- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گوسفند، بز و گاو.
- 1- ﴿غَيْرِ مُحِلِّ الصَّيْدِ﴾: شکار حرام است، حلالش نشمارید.
- 1- ﴿أَنْتُمْ حُرْمٌ﴾: که شما در حال احرام حج یا عمره باشید.
- 2- ﴿لَا تُحِلُّوا﴾: بی حرمتی نکنید.
- 2- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: مناسک حج یا نشان های دین خدا را.
- 2- ﴿الشَّهْرِ الْحَرَامِ﴾: ماه های چه ارگان حرام را.
- 2- ﴿الْهَدْيِ﴾: چارپایی را که برای قربانی به کعبه فرستند.
- 2- ﴿الْقَلْبَيْدِ﴾: آنچه قربانی را با آن نشانی کنند.
- 2- ﴿لَا آءَامِينَ الْبَيْتِ﴾: نه کسانی را که به قصد حج و عمره برای زیارت خانه خدا روان می شوند.

- 2- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: وادارتان نکنند.
- 2- ﴿شَنَانُ قَوْمٍ﴾: کینه شما نسبت به آن‌ها.
- 3- ﴿الْدَّمِ﴾: خون جاری.
- 3- ﴿لَحْمُ الْخَنزِيرِ﴾: هم‌اجزای بدن خوک.
- 3- ﴿مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾: آنچه هنگام ذبح آن، نام غیر خدا ذکر شود.
- 3- ﴿الْمُنْحَنِقَةُ﴾: حیوانی که خفه شده باشد.
- 3- ﴿وَالْمَوْقُوذَةُ﴾: حیوانی که به اثر زدن بمیرد.
- 3- ﴿وَالْمُتَرَدِّیَّةُ﴾: حیوانی که به اثر سقوط از بلندی مرده باشد.
- 3- ﴿وَالنَّطِیْحَةُ﴾: جانوری که به شاخ زدن حیوان دیگری مرده باشد.
- 3- ﴿مَا أَكَلَ السَّبُعُ﴾: جانوری که درنده‌ای قسمتی از بدن او را بخورد و او از اثر همین زخم بمیرد.
- 3- ﴿مَا ذَكَّيْتُمْ﴾: حیوانی که قبل از مردنش به او برسید و ذبحش کنید.
- 3- ﴿النُّصْبِ﴾: سنگ‌های بود پیرامون کعبه که به آن‌ها تعظیم می‌کردند.
- 3- ﴿تَسْتَقْسِمُوا﴾: بخواید که قسمت و سهم خویش را بدانید.
- 3- ﴿بِالْأَزْلَمِ﴾: به وسیله تیره‌ای نشانی شده که در جاهلیت معروف بود.
- 3- ﴿ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ﴾: این هم خروج از طاعت خداست.
- 3- ﴿أَصْطَرَّ﴾: ضرورت ناچارش ساخت که از آن تناول کند.
- 3- ﴿مُحْمَصَةً﴾: گرسنگی شدید.
- 3- ﴿غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِآثِمٍ﴾: با تمایل به گناه از حد نیاز تجاوز نکند.
- 4- ﴿الطَّيِّبَاتُ﴾: آنچه خدا خوردن آن را اجازه داده است.
- 4- ﴿الْجَوَارِحُ﴾: حیوانات شکاری از درندگان و پرندگان.
- 4- ﴿مُكَلِّبِينَ﴾: در حالی که به آن‌ها شکار آموخت‌ه‌اید.
- 5- ﴿طَعَامٌ﴾: آنچه ی‌هود و نصاری سر ببرند.

- 5- ﴿الْمُحْصَنَاتُ﴾: زنان پاکدامن یا آزاد.
- 5- ﴿أُجُورَهُنَّ﴾: مهر آنان را.
- 5- ﴿مُحْصِنِينَ﴾: به این ازدواج جویای عفت باشید.
- 5- ﴿غَيْرُ مُسْلِفِينَ﴾: نه به زنای آشکار
- 5- ﴿لَا مُتَّخِذِي أَعْدَانٍ﴾: دوستان نهانی برای زنا نگیرد.
- 5- ﴿يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ﴾: به شریعت اسلام انکار ورزد.
- 5- ﴿حَبِطَ عَمَلُهُ﴾: ثواب اعمال سابقش باطل است.
- 6- ﴿الْعَاطِيَّ﴾: محل قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.
- 6- ﴿الْمَسْتُمْ اللَّسَاءُ﴾: با زنان مقاربت کردید یا به بدن و چهره آن‌ها دست زدید.
- 6- ﴿صَعِيدًا طَيِّبًا﴾: خاک پاک یا زمین پاک.
- 6- ﴿حَرْجٍ﴾: سختگیری در دین.
- 7- ﴿مِيثَاقَهُ﴾: عهد او را.
- 8- ﴿شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت شهادت دهید.
- 8- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: وادارتان نکند.
- 8- ﴿شَنَانُ قَوْمٍ﴾: دشمنی با آن‌ها.
- 11- ﴿يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ﴾: برای کشتن و تباہ کردن شما حمل‌ه‌ور شوند.
- 12- ﴿نَقِيبًا﴾: سرپرست امین.
- 12- ﴿عَزَّرْتُمُوهُمْ﴾: به آن‌ها کمک کردید یا تعظیم نمودید.
- 12- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: وام نیکو به طیب خاطر برای رضای خدا.
- 13- ﴿يُحْرِفُونَ إِلَيْكُمُ﴾: می‌هودیان تورات را تغییر می‌دهند یا آن را به باطل تأویل می‌کنند.
- 13- ﴿نَسُوا حَظًّا﴾: بخش وافر را فراموش کردند.
- 13- ﴿حَايِنَةً﴾: غدرو عمل خاینانه.
- 14- ﴿فَأَعْرَبْنَا﴾: برانگیختیم، افکندیم یا چسبانیدیم.

- 15- ﴿نُورٌ﴾: رسول خدا.
- 19- ﴿فَتْرَةٌ﴾: فاصله، انقطاع و سکون.
- 25- ﴿فَأَفْرُقٌ﴾: به داوری و قضاوت، بین ما و آن‌ها فرق نما.
- 26- ﴿يَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ﴾: در آن بیابان حیران و راه گم گردش می کردند.
- 26- ﴿فَلَا تَأْسُ﴾: غمگین مباش.
- 27- ﴿فُرَبَانًا﴾: کار نیکی که با آن به خدا تَقَرُّبُ جویند.
- 29- ﴿تَبَوَّأَ يَأْتِي﴾: چون مرا بکشی روز قیامت با گناه قتل من نزد خدا برگردی.
- 29- ﴿إِثْمِكَ﴾: گناهان سابق که مانع از قبول قربانیت شدند.
- 30- ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ﴾: نفس اماره اش این امر را بر او آراست و آسان جلوه داد.
- 31- ﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾: زمین را می کند تا زاغی را که کشته بود دفن کند.
- 31- ﴿سَوَاءَ أَحْيَاهُ﴾: جسد یا عورت برادرش را. ﴿يَوَيْلَآءِ﴾: یا حسرتا.
- 33- ﴿يُنْفِقُوا مِنَ الْأَرْضِ﴾: از آن سرزمین تبعید یا محبوس شوند.
- 33- ﴿خِزْيٌ﴾: رسوایی و شکنجه.
- 35- ﴿الْوَسِيلَةَ﴾: نزدیکی جستن با طاعات و عبادت و ترک گناه.
- 38- ﴿نَكَالًا﴾: شکنجه ای سختی است برای جلوگیری از تکرار این گناه.
- 41- ﴿سَمْعُونَ لِكَذِبٍ﴾: سخنان تو را می شنوند و آن را تغییر می دهند تا به آن‌ها برای تکذیبت بیابند.
- 41- ﴿سَمْعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ﴾: سخنان تو را می شنوند تا برای دیگران جاسوسی نمایند.
- 41- ﴿يُحَرِّقُونَ الْكَلِمَ﴾: کلام را تغییر می دهند یا آن را به باطل تأویل می کنند.
- 41- ﴿فِتْنَتَهُ﴾: گمراهی، کفر و هلاکت او را.
- 41- ﴿خِزْيٌ﴾: رسوایی و ذلت.
- 42- ﴿أَكْلُونَ لِلسُّحْتِ﴾: مال حرام را که زشت ترین آن رشوت است می خورند.
- 42- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت که حکم اسلام است.

- 42- ﴿الْمُقْسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان.
- 43- ﴿يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ﴾: خودت را حکم قرار می دهند سپس از فرمانت که مغایر تورات نیست سرپیچی می کنند.
- 44- ﴿أَسْلَمُوا﴾: به دستورات ال‌هی که در تورات ذکر بود گردن نه‌اندند.
- 44- ﴿الرَّبِّيُّونَ﴾: پارسایان ی‌هود.
- 44- ﴿وَالْأَحْبَابُ﴾: علمای ی‌هود.
- 46- ﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ﴾: پس از پیامبران فرستادیم.
- 48- ﴿مُهَيِّمًا عَلَيْهِ﴾: مراقب یا شاهد بر کتب پیشین.
- 48- ﴿عَمَّا جَاءَكَ﴾: از آنچه بر تو وحی شده عدول کنی.
- 48- ﴿شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾: شریعت و راه روشن در دین.
- 48- ﴿لَيَبْلُوَكُمْ﴾: تا شما را بیازماید با این که از احوال‌تان آگاه است.
- 49- ﴿أَن يَفْتِنُوكَ﴾: تورا به مکروه حیل‌ه منحرف سازند.
- 51- ﴿أَوْلِيَاءُ﴾: دوست صمیمی و یاور.
- 52- ﴿نُصِيبِنَا دَابِرَةً﴾: از گردش روزگار با مصیبت‌ه او سختی‌ه او روبرو شویم.
- 52- ﴿بِالْفَتْحِ﴾: پیروزی برای رسول خدا.
- 53- ﴿جَهْدًا أَيْمَانِهِمْ﴾: سوگنده‌ای سخت.
- 53- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ﴾: اعمال آن‌ه باطل و بی‌ثمر شد.
- 54- ﴿أَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾: بر مسلمانان مشفق و مهربانند.
- 54- ﴿أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾: در برابر کافران سرسخت، استوار و نیرومند هستند.
- 54- ﴿لَوْمَةً لَّا يَمُرُّ﴾: در راه نصرت دین از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای.
- 54- ﴿اللَّهُ وَاسِعٌ﴾: فضل وجود خدا فراوان است.
- 57- ﴿هَزُورًا وَلَعِبًا﴾: تمسخر و است‌هزا.
- 59- ﴿تَنْقِمُونَ﴾: عیب می‌گیرید.

- 60- ﴿مُتَّوَبَةً﴾: جزا و عقوبت.
- 60- ﴿عَبَدَ الطَّغُوتِ﴾: شیطان را اطاعت و خدا را نافرمانی کرد.
- 60- ﴿سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾: روش معتدل، اسلام.
- 62- ﴿أَكْلِهِمُ السُّحْتِ﴾: خوردن مال حرام، زشت‌ترین آن رشوت است.
- 63- ﴿الرَّابِّيُونَ﴾: پارسیان یا علما و فق‌های یهود.
- 63- ﴿الْأَحْبَارِ﴾: علمای یهود.
- 64- ﴿مَعْلُومَةً﴾: از عطا و بخشش به اثر بخل بست‌ه است.
- 66- ﴿أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ﴾: گروه میان‌ه رو، مسلمانان.
- 68- ﴿فَلَا تَأْسَ﴾: پس حزین و متأسف نباش.
- 69- ﴿الصَّابِرِينَ﴾: پرستندگان فرشت‌ه‌ها یا ستاره‌ها.
- 71- ﴿فِتْنَةً﴾: بلا و عذاب شدید.
- 75- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشت‌ه است.
- 75- ﴿أُمَّهُ، صِدِيقَةٌ﴾: مادرش بسیار راستگو و با خدا بود.
- 75- ﴿يَأْكُلَانِ الطَّعَامِ﴾: هر دو مثل انسان‌ه‌ای دیگر غذا می‌خوردند پس چگونه او را خدا می‌پندارید.
- 75- ﴿أَلَيْ يُؤْفَكُونَ﴾: چگونه از پذیرش و اندیشیدن به این دلایل آشکار سرپیچی می‌کنند.
- 77- ﴿لَا تَعْلُوا﴾: افراط و از حد تجاوز نکنید.
- 77- ﴿عَيْرَ الْحَقِّ﴾: تجاوز نادرست.
- 80- ﴿سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: به سبب آنچه انجام دادند مورد غضب خدا قرار گرفتند.
- 83- ﴿تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾: چشمانشان از اشک لبریز و گ‌ه بار می‌شود.
- 89- ﴿بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾: قسم‌ه‌ای بی‌هوده‌تان، قسم لغو آن است که درباره چیزی قسم می‌خورد به باور این که راست است اما حقیقت خلاف آن است، یا چیزی را به زبان می‌آورد که به آن قصد سوگند ندارد.

- 89- ﴿عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ﴾ : به قصد سوگند یاد کرده‌اید.
- 90- ﴿الْأَنْصَابُ﴾ : به اطراف کعبه سنگ‌های بود که مشرکین آن‌ها را بزرگ می‌داشتند.
- 90- ﴿الْأَزْلَمُ﴾ : تیره‌ای که در جاهلیت با آن‌ها فال می‌گرفتند.
- 90- ﴿رَجَسٌ﴾ : خبیث، پلید و نجس است.
- 93- ﴿جُنَاحٌ﴾ : گناه.
- 93- ﴿طَعْمُوا﴾ : چیزهای حرام را پیش از این که تحریم آن‌ها اعلام شود، خوردند یا نوشیدند.
- 94- ﴿لَيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ﴾ : خدا شما را امتحان می‌کند.
- 95- ﴿أَنْتُمْ حُرْمٌ﴾ : در حال احرام حج یا عمره هستید.
- 95- ﴿التَّعَمُّ﴾ : شتر، گاو، گوسفند و بز.
- 95- ﴿بَلِغِ الْكَعْبَةَ﴾ : به حرم برسد و آنجا ذبح شود.
- 95- ﴿عَدُلْ ذَلِكَ﴾ : معادل و برابر آن طعام.
- 95- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِ﴾ : سنگینی جزای عمل و عاقبت بد گناه خود را.
- 96- ﴿لِلسَّيَّارَةِ﴾ : برای مسافران.
- 97- ﴿الْبَيْتِ الْحَرَامِ﴾ : مراد از کعبه، هم‌ه‌جای حرم است.
- 97- ﴿قِيَمًا لِلنَّاسِ﴾ : برپادارنده مصالح دینی و دنیوی مردم.
- 97- ﴿الشَّهْرَ الْحَرَامِ﴾ : ماه‌های حرام ذی‌القعدة ذی‌الحجه، محرم و رجب.
- 97- ﴿الْهَدْيِ﴾ : قربانی که به کعبه فرستند.
- 97- ﴿الْفَلَايِدِ﴾ : آنچه برای نشان‌ه‌به گردن قربانی اندازند.
- 103- ﴿بِحَيْرَةٍ﴾ : شتری را می‌گفتند که پنج بار و بار آخر نر زاییده بودی گوش او را می‌شکافتند و برای بت‌ه‌اره‌ها می‌کردند.
- 103- ﴿سَابِغَةٍ﴾ : شتر ماده که آن‌ها را به قصد شفا از مرض یا نجات در محاربه برای بت‌ه‌اره‌ها می‌کردند.
- 103- ﴿وَصِيلَةٍ﴾ : شتری که بار اول و دوم ماده می‌زایید، آن را برای بت‌ه‌اره‌ها می‌کردند.

- 103- ﴿حَامِرٍ﴾: شتر نری که بچه بچه اش آبستن می شد آن را نه سوار می شدند و نه بردوشش بار می نه اندند.
- 104- ﴿حَسْبُنَا﴾: برای ما کافی است.
- 105- ﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾: شماعه ده دار خود باشید و خود را از گناه حفظ کنید.
- 106- ﴿ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ﴾: سفر کردید.
- 106- ﴿لَا نَشْتَرِي بِهِ﴾: ما بخاطر مال دنیا قسم ناحق نمی خوردیم.
- 107- ﴿الْأَوْلِيَّيْنَ﴾: نزدیکان و وارث های متوفی .
- 110- ﴿بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾: به جبریل.
- 110- ﴿فِي الْمَهْدِ﴾: در شیر خوارگی.
- 110- ﴿كَهَلًا﴾: در حال کمال قوت، پس از فرود آمدن از آسمان.
- 110- ﴿تَخْلُقُ﴾: صورت و شکل می ساختی.
- 110- ﴿الْأَكْمَهَ﴾: کور مادرزاد را.
- 111- ﴿الْحَوَارِيِّنَ﴾: یاران نزدیک عیسی عليه السلام.
- 112- ﴿مَائِدَةً﴾: خوان های پراز غذا.
- 114- ﴿عِيدًا﴾: روز مبارک یا شادمانی.
- 116- ﴿سُبْحَانَكَ﴾: پروردگارا، تو پاک و منزه ای، من چگونه این سخن را به زبان بیاورم.
- 117- ﴿تَوَفَّيْتَنِي﴾: مرا گرفتی و زنده به آسمان بردی.

سوره اَنعام

- 1- ﴿جَعَلَ﴾: ایجاد کرد.
- 1- ﴿بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾: عبادت بت‌ها را با عبادت خدا برابر می‌کنند.
- 2- ﴿قَضَىٰ أَجَلًا﴾: برای مرگ زمانی را معین ساخت.
- 2- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ﴾: برای رستاخیز مدتی را تعیین کرد که علم آن خاصه اوست.
- 2- ﴿تَمْتَرُونَ﴾: به قیامت و رستاخیز شک می‌ورزید یا از وقوع آن انکار می‌کنید.
- 3- ﴿وَهُوَ اللَّهُ﴾: او جل جلاله معبود یا یگانه است.
- 5- ﴿أَنْتَبِئُوا﴾: اخبار، مراد عذابی است که به آن‌ها می‌رسد.
- 6- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاره لاک کردیم.
- 6- ﴿قَرْنٍ﴾: گروهی از مردم.
- 6- ﴿مَكَّنَّهُمْ﴾: به آن‌ها قدرت و توانایی دادیم.
- 6- ﴿السَّمَاءَ﴾: باران را.
- 6- ﴿مِدْرَارًا﴾: باران تند و پی‌درپی.
- 7- ﴿كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ﴾: نوشته در کاغذ.
- 8- ﴿لَا يُنظَرُونَ﴾: بعد از آمدن فرشته یک لحظه هم به آن‌ها مهلت داده نشود.
- 9- ﴿لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَّا يَلْبَسُونَ﴾: آنگاه بر آن‌ها پوشیده‌تر می‌کردیم آنچه را که امروز خود پیچیده ساخت‌ه‌اند.
- 10- ﴿فَحَاقَ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.
- 12- ﴿كَتَبَ﴾: از فضل و احسان واجب و حتمی گردانیده است.
- 12- ﴿خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را به اثر کفر تباه و متضرر ساخت‌ه‌اند.
- 13- ﴿مَا سَكَنَ﴾: آنچه آرام و قرار گرفت‌ه است.
- 14- ﴿وَلِيًّا﴾: معبود، یار و یاور.

- 14- ﴿فَاطِرٌ...﴾: ایجاد کننده...
- 14- ﴿هُوَ يُطْعِمُ﴾: به بندگانش رزق می دهد.
- 14- ﴿مَنْ أَسْلَمَ﴾: کسی که به بندگی او تعالی گردن نهاده.
- 19- ﴿مَنْ بَلَغَ﴾: کسانی که در همه دوران قرآن برایشان برسد.
- 23- ﴿وَتُنْتَهُمُ﴾: عذر آن ها یا عاقبت شرک آن ها.
- 24- ﴿ضَلَّ عَنْهُمْ﴾: از دستشان رفت.
- 24- ﴿مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾: آنچه به دروغ می ساختند، بت ها و شفاعت آن ها.
- 25- ﴿أَكِنَّةٌ﴾: پرده های بسیار.
- 25- ﴿وَقُرًا﴾: گوشه ایشان کرو سنگین است.
- 25- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغ های که در کتاب ایشان نوشته است.
- 26- ﴿يَنْوُونَ عَنْهُ﴾: خود نیز از قرآن دوری می گیرند.
- 27- ﴿وُقُوفُوا عَلَى النَّارِ﴾: از آتش آگاه شوند یا در وسط آتش محبوس شوند.
- 30- ﴿وُقُوفُوا عَلَى رَبِّهِمْ﴾: به حکم پروردگار، برای حساب و جزا بازداشت شوند.
- 31- ﴿بَعْتَهُ﴾: ناگهان.
- 31- ﴿فَرَطْنَا فِيهَا﴾: در دنیا کوتاه می کردیم.
- 31- ﴿أُورَاَرَهُمْ﴾: گناهان و خطاهای شان را.
- 34- ﴿لِكَلِمَاتِ اللَّهِ﴾: آیاتی که در آن ها وعده یاری و نصرت به پیامبران آمده است.
- 35- ﴿كَبُرَ عَلَيْكَ﴾: بر تو سخت و دشوار است.
- 35- ﴿نَفَقًا فِي الْأَرْضِ﴾: سوراخی در زمین که در اعماق آن نفوذ کند.
- 38- ﴿أُمَّمٌ أَمْثَالُكُمْ﴾: گروه های همانند شما هستند و ما آفریدگار و مدبر امور آن ها هستیم.
- 38- ﴿مَا فَرَطْنَا﴾: ترک نکردیم.
- 39- ﴿فِي الظُّلُمَاتِ﴾: در تاریکی های جهل، عناد و کفر.

- 40- ﴿أَرَأَيْتَ تَكُفُّمُ﴾: مرا از حالت شگفت انگیزتان آگاه بسازید.
- 42- ﴿بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: به تنگدستی، سختی و بلا.
- 42- ﴿يَتَضَرَّعُونَ﴾: زاری نمایند و توبه کنند.
- 43- ﴿جَاءَهُمْ بِأُسْنًا﴾: عذاب ما به آن‌ها رسید.
- 44- ﴿كُلِّ شَيْءٍ﴾: نعمت‌های فراوان را استدراجاً.
- 44- ﴿أَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً﴾: به آن‌ها عذاب ناگهانی فرستادیم.
- 44- ﴿هُم مُّبْلِسُونَ﴾: از رحمت پروردگار نومید یا اندوه‌گین شوند.
- 45- ﴿ذَابِرُ الْقَوْمِ﴾: آخرین نفر.
- 46- ﴿نُصِرَفُ الْأَيَاتِ﴾: آیات را به روش‌های مختلف بیان می‌کنیم.
- 46- ﴿هُم يَصْدِفُونَ﴾: ایشان از آن رو گردانند.
- 47- ﴿أَرَأَيْتَ تَكُفُّمُ﴾: برایم بگویید.
- 47- ﴿بَعْتَةً﴾: ناگهان یا در شب.
- 47- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکارا در روز.
- 50- ﴿خَزَائِنُ اللَّهِ﴾: نعمت‌ها یا توانایی‌های او جل جلاله.
- 52- ﴿بِالْعَدْوَةِ وَالْعَشِيَّةِ﴾: اول و آخر روز، یعنی همیشه.
- 53- ﴿فَتَنًا﴾: امتحان کردیم در حالی که از احوال آن‌ها آگاه هستیم.
- 54- ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ﴾: پروردگار شما از فضل و احسان خود لازم و حتمی گرانیده است.
- 54- ﴿بِجَهْلَةٍ﴾: به سفاهت، هر نا فرمان بدکار جاهل است.
- 57- ﴿يَقْضُ الْحَقَّ﴾: حق را روشن و آشکار بیان می‌کند.
- 57- ﴿خَيْرُ الْفَصْلِينَ﴾: با حکمت پسندیده حق را از باطل جدا می‌کند.
- 59- ﴿كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾: لوح محفوظ یا علم او تعالی.
- 60- ﴿جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ﴾: هر گناهی که در روز انجام داده‌اید.
- 61- ﴿لَا يُفْرِطُونَ﴾: سستی و کوتاهی نمی‌کنند.

- 63- ﴿تَضَرَّعًا﴾: زاری به پیشگاه خدا.
- 63- ﴿حُفْيَةً﴾: حاجت خود را پوشیده و نهان می‌خواهید.
- 65- ﴿يَلْبِسَكُمْ﴾: شما را در جنگ‌های بزرگ مقابل هم قرار دهد.
- 65- ﴿شَيْعًا﴾: گروه‌های متعدد با خواسته‌های مختلف.
- 65- ﴿بَأْسَ بَعْضٍ﴾: رنج و سختی دیگری را در میدان جنگ.
- 65- ﴿نُصِرَفُ الْأَيَاتِ﴾: آیات و دلایل را به روش‌های مختلف بیان می‌کنیم.
- 66- ﴿يُوكِّلُ﴾: مراقب، کار شما را به من سپرده باشند تا شما را مجازات کنم.
- 68- ﴿بِجُؤُوسٍ﴾: به باد استهزاء و طعن می‌گیرند.
- 70- ﴿غَرَّتْهُمْ﴾: آن‌ها را فریفت و به طمع خام افکند.
- 70- ﴿أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ﴾: تا به دوزخ نیفتد یا گرفتار هلاکت نگردد.
- 70- ﴿تَعْدِلُ كُلُّ عَدْلٍ﴾: هر فردی‌های بدهد.
- 70- ﴿أُبْسِلُوا﴾: در دوزخ انداخته شدند یا هلاک گردیدند.
- 70- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- 71- ﴿أَسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ﴾: شیاطین او را گمراه کرده و به‌ویران برده است.
- 71- ﴿أَمْرًا لِنُسْلِمَ﴾: برای ما دستور است که فرمانبردار باشیم و عبادت را خالصانه انجام دهیم.
- 73- ﴿الصُّورِ﴾: شاخی که اسرافیل در آن می‌دمد.
- 74- ﴿أَزْرًا﴾: لقب پدر ابراهیم عليه السلام یا اسم عمومی اوست.
- 75- ﴿مَلَكُوتٍ...﴾: پادشاهی را، یا آیات یا عجایب...
- 76- ﴿جَنِّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ﴾: تاریکی شب او را پوشانید.
- 76- ﴿أَفْلًا﴾: پن‌هان شد و به دامان افق غروب کرد.
- 77- ﴿بَارِعًا﴾: که از کرانه‌آسمان طلوع کرد و روشنی خود را منتشر ساخت.
- 79- ﴿فَطَرَ السَّمَوَاتِ...﴾: آسمان‌ها را ایجاد کرده است...

- 79- ﴿حَنِيفًا﴾: مایل به دین حق.
- 80- ﴿حَاجَّهُ و قَوْمُهُ﴾: قومش با او در یکتا پرستی دشمنی و ستیز کردند.
- 81- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- 82- ﴿لَمْ يَلْبِسُوا﴾: مخلوط نکردند.
- 82- ﴿يُظْلَمُ﴾: به شرک و کفر.
- 87- ﴿وَأَجْتَنَيْنَاهُمْ﴾: آن‌ها را به نبوت برگزیدیم.
- 88- ﴿لَحَبِطٌ﴾: به یقین باطل و ساقط می‌شد.
- 89- ﴿وَالْحُكْمُ﴾: قضاوت میان مردم به حق یا حکمت.
- 90- ﴿أَقْتَدِهِ﴾: پیروی کن.
- 91- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ﴾: آن‌ها خدا را نشناختند یا او را به بزرگی نستودند.
- 91- ﴿قَرَاتِيسَ﴾: صفحات پراکنده.
- 91- ﴿قُلِ اللَّهُ﴾: بگو: تورات را خدا فرستاده است.
- 91- ﴿خَوَّضِهِمْ﴾: در باطل و کفر خود.
- 92- ﴿مُبَارَكٌ﴾: قرآن دارای منافع و فواید بسیار است.
- 92- ﴿أُمُّ الْقُرَى﴾: مک‌ه‌الی‌انجا.
- 92- ﴿مَنْ حَوْلَهَا﴾: هم‌باشندگان روی زمین.
- 93- ﴿غَمْرَاتِ الْمَوْتِ﴾: سختی‌های مرگ.
- 93- ﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: خود را از عذاب ره‌سازید.
- 93- ﴿عَذَابَ الْهُونِ﴾: عذاب حقارت و رسوایی.
- 94- ﴿مَا حَوْلَ لَكُمْ﴾: آنچه از ناز و نعمت به شما بخشیده بودیم.
- 94- ﴿تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ﴾: پیوند بین شما قطع شد.
- 95- ﴿فَالِقِ الْهَيْبِ﴾: دان‌ه‌را می‌شکافد و از آن گیاه می‌رویاند یا خالق دان‌ه‌است.
- 95- ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾: چگونه از عبادت خدا سرپیچی می‌کنید؟

- 96- ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ﴾: جدا کننده تاریکی صبح از روشنایی روز یا خالق صبح.
- 96- ﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا﴾: آفتاب و ماه هر کدام در فلک خود به حساب معین در گردشند، به مصالح مردم.
- 98- ﴿فَمُسْتَقَرًّا﴾: محل استقرار در پشت پدر و گفته شده در رحم و مانند آن.
- 98- ﴿مُسْتَوْدَعًا﴾: در رحم و مانند آن به ودیعت گذاشته می شود.
- 99- ﴿خَضِرًا﴾: تروتازه.
- 99- ﴿حَبًّا مُّزًّا كَيْبًا﴾: دان هه ای متراکم مانند خوشه گندم و مانند آن.
- 99- ﴿ظَلْعِيهَا﴾: میوه درخت خرما که اول می رسد.
- 99- ﴿فَنَوَّانٍ﴾: شاخه ها و خوشه های خرما مانند خوشه انگور.
- 99- ﴿ذَانِيَةً﴾: آویزان یا در دسترس میل کننده.
- 99- ﴿يَنْعِيهِ﴾: به حالت پخته و رسیده.
- 102- ﴿وَكَيْلٌ﴾: مراقب و سرپرست.
- 103- ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾: دیده و بصیرت نمی توانند او را کامل درک کنند.
- 104- ﴿بَصَائِرٍ﴾: آیات و دلایلی که به حق هدایت می کنند.
- 104- ﴿بِحَفِيظٍ﴾: مراقب که حساب اعمال شما را بگیرم و پاداش بدهم.
- 105- ﴿نُصِرَفُ الْأَيْتِ﴾: آیات خود را به روش های مختلف بیان می کنیم.
- 105- ﴿دَرَسَتْ﴾: درس خواندی و از اهل کتاب آموختی.
- 108- ﴿عَدْوًا﴾: از روی تجاوز و ستم.
- 109- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سوگنده ای سخت و مؤکدشان.
- 110- ﴿نَذَرُهُمْ﴾: آن ها را به حال خودشان ره می کنیم.
- 110- ﴿طَغَيْنِهِمْ﴾: سرکشی هایشان.
- 110- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست را نیابند یا سرگردان شوند.
- 111- ﴿حَشْرَنَا﴾: جمع می کردیم.

- 111- ﴿قُبُلًا﴾: رویاروی یا گروه گروه.
- 112- ﴿زُخْرَفِ الْقَوْلِ﴾: سخنان بی هوده و به ظاهر آراسته.
- 112- ﴿عُرُورًا﴾: برای فریب.
- 113- ﴿لِتَصْغَى﴾: تا به این سخنان مزخرف متمایل شود.
- 113- ﴿لِيَقْتَرِفُوا﴾: تا کارهای زشت را انجام دهند.
- 114- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک کنندگان زیرا اهل کتاب بخوبی می دانند که این کتاب را آفریدگار فرستاده است.
- 115- ﴿كَلِمَتُ رَبِّكَ﴾: کلام خدا، قرآن.
- 115- ﴿صِدْقًا وَعَدْلًا﴾: در راستی و عدالت به وعده‌ها و احکام خدا.
- 116- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: چیزهایی را به دروغ به خدا نسبت می دهند.
- 120- ﴿ذُرُوءًا﴾: ترک کنید.
- 120- ﴿يَقْتَرِفُونَ﴾: مرتکب گناه می شدند، هر گناهی که باشد.
- 121- ﴿إِنَّهُ لَفِسْقٌ﴾: به یقین خوردن آن گناه است.
- 124- ﴿صَغَارٌ﴾: ذلت شدید و خواری.
- 125- ﴿حَرَجًا﴾: درن هایت تنگی.
- 125- ﴿يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾: میل دارد به آسمان بالا رود اما نمی تواند.
- 125- ﴿الرَّجَسِ﴾: عذاب یا خواری.
- 128- ﴿أَسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ﴾: بسیاری از انسان‌ها را گمراه کرده‌اید.
- 128- ﴿النَّارُ مَثُونَكُمْ﴾: دوزخ جای شماست.
- 130- ﴿عَرَّتَهُمُ الْحَيَاةُ﴾: زندگی دنیا با هم بی هودگی هایش آن‌ها را فریفته بود.
- 134- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی توانید فرار کنید.
- 135- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: ن هایت توان و استطاعت خود.
- 136- ﴿ذُرْأً﴾: آفریده است. ﴿الْحَرْثِ﴾: زراعت.

- 136- ﴿الْأَنْعَامُ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- 137- ﴿قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ﴾: زنده به گور کردن دخترانشان را.
- 137- ﴿لِيُرَدُّوهُمْ﴾: تا آن‌ها را تبه نمایند، با گمراه ساختن.
- 137- ﴿لِيَلْبَسُوا عَلَيْهِمْ﴾: تا بر آن‌ها مشتب‌ه سازند و با خرافات درآمیزند.
- 137- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: به دروغ می‌بافند.
- 138- ﴿حَرْثٌ﴾: زراعت.
- 138- ﴿حِجْرٌ﴾: حرام و ممنوع است.
- 138- ﴿حُرِّمَتْ ظُهُورُهُمْ﴾: حیواناتی هستند که بارن‌دادن و سوار شدن بر آن‌ها حرام است.
- 139- ﴿وَصَفَّهُمْ﴾: دروغ‌بافی آن‌ها را نسبت به خدا.
- 141- ﴿مَعْرُوشَتٍ﴾: داربست دار مثل تاک انگور و مانند آن.
- 141- ﴿غَيْرَ مَعْرُوشَتٍ﴾: درختان راست که ضرورت به داربست ندارند مانند درخت خرما.
- 141- ﴿مُخْتَلِفًا أَلْوَانًا﴾: میوه‌های آن در صورت و کیفیت مختلفند.
- 142- ﴿حُمُولًا﴾: باربرنده مثل شتر.
- 142- ﴿فَرَشًا﴾: حیوانی که برای ذبح بر زمین افکنند.
- 142- ﴿خُطَاةِ الشَّيْطَانِ﴾: راه‌های شیطان، حلال را حرام شمردن و بالعکس.
- 144- ﴿وَصَلَّكُمْ اللَّهُ بَهْدًا﴾: خدا شما را به این تحریم دستور داد.
- 145- ﴿طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ﴾: خورنده هر کس باشد.
- 145- ﴿مَسْفُوحًا﴾: جاری، ریخته.
- 145- ﴿رَجْسٌ﴾: پلیدی یا نجس و حرام.
- 145- ﴿أَهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾: هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.
- 145- ﴿أَضْطَرَّ﴾: نیازمندی مجبورش ساخت‌ه تا چیزه‌ای حرام را بخورد.

145- ﴿عَبْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت این محرّمات را نخواهد یا همواره این حالت را اختیار نکند.

145- ﴿لَا عَادٍ﴾: از مقدار سدرمق تجاوز نکند.

146- ﴿ذِي ظُفْرِ﴾: حیوان پنجه دار، چه ارپا باشد یا پرنده.

146- ﴿شُحُومَهُمَا﴾: چربی شکمبّه و گرده را.

146- ﴿مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا﴾: چربی پشت اینها حلال است.

146- ﴿الْحَوَايَا﴾: چربی روده‌ها.

146- ﴿مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ﴾: دنبه گوسفند حلال است.

147- ﴿لَا يُرَدُّ بَأْسُهُ﴾: عذاب او تعالی دفع نمی‌شود.

148- ﴿تَخْرُصُونَ﴾: سخنان دروغ را به خدا نسبت می‌دهید.

149- ﴿الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ﴾: دلیل رسا با فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی.

150- ﴿هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ﴾: شاه‌دهای خود را بیاورید، مدارک‌تان را بدهید.

150- ﴿بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾: دیگری را در طاعات و عبادات به خدا برابر می‌کنند.

151- ﴿أَتْلُ...﴾: قرائت می‌کنم...

151- ﴿إِمْلِقِ﴾: فقر.

151- ﴿الْفَوَاحِشُ﴾: گناهان کبیره مانند زنا و امثال آن.

151- ﴿وَصَدِّكُمْ بِهِ﴾: خدا آن را به شما دستور داده و واجب گردانیده است.

152- ﴿يَبْلُغُ أَشَدَّهُ﴾: به کمال قوت و رشد خود برسد.

152- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.

152- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانش.

153- ﴿صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا﴾: هیچ کجی در دین و راه من نیست.

157- ﴿صَدَفَ عَنْهَا﴾: از آن اعراض کند یا مردم را از آن روگردان سازد.

158- ﴿يَأْتِي رَبِّكَ﴾: پروردگارت بیاید، آمدنی که سزاوار جلال است اوست.

- 159- ﴿كَانُوا شِيعًا﴾: از گمراهی گروه گروه و حزب حزب شدند.
- 161- ﴿دِينًا قِيَمًا﴾: دین ثابت، برپادارنده امور دنیا و آخرت.
- 161- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل رو گردان و مایل به حق.
- 162- ﴿نُسُكِي﴾: هم‌عباداتم.
- 164- ﴿إِلَّا عَلَيْهَا﴾: مگر این که عذاب آن گناه بردوش خود اوست.
- 164- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ گناه کاری بر نمی‌دارد...
- 165- ﴿خَلَّتِ الْأَرْضُ﴾: برخی از شما در روی زمین جانشین دیگری می‌شود.
- 165- ﴿لِيَبْلُوكُمْ﴾: تا شما را بیازماید در حالی که از تمام امور شما آگاه است.

سوره اعراف

- 2- ﴿حَرَجُ مِيْنَهُ﴾: از بیم انکار و تکذیب مردم از تبلیغ قرآن دلتنگ نباش.
- 4- ﴿كَمْ مِنْ قَرْيَةٍ﴾: چه بسا قریه‌ه‌ا که نابودشان کردیم.
- 4- ﴿بِأَسْنَاءٍ﴾: عذاب ما.
- 4- ﴿بَيْتًا﴾: مصروف کارهای شبانه بودند و یا شب هنگام که در خواب بودند.
- 4- ﴿هُمْ قَائِلُونَ﴾: آن‌ها در نیمروز استراحت بودند، خواب قیلول‌ه.
- 5- ﴿دَعَوْهُمْ﴾: دعا و زاری ایشان.
- 8- ﴿ثَقَلْتُ مَوَازِينَهُ﴾: کاره‌ای نیکش بر بدی‌هایش رجحان یافت.
- 9- ﴿خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾: کردار بدش از خوبی‌هایش افزون باشد.
- 10- ﴿مَكَّنَّاكُمْ﴾: شما را مستقر ساختیم.
- 12- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چیز ناگزیرت ساخت یا که وادارت کرد و از تو خواست.
- 13- ﴿الصَّغِيرِينَ﴾: پست‌ها ذلت پذیره‌ا.
- 14- ﴿أَنْظَرْنِي﴾: مرا مهلت بده، زنده نگه‌دار.
- 15- ﴿الْمُنْظَرِينَ﴾: تا نفع‌ه اول مهلت‌م بده.

- 16- ﴿فِيمَا أَعْوَيْتَنِي﴾: به سبب آن که مرا گمراه کردی.
- 16- ﴿لَا فَعْدَنَ لَهُمْ﴾: سرراه آن‌ها به کمین می‌نشینم.
- 18- ﴿مَذَّءُومًا﴾: خوار و حقیر.
- 18- ﴿مَذَّحُورًا﴾: مطرود.
- 20- ﴿فَوَسَّوَسَ لَهُمَا﴾: آدم و حواریا وسوسه کرد.
- 20- ﴿وَوَرِيَّ عَنْهُمَا﴾: از دید آن‌ها آن‌ها را دور کرد.
- 20- ﴿سَوَاءَ تَهُمَا﴾: عورت آن‌ها.
- 21- ﴿قَاسَمَهُمَا﴾: برای آنان سوگند یاد کرد.
- 22- ﴿فَدَلَّلَهُمَا بِغُرُورٍ﴾: و آن‌ها را به فریب از مقام طاعت پایین آورد.
- 22- ﴿ظَفِقًا يَخْصِفَانِ﴾: شروع کردند که بچسبانند.
- 26- ﴿أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ﴾: به شما بخشیدیم.
- 26- ﴿يُؤَارِي سَوَاءَ تِكُمْ﴾: عورت شما را می‌پوشاند.
- 26- ﴿رِيْشًا﴾: لباس زیبا یا نرم.
- 26- ﴿لِبَاسُ الْتَّقْوَى﴾: لباس پرهیزگاری، ایمان و ثمرات آن.
- 27- ﴿لَا يَفْتِنَنَّكُمْ﴾: شما را فریب ندهد.
- 27- ﴿يَنْزِعُ عَنْهُمَا﴾: از آن‌ها دور می‌کرد، با نیرنگ می‌ربود.
- 27- ﴿قَبِيلُهُ﴾: سپاه یا فرزندان او.
- 28- ﴿فَعَلُوا فَلَاحِشَةً﴾: کافران کارهای ناپسندیده انجام داده‌اند.
- 29- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.
- 29- ﴿وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ﴾: درست متوجه عبادت او تعالی باشید.
- 29- ﴿عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾: در هر جای و هر وقتی که نماز می‌خوانید.
- 31- ﴿حُدُوا زِينَتَكُمْ﴾: لباس‌های خود را برای ستر عورت بپوشید.
- 33- ﴿الْفَوَاحِشِ﴾: گناهان کبیره را بخاطر زشتی آن‌ها.

- 33- ﴿الْإِثْمُ﴾: هم‌گناهانی که موجب عذاب الهی هستند.
- 33- ﴿الْبَغْيُ﴾: ظلم و تجاوز بر مردم را.
- 33- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- 37- ﴿أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾: کجا هستند خدایانی که شما بودید.
- 38- ﴿أَدَّارِكُوا فِيهَا﴾: یکی پس از دیگری درج‌نم جمع شوند.
- 38- ﴿أُخْرَنُهُمْ﴾: پیروان و فرومایگان آن‌ها.
- 38- ﴿لِأُولَئِكَ﴾: برای رهبران و رؤسایشان.
- 38- ﴿عَذَابًا ضِعْفًا﴾: عذاب دوچندان.
- 40- ﴿يَلِجَ الْجَمَلُ﴾: شتر داخل شود.
- 40- ﴿سَمَّ الْخِيَاطِ﴾: در سوراخ سوزن.
- 41- ﴿مِهَادٍ﴾: فرش یعنی جایگاه.
- 41- ﴿عَوَاشٍ﴾: پوشش، مانند لحاف.
- 42- ﴿وَسُعَاهَا﴾: به اندازه توانش.
- 43- ﴿غِلٍّ﴾: حقد، کینه و عداوت.
- 44- ﴿فَأَذِّنْ مُؤَدِّنٌ﴾: پس منادی ندا کند.
- 45- ﴿يَبْعُونَهَا عِوَجًا﴾: در دین خدا عیب می‌جستند یا می‌خواستند دارای کجی باشد.
- 46- ﴿يَبْنِيهِمَا حِجَابٌ﴾: میان بهشت و دوزخ، دیواری است.
- 46- ﴿الْأَعْرَافِ﴾: بلندترین نقطه این دیوار و کنگره‌های آن.
- 46- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از علامت ممیزه چه‌ره‌شان.
- 50- ﴿أَفِيضُوا عَلَيْنَا﴾: برای ما بریزید یا افکنید.
- 51- ﴿عَرَّتْهُمْ الْحَيُوهُ الدُّنْيَا﴾: دنیا با زیبای‌ها و تجملاتش آن‌ها را فریفت.
- 51- ﴿نَنْسَهُمْ﴾: ایشان را در عذاب مانند از یاد رفتگان می‌گذاریم.
- 51- ﴿مَا كَانُوا﴾: همان‌گونه که بودند.

53- ﴿تَأْوِيلُهُ﴾: عاقبت و سرانجام وعده‌های قرآن را از قبیل زنده کردن مرده‌ها، حساب و روز قیامت.

53- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: دروغ بافته بودند که بت‌ها آن‌ها را شفاعت می‌کند.

54- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوای که لایق جلالت او تعالی است.⁽¹⁾

54- ﴿يُغْشَى اللَّيْلَ الْتَهَارَ﴾: روز را با پرده شب می‌پوشاند، روشنی او پایان می‌یابد.

54- ﴿يَطْلُبُهُ حَيْثُ مَا شَاءَ﴾: شب به سرعت به دنبال روز می‌آید.

54- ﴿لَهُ الْخَلْقُ﴾: ایجاد همه اشیاء به قدرت اوست.

54- ﴿الْأَمْرُ﴾: تدبیر و تصرف در امور، هر گونه که بخواهد.

54- ﴿تَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فزون است.

55- ﴿أَدْعُوا رَبَّكُمْ﴾: نیازمندی‌های خود را از خدا بخواهید.

1- اگر منظور او از این سخن، تفویض چگونگی استواء (و گذار کردن بیان کیفیت آن به خداوند) باشد، سخنی حق است؛ زیرا چگونگی و کیفیتی که سزاوار الله سبحان و تعالی باشد را کسی جز خودش نمی‌داند، همانگونه که امام مالک رحمته گفت: «چگونگی آن مج‌هول است». اما اگر منظور ایشان این بوده که معنی استواء نامعلوم است این سخن فرار از اثبات صفت علو و استواء بر عرش است، زیرا سلف گفت‌ه‌اند که معنای استواء یعنی بلند و ارتفاع و قرار گرفتن. (نگاه: صحیح بخاری 387/4، برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به کتاب: «اجتماع الجيوش الإسلامية» و کتاب «العلو»، نوشت‌های ابن القیم رحمته).

عبارت مؤلف مبهم است و هر دو معنی را شامل می‌شود، ولی سلف معنای استواء را نامعلوم نمی‌دانستند، چنانکه امام مالک رحمته و دیگران گفته‌اند: (الاستواء معلوم) یعنی استواء معلوم است. (این اثر را ابن عبدالبر در التمهید (138/7) از طریق عبدالله بن نافع عن مالک بن انس الصابونی در عقیده السلف أصحاب الحدیث (ص 17-18)، و ابونعیم در الحلیة (6/325-326) همگی از طریق جعفر بن عبدالله از مالک روایت کرده‌اند و صابونی در عقیده السلف (ص 17) از طریق جعفر بن میمون از مالک و بی‌هقی در الأسماء والصفات (ص 408) از طریق عبدالله بن وهب از مالک روایت کرده‌اند. حافظ ابن حجر در الفتح (103/406-407) گفته است: سند آن "جید" است، و ذهبی در کتاب العلو ص 103 آن را صحیح دانسته است).

این مف‌هوم با الفاظ دیگری نیز وارد شده: (الاستواء غیر مج‌هول و کیف غیر معقول) یعنی استواء مج‌هول نیست و چگونگی آن را عقل در نمی‌یابد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشت‌های دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 55- ﴿تَضَرَّعًا﴾: به زاری و فروتنی.
- 55- ﴿حُفِيَّةً﴾: ن هانی در دل خود.
- 56- ﴿رَحِمَتْ أَللَّهُ﴾: احسان و انعام یا اجزو پاداش او جل جلاله.
- 57- ﴿بُشْرًا﴾: بشارت دهندگان به رحمت ال‌هی، باران.
- 57- ﴿أَقَلَّتْ سَحَابًا﴾: باد ابره‌ها را بلند کند.
- 57- ﴿ثِقَالًا﴾: سنگین و پر آب.
- 57- ﴿لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ﴾: به سوی زمین خشک بی آب و گیاه.
- 58- ﴿نَكِدًا﴾: ناپسند یا اندک و بی خیر.
- 58- ﴿نُصِرَفُ الْأَيَاتِ﴾: آیات را به شیوه‌های مختلف بیان می‌کنیم.
- 60- ﴿قَالَ الْمَلَأُ﴾: رؤساء و بزرگان گفتند.
- 62- ﴿أَنْصَحُ لَكُمْ﴾: من به گفتار و رفتار خود تن‌ها خیر و صلاح شما را می‌خواهم.
- 64- ﴿تَوْمًا عَمِينٍ﴾: گروهی کور دل از دریافت حق و ایمان.
- 66- ﴿سَفَاهَةً﴾: کم عقل و دور از حق.
- 69- ﴿بَصْطَةً﴾: توانایی و جسامت.
- 69- ﴿ءالآءِ أَللَّهُ﴾: نعمت‌ها و احسان و بی حد او تعالی را.
- 71- ﴿رِجْسٍ﴾: عذاب یا چرک در دل‌ها.
- 71- ﴿غَضَبٌ﴾: طرد یا خشم.
- 72- ﴿قَطَعْنَا دَابِرَ﴾: تا فرد اخیره لاک کردیم، مراد ه لاکت دست‌ه جمعی است.
- 73- ﴿نَاقَةُ أَللَّهُ﴾: شتری که خدا او را از سنگ آفریده‌ه‌ه از پدر و مادر.
- 73- ﴿ءآيَةً﴾: معجزه که دلیل صدق گفتار من است.
- 74- ﴿بِوَأَكُمُ﴾: به شما جای داد.
- 74- ﴿فِي الْأَرْضِ﴾: در سرزمین حجر بین حجاز و شام.
- 74- ﴿ءالآءِ أَللَّهُ﴾: نعمت‌ها و احسان او تعالی را.

- 74- ﴿لَا تَعْتَوُوا﴾: فساد نکنید.
- 77- ﴿عَتَوُوا﴾: سرکشی کردند.
- 78- ﴿الرَّجْفَةُ﴾: زلزله شدید یا آواز تند.
- 78- ﴿جَنِّمِينَ﴾: بی حرکت و بی جان.
- 82- ﴿يَتَطَهَّرُونَ﴾: از کارهای ما دوری می جویند.
- 83- ﴿الْغَيْرِينَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی ماند.
- 85- ﴿لَا تَبْخُسُوا﴾: کم نکنید.
- 86- ﴿صِرَاطٍ﴾: راه.
- 86- ﴿تَبَّعُونَهَا عِوَجًا﴾: می خواهید این راه از حق منحرف باشد.
- 89- ﴿رَبَّنَا افْتَحْ﴾: خدایا حکم و داوری کن.
- 91- ﴿الرَّجْفَةُ﴾: زلزله شدید یا آواز هول انگیز.
- 91- ﴿جَنِّمِينَ﴾: بی حرکت و بی جان.
- 92- ﴿لَمْ يَعْتَوُوا فِيهَا﴾: در خانه های پراز ناز و نعمت خود اقامت نداشت ه اند.
- 93- ﴿ءَأَسَى﴾: اندوه گین شوم.
- 94- ﴿بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: فقر، بیماری، سختی و بلا.
- 94- ﴿يَضْرَعُونَ﴾: فروتنی و توبه کنند.
- 95- ﴿عَفْوًا﴾: افراد و اموال آن ها زیاد شد.
- 95- ﴿بِعْتَةٍ﴾: ناگهان.
- 96- ﴿لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ﴾: برایشان میسر می ساختیم.
- 97- ﴿يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا﴾: عذاب ما به آن ها برسد.
- 97- ﴿بَيْتًا﴾: به شب.
- 99- ﴿مَكْرَ اللَّهِ﴾: عذاب یا استدراج ال هی.
- 100- ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ﴾: آیا خدا آشکار ساخت برای آنانی که.

- 100 ﴿أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ﴾: اگر بخواهیم آن‌ها را گرفتار می‌سازیم.
- 100- ﴿نَطْبَعُ﴾: مهر می‌ن‌هیم.
- 102- ﴿عَهْدٍ﴾: وفای به آنچه دستورشان دادیم.
- 103- ﴿فَظَلَمُوا بِهَا﴾: به آیات الهی کافر شدند.
- 105- ﴿حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ...﴾: سزاوار است که...
- 107- ﴿مُبِينٌ﴾: آشکار که نتوان در او شک کرد.
- 108- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبان پیراهنش بیرون کرد.
- 108- ﴿بَيْضَاءُ﴾: سفید، روشنتر از آفتاب.
- 109- ﴿الْمَلَأُ﴾: اهل مشورت و بزرگان.
- 111- ﴿أَرْجَهُ وَأَخَاهُ﴾: تعذیب و شکنج‌ه این و برادرش را به تأخیر انداز.
- 111- ﴿حَشِيرِينَ﴾: گروه جمع‌کننده ساحران.
- 116- ﴿سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ﴾: چیزه‌ای غیر واقعی و خیالی را به چشم مردم نشان دادند.
- 116- ﴿وَأَسْتَرْهَبُوهُمْ﴾: مردم را به شدت ترساندند.
- 117- ﴿تَلَقَّفَ﴾: می‌بلعد یا به سرعت تناول می‌کند.
- 117- ﴿مَا يَأْفِكُونَ﴾: چیزه‌ای تخیلی آن‌ها را.
- 118- ﴿فَوَقَعَ الْحَقُّ﴾: حقانیت کار موسی عليه السلام آشکار شد.
- 126- ﴿مَا تَنْقِمُ مِثْلًا﴾: به ما عیب نمی‌گیری و ناپسند نمی‌دانی.
- 126- ﴿أَفْرِغْ عَلَيْنَا﴾: بر ما بیفکن یا بفرست.
- 127- ﴿نَسْتَسْجِيءُ نِسَاءَهُمْ﴾: دختران ایشان را برای خدمت زنده می‌گذاریم.
- 130- ﴿بِالسِّنِينَ﴾: به خشکسالی و قحطی.
- 131- ﴿يَطَّيَّرُوا﴾: فال بد می‌گرفتند.
- 131- ﴿ظَلَّيَرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ﴾: شومی آن‌ها و عذابی که در آخرت به آن‌ها وعده شده نزد خداست.

- 133- ﴿الطُّوفَانَ﴾: سیل، یا مرگ.
- 133- ﴿الْقُمَّلَ﴾: ملخ یا کنه یا شپش معروف.
- 134- ﴿الرَّجْزُ﴾: عذاب با این معجزاتی که ذکر شد.
- 135- ﴿يَنْكُتُونَ﴾: عهد خود را می شکستند.
- 137- ﴿دَمْرَنَا﴾: نابود و ویران کردیم.
- 137- ﴿يَعْرِشُونَ﴾: می افراشتند از قبیل باغ‌ها یا کاخ‌های بلند.
- 139- ﴿مُتَبَّرٌ﴾: هلاک و نابودند.
- 140- ﴿أَبْغَيْكُمْ إِلَهًا﴾: برای شما خدایی جستجو کنم.
- 141- ﴿يَسْؤُمُونَكُمْ﴾: به شما می چشانیدند یا شمارا به کارهای دشوار می گماشتند.
- 141- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را برای خدمتگاری زنده می گذاشتند.
- 141- ﴿بَلَاءٌ﴾: آزمونی بود به آمدن نعمت‌ها و دردها.
- 143- ﴿تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ﴾: اندکی از نور او تعالی بر کوه آشکار شد. ﴿ذَكَآ﴾: ریزه ریزه و با خاک یکسان. ﴿صَعِقًا﴾: بی هوش. ﴿سُبْحَانَكَ﴾: تو از مشاب‌هت با موجودات منزّه‌ی.
- 145- ﴿الْأَلْوَابِ﴾: الواح تورات.
- 146- ﴿سَبِيلَ الرُّشْدِ﴾: راه راست و درست.
- 146- ﴿سَبِيلَ الْغَيِّ﴾: راه گمراهی و فساد.
- 147- ﴿حَيِّطٌ أَعْمَلُهُمْ﴾: به خدا ایمان نیاوردند اعمالشان باطل شد.
- 148- ﴿عَجَلًا جَسَدًا﴾: پیکر گوساله‌ای از طلای سرخ.
- 148- ﴿لَهُ وَحُورٌ﴾: آوازی مانند آواز گاو داشت.
- 148- ﴿أَتَّخَذُوهُ﴾: آن گوساله را خدا گرفتند و از گمراهی عبادتش کردند.
- 149- ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾: شدیداً پشیمان شدند.
- 150- ﴿أَسْفًا﴾: شدیداً خشمگین یا حزین.
- 150- ﴿أَعَجَلْتُمْ﴾: آیا به پرستش گوساله شتاب کردید یا ترک نمودید.

- 150- ﴿فَلَا تُسْمِتُ﴾: با رفتار ناپسندت با من آن‌ها را شاد نکن.
- 154- ﴿سَكَتٌ﴾: خاموش شد.
- 155- ﴿أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ﴾: دچار زلزله شدید یا صاعقه شدند.
- 155- ﴿فَتَنَّتْكَ﴾: محنت و ابتلای تو.
- 156- ﴿هُدًىٰ إِلَيْكَ﴾: توبه کردیم و به سوی تو بازگشتیم.
- 157- ﴿إِصْرَهُمْ﴾: بار گران آن‌ها، عهده و پیمان آن‌ها را که در تورات عمل می‌کنند.
- 157- ﴿الْأَعْلَالُ﴾: تکالیف شاق‌های که به تورات آمده است.
- 157- ﴿عَزَّوَجُودٌ﴾: او را محترم و بزرگ شمردند.
- 159- ﴿بِهِ يَعْدُلُونَ﴾: در خصومت‌های بین خود به حق و عدالت قضاوت می‌کنند.
- 160- ﴿قَطَعْنَا لَهُمُ﴾: آن‌ها را پراکنده کردیم.
- 160- ﴿أَسْبَاطًا﴾: دست‌ها، مثل قبایل عرب.
- 160- ﴿فَأَنْبَجَسَتْ﴾: پس روان شد.
- 160- ﴿مَشْرَبَهُمْ﴾: چشمه مختص به خود را.
- 160- ﴿الْغَمَمُ﴾: ابر سفید نازک.
- 160- ﴿الْمَنْ﴾: ماده صمغی شیرین مثل عسل.
- 160- ﴿وَالسَّلْوَىٰ﴾: پرندۀ معروف به سمایی.
- 161- ﴿قُولُوا حِطَّةٌ﴾: بگوئید: می‌خواهیم گناهان ما آمرزیده شود.
- 162- ﴿رَجْرًا﴾: عذاب، طاعون.
- 163- ﴿حَاضِرَةَ الْبَحْرِ﴾: نزدیک بحر.
- 163- ﴿يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ﴾: با شکار ماهی که در روز شنبه حرام بود، از امرال‌هی تجاوز می‌کردند.
- 163- ﴿يَوْمَ سَبْتِهِمْ﴾: روز بزرگداشت آن‌ها امور شنبه را.
- 163- ﴿شُرَّحًا﴾: در روی آب بسیار آشکار می‌شدند.

- 163- ﴿لَا يَسْتُونُ﴾: مراسم شنبه را رعایت نمی کردند.
- 163- ﴿نَبَلُوهُمْ﴾: آن‌ها را به شدت آزمودیم.
- 164- ﴿مَعْدِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾: آن‌ها را پند و اندرز می کنیم تا به دربار خدا عذری داشته باشیم.
- 165- ﴿بِعَذَابٍ بَیْسٍ﴾: به عذابی سخت و دردناک.
- 166- ﴿عَتَوُا﴾: نافرمانی کردند.
- 166- ﴿قِرْدَةً خَاسِینَ﴾: به شکل میمون‌های رسوا و مطرود.
- 167- ﴿تَأَذَّنَ رَبُّكَ﴾: خدایت اعلام یا عزم کرد.
- 167- ﴿يُسُوْمُهُمْ﴾: آن‌ها را به کاره‌ای دشواری گماشت.
- 168- ﴿بَلَوْنَهُمْ﴾: آن‌ها را آزمودیم.
- 169- ﴿خَلْفُ﴾: جانشین بد.
- 169- ﴿عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ﴾: هرچه از مال ناپایدار دنیا به آن‌ها عرضه شود.
- 169- ﴿دَرَسُوا مَا فِيهِ﴾: آنچه در تورات است خواندند و دانستند.
- 171- ﴿نَتَقْنَا الْجَبَلَ﴾: کوه را کندید و برداشتیم.
- 171- ﴿كَأَنَّهُ زُلَّةٌ﴾: گویی آن کوه ابر یا سقف سای‌هداری بود.
- 175- ﴿فَأَنْسَلَخَ مِنْهَا﴾: پس از آن‌ها دور شد و کفر ورزید.
- 175- ﴿فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان به او پیوست و همدم او شد.
- 175- ﴿الْعَاوِينَ﴾: گمراهان تباہ.
- 176- ﴿أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ﴾: به دنیا متمایل شد و آن را برگزید.
- 176- ﴿تَحْمِلُ عَلَيْهِ﴾: براو هجوم ببری و دورش کنی.
- 176- ﴿يَلْهَثُ﴾: زبانش را بیرون می آورد و به شدت تنفس می کند.
- 179- ﴿ذَرَأْنَا﴾: آفریدیم.
- 180- ﴿يُلْحِدُونَ﴾: به باطل متمایل می شوند.

- 181- ﴿بِهِ يَعْدِلُونَ﴾: در خصومت‌های بین خود به حق و عدالت قضاوت می‌کنند.
- 182- ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾: به آن‌ها نعمت و فرصت می‌دهیم و یکباره نابودشان نمی‌کنیم.
- 183- ﴿أُمْلِي لَهُمْ﴾: در فرستادن عذاب به آن‌ها مهلت می‌دهم.
- 183- ﴿كَيْدِي مَتِينٌ﴾: مجازات من شدید و قوی است.
- 184- ﴿جَنَّةٍ﴾: دیوانه چنانچه می‌پندارند.
- 185- ﴿مَلَكَوْتُ﴾: سلطنت عظیم.
- 186- ﴿طُعْيَيْنِهِمْ﴾: سرکشی و کفرشان.
- 187- ﴿أَيَّانَ مُرْسَلَهَا﴾: قیامت چه وقت برپا می‌شود؟
- 187- ﴿لَا يُجَلِّيهَا﴾: او را آشکار نمی‌کند.
- 187- ﴿ثَقَلْتُ﴾: از جهت سختی و صلابت بسی سنگین و عظیم است.
- 187- ﴿حَفِيٌّ عَنْهَا﴾: پژوهش‌کننده و عالم به آن.
- 189- ﴿تَعَشَّاهَا﴾: با او هم‌بستر شد.
- 189- ﴿فَمَرَّتْ بِهِ﴾: حوا با آن حمل بدون زحمت رفت و آمد کرد.
- 189- ﴿أَثْقَلْتُ﴾: حوا با بزرگ شدن حمل سنگین بار شد.
- 189- ﴿صَلِحًا﴾: نسلی خوش اندام یا فرزند سالم مثل خود ما.
- 190- ﴿جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ﴾: به خدا شریک قرار دادند چون پسر خود را به وسوسه شیطان عبد الحارث نام گذاشتند، مراد شیطان از حارث، خودش بود.
- 190- ﴿عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾: از آنچه مشرکین عرب با پرستش بت‌ها به او شریک قرار می‌دهند.
- 195- ﴿فَلَا تُنظِرُونَ﴾: مرا یک ساعت مهلت ندهید.
- 198- ﴿لَا يُبْصِرُونَ﴾: نمی‌توانند ببینند که توانش را ندارند.
- 199- ﴿حُذِيَ الْعَفْوَ﴾: از اخلاق مردم آنچه بر آن‌ها سهل و آسان است بپذیر.
- 199- ﴿وَأُمْرًا بِالْعُرْفِ﴾: به کاری دستور بده که در شرع پسندیده است.
- 200- ﴿يَنْزِعَنَّكَ﴾: به‌تورسد.

- 200- ﴿نَزَعٌ﴾: وسوس‌های.
- 201- ﴿مَسَّهُمْ طَئِيفٌ﴾: وسوس‌های به ایشان رسد.
- 201- ﴿تَذَكَّرُوا﴾: امرون‌هی خدا و دشمنی شیطان را بیاد بیاورند.
- 202- ﴿يَمُدُّوهُمْ﴾: شیاطین با آن‌ها در گمراهی کمک می‌کنند.
- 203- ﴿لَوْلَا أَجْتَبَيْتَهَا﴾: چرا آیات را خودت نساختی.
- 203- ﴿هَذَا بَصَائِرٌ﴾: قرآن حجت آشکار و برهان درخشان است.
- 205- ﴿تَضَرَّعًا﴾: به ناله و زاری.
- 205- ﴿خِيفَةً﴾: ترسان از عذاب الهی.
- 205- ﴿بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ﴾: اول و آخر روز.
- 206- ﴿لَهُ يَسْجُدُونَ﴾: تن‌ها او را سجده و عبادت می‌کنند، آی‌ه سجده.

سوره انفال

- 1- ﴿الْأَنْفَالِ﴾: غنایم بدر.
- 1- ﴿لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾: امر غنایم اختصاص به خدا و پیامبر دارد.
- 1- ﴿ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾: حالت‌های بین خود را که سبب وحدت شماست.
- 2- ﴿وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾: دل‌هاشان از عظمت و هیبت نرم و هراسان شود.
- 2- ﴿يَتَوَكَّلُونَ﴾: اعتماد می‌کنند و خود را به خدا می‌سپارند.
- 7- ﴿الطَّائِفَتَيْنِ﴾: کاروان تجارتی و سپاه قریش.
- 7- ﴿ذَاتِ الشُّوَكَةِ﴾: صاحب نیرو و سلاح، لشکر قریش.
- 7- ﴿ذَابِرِ الْكَافِرِينَ﴾: آخرین فرد کافران را، هم‌ه‌آن‌ها را.
- 9- ﴿مُرْدِفِينَ﴾: پشت سر هم.
- 11- ﴿يُعَشِّيَكُمْ الْأَنْعَامَ﴾: خواب سبک را پوششی برای شما قرارداد.
- 11- ﴿أَمَنَةً مِّنْهُ﴾: برای آرامش و تقوی‌ه روحی شما از سوی پروردگار.

- 11- ﴿رَجَزَ الشَّيْطَانِ﴾: وسوسه شیطان را که شما را از تشنگی می ترسانید.
- 11- ﴿لَيَرْبِطَ﴾: تا به یقین و شکیبایی قوی گرداند.
- 12- ﴿أَتَى مَعَكُمْ﴾: براستوار ساختن مسلمانان من به کمک شما هستم.
- 12- ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس و پریشانی.
- 12- ﴿كُلِّ بَنَانٍ﴾: دست‌ها، پاهای و سرها یا کل مفاصل.
- 13- ﴿شَاقُوا﴾: مخالفت و سرپیچی کردند.
- 15- ﴿زَحْفًا﴾: سپاه‌های که آرام آرام به جنگ شما می‌آید.
- 16- ﴿مُتَحَرِّفًا﴾: برای فریب دشمن تظاهر به فرار می‌کند و دوباره یورش می‌آورد.
- 16- ﴿مُتَحَرِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ﴾: به گروه دیگر پیوندد تا یکجا با آن‌ها به پیکار دشمن پردازد.
- 16- ﴿بَاءَ بَعْضٍ﴾: باز هم گرفتار غضب خدا گردد که مستحق آن است.
- 17- ﴿لِيُبَلِّغَ الْمُؤْمِنِينَ﴾: تا برای مسلمانان پیروزی و پاداش عطا کند.
- 18- ﴿مُوهِنٌ﴾: ضعیف کننده است.
- 19- ﴿تَسْتَفْتِحُوا﴾: برای هر کدام از این دو گروه که به راه راست روان است، پیروزی می‌خواستید.
- 24- ﴿يُحْيِيكُمْ﴾: برای شما حیات ابدی و نعمت جاودان می‌آورد.
- 26- ﴿يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ﴾: مردم شما را به سرعت بر بایند و ریش‌ه‌کن سازند.
- 28- ﴿فِتْنَةٌ﴾: ابتلا و گرفتاری یا سبب دچاری به گناه و عذاب است.
- 29- ﴿فُرْقَانًا﴾: هدایت و نور یا نجات.
- 30- ﴿لِيُثْبِتُوكَ﴾: تا تو را حبس نمایند و به قید و زنجیرت کشند.
- 30- ﴿يَمَكُرُ اللَّهُ﴾: خدا مکر آن‌ها را باطل می‌کند.
- 31- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: دروغ‌های که در کتاب‌هاشان نوشته است.
- 35- ﴿مُكَاةً وَتَصْدِيَةً﴾: کف زدن و سوت کشیدن.
- 36- ﴿حَسْرَةً﴾: ندامت و تأسف.
- 37- ﴿فَيْرَكْمَهُ جَمِيعًا﴾: و کافران را روی یکدیگر جمع کند.

- 38- ﴿سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ﴾: سنت ال‌هی در مورد آن‌های که پیامبران را تکذیب کردند.
- 39- ﴿فِتْنَةٌ﴾: شرک، بدبختی و دشواری.
- 41- ﴿لِلَّهِ خُمُسُهُ﴾: پنج یک غنمیت برای خداست و چهار بخش باقی مانده س‌هم سپاه‌یانی است که غنایم را بدست آورده‌اند.
- 41- ﴿يَوْمَ الْفُرْقَانِ﴾: روزی که حق از باطل جدا شد، روز بدر.
- 42- ﴿بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا﴾: به کناره‌وادی نزدیک مدینه.
- 42- ﴿الرَّكْبُ﴾: کاروان تجارتنی قریش.
- 43- ﴿لَفَشَلْتُمْ﴾: بزدل می‌شدید و از جنگ می‌ترسیدید.
- 46- ﴿تَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾: قوت یا نعمت شما از هم بپاشد.
- 47- ﴿بَطْرًا﴾: از سرکشی یا فخر و تکبر.
- 48- ﴿إِنِّي جَارٌّ لَكُمْ﴾: من پناه دهنده، معین و ناصر شما هستم.
- 48- ﴿نَكَصَ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ﴾: شیطان به عقب گریخت.
- 52- ﴿كَذَّابٌ...﴾: مانند عادت...
- 57- ﴿تَتَّقِفْنَهُمْ﴾: با آن‌ها روبرو شوی و مغلوب‌شان سازی.
- 57- ﴿فَشَرِدْ بِهِمُ﴾: آن‌ها را پراکنده بساز و به شدت بترسان.
- 58- ﴿مِن قَوْمٍ﴾: از گروهی که با تو پیمان بست‌ه‌اند.
- 58- ﴿فَأَنذِرْ إِلَيْهِمْ﴾: ع‌ده‌شان را ب‌ه سوی آن‌ها بینداز و با آن‌ها بجنگ.
- 58- ﴿عَلَىٰ سَوَاءٍ﴾: هم‌ه یکسان از الغای پیمان آگاه باشید.
- 59- ﴿سَبَقُوا﴾: از عذاب ال‌هی ره‌ایی یافتند.
- 60- ﴿ثَوَّةٌ﴾: هر چه سبب نیرومندی و توانایی در جنگ است.
- 60- ﴿رِبَاطِ الْحَيْلِ﴾: نگ‌هداری اسب بخاطر ج‌ه‌اد در راه خدا.
- 61- ﴿إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ﴾: اگر ب‌ه مصالح‌ه و مسالمت متمایل شوند.
- 62- ﴿حَسْبِكَ اللَّهُ﴾: درد دفع فریب آن‌ها خدا تو را کفایت می‌کند.
- 65- ﴿حَرِيصِ الْمُؤْمِنِينَ﴾: ب‌ه ترغیب مسلمان‌ها ب‌کوش.

67- ﴿يُخِنُّ﴾: به کشتار بکوشد تا کفر ضعیف شود.

67- ﴿عَرَضَ الدُّنْيَا﴾: مال دنیا را، به سبب گرفتن فدای.

71- ﴿فَأَمَّا مَن مِّنْهُمْ﴾: و تورا روز بدر بر آن ها مسلط کرد.

75- ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ﴾: خویشاوندان.

75- ﴿أُولَى﴾: به میراث از بیگانگان سزاوارتر هستند.

سوره توبه

1- ﴿بِرَاءةٍ مِّنَ اللَّهِ...﴾: این آیات [اعلام] دوری و بیزاری است که از جانب پروردگار

رسیده...

1- ﴿عَاهِدْتُمْ﴾: با آن ها عهده و پیمان بستید و آن ها پیمان را زیر پا گذاشتند.

2- ﴿أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾: چهار ماه، از روز دهم ذی الحجّه آغاز می شود.

2- ﴿عَیْرٌ مُّعْجِزٍ لِلَّهِ﴾: از عذاب خدا نمی توانید فرار کنید.

3- ﴿أَذْنٌ﴾: اعلام است.

3- ﴿يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾: روز اول عید قربان سال نهم هجرت.

3- ﴿رَسُولُهُ﴾: رسول خدا نیز از مشرکین بیزار است.

4- ﴿لَمْ يَنْفُصُوكُمْ﴾: به عهده و پیمان با شما کوتاهی نکردند بلکه به آن وفا نمودن.

4- ﴿لَمْ يَظْهَرُوا﴾: کمک نکردند.

5- ﴿أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ﴾: پیمان چهار ماهه پایان یابد.

5- ﴿أَحْضَرُوهُمْ﴾: آن ها را حبس نمایند یا در تنگنا قرار دهید و از رفتن و آمدن و کسب و کار

درش هرا ممانعت نمایید.

5- ﴿كُلِّ مَرْصِدٍ﴾: تمام راهها و گذرگاهها و دیده بانها.

6- ﴿أَسْتَجَارَكَ﴾: در پایان مدت پیمان از تو حمایت خواست.

- 7- ﴿فَمَا اسْتَقْلَمُوا لَكُمْ﴾: پس تا وقتی که بر پیمان با شما پایدار باشند.
- 8- ﴿يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ﴾: بر شما غالب شوند.
- 8- ﴿لَا يَرْقُبُوا﴾: مراعات نمی کنند.
- 8- ﴿إِلَّا﴾: خویشاوندی و قرابت یا تعهد و پیمان را.
- 8- ﴿ذِمَّةً﴾: عه در را.
- 12- ﴿نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ﴾: پیمان های مؤکد به سوگند خود را بشکنند.
- 15- ﴿عَظِيمٌ قُلُوبِهِمْ﴾: خشم و اندوه شدید دل های آن ها را.
- 16- ﴿وَلِيَجَّةً﴾: دوست پنهانی، رازدار و رفیق.
- 17- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: ثواب اعمال آن ها بخاطر کفرشان باطل شده است.
- 19- ﴿سِقَايَةَ الْحَاجِّ﴾: آب رساندن به حاجیان را.
- 23- ﴿اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ﴾: بی دینی اختیار کنند و در آن پایدار بمانند.
- 24- ﴿أَقْتَرَفْتُمُوهَا﴾: آن را بدست آورده اید.
- 24- ﴿كَسَادَهَا﴾: از رواج افتادن آن به گذشت ایام حج.
- 24- ﴿فَتَرَبَّصُوا﴾: پس در انتظار باشید.
- 25- ﴿بِمَا رَحَبْتَ﴾: با همه فراخی و وسعت آن.
- 26- ﴿سَكِينَتَهُ﴾: آرامش یا رحمت خود را.
- 28- ﴿الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾: مشرکان بخاطر فساد عقیده خبیث و پلیدند.
- 28- ﴿خِفْتُمْ عَيْلَةً﴾: از فقر و فاقه ترسیدید به سبب قطع تجارت مشرکان از مسجد حرام.
- 29- ﴿يُعْطُوا الْجِزْيَةَ﴾: خراجی را که بر آن ها معین شده است بدهند.
- 29- ﴿عَنْ يَدٍ﴾: از فرمانبرداری یا از قوت و تسلط شما.
- 29- ﴿هُمْ صَغِيرُونَ﴾: آن ها فرمانبردار حکم اسلام باشند.
- 30- ﴿يُضْلَهُونَ﴾: خود را در کفر و شناعت مشابیه می سازند.

- 30- ﴿أَلَيْ يُوَفِّكُونَ﴾: بعد از درخشش حق چگونه از آن دور می شوند؟
- 31- ﴿أَحْبَارُهُمْ﴾: دانشمندان خود را.
- 31- ﴿رُهْبَنَهُمْ﴾: پارسایان خود را.
- 31- ﴿أَرْبَابًا﴾: از آن ها مانند پروردگار اطاعت کردند.
- 33- ﴿لِيُظْهِرَهُ﴾: تا او را غالب کند.
- 36- ﴿أَرْبَعَةَ حُرُمٍ﴾: چهار ماه حرام، رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم.
- 36- ﴿الَّذِينَ أَلْقَمُوا﴾: دین مستقیم، دین ابراهیم عليه السلام.
- 37- ﴿الَّذِينَ عَمِلُوا﴾: تأخیر حرمت ماهی به ماه دیگر. ﴿لِيُؤَاطُوا﴾: تا موافق سازند.
- 38- ﴿أَنْفِرُوا﴾: به میدان جنگ بروید، غزوه تبوک.
- 38- ﴿أَتَأْتَلْتُمْ﴾: سستی می کنید و مایل می شوید.
- 40- ﴿فِي الْغَارِ﴾: در غار کوه ثور نزدیک مکه.
- 40- ﴿لِصَاحِبِهِ﴾: به یار خود، ابوبکر صدیق.
- 41- ﴿خَفَافًا وَثِقَالًا﴾: بر هر حالتی که باشید.
- 42- ﴿عَرَضًا قَرِيبًا﴾: غنیمتی که به آسانی بدست می آمد.
- 42- ﴿سَفَرًا قَاصِدًا﴾: سفر متوسط نه بسیار دور و نه بسیار نزدیک.
- 42- ﴿الشُّقَّةُ﴾: مسافتی که به مشقت و زحمت طی شود.
- 46- ﴿أَتَّبِعَانَّهُمْ﴾: حرکت ایشان را با شما.
- 46- ﴿فَتَبَّطَهُمْ﴾: پس خدای بزرگ آن ها را از رفتن با شما بازداشت.
- 47- ﴿حَبَالًا﴾: شرو فساد، یا جبن و ناتوانی.
- 47- ﴿لَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ﴾: برای تمامی به سرعت بین شما رفت و آمد می کردند تا میان شما فساد برپا کنند.
- 47- ﴿يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ﴾: می خواهند شما را در فتنه و آشوب بزرگ اندازند.
- 48- ﴿قَلْبُوا لَكَ الْأُمُورَ﴾: در برابر تو نیرنگ و فریب بکار بردند.

- 49- ﴿أَشْذَن لِي﴾: مرا اجازه بده در این غزوه بروم.
- 49- ﴿لَا تَفْتِي﴾: مرا با مخالفت از دستورت گرفتار گناه نگردان.
- 52- ﴿هَلْ تَرَبَّصُونَ﴾: آیا درباره ما انتظار دارید.
- 52- ﴿الْحُسْنَيْنِ﴾: نصرت و شهادت را.
- 55- ﴿تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ﴾: جان آن‌ها بیرون آید.
- 56- ﴿قَوْمٌ يَفْرُقُونَ﴾: گروهی اندک از ترس و منافقت عقاید خود را پنهان می‌کنند.
- 57- ﴿مَلَجَا﴾: جای محکمی که در آن پناه ببرند.
- 57- ﴿مَعْرَتٍ﴾: مغاره‌ای در کوه‌ها که پنهان شوند. ﴿مُدَّخَلًا﴾: سوراخی در زمین که داخل شوند.
- 57- ﴿يَجْمَحُونَ﴾: برای داخل شدن در آن می‌شتابند.
- 58- ﴿يَلْمِزُكَ﴾: بر تو طعن می‌زنند و عیب می‌گیرند.
- 59- ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ﴾: فضل خدا ما را بس است.
- 60- ﴿الْعَمَلِينَ عَلَيْهَا﴾: متصدیان زکات مثل جمع‌آوری کنندگان و کاتبان و نگهبانان.
- 60- ﴿فِي الرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان یا اسیران.
- 60- ﴿الْعَرَبِينَ﴾: وام‌دارانی که توان پرداخت ندارند.
- 60- ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾: در راه جهاد یا هر کار نیک.
- 60- ﴿وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافری که از مال خود جداست.
- 61- ﴿هُوَ أَذُنٌ﴾: او مردی است که هر چه بشنود باور می‌کند.
- 61- ﴿أَذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾: او شنوای خیر است برای شما، سخنان خیر شما را می‌شنود و قبول می‌کند و سخنان بد شما را باور نمی‌کند.
- 63- ﴿مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ﴾: هر کس با خدا مخالفت و دشمنی ورزد...
- 65- ﴿نَحْوُ وَنَلْعَبُ﴾: خود را به سخن سرگرم می‌کردیم تا راه کوتاه شود.
- 67- ﴿يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ﴾: دست‌های خود را از بخل، به خیر و طاعت دراز نمی‌کنند.
- 67- ﴿فَنَسِيَهُمْ﴾: پس خدا هم آن‌ها را از توفیق و هدایت خود دور کرد.

- 68- ﴿هِيَ حَسْبُهُمْ﴾: ج‌ه‌نم برای تعذیب کافران کافی است.
- 69- ﴿فَأَسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ﴾: از لذت‌های دنیا به‌س‌ه‌م خود به‌ره‌مند شدند.
- 69- ﴿خُضْتُمْ﴾: در باطل داخل شدید.
- 69- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ﴾: ثواب اعمال آن‌ها بخاطر کفرشان باطل شد.
- 70- ﴿الْمُؤْتَفِكَت﴾: ش‌ه‌رهای ویران شده قوم لوط.
- 73- ﴿وَأَعْلَظَ عَلَيْهِمْ﴾: بر آن‌ها سخت بگیر و نرمی نکن.
- 74- ﴿مَا نَقَمُوا﴾: هیچ چیز از زشت و ناپسند نشمردند.
- 78- ﴿يَعْلَمُ سِرَّهُمْ﴾: خدا آنچه را از منافقت ن‌ه‌ان داشت‌ه‌اند، می‌داند.
- 78- ﴿نَجْوَاهُمْ﴾: سخنان طعن‌ه‌آمیزی را که با هم در مورد دین می‌گویند.
- 79- ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ﴾: منافقان عیب می‌گیرند.
- 79- ﴿جُهِدْهُمْ﴾: توان خویش، فقرا.
- 79- ﴿سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ﴾: خدا خوار و ذلیلشان ساخت، با دادن جزای مناسب.
- 81- ﴿خَلَفَ رَسُولُ اللَّهِ﴾: بعد از رفتن رسول خدا، یا از جهت مخالفت با او.
- 81- ﴿لَا تَنْفِرُوا﴾: برای جهاد به سمت تبوک حرکت نکنید.
- 83- ﴿الْخَالِفِينَ﴾: بازماندگان از جهاد مانند زنان.
- 85- ﴿تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ﴾: جانشان برآید.
- 86- ﴿أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ﴾: منافقان ثروتمند و توانگر.
- 87- ﴿الْحَوَالِفِ﴾: زنانی که به‌خان‌ه‌می‌نشینند و به‌جهاد نمی‌روند.
- 87- ﴿طَبَعِ﴾: م‌ه‌رن‌ه‌اده شده است.
- 90- ﴿الْمُعْذِرُونَ﴾: به‌ه‌ان‌ه‌تراشان به‌عذرهای دروغین.
- 91- ﴿حَرَجٌ﴾: جرم و گناه‌ی در اثر بازماندن از سفر جهاد.
- 92- ﴿تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ﴾: اشک می‌ریختند.
- 95- ﴿إِنَّهُمْ رِجْسٌ﴾: ظاهر و باطن آن‌ها پلید است.

- 97- ﴿أَجْدُرٌ﴾: سزاوارتر و شایسته‌ترند.
- 98- ﴿مَعْرَمًا﴾: تاوان و زیان.
- 98- ﴿يَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَابُّ﴾: انتظار می‌کشد تا سختی‌های روزگار دامن گیرتان شود.
- 98- ﴿عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ﴾: بد و زیان بر خود آن‌ها باد، دعاست.
- 99- ﴿صَلَوَاتِ الرَّسُولِ﴾: دعا و استغفار پیامبر، برای انفاق کنندگان.
- 101- ﴿مَرْدُوا عَلَى الْنِيفَاقِ﴾: به نفاق خو گرفت‌ه و به آن ماه‌ر شده‌اند.
- 103- ﴿تُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾: تا به سبب این صدقه، حسنات و اموال ایشان را برکت دهی.
- 103- ﴿صَلِّ عَلَيْهِمْ﴾: به آن‌ها دعا و استغفار کن.
- 103- ﴿سَكَنٌ لَّهُمْ﴾: آرامش یا رحمت است برای ایشان.
- 104- ﴿يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾: صدقات را می‌پذیرد و پاداش می‌دهد.
- 106- ﴿مُرْجُونَ﴾: کارشان به تأخیر افتاده است، پذیرش توبه آن‌ها قطعی نشده بود.
- 107- ﴿مَسْجِدًا ضَرَارًا﴾: مسجد زیان آور برای اهالی مسجد قباء.
- 107- ﴿إِرْصَادًا﴾: انتظار کشیدن یا آماده ساختن.
- 108- ﴿لَمَسْجِدٍ﴾: بدون شک مسجدی که، مسجد قباء یا مسجد نبوی.
- 109- ﴿عَلَى شَفَا جُرْفٍ﴾: بر کنار چاه‌ی که سنگ کاری نشده باشد.
- 109- ﴿هَارٍ﴾: شکسته یا در حال ویرانی.
- 109- ﴿فَأَنْهَارٍ بِهِ﴾: پس ساختمان بر صاحب خود سقوط کرد.
- 110- ﴿رِيْبَةً فِي قُلُوبِهِمْ﴾: شک و نفاق در دل‌های شان موج می‌زند.
- 110- ﴿تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ﴾: دل‌های آن‌ها بر اثر مرگ پاره پاره شود.
- 112- ﴿السَّيْحُونَ﴾: مجاهدان غازی، یا روزه داران.
- 112- ﴿لِحُدُودِ اللَّهِ﴾: برای اوامرو نواهی خدا.
- 114- ﴿لَأَوَّاهٍ﴾: بسیار با درد و آه، از خشم خدا ترسان و مرد دلسوز و مهربان بود.
- 117- ﴿سَاعَةَ الْعُسْرَةِ﴾: وقت سختی و تنگدستی در غزوه تبوک.

- 117- ﴿يَزِيغُ﴾: به تخلف از ج‌ه‌ا‌د میل کند.
- 118- ﴿بِمَا رَحِبَتْ﴾: با همه فراخی و وسعت آن.
- 118- ﴿لِيَتُوبُوا﴾: تا در آینده به توبه ادامه دهند.
- 120- ﴿لَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ﴾: جان خود را عزیزتر ندانند.
- 120- ﴿نَصَبٌ﴾: رنجی.
- 120- ﴿مُحْمَصَةٌ﴾: گرسنگی.
- 120- ﴿يَغِيظُ الْكُفَّارَ﴾: آن‌ها را به خشم آورد و اندوه‌گین کند.
- 120- ﴿نَيْلًا﴾: چیزی از قبیل کشتن، اسارت و غنیمت.
- 122- ﴿لِيَنْفِرُوا كَأَفَّةً﴾: که همگی به سوی میدان ج‌ه‌ا‌د حرکت کنند.
- 123- ﴿غِلْظَةً﴾: شجاعت، ننگ و شکیبایی.
- 125- ﴿رَجْسًا﴾: کفر و نفاق.
- 126- ﴿يُفْتَنُونَ﴾: در بلاها و سختی‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرند.
- 128- ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ﴾: براو سخت و دشوار است.
- 128- ﴿مَا عَنَّتُمْ﴾: رنج و مشقت شما.
- 129- ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾: یاری و کمک خدا مرا بس است.

سوره یونس

- 2- ﴿قَدَّمَ صِدْقٍ﴾: سابقه فضیلت و برتری و مقام عالی.
- 3- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق ذات او تعالی است.
- 4- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.
- 4- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- 5- ﴿قَدَرَهُ مَنَازِلَ﴾: برای ماه منزل‌ها قرار داد که در آن‌ها سیر می‌کند.
- 7- ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾: چون از رستاخیز منکرند امید دیدار ما را ندارند.

- 10- ﴿دَعَوْهُمْ﴾: دعای آن‌ها.
- 11- ﴿لَقَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجَلَهُمْ﴾: تباہ و نابود می‌شدند.
- 11- ﴿فِي طُعَيْنِهِمْ﴾: در سرکشی و کفر ایشان.
- 11- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: متحیر و سرگردان باشند.
- 12- ﴿الضُّرُّ﴾: بلا، رنج و سختی.
- 12- ﴿دَعَاَنَا لِحَنِيْبِهِ﴾: بخاطر دور شدن بلا در حالی که بر پهلوی خوابیده از ما فریادرسی می‌کند.
- 12- ﴿مَرَّ﴾: پند نگیرد و به کفر خویش ادامه دهد.
- 13- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملت‌ها را مثل قوم نوح الْقُلُوبِ، عاد و ثمود.
- 13- ﴿ظَلَمُوا﴾: ستم کردند با تکذیب پیامبران.
- 14- ﴿جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ﴾: پس از نابودی آن‌ها شما را جانشین‌شان کردیم.
- 16- ﴿لَا أَدْرِيكُمْ بِهِ﴾: خدا شما را به واسطه من از آن آگاه نمی‌کرد.
- 17- ﴿لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ﴾: گناه‌کاران به مطلوبی دست نمی‌یابند.
- 18- ﴿سُبْحٰنَهُ﴾: او تعالی پاک و منزّه است.
- 21- ﴿ضَرَّاءَ مَسْتَهْمٍ﴾: به آن‌ها سختی رسیده بود، گرسنگی و قحطی.
- 21- ﴿لَهُمْ مَكْرٌ﴾: آنان مخالفت و استهزاء می‌کنند.
- 21- ﴿اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾: جزاء و عقوبت خدا سریع‌تر است⁽¹⁾.
- 22- ﴿رِيْحٌ عَاصِفٌ﴾: باد تند.
- 22- ﴿أَحِيْطُ بِهِمْ﴾: مرگ و نابودی بر آن‌ها حلق زده است.
- 23- ﴿يَبْتَغُونَ﴾: فساد می‌کنند.
- 24- ﴿مَثَلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا﴾: مثل زندگانی دنیا در سرعت نابودی و زوال آن.

1- حقیقت مکر، برنامه‌ریزی محکم برای مجازات مجرم است به گونه‌ای که او با خبر نشود؛ و از عقوبت و مجازات مطلق، خاص‌تر است زیرا مکر عقوبت ویژه است. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير و بیان للشيخ مخلوف»، نوشت‌های دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 24- ﴿رُحْرَفَهَا﴾: شادابی و زیبای آن با انواع گل و گیاه.
- 24- ﴿أَمْرُنَا﴾: آفت‌های بنیان برنواز ما.
- 24- ﴿حَصِيدًا﴾: مانند گیاه درو شده.
- 24- ﴿لَمْ نَعْن﴾: اصلاً نبوده.
- 26- ﴿الْحُسْنَى﴾: مقام نیکو، جنت.
- 26- ﴿زِيَادَةٌ﴾: علاوه بر این، دیدار خدا هم در آنجا میسر است.
- 26- ﴿لَا يَرَهُقُ وَجُوهَهُمْ﴾: روی آن‌ها را نمی‌پوشاند.
- 26- ﴿قَتْرٌ﴾: غبار سیاه‌ی.
- 26- ﴿ذَلَّةٌ﴾: اثر خواری.
- 27- ﴿عَاصِمٍ﴾: مانعی که هر قهر و عذاب خدا را دور کند.
- 27- ﴿أُغْشِيَتْ وَجُوهَهُمْ﴾: روی آن‌ها پوشانده شده است.
- 28- ﴿مَكَانَكُمْ﴾: دور نروید و در جای خود باشید.
- 28- ﴿فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ﴾: پس بین آن‌ها جدایی می‌افکنیم و پیوندشان را می‌گسلیم.
- 30- ﴿تَبَلَّوْا﴾: خبر دار و آگاه می‌شوید یا مشاهده می‌کند.
- 32- ﴿رَبُّكُمْ أَحَقُّ﴾: بدون شک ربوبیت او تعالی به دلایل استوار ثابت شده است.
- 32- ﴿فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾: پس چگونه از حق دور و به کفر و گمراهی مایل می‌شوید؟
- 33- ﴿حَقَّتْ﴾: ثابت و حتمی شد.
- 34- ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از راه نیک دور می‌شوید.
- 35- ﴿لَا يَهْدِي﴾: خود نمی‌تواند راه راست را بیابد.
- 39- ﴿لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلَهُ﴾: هنوز برای آن‌ها نتیجه و عاقبت و وعید قرآن آشکار نشده است.
- 43- ﴿يَنْظُرُ إِلَيْكَ﴾: دلایل روشن نبوت را مشاهده می‌کند.
- 47- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت در دنیا یا در روز جزاء.
- 50- ﴿أَرْءَيْتُمْ﴾: مرا از عذاب الهی آگاه سازید.

- 50- ﴿يَلَيْتَا﴾: هنگام شب.
- 51- ﴿الَّذِينَ﴾: آیا اکنون به وقوع عذاب خدا ایمان می آورید؟
- 53- ﴿يَسْتَسْتَبِئُونَكَ﴾: به استهزا درباره عذاب از تو می پرسند.
- 53- ﴿إِي وَرَبِّي﴾: آری، به خدا قسم.
- 53- ﴿مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی توانید فرار کنید.
- 54- ﴿أَسْرُؤُا التَّدَامَةَ﴾: غم و حسرت خود را پنهان می دارند.
- 59- ﴿أَرْءَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- 59- ﴿أَذِنَ لَكُمْ﴾: خدا شما را از این حلال و حرام گردانیدن با خبر ساخته است.
- 59- ﴿تَفْتَرُونَ﴾: آن را به دروغ به خدا نسبت می دهید.
- 61- ﴿مَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ﴾: در هیچ کارم و قابل توجهی اقدام نمی کنی.
- 61- ﴿مَا يَعْزُبُ﴾: پنهان نیست.
- 61- ﴿مِثْقَالِ ذَرَّةٍ﴾: هم وزن کوچک ترین مورچه یا گردی.
- 65- ﴿إِنَّ أَلْعِزَّةَ لِلَّهِ﴾: تنها خداست که به ملک خود غلبه و سلطه دارد.
- 66- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: هر چه که به خدا نسبت می دهند، دروغ می گویند.
- 68- ﴿سُبْحٰنَهُ﴾: خدای تعالی از آنچه به او نسبت می دهند پاک و منزّه است.
- 68- ﴿سُلْطٰنٍ﴾: حجت روشن.
- 71- ﴿كَبْرَ عَلَیْكُمْ﴾: بر شما دشوار و پرمشقت است.
- 71- ﴿مَقَامِي﴾: اقامت من در میان شما زمان دراز.
- 71- ﴿فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ﴾: پس به اجرای مکر و حیل خود تصمیم بگیرید.
- 71- ﴿شُرَكَاءَكُمُ﴾: همراه با شریکان خود.
- 71- ﴿عَمَّةٍ﴾: دلتنگی شدید یا مبهم.
- 71- ﴿أَقْضُوا إِلَيَّ﴾: هر چه می خواهید در حق من انجام دهید.
- 71- ﴿لَا تُنظِرُونِ﴾: مهلتم ندهید.

- 73- ﴿جَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ﴾: آن‌ها را جانشین غرق شدگان کردیم.
- 74- ﴿نُطْبَعُ﴾: مهر می‌نیم.
- 78- ﴿لَتَلْفِتْنَا﴾: تا ما را منصرف سازی.
- 83- ﴿أَنْ يَفْتِنَهُمْ﴾: که فرعون آن‌ها را شکنجه کند.
- 85- ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾: ما را محل شکنجه قرار نده.
- 87- ﴿نَبَوَّءًا لِّقَوْمٍ كَمَا...﴾: برای قوم خود بسازید...
- 87- ﴿قِبْلَةَ﴾: مساجد سوی کعبه یا جای ادای نماز.
- 88- ﴿أَطْمَسَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ﴾: اموالشان را تلف کن.
- 88- ﴿وَأَشَدُّ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ﴾: بردل‌های ایشان مهربان‌تر.
- 90- ﴿بَغِيًّا وَعَدْوًا﴾: به قصد ستم و تجاوز.
- 91- ﴿الَّذِينَ﴾: آیا اکنون که به هلاکت خود یقین کردی ایمان می‌آوری.
- 92- ﴿آيَةً﴾: عبرتی.
- 93- ﴿بِأَنَّا﴾: مسکن دادیم.
- 93- ﴿مُبَوَّأً صِدْقٍ﴾: منزل درست و پسندیده.
- 94- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک‌کنندگان.
- 98- ﴿عَذَابِ الْخِزْيِ﴾: عذاب رسوایی و ذلت‌را.
- 100- ﴿يَجْعَلُ الرَّجْسَ﴾: عذاب یا انتقام را می‌دهد.
- 105- ﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ﴾: هم‌هستی خود را صرف دین حنیف کن.
- 105- ﴿حَنِيفًا﴾: دین پاک و جدا از همه ادیان باطل.
- 108- ﴿بِوَكِيلٍ﴾: مراقب که کار شما به من سپرده شده باشد.

سوره هود

- 1- ﴿أَحْكَمْتَ آيَاتِنَا﴾: آیات آن خیلی محکم، استوار و منظم است.

- 1- ﴿فُصِّلَتْ﴾: از روی حکمت [در زمان‌های مختلف به حسب وقایع و مصالح] بخش بخش نازل کرده شد.
- 5- ﴿يَنْتُونُ صُدُورَهُمْ﴾: کفر و دشمنی با مسلمان‌ها را در سین‌های خود ن‌ان می‌کنند.
- 5- ﴿لِيَسْتَحْفُوا مِنْهُ﴾: تا از او تعالی پنهان بمانند، این کار را از نادانی می‌کنند.
- 5- ﴿يَسْتَعْشُونَ نِيَابَهُمْ﴾: برای این که بهتر مخفی باشند خود را در جام‌هایشان پنهان می‌کردند.
- 6- ﴿يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا﴾: محل استقرار آن‌ها را در صلب یا رحم و مانند آن‌ها می‌داند.
- ﴿مُسْتَوْدَعَهَا﴾: آرام‌گاه او را در رحم و مانند آن یا در صلب پدر.
- 7- ﴿لِيَبْلُوكُمْ﴾: تا شما را امتحان کند در حالی که از امورتان آگاه است.
- 7- ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: فرمانبرتر از او تعالی و پرهیزگارتر.
- 8- ﴿أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾: چند روزی.
- 8- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: بر آن‌ها فرود آید یا احاطه‌شان کند.
- 9- ﴿إِنَّهُ لَيَوَسُّ﴾: همانا او سخت مایوس و نومید است.
- 9- ﴿كُفُورٌ﴾: به نعمت‌های خدا بسیار ناسپاس است.
- 10- ﴿ضَرَاءَ مَسْتَه﴾: حادثه ناگواری به او رسیده.
- 10- ﴿إِنَّهُ لَفَرِحٌ﴾: همانا او هنگام رسیدن نعمت بدمست و به آن فریفته است.
- 10- ﴿فَخُورٌ﴾: به نعمتی که دارد به دیگران فخر می‌کند.
- 12- ﴿وَكَيْلٌ﴾: نگه‌دار آن است.
- 15- ﴿لَا يُبْخَسُونَ﴾: از اجرشان کاسته نمی‌شود.
- 16- ﴿حَبِطٌ﴾: در آخرت باطل گشت.
- 17- ﴿بَيِّنَةٌ﴾: یقین و دلیل قاطع، قرآن کریم.
- 17- ﴿شَاهِدٌ﴾: اعجاز نظم قرآن گواه نزول آن است.
- 17- ﴿فِي مَرِيَّةٍ مِنْهُ﴾: تردیدی در نزول قرآن.
- 18- ﴿الْأَشْهُدُ﴾: فرشتگان، پیامبران و اعضای بدن.

- 19- ﴿يَبْعُوثُهَا عَوَجًا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.
- 20- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- 22- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناگزیر یا در حقیقت.
- 23- ﴿أَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾: به نوید او تعالی اطمینان یا فروتنی کردند.
- 27- ﴿الْمَلَأُ﴾: سران و بزرگان.
- 27- ﴿بَادِيَ الرَّأْيِ﴾: ظاهر کار را می‌بینند و در آن دقت و اندیشه نمی‌کنند.
- 28- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من بگویید.
- 28- ﴿فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ﴾: و بر شما پوشیده شد.
- 31- ﴿خَزَائِنُ اللَّهِ﴾: خزان‌های رزق و مال خدا.
- 31- ﴿تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ﴾: به چشم شما حقیر و بی‌ارزشند.
- 33- ﴿أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- 34- ﴿أَنْ يُعْوِيَكُمْ﴾: که شما را گمراه سازد.
- 35- ﴿فَعَلَىٰ إِجْرَامِي﴾: پس عذاب گناه من به عهده خود من است.
- 36- ﴿فَلَا تَبْتَسِسْ﴾: پس غمگین مباش.
- 37- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و حمایت کامل ما.
- 39- ﴿يُخْزِيهِ﴾: خوار و ذلیلش خواهد کرد.
- 39- ﴿يَجِلُّ عَلَيْهِ﴾: براو واجب می‌شود و می‌رسد.
- 40- ﴿فَارَ التَّنُورُ﴾: آب از تنور نان پزی به شدت فوران کرد.
- 41- ﴿مُجْرِبَهَا﴾: وقت حرکت آن.
- 41- ﴿مُرْسَلَهَا﴾: هنگام توقف آن.
- 43- ﴿سَاوِي﴾: به زودی پناه می‌برم.
- 43- ﴿لَا عَاصِمَ﴾: هیچ مانع و نگاه‌دارنده‌ای نیست.
- 44- ﴿أَقْلَعِي﴾: باران را بس کن.

- 44- ﴿غِيضَ الْمَاءِ﴾: آب کم شد و در زمین رفت.
- 44- ﴿رَأْسُوتَ عَلَى الْجُودِيِّ﴾: بر کوه جودی نزدیک موصل قرار گرفت.
- 44- ﴿بُعْدًا﴾: نابود و دور باد.
- 48- ﴿بَرَكَتٍ﴾: خیر و برکت همیشگی.
- 51- ﴿فَطْرِنِي﴾: مرا آفریده و هستی داده است.
- 52- ﴿السَّمَاءِ﴾: باران را.
- 52- ﴿مِدْرَارًا﴾: فراوان پی در پی بدون ضرر.
- 54- ﴿أَعْتَرْنَاكَ﴾: به تو رسانده است.
- 54- ﴿بِسُوءٍ﴾: جنون و دیوانگی.
- 55- ﴿فَكِيدُونِي﴾: پس به ضرر من دست به حیل‌ه‌ بزیند.
- 55- ﴿لَا تُنظِرُونِ﴾: مه‌لتم ندهید.
- 56- ﴿ءَاخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا﴾: خدا مالک اوست و بر او قدرت دارد.
- 57- ﴿حَفِيظٌ﴾: مراقب و شاهد است.
- 58- ﴿غَلِيظٌ﴾: بسیار سخت.
- 59- ﴿جَبَّارٍ﴾: خود بین و متکبر.
- 59- ﴿عَنِيدٍ﴾: سرکش، حق ستیز.
- 60- ﴿بُعْدًا لِّعَادِي﴾: عاد نابود و از خیر دور باد.
- 61- ﴿وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾: عمران زمین را به اختیار شما گذاشت و شما را در آن ساکن ساخت.
- 62- ﴿مُرِيبٍ﴾: تشویش و اضطراب آور.
- 63- ﴿أَرْءَيْتُمْ﴾: به من بگوئید.
- 63- ﴿بَيِّنَةٍ﴾: یقین، بیان روشن و بصیرت.
- 63- ﴿تَخْسِيرٍ﴾: ضرر، اگر از او نافرمانی کنم.

- 64- ﴿ءَايَةً﴾: معجزه‌ای که دلیل صدق نبوت است.
- 67- ﴿الصَّيْحَةَ﴾: صدای کشنده از آسمان.
- 67- ﴿جَثْمِينَ﴾: خشک، بی حرکت و بی جان.
- 68- ﴿لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا﴾: از مدت‌ها، به خوشی و عشرت در اینجا بسر نبرده‌اند.
- 68- ﴿بُعْدًا لِّثُمُودَ﴾: ثمود از رحمت حق دور و نابود باد.
- 69- ﴿يَعْجَلِ حَنِيذٍ﴾: گوساله بریان با سنگ‌های گداخته.
- 70- ﴿نَكَرَهُمْ﴾: آن‌ها را نپسندید و از رفتارشان بدش آمد.
- 70- ﴿أَوْجَسَ مِنْهُمْ﴾: در قلب خود از آن‌ها احساس ترس کرد.
- 72- ﴿يُؤَيَّلَتْ﴾: کلمه تعجب است.
- 73- ﴿مَّجِيدٌ﴾: دارای خیر و احسان زیاد.
- 74- ﴿الرَّوْعُ﴾: خوف و ترس.
- 75- ﴿لَحْلِيمٌ﴾: همانا بردبار است، شتاب نمی کند.
- 75- ﴿أَوَاهٌ﴾: پرسوز و آه از ترس خدا.
- 75- ﴿مُنِيبٌ﴾: به خدای سبحان رجوع می کرد.
- 77- ﴿سَيِّءَ بِهِمْ﴾: از آمدن آن‌ها خوشحال نشد چون بخاطر آن‌ها از بدکاران قوم خود ترسید.
- 77- ﴿ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا﴾: بخاطر آن‌ها دلتنگ شد که توانش ضعیف بود و برای نجات آن‌ها چاره نداشت.
- 77- ﴿يَوْمَ عَصِيبٍ﴾: بدی و مصیبت امروز سخت تر است.
- 78- ﴿يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ﴾: به سوی او می شتافتند، گویی مجبورشان ساخته‌اند.
- 78- ﴿لَا تُخْزُونِ﴾: رسوا و اهانت نکند.
- 79- ﴿مِنْ حَقِّ﴾: هیچ ضرورتی.
- 80- ﴿ءَاوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ﴾: به قدرتمندی می پیوستم و به کمک او بر شما چیره می شدم.
- 81- ﴿بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ﴾: قسمتی از شب یا آخر آن.

- 82- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل پخته شده با آتش مانند سفال.
- 82- ﴿مَتَّضُودٍ﴾: پی در پی یا انبوه و آماده برای عذاب.
- 83- ﴿مُسَوَّمَةً﴾: نشانی شده برای عذاب.
- 84- ﴿أَرْلُكُم بِحَيْرٍ﴾: شما را در نعمت و آسایشی می بینم که از کم فروشی بی نیازتان می کند.
- 84- ﴿يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾: روزه لاکت آور.
- 85- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.
- 85- ﴿لَا تَبْخَسُوا﴾: کم نکنید.
- 85- ﴿لَا تَعْتُوا﴾: فساد را به حد کمال نرسانید.
- 86- ﴿بَقِيَّتِ اللَّهِ﴾: حلالی که خدا برای شما باقی گذاشته است.
- 86- ﴿بِحَفِيفٍ﴾: مراقب که شما را به سبب اعمالتان جزا بدهم.
- 88- ﴿أَرْءَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- 88- ﴿بَيِّنَةٍ﴾: هدایت و بصیرت.
- 89- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: شما را وادار نسازد.
- 91- ﴿رَهْطِكُمْ﴾: گروه و قبیل هات.
- 92- ﴿وَرَأَى كُمْ ظَهْرِيًّا﴾: پشت سر خود فراموش شده و بی ارزش.
- 93- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: آخرین توان خود.
- 93- ﴿وَأَرْتَقِبُوا﴾: منتظر عاقبت و نتیجه باشید.
- 94- ﴿الصَّيْحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از آسمان.
- 94- ﴿جَثْمِينَ﴾: خشک بی حرکت و بی جان.
- 95- ﴿لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا﴾: از مدت ها، در این سرزمین به خوشی سکونت نداشت ه اند.
- 95- ﴿بُعْدًا لِّمَدْيَنَ﴾: قوم مدین از رحمت حق دور و نابود باد.
- 95- ﴿بِعَدَّتْ ثَمُودُ﴾: پیش از این ثمود نابود شد.

- 96- ﴿سُلْطٰنٍ مُّبٰینٍ﴾: دلیلی روشن بر صدق رسالتش.
- 98- ﴿یَقْدُمُ قَوْمَهُ﴾: فرعون پیشاپیش قوم خود خواهد بود.
- 98- ﴿فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ﴾: پس آن‌ها را در دوزخ داخل می‌کند چون هم از وحدانیت خدا منکر بودند.
- 98- ﴿الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ﴾: دوزخ و کسانی که در آن داخل می‌شوند.
- 99- ﴿الزَّرْفُدُ الْمَرْفُودُ﴾: عطی‌های که به آن‌ها داده شده است، لعنت.
- 100- ﴿حَصِیدٍ﴾: نشانش از میان رفت‌ه مانند کشت درو شده.
- 101- ﴿غَیْرَ تَنْبِیْءٍ﴾: بجز زیان و نابودی.
- 106- ﴿زَفِیْرٌ﴾: به شدت بیرون آوردن هوا از سین‌ه.
- 106- ﴿شَهِیقٌ﴾: برگشتن نفس به سین‌ه.
- 108- ﴿غَیْرَ مَجْدُوذٍ﴾: بی‌پایان.
- 110- ﴿مُرِیْبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- 112- ﴿لَا تَطْعَوَا﴾: از حدی که خدا برای شما تعیین کرده، تجاوز نکنید.
- 113- ﴿لَا تَرَکَنُوْا﴾: دل‌های شما به محبت آنان میل نکنند.
- 114- ﴿زُلْفًا مِّنَ اللَّیْلِ﴾: ساعاتی از شب نزدیک روز.
- 114- ﴿ذِکْرٰی لِدَلَّاکِرِیْنَ﴾: پندی است برای پندپذیران.
- 116- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملت‌ها.
- 116- ﴿أُولُوْا بَقِیَّةٍ﴾: صاحبان عقل و خیر.
- 116- ﴿مَا أَتْرَفُوا فِیْهِ﴾: به آن‌ها توانگری و نعمت ارزانی شده بود.
- 119- ﴿تَمَّتْ﴾: حتمی و قطعی شد.
- 121- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: آخرین توان خویش را به کار گیرید.

- 3- ﴿نَقُصُّ عَلَيْكَ﴾: ای محمد، ب‌ه تو خبر می‌دهیم یا بیان می‌داریم.
- 6- ﴿يَجْتَبِيكَ﴾: تورا بکاره‌ای بزرگ برمی‌گزیند.
- 6- ﴿تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ﴾: تعبیر و تفسیر خواب.
- 8- ﴿نَحْنُ عُصْبَةٌ﴾: ما جمعی هستیم می‌توانیم کاره‌ای او را درست و مرتب کنیم، نه آن دوتا.
- 8- ﴿ضَلَلِ مُبِينٍ﴾: ب‌ه ترجیح این دو بر ما، گرفتار خطای آشکار است.
- 9- ﴿أَوْ أَطْرَحُوهُ أَرْضًا﴾: او را ب‌ه سرزمینی دور از پدرش بیندازید.
- 9- ﴿يَجُلُّ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ﴾: محبت و توجه پدرتن را ب‌ه شما رسد.
- 10- ﴿عَبَبَتِ الْجُبِّ﴾: قعر چاه.
- 10- ﴿السِّيَارَةِ﴾: مسافری.
- 12- ﴿يَرْتَعُ﴾: تا از خوردنی‌های لذیذ فراوان بخورد.
- 12- ﴿يَلْعَبُ﴾: مسابقه و تیراندازی کند.
- 15- ﴿أَجْمَعُونَ﴾: قصد کردند.
- 17- ﴿نَسْتَبِقُ﴾: مسابقه تیراندازی می‌کردیم.
- 18- ﴿سَوَّلَتْ﴾: آراسته و آسان کرده است.
- 18- ﴿فَصَبْرٌ جَمِيلٌ﴾: در این امر ب‌ه غیر خدا شکایت نمی‌کنم.
- 19- ﴿سَيَّارَةٌ﴾: کاروانی که از مدین عازم مصر بود.
- 19- ﴿وَأَرْدَهُمْ﴾: کسی که پیشاپیش هم‌سفران برای ت‌ه‌ی آب حرکت می‌کند.
- 19- ﴿فَأَدَلَّى دَلْوَهُ﴾: پس دلوش را ب‌ه چاه انداخت تا آب بگیرد.
- 19- ﴿أَسْرُوهُ﴾: آب رسان و یارانش او را از بقی‌ه‌پن‌ه‌ان کردند یا برادرانش حال او را ن‌ه‌ان داشتند.
- 20- ﴿شَرَوْهُ﴾: برادرانش یا کاروانیان او را فروختند.
- 20- ﴿بِثَمَنِ بَخْسٍ﴾: ب‌ه قیمت اندک.
- 21- ﴿أَكْرَمِي مَثْوَاهُ﴾: محل اقامت او را خوش آیند و نیکو بساز.

- 21- ﴿غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ﴾: خدا تواناست، هیچ کس نمی تواند مانع اجرای کار او شود.
- 22- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت خود رسید.
- 23- ﴿رَوَدَّتْهُ﴾: برای هم بستر شدن با یوسف حیل به خرج داد.
- 23- ﴿هَيْتَ لَكَ﴾: بشتاب و بیاکه میل و رغبت من به توست.
- 23- ﴿مَعَاذَ اللَّهِ﴾: از انجام این عمل به خدای یکتا پناه می برم.
- 24- ﴿هَمَّ بِهَا﴾: به غریزه بشری قصد او کرد، همراه با عصمت.
- 24- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: برگزیدگان برای طاعت یا رسالت او تعالی.
- 25- ﴿وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ﴾: هر دو به سوی در دیدند، یوسف می خواست بیرون شود اما او مانع می شد.
- 25- ﴿قَدَّتْ قَمِيصَهُ﴾: پراهن او را درید.
- 25- ﴿الْفَيَا سَيِّدَهَا﴾: شوهرش را دیدند.
- 26- ﴿شَهِدَ شَاهِدٌ﴾: خدا کودکی را درگ هواره به سخن آورد و او به برائت یوسف شهادت داد.
- 30- ﴿شَغَفَهَا حُبًّا﴾: محبت جوان دل او را پاره کرده است.
- 31- ﴿أَعَدَّتْ لَهُنَّ مَتَكًا﴾: برای آن ها پشتی و نازبالش آماده ساخت.
- 31- ﴿أَكْبَرْنَهُ﴾: عظمت و شکوه او را دریافتند و با دیدن جمال زیبا او مدهوش شدند.
- 31- ﴿قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ﴾: از فرط حیرت و دهشت، دست های خود را بریدند.
- 31- ﴿حَلَسَ لِلَّهِ﴾: خدا پاک و منزّه است و از آفرینش مانند این ناتوان نیست.
- 32- ﴿فَأَسْتَعَصَمَ﴾: اما دست از عفت بر نداشت و نپذیرفت.
- 33- ﴿أَصْبُ إِلَيْهِنَّ﴾: به پذیرش خواهش آن ها متمایل می شوم.
- 36- ﴿أَعَصِرُ حَمْرًا﴾: انگور را می فشارم که برای استفاده شاه شراب ساخت ه شود.
- 37- ﴿ذَلِكُمْ﴾: این تعبیر خواب و خبر دادن از چیزهایی که آمدنی است.
- 40- ﴿الَّذِينَ الْقِيَمُ﴾: دین مستقیم یا استوار با دلایل.
- 43- ﴿عَجَافٌ﴾: بسیار لاغر. ﴿تَعْبُرُونَ﴾: تأویل و تعبیر آن را می دانید.

- 44- ﴿أَضَعَلْتُ أَحْلِمَ﴾: خواب‌های پریشان.
- 45- ﴿أَدَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾: بعد از مدت زیاد به یاد آورد.
- 47- ﴿دَابَّ﴾: مثل عادت همیشگی خود به کشت و زرع پردازد.
- 48- ﴿تُحْصِنُونَ﴾: برای بذر ذخیره می‌کنید.
- 49- ﴿يُعَاثُ النَّاسُ﴾: باران می‌بارد و زمین‌های مردم پرسبزه و گیاه می‌شود.
- 49- ﴿يُعْصِرُونَ﴾: آنچه عصاره‌اش گرفته می‌شود می‌فشارند، مانند زیتون.
- 50- ﴿مَا بَالُ النَّسْوَةِ﴾: سرگذشت آن زن‌ها چه بود؟
- 51- ﴿مَا خَطْبُكُنَّ﴾: کار شما چگونه بود؟
- 51- ﴿حَشَّ لِلَّهِ﴾: خدا منزّه و عفت یوسف شکفت انگیز است.
- 51- ﴿حَصَّصَ الْحَقُّ﴾: حقیقت پن‌ها آشکار شد.
- 54- ﴿مَكِينٌ﴾: دارای مقام عالی و اختیارات گسترده.
- 56- ﴿يَتَّبِعُونَ مِنْهَا﴾: به سرزمین مصر اقامت می‌گزینند.
- 59- ﴿جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ﴾: یوسف ضروریات آن‌ها را تهیه کرد.
- 62- ﴿بِضَعَّتَهُمْ﴾: کالای آن‌ها را که با آن مواد غذایی خریدند.
- 62- ﴿رِحَالِهِمْ﴾: ظرف‌های آن‌ها که مواد غذایی داشت.
- 65- ﴿مَتَلَعْتَهُمْ﴾: مواد غذایی یا بارهای خود را.
- 65- ﴿مَا نَبَغِي﴾: بالاتر از این چه احسانی می‌خواهیم؟
- 65- ﴿نَمِيرُ أَهْلَنَا﴾: از مصر برای خانواده خود مواد غذایی می‌آوریم.
- 66- ﴿مَوْثِقًا﴾: پیمان مؤکد به سوگند که بتوان به آن اعتماد کرد.
- 66- ﴿يُحَاطُ بِكُمْ﴾: هم‌شما مغلوب یا هلاک شوید.
- 66- ﴿وَكَيْلٌ﴾: مراقب و آگاه.
- 69- ﴿ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ﴾: برادر پدری و مادری خود بنیامین را نزد خود جای داد.
- 69- ﴿فَلَا تَبْتَيْسُ﴾: اندوه‌گین مباش.

- 70- ﴿السَّقَايَةَ﴾: ظرف طلایی برای نوشیدن آب که به پیمان‌ه کردن استعمال می‌شد.
- 70- ﴿أَذِّنْ مُؤَدِّنٌ﴾: منادی فریاد زد.
- 70- ﴿الْعَيْرُ﴾: کاروانی که بار دارد.
- 72- ﴿صُوعَ الْمَلِكِ﴾: پیمان‌ه پادشاه را.
- 72- ﴿رَعِيمٌ﴾: کفیل، این جایزه را شخص خودم می‌دهم.
- 76- ﴿كِدْنَا لِيُوسُفَ﴾: بخاطر رسیدن یوسف به هدفش تدبیر کردیم.
- 76- ﴿دِينَ الْمَلِكِ﴾: شریعت یا حکم پادشاه مصر.
- 79- ﴿مَعَاذَ اللَّهِ﴾: به خدا پناه می‌بریم.
- 80- ﴿أَسْتَيْسُوا مِنْهُ﴾: از یوسف مایوس شدند که سخنان آن‌ها را نپذیرفت.
- 80- ﴿خَلَصُوا نَجِيًّا﴾: تن‌ها شدند و به مشاوره پرداختند.
- 80- ﴿مَا فَرَطْتُمْ﴾: کوتاهی کردید «ما» زاید است.
- 82- ﴿الْعَيْرِ﴾: کاروان.
- 83- ﴿سَوَّلَتْ﴾: آراسته و آسان کرده است.
- 84- ﴿يَتَأَسْفَى﴾: ای اندوه‌بی کران.
- 84- ﴿وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ﴾: چشمانش را پرده گرفت و سفید شدند.
- 84- ﴿كَظِيمٌ﴾: خشم یا اندوه فراوان خویش را ن‌ان می‌داشت.
- 85- ﴿تَفْتَوُا﴾: همیشه.
- 85- ﴿تَكُونُ حَرَصًا﴾: مریض شوی و به آستان‌ه مرگ قرار بگیری.
- 86- ﴿بَيْتِي﴾: غم و اندوه سنگینم را.
- 87- ﴿فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ﴾: یوسف را جستجو و پیدا کنید. رُوحِ اللَّهِ: رحمت خدا.
- 88- ﴿الضُّرُّ﴾: لاغری از شدت گرسنگی.
- 88- ﴿بِضْعَةِ مُزَجَنَةٍ﴾: متاع از رواج افتاده، بد و تباه.
- 91- ﴿ءَأَثَرَكَ اللَّهُ﴾: تو را بر ما فضیلت و برتری داده است.

- 92- ﴿لَا تَثْرِبَ عَلَیْكُمْ﴾: هیچ توبیخ و سرزنش نمی شوید.
- 93- ﴿يَأْتِ بِصِيرًا﴾: از خوشحالی زیاد بینا می شود.
- 94- ﴿فَصَلَّتْ الْعِیْرُ﴾: کاروان از دیار مصر فاصله گرفت.
- 94- ﴿لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ﴾: اگر مرا به بی خردی نسبت ندهید یا تکذیب نکنید.
- 95- ﴿ضَلَّلِكَ﴾: نادرست فکر می کنی.
- 99- ﴿ءَاوَىٰ إِلَیْهِ أَبُوْیَهِ﴾: پدر و مادرش را نزد خود جای داد و دست به گردن هم انداختند.
- 100- ﴿سُجَّدًا﴾: سجده کنان، در شریعت ایشان این کار درست بود.
- 100- ﴿الْبَدْوِ﴾: بادی ه.
- 100- ﴿نَزَعَ الشَّیْطٰنُ﴾: شیطان تخم فساد افکند.
- 101- ﴿فَاطِرَ...﴾: ای خالق و آفریدگار...
- 102- ﴿أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ﴾: قصد کردند تا در برابر یوسف دست به حیل ه بزنند.
- 105- ﴿كَأَیِّنَ مِّنْ ءَایَةٍ﴾: بسیاری از نشان ه های خدا.
- 107- ﴿عَلَشِیْئَةٍ﴾: عذابی که دامنگیر ه مگان شود.
- 107- ﴿بَعْتَهُ﴾: ناگ ه ان.
- 110- ﴿أَسْتَبَسَّ الرُّسُلُ﴾: پیامبران به اثر طولانی شدن زمان از نصرت نومید شدند.
- 110- ﴿ظَنُّوْا﴾: پیامبران گمان کردند یا احساس درونی به آن ه دست داد.
- 110- ﴿بِأَسْنَا﴾: عذاب ما.
- 111- ﴿عِبْرَةٌ﴾: پند و بیدار کننده غافلان است.
- 111- ﴿يُفْتَرَىٰ﴾: به دروغ بافته شود.

سوره رعد

- 2- ﴿بِعَيْرٍ عَمَدٍ﴾: بدون ستون.
- 2- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق او تعالی است.
- 2- ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ﴾: هم عالم را به قدرت و حکمت اداره می کند.
- 3- ﴿مَدَّ الْأَرْضُ﴾: زمین را گسترده است به مشاهده چشم.
- 3- ﴿رَوَّسَى﴾: کوه‌ای پا برجاست زمین تکان نخورد.
- 3- ﴿زَوْجَيْنِ﴾: دو گون.
- 3- ﴿يُغِشِي الْأَيْلَ الْتَهَّارَ﴾: روز را با تاریکی شب می پوشاند یا به عکس.
- 4- ﴿قَطَعْ﴾: قطع‌ه‌ها با طبایع و صفات مختلف.
- 4- ﴿نَخِيلٌ صِنَوَانٌ﴾: درخت‌های خرمايي که از یک ریشه برویند.
- 4- ﴿الْأَكْلُ﴾: خوردنی‌ها، میوه و دان.
- 5- ﴿الْأَعْلَلُ﴾: غل و زنجیر.
- 6- ﴿الْمُثَلَّثُ﴾: عذاب فضیحت باری که دامنگیر امثال ایشان گردیده.
- 6- ﴿مَغْفِرَةٌ لِلنَّاسِ﴾: نسبت به انسان پرده پوش است و به آن‌ها مهلت می دهد.
- 8- ﴿مَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ﴾: آنچه را رحم سقط می کند.
- 8- ﴿بِمَقْدَارٍ﴾: به اندازه و محدود که از آن تجاوز نمی کند.
- 9- ﴿الْكَبِيرُ﴾: بزرگواری که هم‌اشیاء زیر دست او هستند.
- 9- ﴿الْمُتَعَالِ﴾: برتر از هم چیز به قدرت خود⁽¹⁾.
- 10- ﴿سَارِبٌ﴾: در راه خویش آشکار برود.

1- این یکی از معانی علواست که برای الله سبحانه به اثبات رسیده است زیرا او با چیرگی و با ذات خویش بالاتر از آفریده‌ایش قرار دارد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشت‌های دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 11- ﴿لَهُرُّ مُعَقَّبَتٌ﴾: برای حفظ او فرشتگان پی در پی می آیند.
- 11- ﴿مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾: به فرمان خدا.
- 11- ﴿مِنْ وَالٍ﴾: یار و یاور یا کسی که عهده دار امور ایشان باشد.
- 12- ﴿السَّحَابَ الثَّقَالَ﴾: ابر سنگین و پر آب.
- 13- ﴿شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾: عذابی دشوار دارد یا بسیار قوی است.
- 14- ﴿لَهُرُّ دَعْوَةُ الْحَقِّ﴾: دعوت حق، کلمه توحید از آن خداست.
- 15- ﴿وَاللَّهُ يَسْجُدُ﴾: به فرمان خدا گردن می نهد.
- 15- ﴿ظَلَلُكُمْ﴾: سایه ای آن ها هم به فرمان خدا گردن می نهند.
- 15- ﴿بِالْعُدْوِ﴾: به اول روز.
- 15- ﴿وَالْأَصَالِ﴾: به آخر روز.
- 17- ﴿يَقْدَرُهَا﴾: به اندازه که حکمت خدا اقتضا کند.
- 17- ﴿زَبَدًا﴾: کف و خاشاک روی آب.
- 17- ﴿رَابِيًا﴾: بلند آمده و پر باد.
- 17- ﴿زَبَدٌ﴾: آنچه وقت گداختن از فلزات جدا شود.
- 17- ﴿جُفَاءً﴾: دور انداخته یا پراکنده می شود.
- 18- ﴿بِئْسَ الْمِهَادُ﴾: ج هلم جایگاه بد است.
- 22- ﴿يَدْرَعُونَ﴾: دفع و گذشت می کنند.
- 22- ﴿عُقْبَى الدَّارِ﴾: فرجام منزلگاه آخرت پسندیده، جنت است.
- 25- ﴿سُوءَ الدَّارِ﴾: عاقبت زشت آن، دوزخ.
- 26- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر که را بخواهد به اقتضای حکمتی کم می کند.
- 26- ﴿مَتَّعٌ﴾: چیز اندک و ناپایدار.
- 27- ﴿أَنَابٌ﴾: قلباً به خدا رجوع کند.
- 29- ﴿طُوبَى لَّهُمْ﴾: در آخرت زندگانی برای آن ها خوش است.

- 29- ﴿حُسْنُ مَابٍ﴾: بهترین مرجع و جای بازگشت.
- 30- ﴿إِلَيْهِ مَتَابٍ﴾: توبه و بازگشت من تنه‌ا به سوی خداست.
- 31- ﴿أَفَلَمْ يَأْسِسْ﴾: آیا ندانست‌ه‌اند و برای شان آشکار نشده است.
- 31- ﴿قَارِعَةً﴾: مصیبتی که آن‌ه‌ا را به اقسام بلاه‌ا بکوبد.
- 32- ﴿فَأَمَلَيْتَ﴾: مهلت دادم و امنیت و راحت ایشان را طولانی ساختم.
- 34- ﴿وَاقٍ﴾: نگاه‌دارنده و پناه‌دهنده.
- 35- ﴿أَكُلُهَا دَائِمٌ﴾: میوه‌ای آن دایمی است.
- 36- ﴿إِلَيْهِ مَابٍ﴾: بازگشت من برای جزا تنه‌ا به سوی خداست.
- 38- ﴿لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ﴾: به حکمت بالغه‌ال‌ه‌ی برای هر زمانی حکمی تعیین شده است.
- 39- ﴿أُمُّ الْكِتَابِ﴾: لوح محفوظ یا علم‌ال‌ه‌ی.
- 41- ﴿لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ﴾: هیچ کس نمی‌تواند حکم او را رد یا باطل کند.

سوره ابراهیم

- 1- ﴿بِإِذْنِ رَبِّهِمْ﴾: به توفیق یا به امر خدا.
- 1- ﴿الْعَزِيزِ﴾: غالب یا بی‌مثل و مانند.
- 1- ﴿الْحَمِيدِ﴾: ستوده و ستایش شده.
- 2- ﴿وَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا وادبی است درجه‌نم.
- 3- ﴿يَسْتَجِيبُونَ﴾: اختیار می‌کنند و ترجیح می‌دهند.
- 3- ﴿يَبْتَغُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.
- 5- ﴿بِأَيِّمِ اللَّهِ﴾: نعمت‌های خدا یا بلا‌های که بر امت‌های گذشته وارد کرد.
- 6- ﴿يَسْؤُمُونَكُمْ﴾: به شما می‌چشانند و به کاره‌ای دشوارتان می‌گماشتند.
- 6- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را برای خدمت زنده می‌گذاشتند.

- 6- ﴿بَلَاءٌ﴾: امتحانی بود به نعمت و شکنجه.
- 7- ﴿تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ﴾: پروردگار شما به تأکید اعلام فرمود.
- 9- ﴿فَرَدُّوْاْ اٰیْدِيَهُمْ فِیْٓ اَفْوَاهِهِمْ﴾: از شدت خشم بر پیامبران و گفتار ایشان انگشتان خویش را به دندان گرفتند.
- 9- ﴿مُرِیْبٌ﴾: شک و اضطراب آور.
- 10- ﴿فَاٰطِرٌ﴾: آفریدگار.
- 10- ﴿بِسُلْطٰنٍ﴾: حجت روشن به صدق گفتار خود.
- 14- ﴿خَافَ مَقَامِیْ﴾: از ایستادن به حضور من در روز قیامت بترسد.
- 15- ﴿اَسْتَفْتَحُوْاْ﴾: پیامبران علی‌ه ستمگران از خدا کمک خواستند.
- 15- ﴿حَابَ كُلِّ جَبَّارٍ﴾: هم‌ه متکبران سرکش نابود شدند.
- 15- ﴿عَنِیْدٍ﴾: ستیزه‌گرو دور از حق.
- 16- ﴿صَدِیْدٍ﴾: زردابی که از بدن دوزخیان روان می‌شود.
- 17- ﴿یَتَجَرَّعُهُ﴾: آن آب را به زحمت فرو می‌برد چون گرم و تلخ است.
- 17- ﴿لَا یَكَادُ یُسِیْغُهُ﴾: از شدت زشتی و بوی بدش نتواند به آسانی ببلعد.
- 18- ﴿یَوْمٍ عَاصِفٍ﴾: روز طوفانی که باد به شدت بوزد.
- 21- ﴿بَرَزُوْاْ﴾: از قبره با خاطر حساب بیرون می‌شوند.
- 21- ﴿مُعٰنُوْنَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می‌کنید.
- 21- ﴿مُحِیْصٍ﴾: جای فرار و نجات.
- 22- ﴿سُلْطٰنٍ﴾: تسلط یا حجت.
- 22- ﴿بِمُصْرِحِكُمْ﴾: نجات دهنده شما از عذاب.
- 22- ﴿بِمُصْرِحِیْ﴾: مرا از عذاب نجات دهید.
- 24- ﴿كَلِمَةً طٰیْبَةً﴾: کلمه توحید و اسلام.
- 25- ﴿تُوْتٰی اُكْلَهَا﴾: میوه می‌دهد.

- 26- ﴿كَلِمَةٍ حَيِّثَةٍ﴾: سخن کفر و گمراهی.
- 26- ﴿أَجْتُنْتُ﴾: تن‌هاش از رشی‌ه جدا شد.
- 27- ﴿فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾: در قبره‌نگام سؤال.
- 28- ﴿ذَارَ الْبَوَارِ﴾: سرای تباه‌ی، ج‌نم.
- 29- ﴿يَصْلَوْنَهَا﴾: در آن داخل می‌شوند یا سختی آتش وی را می‌کشند.
- 30- ﴿أَنْدَادًا﴾: هم‌تایان یعنی بت‌ها را پرستش کردند.
- 31- ﴿لَا خَلْلٌ﴾: نه دوستی است و نه محبت.
- 33- ﴿ذَائِبِينَ﴾: برای منافع و مصالح شما همواره در جریانند.
- 34- ﴿لَا تُحْصَوْنَ﴾: توان شمارش آن را ندارید که بی‌ن‌هایت است.
- 35- ﴿وَأَجْنِبْنِي﴾: مرا دورنگ‌دار.
- 37- ﴿تَهَوَّىٰ إِلَيْهِمْ﴾: به سوی آن‌ها به شوق بشتابد.
- 42- ﴿تَشَخَّصُ فِيهِ الْأَبْصَرُ﴾: در آن روز چشم‌ها از ترس باز و پلک‌ها بی‌حرکت می‌مانند.
- 43- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: به ذلت به سوی دعوت کننده می‌شتابند.
- 43- ﴿مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ﴾: سرهای خود را بالا گرفت و مدام به جلو نگاه می‌کنند.
- 43- ﴿أَفَدُّهُمْ هَوَاءٌ﴾: دل‌هایشان ته‌ی و از شدت حیرت چیزی را نمی‌فهمند.
- 48- ﴿بَرُّوْا لِلَّهِ﴾: از قبره‌بیرون می‌آیند و بخاطر حساب به پیشگاه خدا حاضر می‌شوند.
- 49- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: به یکدیگر بسته شده‌اند.
- 49- ﴿الْأَصْفَادِ﴾: زنجیره‌ها یا غل‌ها.
- 50- ﴿سَرَابِيلُهُمْ﴾: لباس‌هایشان.
- 50- ﴿تَعَشَّىٰ وُجُوهُهُمْ﴾: روی‌های ایشان را می‌پوشاند.
- 52- ﴿بَلَغُ لِّلنَّاسِ﴾: پند و انداز کامل است برای مردم.

سوره جبر

- 2- ﴿رُبَّمَا﴾: «رَبَّ» برای تقلیل و «مَا» زاید است، چه بسا.
- 3- ﴿ذَرَّهُمْ﴾: ب‌ه حال خود ره‌اشان کن.
- 4- ﴿لَهَا كِتَابٌ﴾: زمان آن معلوم و در لوح محفوظ نوشته است.
- 7- ﴿لَوْ مَا تَأْتِينَا﴾: چرا برای ما نمی‌آوری.
- 8- ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾: جز ب‌ه مقتضای حکمت.
- 9- ﴿الذِّكْرِ﴾: قرآن را.
- 10- ﴿شَيْعِ الْأَوْلِيْنَ﴾: گروه‌های ملت‌های پیشین.
- 12- ﴿نَسَلُكُهُ﴾: قرآن را داخل می‌کنیم در حالی که ب‌ه آن است‌ه‌زای می‌کنند.
- 13- ﴿خَلَّتْ سُنَّتُهُ الْأَوْلِيْنَ﴾: این سنت‌ال‌هی است که هر کس پیامبران را تکذیب کند نابود می‌شود.
- 14- ﴿يَعْرُجُونَ﴾: مشرکان صعود کنند و فرشتگان و اشیای شگفت‌انگیز را ببینند.
- 15- ﴿سُكِّرَتْ أَبْصَرُنَا﴾: چشم بندی است.
- 16- ﴿بُرُوجًا﴾: منازلی برای ستارگان سیار.
- 17- ﴿رَجِيمٍ﴾: مطرود یا مرجوم با ستارگان.
- 18- ﴿أَسْتَرَقَ السَّمْعَ﴾: دزدیده و پنهانی از عالم بالا چیزی را گوش داد.
- 18- ﴿فَأَتَّبَعَهُ﴾: ب‌ه او می‌رسد.
- 18- ﴿شِهَابٌ﴾: شعل‌ه‌آتش که ب‌ه سرعت از آسمان پایین می‌آید.
- 18- ﴿مُبِينٌ﴾: آشکار ب‌ه چشم بینندگان.
- 19- ﴿الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا﴾: زمین را بخاطر ب‌ه‌ره‌گیری از آن گسترش دادیم.
- 19- ﴿رَوَاسِي﴾: کوه‌های پا برجات‌تکان نخورد.
- 19- ﴿مَوْزُونٍ﴾: اندازه کرده شد ب‌ه میزان حکمت.

- 20- ﴿مَعْيَشٍ﴾: خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را که وسیله زندگانی شماست.
- 21- ﴿عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ﴾: ما به ایجاد و تدبیر خزان‌های ارزاق توانا هستیم.
- 21- ﴿نُنَزِّلُهُ﴾: او را ایجاد می‌کنیم یا عطا می‌نماییم.
- 21- ﴿بِقَدْرِ مَعْلُومٍ﴾: به اندازه معین به مقتضای حکمت.
- 22- ﴿الرِّيْحِ لَوَاقِحٍ﴾: باده‌ها را که ابریا آب را می‌برند یا درخت‌ها را آباستن می‌کنند.
- 23- ﴿مَخْنُ الْوَارِثُونَ﴾: بعد از نابودی آفرینش ما پاینده و باقی هستیم.
- 26- ﴿صَلَّصِلٍ﴾: گل خشک مانند سفال.
- 26- ﴿حَمَائٍ﴾: گل سیاه و تغییر یافته.
- 27- ﴿نَارِ السَّمُومِ﴾: بادن‌های گرم و کشنده.
- 29- ﴿سَوِيئَةٍ﴾: شکل و صورت او را کامل کردم به جهت دمیدن روح.
- 29- ﴿سَاجِدِينَ﴾: سجده کنید سجده سلام و تحیت نه سجده عبادت.
- 31- ﴿أَبَى﴾: از کبر و سرکشی امتناع کرد.
- 32- ﴿مَا لَكَ﴾: هفت چيست یا عذرت چيست.
- 34- ﴿رَجِيمٍ﴾: از رحمت خدا دوری.
- 35- ﴿الْلَعْنَةَ﴾: به غضب از خود دور کردن.
- 36- ﴿فَأَنْظِرْنِي﴾: مه‌لتم بده و مرگم را به تأخیر انداز.
- 38- ﴿الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾: وقت نفع‌اول.
- 39- ﴿لَاغْوِيَنَّهُمْ﴾: آن‌ها را گمراه می‌کنم.
- 40- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: کسانی که به طاعت خود برگزیده‌ای.
- 41- ﴿صِرَاطٍ عَلِيِّ﴾: راهی است که مراعات آن بر من واجب.
- 42- ﴿سُلْطَنٍ﴾: تسلط و توانایی بر گمراه کردن.
- 44- ﴿جُزْءٍ مَّقْسُومٍ﴾: گروه معین متمایز از دیگران.
- 47- ﴿غَلِيٍّ﴾: کینه، عناد و دشمنی.

- 48- ﴿نَصَبٌ﴾: هیچ خستگی ورنجی.
- 51- ﴿صَيِّفٍ إِبْرَاهِيمَ﴾: م‌همانان او که از فرشتگان بودند.
- 52- ﴿وَجَلُونَ﴾: ه‌راسانیم.
- 55- ﴿الْقَنَاطِينِ﴾: نومید از خیر یا فرزند.
- 57- ﴿فَمَا خَطْبُكُمْ﴾: کارم‌هم شما چیست؟
- 60- ﴿فَدَرْنَا﴾: دانستیم یا حکم کردیم.
- 62- ﴿قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾: گروهی ناآشنا، من شما را نمی‌شناسم.
- 63- ﴿فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾: در آمدن عذاب شک داشتند و تورا تکذیب می‌کردند.
- 65- ﴿بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ﴾: به قسمتی از شب یا آخر آن.
- 65- ﴿اتَّبِعْ أَذْبُرَهُمْ﴾: از دنبال آن‌ها برو تا از احوال‌شان با خبر باشی.
- 66- ﴿وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ﴾: به لوط وحی فرستادیم.
- 66- ﴿ذَابِرَ هَوَآءٍ﴾: آخرین نفر آن‌ها، جمیع آن‌ها.
- 66- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: هنگام صبح.
- 70- ﴿عَنِ الْعَلَمِينَ﴾: از پناه دادن و م‌همان کردن مردم.
- 72- ﴿لَعَمْرُكَ﴾: ای محمد، به جان تو سوگند.
- 72- ﴿سَكَرْتِهِمْ﴾: بی‌راهی و گمراهی خود.
- 72- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست را نمی‌دیدند یا حیران بودند.
- 73- ﴿الصَّيْحَةَ﴾: آواز کشنده از آسمان.
- 73- ﴿مُشْرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.
- 74- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل سخت پخته شده با آتش.
- 75- ﴿لِلْمُتَوَسِّمِينَ﴾: به اهل فراست و اندیش‌ه.
- 76- ﴿لِبَسْبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾: بر سر راه معلوم، ثابت و پرفرت و آمد قرار دارد.
- 78- ﴿أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ﴾: باشندگان سرزمین پردرخت و دره‌م پیچیده، قوم شعیب.

- 79- ﴿إِنَّهُمَا﴾: ش هره ای قوم لوط و ایکه.
- 79- ﴿لِيَأْمُرَ مُبِينٍ﴾: در سر راه آشکاره ستند که در آنجا سفر می کنند.
- 80- ﴿الْحَجْرِ﴾: دیار ثمود بین مدین ه و شام.
- 83- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: هنگام صبح.
- 87- ﴿سَبْعًا﴾: سوره فاتحه که هفت آی ه است.
- 87- ﴿مَنْ أَلْمَثَانِي﴾: قرائت آن در نماز تکرار می شود «من» بیانی ه است.
- 88- ﴿أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ﴾: گروهه ای از کفار.
- 88- ﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ﴾: فروتنی کن و نرمی نما.
- 90- ﴿الْمُقْتَسِمِينَ﴾: تقسیم کنندگان، اهل کتاب.
- 91- ﴿عِضِينَ﴾: بخش بخش، ب ه قسمتی از قرآن ایمان آوردند و ب ه قسمتی کافر شدند.
- 94- ﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾: رسالت خویش را آشکار کن یا اجرا نما.
- 99- ﴿الْيَقِينِ﴾: مرگ که وقوع آن یقینی است.

سوره نحل

- 2- ﴿بِالرُّوحِ﴾: ب ه وحی از جمله قرآن.
- 4- ﴿نُطْفَةٍ﴾: آب حقیر.
- 4- ﴿هُوَ خَصِيمٌ﴾: او حق ستیز است.
- 5- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- 5- ﴿فِيهَا دِفْءٌ﴾: هنگام سردی خود را ب ه وسیله آن گرم نگاه می دارید.
- 6- ﴿فِيهَا جَمَالٌ﴾: در آن ه اتجمل، زینت و وجاهت است.
- 6- ﴿حِينَ تَرِيحُونَ﴾: هنگام غروب آن ه را ب ه جای شب شان می آورید.
- 6- ﴿حِينَ تَسْرَحُونَ﴾: بامداد که آن ه را ب ه چرامی برید.
- 7- ﴿تَحْمِلُ أُنْقَالَكُمْ﴾: کالای گران بار شما را برمی دارند.

- 7- ﴿بِشِقِّ الْأَنْفُسِ﴾: با رنج و مشقت خود.
- 9- ﴿قَصْدُ السَّبِيلِ﴾: بیان راه راست و هموار.
- 9- ﴿مِنْهَا جَائِرٌ﴾: برخی از راه‌ها کج هستند.
- 10- ﴿فِيهِ تَسْمُونَ﴾: چه‌ار پایان خود را در آن می‌چرانید.
- 13- ﴿مَا ذَرَأَ لَكُمْ﴾: آنچه برای منافع شما خلق کرده است.
- 14- ﴿تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ﴾: از بحر خصوصاً از اقیانوس برون آورید.
- 14- ﴿مَوَاحِرَ فِيهِ﴾: در دریا روان هستند و آب را به شدت می‌شکافند.
- 15- ﴿رَوَّاسِي﴾: کوه‌های پابرجا.
- 15- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ﴾: تا شما را نلرزاند و پیریشان نکند.
- 16- ﴿عَلَّمَتْ﴾: نشان‌ده‌ای سر راه که با آن‌ها راه خود را پیدا می‌کنید.
- 18- ﴿لَا تُحْصَوْنَ﴾: توان شمردن آن را ندارید که بی‌پایان است.
- 23- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.
- 24- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: چیزه‌ای باطل که به کتب آن‌ها نوشته است.
- 25- ﴿أَوْزَارَهُمْ﴾: گناهان خود را.
- 26- ﴿الْقَوَاعِدُ﴾: ستون‌ها و پای‌ها یا بنیاد.
- 27- ﴿يُخْزِيهِمْ﴾: آن‌ها را با شکنجه و عذاب خوار و ذلیل می‌کند.
- 27- ﴿تَشْتَقُونَ فِيهِمْ﴾: درباره آن‌ها با پیامبران دشمنی و ستیز می‌کردید.
- 27- ﴿الْخِزْيَ﴾: ذلت و رسوایی.
- 27- ﴿السُّوءَ﴾: عذاب.
- 28- ﴿فَأَلْفَوْا السَّلَمَ﴾: گردن‌ها دهند و اظهار فروتنی کردند.
- 29- ﴿مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾: مسکن و جای متکبران.
- 32- ﴿طَبِيبِينَ﴾: از پلیدی شرک و عصیان پاک‌کند.
- 34- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آن‌ها را احاطه کرد یا بر آن‌ها فرود آمد.

36- ﴿أَجْتَنِبُوا الزَّلْعُوتَ﴾: از پرستش معبوده‌ای باطل و تمام آن‌هایی که به گمراهی دعوت می‌کنند اجتناب کنید.

36- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و حتمی شد.

38- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: با قسم‌های غلیظ و مؤکد کوشیدند.

41- ﴿لَنْبُؤْتَنَّهُمْ﴾: بدون شک آن‌ها را جای می‌دهیم.

41- ﴿حَسَنَةً﴾: خان‌ه، جای آرامش یا بخششی نیکو.

44- ﴿بِالْبَيِّنَاتِ﴾: آن‌ها را با معجزه‌ها فرستادیم.

44- ﴿الزُّبُرِ﴾: کتاب‌های آسمانی که بیانگر قوانین الهی هستند.

45- ﴿يُخَسِّفُ﴾: فرو برد.

46- ﴿تَقْلِبُهُمْ﴾: سفره و تجارت‌های آن‌ها.

46- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانند فرار کنند.

47- ﴿تَخَوُّفٍ﴾: از ترس عذاب یا کم شدن تدریجی اشخاص و اموال شان.

48- ﴿مِنْ شَيْءٍ﴾: هر جسم استاده و دارای سایه.

48- ﴿يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ﴾: سایه‌های آن از جانبی به جانب دیگر حرکت می‌کند.

48- ﴿سُجَّدًا لِلَّهِ﴾: فرمانبردار او تعالی.

48- ﴿هُم دَاخِرُونَ﴾: سایه‌ها نیز مانند صاحبان خود مطیع هستند.

52- ﴿لَهُ الدِّينُ﴾: تن‌ها از خدای یگانه طاعت لازم است.

52- ﴿وَاصِبًا﴾: دایم، واجب یا خالص.

53- ﴿تَجْرُونَ﴾: به زاری و ناله از او کمک می‌خواهید.

56- ﴿تَفْتَرُونَ﴾: آن‌ها را به دروغ به خدا نسبت می‌دادید.

58- ﴿هُوَ كَظِيمٌ﴾: اعماق جاننش پراز خشم و اندوه می‌شود.

59- ﴿يَتَوَارَى﴾: پنهان می‌شود.

59- ﴿هُونٍ﴾: خواری.

- 59- ﴿يُدْسُهُ﴾: زنده در گورش کند.
- 60- ﴿مَثَلُ السَّوْءِ﴾: صفت بد، کفر و جهالت.
- 62- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و راست است یا ناچار.
- 62- ﴿مُفْرَطُونَ﴾: پیشاپیش به دوزخ فرستاده می شوند.
- 66- ﴿لَعِبْرَةٌ﴾: پند بزرگ و نشانه قدرت ماست.
- 66- ﴿فَرَثٌ﴾: سرگین شکمبه.
- 67- ﴿سَكْرًا﴾: شراب را، سپس به مدینه تحریم شد.
- 68- ﴿أَوْحَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت وحی کرد، وحی در اینجا به معنی الهام و راهنمایی یا تسخیر است.
- 68- ﴿يُيُوتَا﴾: خانها، زنبور عسل آن را برای تهیه عسل می سازد.
- 68- ﴿يَعْرِشُونَ﴾: کندوایی که برای زنبور عسل می سازند.
- 69- ﴿ذُلًّا﴾: رام و آسان برای تو.
- 70- ﴿أَرْدَلِ الْعُمْرِ﴾: بدترین و زبون ترین دوره عمر، بسیار پیر و خرف شدن.
- 71- ﴿فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ﴾: تا آنها و بردگانشان در رزق مساوی باشند؟ نه.
- 72- ﴿حَفْدَةً﴾: خدمتگاره و همکاره یا نبیرگان.
- 76- ﴿أَحَدُهُمَا أَبْنَكُمُ﴾: یکی از آن دو گنگ مادر زاد.
- 76- ﴿هُوَ كُلٌّ﴾: اوانان خوراضافی و سربار است.
- 77- ﴿كَلِمَاحِ الْبَصْرِ﴾: مانند یک نگاه پنهانی.
- 80- ﴿تَسْتَخْفُونَهَا﴾: آنها را سبکبار می یابید.
- 80- ﴿يَوْمَ ظَعْنِكُمْ﴾: وقت سفر خود.
- 80- ﴿أَثْنَا﴾: اثاث خانه های شما مثل فرش.
- 80- ﴿مَتَلَعًا﴾: اسباب که در زندگی و تجارت از آن بهره می گیرید.
- 81- ﴿ظِلَالًا﴾: چیزهای که از سایه آنها استفاده می کنید مانند درختها.

- 81- ﴿أَكْفَنَّا﴾: مغاره‌ها که در آن پناه می‌برید.
- 81- ﴿سَرَابِيلٌ﴾: لباس‌ها یا جوشن‌ها.
- 81- ﴿تَقِيكُمْ بِأَسْكُمْ﴾: در جنگ‌ها شما را از شمشیر و نیزه نگه می‌دارد.
- 84 ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آن‌ها خواسته نمی‌شود که هم‌اکنون پروردگار خود را خوشنود سازند.
- 85- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: مهلت داده نمی‌شوند و عذابشان به تأخیر نمی‌افتد.
- 87- ﴿الْسَّلَامُ﴾: گردن‌ها را به حکم او تعالی.
- 90- ﴿يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾: خدا در امور اعتقادی، عملی و اخلاقی به اعتدال و میان‌روی دستور می‌دهد. ﴿الْإِحْسَانِ﴾: کار درست یا نفع رساندن به مردم. ﴿الْفَحْشَاءِ﴾: گناهان بسیار زشت.
- 90- ﴿الْبَغْيِ﴾: سرکشی و ظلم بر مردم.
- 91- ﴿كَفِيلاً﴾: شاهد، مراقب و ضامن.
- 92- ﴿قُوَّةٍ﴾: محکم تابیدن.
- 92- ﴿أَنْكَاثًا﴾: تاب ریسمان را گشودن.
- 92- ﴿ذَخَالًا بَيْنَكُمْ﴾: در میان خود وسیله فساد، خیانت و فریب.
- 92- ﴿أَنْ تَكُونَ أُمَّةً﴾: تا گروهی باشد.
- 92- ﴿هِيَ أَرْبَى﴾: بسیارتر، قویتر و ثروتمندتر.
- 92- ﴿يَبْلُوكُمْ اللَّهُ بِهِ﴾: خدا شما را به این وسیله می‌آزماید که آیا به عهد خویش وفا می‌کنید.
- 94- ﴿فَتَزَلَّ قَدَمٌ﴾: پای تان از راه روشن اسلام می‌لغزد.
- 96- ﴿يَنْفَدُ﴾: نیست و نابود می‌شود.
- 98- ﴿فَأَسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾: به لطف خدا پناه ببر.
- 99- ﴿سُلْطَانٌ﴾: تسلط و قدرت.
- 100- ﴿يَتَوَلَّوْنَهُ﴾: او را دوست و فرمانروا انتخاب می‌کنند.

- 102- ﴿رُوحُ الْقُدُسِ﴾: روح پاکیزه، جبریل.
- 103- ﴿يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ﴾: به آن نسبت می دهند که پیامبر را آموزش می دهد.
- 107- ﴿أَسْتَحْبُوا﴾: برتر دانستند و برگزیدند.
- 108- ﴿طَبَع﴾: مهربان شده است.
- 109- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.
- 110- ﴿لِلَّذِينَ هُمْ أَجْرُهُمْ﴾: یار و یاورم هاجرین است.
- 110- ﴿فُتِنُوا﴾: بخاطر اسلام گرفتار رنج و عذاب شدند.
- 112- ﴿رَعَدًا﴾: پاکیزه، فراوان یا گوارا و بی زحمت.
- 115- ﴿الْدَّمِ﴾: خون جاری.
- 115- ﴿لَحْمَ الْخَنزِيرِ﴾: تمام اجزای بدن خوک.
- 115- ﴿أَهْلًا لِعَيْبِ اللَّهِ بِهِ﴾: هنگام سربریدن آن اسم غیر خدا ذکر شود.
- 115- ﴿أَصْطُرَ﴾: نیازمندی مجبورش ساخت تا چیزهای حرام را بخورد.
- 115- ﴿غَيْرِ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت محرمت را نخورد یا همیشه این حالت را اختیار نکند.
- 115- ﴿لَا عَادٍ﴾: از سد رمق تجاوز نکند.
- 120- ﴿كَانَ أُمَّةً﴾: ابراهیم عليه السلام معلم خوبی ها یا یگانه مؤمن بود.
- 120- ﴿قَانِتًا لِلَّهِ﴾: فرمانبردار او تعالی.
- 120- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل رو گردان و مایل به دین حق بود.
- 121- ﴿أَجْتَبَلَهُ﴾: او را به نبوت برگزید.
- 123- ﴿مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ﴾: شریعت او که یکتاپرستی است.
- 124- ﴿جُعِلَ السَّبْتُ﴾: تعظیم شنبه و فراغت برای عبادت در آن روز فرض شد.
- 127- ﴿ضَيْقٍ﴾: دلتنگ.

- 1- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي﴾: پاک و منزّه است ذاتی که قدرت او مایه شگفتی است.
- 1- ﴿أَسْرَى بَعْدِهِ﴾: براق را گماشت که او ﷺ را شب هنگام ببرد.
- 1- ﴿لِئْرِيَّهٗ﴾: تا او را جانب آسمان بریم و به او نشان دهیم.
- 2- ﴿وَكَيْلًا﴾: امور خویش را به خدا سپارید.
- 3- ﴿ذُرِّيَّةً...﴾: نسل خاص و یا ای فرزندان...
- 4- ﴿فَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾: به بنی اسرائیل اخبار کردیم که شما دوبار فتنه و فساد برپا می کنید.
- 4- ﴿لَتَعْلُنَّ﴾: در ظلم و سرکشی افراط خواهید کرد.
- 5- ﴿وَعَدُّ أُولَٰئِهِمَا﴾: وعده عذابی که به فتنه و فساد اول معین شده بود.
- 5- ﴿أُولَىٰ بَأْسٍ﴾: نیرومند، ماجم، تند و سریع در کارزار.
- 5- ﴿فَجَاسُوا﴾: برای دست گیری شما با تمام نیرو به جستجو پردازند.
- 5- ﴿خِلَالَ اللَّيَالِ﴾: در خانها.
- 6- ﴿الْكِرَّةِ﴾: دولت و غلبه.
- 6- ﴿أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾: افراد یا قبایل شما را بیشتر از جمعیت دشمنان قرار دادیم.
- 7- ﴿لِيَسْتَوُوا وَجُوهَكُمْ﴾: تا شما را سخت اندوه گین سازند که اثر آن در سیمای شما آشکار گردد.
- 7- ﴿لِيَتَّبِعُوا﴾: تا به شدت نابود و ویران کنند.
- 7- ﴿مَا عَلُوا﴾: به هر چه تسلط یابند.
- 8- ﴿حَصِيرًا﴾: زندان یا بسترو فرش.
- 9- ﴿هِيَ أَقْوَمُ﴾: اسلام و یکتا پرستی درست ترین راه است.
- 12- ﴿الَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾: شب و روز یا تابش ماه و خورشید را.
- 12 ﴿فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ﴾: ماه را بی نور و تاریک آفریدیم.
- 12- ﴿آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً﴾: آفتاب را درخشان و وسیله دیدن چشمها.
- 13- ﴿الزَّمَنَةَ طَيِّرَةً﴾: کارنامه عمل انسان را به او متصل و جدا نشدنی ساختیم.

- 14- ﴿حَسِيبًا﴾: محاسب.
- 15- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ شخص گناه کاری گناه دیگری را بر نمی‌دارد.
- 16- ﴿أَمْرًا مُّتْرَفِيهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت آن دیار را به طاعت خدا دستور می‌دهیم.
- 16- ﴿فَفَسَقُوا﴾: پس تمرد و عصیان نمایند.
- 16- ﴿فَدَمَّرْنَاهَا﴾: پس بنیاد آن دیار را برکنیم و آثارش را محو کنیم.
- 17- ﴿الْقُرُونِ﴾: مللی را که حقایق را تکذیب می‌کردند.
- 18- ﴿يَصْلَحْنَهَا﴾: به جهنم داخل شود و رنج آتش سوزان آن را بکشد.
- 18- ﴿مَدْحُورًا﴾: دور از رحمت خدا.
- 20- ﴿كَلَّا نُمِدُّ﴾: عطای هر دو گروه را پی در پی زیاد می‌کنیم.
- 20- ﴿مَحْظُورًا﴾: از کسی که خدا خواسته باشد ممنوع نیست.
- 22- ﴿مَحْذُولٍ﴾: دور از نصرت و یاری خدا.
- 23- ﴿قَضَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت فرمان داد و حکم کرد.
- 23- ﴿أَقِ﴾: سخن دل‌تنگ کننده، ناپسند و ملال آور.
- 23- ﴿لَا تَنْهَرُهُمَا﴾: با آن‌ها درشت خونباش، از انجام کاری که نزد تو خوشایند نیست آن‌ها را منع نکن.
- 23- ﴿قَوْلًا كَرِيمًا﴾: سخن خوب و زیبا.
- 25- ﴿لِلْأَوَّابِينَ﴾: برای توبه‌کنندگان از آنچه افراط کرده‌اند.
- 29- ﴿يَدُكَ مَعْلُومَةً﴾: کنایه از بخل است.
- 29- ﴿تَبَسُّطُهَا كُلُّ الْبَسْطِ﴾: کنایه از اسراف و خرج بی‌هوده است.
- 29- ﴿مَحْسُورًا﴾: پشیمان یا درمانده و نیازمند.
- 30- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر کسی را که بخواهد به مقتضای حکمت کم می‌کند.
- 31- ﴿حَشِيَّةٍ اِمْلَاقٍ﴾: از ترس فقر و نیازمندی.
- 31- ﴿خَطَا كَبِيرًا﴾: گناه‌ی بزرگ.

- 33- ﴿سُلْطَنًا﴾: می تواند قاتل را قصاص کند یا دیت بگیرد.
- 34- ﴿يَبْلُغُ أَشُدَّهُ﴾: به کمال برسد، مال خود را حفظ و به گونه درست استفاده کند.
- 35- ﴿بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾: به ترازوی راست و درست.
- 35- ﴿أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾: سرانجامش نیکوتر است.
- 36- ﴿لَا تَقْفُ﴾: پیروی نکن.
- 37- ﴿مَرَحًا﴾: تکبر، خود پسندی.
- 39- ﴿مَدْحُورًا﴾: دور از رحمت خدا.
- 40- ﴿أَفَأَصْفَكَ مِمَّن رَّبُّكُمْ﴾: آیا پروردگارتان به شما برتری داده که شما را برگزیده است.

- 41- ﴿صَرْفًا﴾: سخن را به شیوه‌های مختلف بیان کردیم.
- 41- ﴿نُفُورًا﴾: دوری و اعراض از حق.
- 42- ﴿لَا تَبْغُوا﴾: بدون شک جستجو می کردند.
- 42- ﴿سَبِيلًا﴾: راه منازعت و غلبه را.
- 45- ﴿حِجَابًا مَّسْتُورًا﴾: پرده یا نمان از حس بینایی.
- 46- ﴿أَكِنَّةً﴾: پوشش‌های مانع شونده.
- 46- ﴿وَقْرًا﴾: کری و سنگینی شدید در شنوایی.
- 47- ﴿هُمَّ نَجْوَى﴾: در مورد تو با هم نجوا کنند.
- 47- ﴿مَسْحُورًا﴾: جادو شده یا خود ساحر است.
- 49- ﴿زُفَّتًا﴾: اجزای ریز ریز شده یا خاک و یا گرد و غبار.
- 51- ﴿يَكْبُرُ﴾: احتمال پذیرش حیات برای آن سخت و دشوار است.
- 51- ﴿فَطْرَكُمْ﴾: شما را آفرید. ﴿فَسَيُنْغِضُونَ﴾: به است‌ها می جنبانند.
- 52- ﴿بِحَمْدِهِ﴾: فرمانبردار و ستایش کنان.
- 53- ﴿يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ﴾: در میان آن‌ها بدی و فساد را شعل‌ه‌ور می سازد.

- 54- ﴿رُكِيلاً﴾: که امورشان بر تو سپرده شده باشد.
- 55- ﴿زُبُورًا﴾: کتابی است که در او ستایش الهی و پند و اندرز ثبت است.
- 56- ﴿لَا تَحْوِيلاً﴾: نمی توانند ضرر روزیانی را که دامنگیر شماست به دیگری که به عبادت ایشان نپرداخته انتقال دهند.
- 57- ﴿الْوَسِيلَةَ﴾: قربت را به طاعت و عبادت.
- 59- ﴿مُبْصِرَةً﴾: معجزه آشکار.
- 59- ﴿فَطْلَمُوا بِهَا﴾: ستمگران به آن کفر ورزیدند و نابود شدند.
- 60- ﴿أَحَاطَ بِالنَّاسِ﴾: خدا به علم و قدرت به مردم احاطه کامل دارد و همه در تصرف او هستند.
- 60- ﴿وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ﴾: درخت زقوم را، آزمایشی برای مردم قرار دادیم.
- 60- ﴿طُغْيِنًا﴾: تجاوز از حد در کفر و سرکشی.
- 62- ﴿أَرْءَيْتَكَ﴾: به من خبر بده.
- 62- ﴿لَا حَتِيكَنَّ﴾: بدون شک بر فرزندان غلبه می کنم یا با فریب ریش هشان را می کنم.
- 64- ﴿أَسْتَفْرِزُ﴾: استهانت کن، نادان بساز و از راه بیرون ببر.
- 64- ﴿بِحَيْلِكَ وَرَجْلِكَ﴾: با کسانت که سواره و پیاده در راه معصیت قدم گذاشته اند.
- 65- ﴿عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ﴾: توانایی بر فریب آن ها.
- 66- ﴿يُزْجِي﴾: روان می کند و به نرمی به حرکت می آورد.
- 68- ﴿أَنْ يَحْسِفَ بِكُمْ﴾: که شما را در زمین فرو برد.
- 68- ﴿حَاصِبًا﴾: باد تندی که بر شما سنگریزه پرتاب کند.
- 69- ﴿فَاصْفَا﴾: باد تند، ویرانگر و کشنده.
- 69- ﴿تَبِيعًا﴾: یارور یا کسی که انتقام شما را از ما بگیرد.
- 71- ﴿بِأَيْمِهِمْ﴾: باره برشان یا با کتاب شان.
- 71- ﴿فَتِيلاً﴾: به اندازه رشت نازک بین هسته خرما.

- 73- ﴿لَيْفَتِنُوكَ﴾: تو را به فریب منحرف سازند.
- 73- ﴿لَتَفْتَرِي عَلَيْنَا﴾: تا سخنانی را از خود بسازی و به ما نسبت دهی.
- 74- ﴿تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ﴾: به آن‌ها مایل شوی.
- 75- ﴿ضِعْفُ الْحَيَاةِ﴾: چند برابر عذاب دنیا.
- 76- ﴿لَيْسْتَ فِزْوَنَكَ﴾: تا از جاییت دورت کنند و خوار و بی‌مقدارت نمایند.
- 77- ﴿تَحْوِيلًا﴾: تغییر و تبدیل.
- 78- ﴿لِدُلُوكِ الشَّمْسِ﴾: بعد زوال یا هنگام زوال آفتاب از میان آسمان.
- 78- ﴿غَسَقِ اللَّيْلِ﴾: تاریکی شب یا شدت تاریکی.
- 78- ﴿قُرْءَانَ الْفَجْرِ﴾: نماز با مداد را برپا دار.
- 79- ﴿فَتَهَجَّدْ﴾: نماز تهجد، نمازی که بعد از بیدار شدن هنگام شب خوانده می‌شود.
- 79- ﴿نَافِلَةٌ لَّكَ﴾: فریضه افزون که خاص خودت است.
- 79- ﴿مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾: مقام بزرگ شفاعت.
- 80- ﴿مُدْخَلَ صِدْقٍ﴾: داخل کردنی که هم امورم پسندیده و نیکو باشد.
- 80- ﴿سُلْطَنًا نَّصِيرًا﴾: نیروی که بوسیله آن اسلام را یاری نمایم.
- 81- ﴿زَهَقَ الْبَاطِلُ﴾: شرک تباه و نابود شد.
- 82- ﴿خَسَارًا﴾: نابودی به سبب کفرشان به قرآن.
- 83- ﴿نَا بَجَانِيهِ﴾: با تکبر و سرکشی دور می‌شود.
- 83- ﴿كَانَ يَوْسَا﴾: از رحمت ما نومید می‌گردد.
- 84- ﴿شَا كَلْبَهُ﴾: شیوه‌ای که برازنده اوست.
- 86- ﴿وَكَيْلًا﴾: کسی را که بتواند قرآن را به تو برگرداند.
- 88- ﴿ظَهِيرًا﴾: یاور.
- 89- ﴿صَرَفْنَا﴾: به شیوه‌ای گوناگون بیان کردیم.
- 89- ﴿كُلِّ مَثَلٍ﴾: معانی شگفت‌انگیز، زیبا و بدیع.

- 89- ﴿فَأَبَى﴾: پس نپذیرفت.
- 89- ﴿كُفُورًا﴾: حق ستیز.
- 90- ﴿يَتَّبِعُونَ﴾: چشم‌های همیشه پرآب.
- 92- ﴿كِسْفًا﴾: تک‌ه و پاره.
- 92- ﴿قَبِيلًا﴾: آشکاریا گروه گروه.
- 93- ﴿زُحْرَفٍ﴾: طلا.
- 97- ﴿خَبْتٌ﴾: شعله آن خاموش شود.
- 97- ﴿سَعِيرًا﴾: شعله و زبان آتش را.
- 98- ﴿رُفَّتًا﴾: ذرات پراکنده یا خاک.
- 100- ﴿كُفُورًا﴾: بسیار بخیل.
- 101- ﴿مَسْحُورًا﴾: جادو شده‌ای یا خود ساحری.
- 102- ﴿بَصَائِرَ﴾: این معجزه‌ها آشکارند، هر بیننده به صدق گفتار من پی می‌برد.
- 102- ﴿مَثْبُورًا﴾: هلاک شده یا دور از خیر.
- 103- ﴿يَسْتَفِرُّهُمْ﴾: آن‌ها را بیرون و خوار و بی‌مقدارشان کند.
- 104- ﴿لَفِيضًا﴾: هم‌را با هم.
- 106- ﴿فَرَّقْنَاهُ﴾: قرآن را بیان کردیم یا آی‌ه‌های و سوره سوره نازل نمودیم.
- 106- ﴿عَلَىٰ مُكْثٍ﴾: به آهستگی.
- 110- ﴿لَا تُخَافُتْ بِهِ﴾: در نماز قرآن را آهسته نخوان تا کسانی که با تو در نماز هستند صدایت را بشنوند.

سوره‌ک‌ه‌ف

- 1- ﴿لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾: هیچ‌گونه اختلال، اختلاف و انحراف از حق و حکمت را در آن قرار نداده است.

- 2- ﴿قَيِّمًا﴾: مستقیم و یا به مصالح جامع انسانی.
- 2- ﴿بِأَسَا﴾: عذاب بامهلت یا بی مهلت.
- 5- ﴿كَبْرَتْ كَلِمَةً﴾: بزرگترین سخن به زشتی و قباحت.
- 6- ﴿بَخِيعُ نَفْسِكَ﴾: خود را بکشی یا به مشقت اندازی.
- 6- ﴿أَسْفًا﴾: از شدت اندوه و خشم بر آن ها.
- 7- ﴿لِيَنْبَلُوهُمْ﴾: تا آن ها را بیازمایم با این که از حالشان آگاهیم.
- 7- ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: نیکو کار تر و شتابنده به طاعت خدا.
- 8- ﴿صَعِيدًا جُرْرًا﴾: خاک بی سبزه و گیاه.
- 9- ﴿أُمٌ حَسِبَتْ﴾: آیا پنداشتی.
- 9- ﴿الْكَهْفِ﴾: غار وسیع در کوه.
- 9- ﴿الرَّقِيمِ﴾: تخته سنگی که در آن نام ها و داستان آن ها نوشته بود.
- 10- ﴿أَوَى الْفِتْيَةُ﴾: جوانان برای حفظ دین شان فرار کردند و پناه بردند.
- 10- ﴿رَشَدًا﴾: هدایت به راه حق.
- 11- ﴿فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ﴾: و آنان را به خواب سنگین فرو بردیم.
- 12- ﴿بَعَثْنَاهُمْ﴾: آن ها را از خواب بیدار کردیم.
- 12- ﴿أَمَدًا﴾: تعداد سال ها را.
- 14- ﴿رَبَطْنَا﴾: با شکیبایی قوی و استوار ساختیم.
- 14- ﴿شَطَطًا﴾: سخن دور از حق.
- 16- ﴿مِرْفَقًا﴾: آنچه در زندگی از آن بهره ور شوید.
- 17- ﴿تَزَوُّرٌ﴾: میل می کند.
- 17- ﴿تَفَرُّضُهُمْ﴾: از آن ها عدول می کند و دور می شود.
- 17- ﴿فَجَوْعَ مِّنْهُ﴾: جای وسیعی از آن غار.
- 18- ﴿بِالْوَصِيدِ﴾: کنار غار یا آستانه در آن.

- 18- ﴿رُعْبًا﴾: از ترس.
- 19- ﴿بَعَثْنَهُمْ﴾: آنان را از خواب طولانی بیدار کردیم.
- 19- ﴿بُورِقِكُمْ﴾: با سکه‌های خود.
- 19- ﴿أَرْزُقِي طَعَامًا﴾: غذای حلال یا نیکو.
- 20- ﴿إِنْ يَطْهَرُوا عَلَيْكُمْ﴾: اگر از شما آگاه شوند یا بر شما دست یابند.
- 21- ﴿أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ﴾: مردم را از حال آن‌ها آگاه ساختیم.
- 22- ﴿رَجْمًا بِالْغَيْبِ﴾: از روی گمان و بدون یقین.
- 22- ﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ﴾: پس درباره آن‌ها و تعدادشان مناقشه نکن.
- 22- ﴿إِلَّا مِرَاءَ ظَهْرًا﴾: درباره آن‌ها چیزی را بگو که برایت وحی شد.
- 24- ﴿رَشْدًا﴾: هدایت و راه‌نمایی برای انسان.
- 26- ﴿أَبْصِرْ بِهِ﴾: خدا چه بیناست به هم‌ه موجودات.
- 27- ﴿مُلْتَحَدًا﴾: پناه‌گاه.
- 28- ﴿أَصْبِرْ نَفْسَكَ﴾: خود را منوا بساز و ثابت قدم و شکیب‌باش.
- 28- ﴿لَا تَعُدْ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾: توجه خود را از مسلمانان بینوا مگیر.
- 28- ﴿أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ﴾: قلب او را غافل کردیم.
- 28- ﴿فُرْطًا﴾: اسراف یا ضایع و نابود ساختن.
- 29- ﴿سُرَادِقُهَا﴾: سرا پرده‌ها یا شعله و دود آن.
- 29- ﴿كَالْمُهْلِ﴾: مانند دود روغن یا فلز گداخته.
- 29- ﴿سَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾: دوزخ جایگاه بد است.
- 31- ﴿جَنَّتْ عَدْنٍ﴾: بهشت‌های محل اقامت دائمی.
- 31- ﴿سُنْدُسٍ﴾: دیبای نرم و نازک، حریر.
- 31- ﴿إِسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- 31- ﴿الْأَرَائِكِ﴾: تخت‌ها در حجل‌ها.

- 32- ﴿جَنَّتَيْنِ﴾: دو باغ.
- 32- ﴿حَفَقْنَهُمَا﴾: اطراف آن‌ها را احاطه کردیم.
- 33- ﴿أَكْلَهَا﴾: میوه‌های قابل خوردنش را.
- 33- ﴿نَظَلِمَ مِنْهُ﴾: از میوه و محصول آن هیچ کم نگردد.
- 33- ﴿فَجَرْنَا خِلَالَهُمَا﴾: در میان آن دو جاری ساختیم.
- 34- ﴿نَمْرٌ﴾: ثروت فراوان و پردرآمد.
- 34- ﴿أَعَزُّ نَفَرًا﴾: با داشتن همکاران و خویشان نیرومندترم.
- 35- ﴿تَيِّدَ﴾: نیست و نابود و خراب شود.
- 36- ﴿مُنْقَلَبًا﴾: جای بازگشت و سرانجام.
- 38- ﴿لَا كِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي﴾: ولی من می گویم: ذات پاک او تعالی پروردگار من است.
- 40- ﴿حُسْبَانًا﴾: بلایی مانند صاعقه و آفت.
- 40- ﴿فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا﴾: و این باغ ب‌ه‌ریگستان ه‌راس انگیز یا زمین بی‌سبزه و گیاه و لغزنده تبدیل شود.
- 41- ﴿عَوْرًا﴾: در اعماق زمین فرورود.
- 42- ﴿أَحِيْطَ بِثَمَرِهِ﴾: اموال و بوستانش نیست و نابود شد.
- 42- ﴿يُقَلِّبُ كَفْيِهِ﴾: دست‌های خود را ب‌ه‌هم می‌مالید، کنایه از پشیمانی و حسرت است.
- 42- ﴿حَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾: بر سقف‌های درهم ریخته خود افتاده بود.
- 44- ﴿الْوَالِيَةَ لِلَّهِ﴾: نصرت و پیروزی تن‌ها از جانب خداست.
- 44- ﴿خَيْرٌ عَقْبًا﴾: خدا ب‌ه‌دوستان خود فرجام نیک می‌دهد.
- 45- ﴿هَشِيمًا﴾: خشک و پوسیده بعد از شادابی و زیبایی.
- 45- ﴿تَذْرُوهُ الرِّيحُ﴾: باده آن‌ها را می‌برند و با خاک یکسان می‌کنند.
- 47- ﴿بَارِزَةً﴾: آشکار، هیچ چیزی بر روی آن نیست.
- 48- ﴿مَوْعِدًا﴾: وقتی برای ایفای وعده رستاخیز و پاداش و کیفر.

- 49- ﴿رُضِعَ الْكِتَابُ﴾: نام اعمال هر کس به دستش نهاده می‌شود.
- 49- ﴿مُشْفِقِينَ﴾: ترسان.
- 49- ﴿يَوَيْلَنَا﴾: ای وای تباہ شدیم.
- 49- ﴿لَا يُعَادِرُ﴾: باقی نمی‌گذارد.
- 49- ﴿أَحْصَاهَا﴾: آن را به شمار آورده و ثبت کرده است.
- 50- ﴿أَسْجُدُوا لِآدَمَ﴾: به آدم سجده سلام و احترام کنید نه سجده پرستش.
- 51- ﴿عَضُدًا﴾: همکار و یاور.
- 52- ﴿مَوْبِقًا﴾: محل هلاکت، دوزخ.
- 53- ﴿مُوقِعُوهَا﴾: در آن خواهند افتاد.
- 53- ﴿مَصْرَفًا﴾: جایی که بروند.
- 54- ﴿صَرَفْنَا﴾: به شیوه‌ای مختلف بیان کردیم.
- 54- ﴿كُلِّ مَثَلٍ﴾: هر گونه مثلی، معانی شگفت انگیز و زیبا که در غرابت مانند مثل است.
- 55- ﴿سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ﴾: سرنوشت گذشتگان که ریش‌ه‌کن ساختن است اگر ایمان نیاورند.
- 55- ﴿قُبُلًا﴾: گوناگون یا آشکار و رویاروی.
- 56- ﴿لِيُدْحِضُوا﴾: تا باطل نمایند و از بین ببرند.
- 56- ﴿هُرُورًا﴾: تمسخر و استهزاء.
- 57- ﴿أَكِنَّةً...﴾: پرده‌های بسیار، مانع از...
57- ﴿وَقَرًا﴾: کری و سنگینی سخت در حس شنوایی.
- 58- ﴿مَوْبِلًا﴾: محل نجات و پناه‌گاه.
- 59- ﴿لِمَهْلِكِهِمْ﴾: برای نابود کردن ایشان.
- 60- ﴿لِفَتْنِهِ﴾: به جوان همراه خود، یوشع بن نون.
- 60- ﴿مُجَمَّعَ الْبَحْرَيْنِ﴾: جای بهم‌پیوستن دو دریا.

- 60- ﴿أَمْضَى حُقُبًا﴾: زمان طولانی راه می سپرم.
- 62- ﴿نَصَبًا﴾: خستگی و رنج بی شمار.
- 63- ﴿أَرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده یا به خاطر داری.
- 63- ﴿عَجَبًا﴾: به طرز شگفت آوری.
- 64- ﴿مَا كُنَّا نَبْعُغُ﴾: آنچه ما می خواستیم و در جستجویش بودیم.
- 64- ﴿فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا﴾: به راهی که آمده بودند برگشتند.
- 64- ﴿فَقَصَّصَا﴾: نشان قدم‌های خویش را دنبال می کردند.
- 65- ﴿عَبْدًا﴾: خضر عليه السلام.
- 66- ﴿رُشْدًا﴾: راستی و درستی یا به کار خود به خیری دست یابم.
- 68- ﴿حُبْرًا﴾: علم و معرفت.
- 71- ﴿شَيْئًا إِمْرًا﴾: کار بس ناشایست یا عجیب.
- 73- ﴿لَا تُرْهِقْنِي عُسْرًا﴾: بر من سخت نگیر و تحمیل نکن.
- 74- ﴿شَيْئًا نُكْرًا﴾: کار بسیار ناپسند و زشت.
- 77- ﴿فَأَبْوَا﴾: امتناع ورزیدند.
- 77- ﴿يَنْقُضُ﴾: من هدم شود و به سرعت فروریزد.
- 78- ﴿بِتَأْوِيلٍ...﴾: نتیجه و سرانجام...
- 79- ﴿وَرَأَاهُمْ﴾: پیش روی آن‌ها.
- 79- ﴿غَضَبًا﴾: بدون حق.
- 80- ﴿يُرْهِقُهُمَا﴾: آن‌ها را وادار کند یا از فرط محبت از او پیروی کنند.
- 81- ﴿زَكْوَةً﴾: دور از بدی یا پاک دین و با صلاح.
- 81- ﴿أَقْرَبَ رُحْمًا﴾: مهربانتر با پدر و مادر و فرمان برتر از آن دو.
- 82- ﴿يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا﴾: به کمال عقل و قوت خود برسند.
- 83- ﴿ذِي الْقُرْنَيْنِ﴾: پادشاه صالحی که هم علم داشت و هم حکمت.

- 84- ﴿سَبَبًا﴾: علم و راه رسیدن آن.
- 85- ﴿فَأَتَّعَ سَبَبًا﴾: پس به راهی رفت که او را به مغرب می‌رساند.
- 86- ﴿تَعْرُبُ فِي عَيْنٍ﴾: به نظر می‌رسید که آفتاب در چشم‌های غروب می‌کند.
- 86- ﴿حَمِيَّةٍ﴾: گِل آلود، گِل سیاه.
- 86- ﴿حُسْنًا﴾: رویش نیکویی، دعوت به حق و هدایت.
- 87- ﴿عَذَابًا نُكْرًا﴾: عذاب هول‌انگیز و شدید.
- 90- ﴿سِتْرًا﴾: پوششی از قبیل لباس و مسکن.
- 91- ﴿خُبْرًا﴾: آگاهی کامل.
- 93- ﴿السَّدَّيْنِ﴾: دو کوه بسیار بلند.
- 94- ﴿يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ﴾: دو قبیل‌ه از نسل یافث بن نوح.
- 94- ﴿خَرْجًا﴾: از اموال خود کمکت کنیم.
- 94- ﴿سَدًّا﴾: دیواری که نتوانند بر ما دست یابند.
- 95- ﴿رَدْمًا﴾: سد محکم و استوار.
- 96- ﴿زُبْرَ الْحَدِيدِ﴾: قطعات بزرگ و ضخیم آهن را.
- 96- ﴿الصَّدَفَيْنِ﴾: میان آن دو کوه.
- 96- ﴿فُطْرًا﴾: مس گذاخت‌ه را.
- 97- ﴿يَظْهَرُوهُ﴾: از آن بالا بروند.
- 97- ﴿نَقَبًا﴾: سوراخی از جهت سختی و صلابت آن.
- 98- ﴿جَعَلَهُ دَكَّاءَ﴾: با خاک یکسانش می‌کند.
- 99- ﴿يَمُوجُ﴾: موج می‌زنند و می‌آمیزند.
- 99- ﴿نُفِخَ فِي الصُّورِ﴾: نفع‌ه رستاخیز دمیده شود.
- 101- ﴿غِطَاءٍ﴾: پرده ضخیم.
- 102- ﴿نُزُلًا﴾: منزل یا برای پذیرایی از آن‌ه.

- 105- ﴿وَرَزْنَا﴾: منزلت و اعتباری از جهت بطلان اعمالشان.
- 107- ﴿الْفِرْدَوْسِ﴾: بالاترین و بهترین جای بهشت.
- 108- ﴿حَوْلًا﴾: انتقال.
- 109- ﴿مَدَدًا﴾: ماده‌ای است که با آن می‌نویسند.
- 109- ﴿لِكَلِمَةٍ رَبِّي﴾: علم و حکمت خدای من.
- 109- ﴿لَتَفِدَّ الْبَحْرُ﴾: آب دریا به پایان می‌رسد. مَدَدًا: کمک و افزایش.

سوره مَرِيَمَ

- 3- ﴿يَدَاءُ حَفِيًّا﴾: دعای ن‌هانی که هیچ کس آن را نشنید.
- 4- ﴿وَهَنَ الْعَظْمُ﴾: استخوانم سست و ضعیف شده است.
- 4- ﴿شَقِيًّا﴾: هیچ زمانی نومید.
- 5- ﴿خَفْتُ الْمَوْلَى﴾: از بستگان خود بیمناکم، از بدکاران ی‌هود بودند.
- 5- ﴿وَلِيًّا﴾: فرزندی که بعد از من جانشینم باشد.
- 6- ﴿رَضِيًّا﴾: به گفتار و عمل مورد پسند و رضایت خودت باشد.
- 8- ﴿أَتَى يَكُونُ﴾: چگونه می‌شود.
- 8- ﴿عَتِيًّا﴾: حالتی که مداوا شدنی نیست.
- 10- ﴿ءَايَةً﴾: نشان‌های بر تحقق خواست‌ها م تا تورا سپاسگزار باشم.
- 10- ﴿سَوِيًّا﴾: سلامت کامل، نه گنگی و نه علت دیگری داری.
- 11- ﴿مِنَ الْمُحْرَابِ﴾: جای نماز خواندن یا خان‌های که در آن خدا را عبادت می‌کرد.
- 12- ﴿الْحُكْمِ﴾: دانش تورات و پرستش.
- 13- ﴿حَنَانًا﴾: مهربانی با مردم.
- 13- ﴿زَكْوَةً﴾: برکت یا پاکی از گناه.
- 13- ﴿كَانَ تَقِيًّا﴾: فرمان بردار و پرهیزکار بود.

- 14- ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ﴾: از پدر و مادرش فرمان می برد و با آن ها مهربان بود.
- 14- ﴿جَبَّارًا عَصِيًّا﴾: متکبر و مخالف فرمان خدا.
- 16- ﴿أَنْتَبَذْتُ﴾: تن ها به یک گوشه رفت.
- 17- ﴿حِجَابًا﴾: پرده ای. رُوْحَنَا: جبرئیل را.
- 17- ﴿بَشَرًا سَوِيًّا﴾: انسان خوش اندام.
- 19- ﴿عُلْمًا زَكِيًّا﴾: پسری پاک از گناه و پاکیزه خلقت.
- 20- ﴿يَغِيًّا﴾: زنا کار.
- 22- ﴿مَكَانًا قَصِيًّا﴾: پشت کوه دور از مردم.
- 23- ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ﴾: و درد زایمان او را آورد.
- 23- ﴿نَسِيًّا مِّنْ سَيِّئًا﴾: بی ارزش و متروک که هیچ جایی در دل ها نداشته باشد.
- 24- ﴿فَتَنَادَنَهَا﴾: جبریل یا عیسی او را صدا کرد.
- 24- ﴿سَرِيًّا﴾: جوی آب یا پسر بلند مرتبه.
- 25- ﴿رُطْبًا جَنِيًّا﴾: میوه رسیده یا تازه.
- 26- ﴿قَرِي عَيْنًا﴾: خوش باش نه اندوه گین.
- 27- ﴿شَيْئًا فَرِيًّا﴾: چیزی بسیار ناشایست.
- 29- ﴿كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾: با کودک شیر خواری که در گهواره است.
- 32- ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَتِي﴾: با مادرم مهربان باشم و گرامیش بدارم.
- 34- ﴿يَمْتَرُونَ﴾: شک دارند یا بی هوده با هم جدل می کنند.
- 35- ﴿فَضَىٰ أُمَّرًا﴾: خدا ایجاد چیزی را اراده کند.
- 38- ﴿أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ﴾: شنوایی و بینایی آن ها شگفت آور است.
- 39- ﴿يَوْمَ الْحَسْرَةِ﴾: روز ندامت شدید.
- 43- ﴿صِرَاطًا سَوِيًّا﴾: راه راست و نجات دهنده از گمراهی.
- 44- ﴿عَصِيًّا﴾: بسیار نافرمان.

- 45- ﴿وَلِيًّا﴾: همراه، درج‌ه‌نم کنار هم.
- 46- ﴿وَأَهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾: برای همیشه از من دور شو.
- 47- ﴿حَفِيًّا﴾: بسیار مهربان.
- 48- ﴿شَقِيًّا﴾: نومید و بی‌بهره.
- 50- ﴿لِسَانَ صِدْقٍ﴾: تمام ادیان آن‌ها را به نیکویی یاد می‌کنند.
- 51- ﴿كَانَ مُخْلِصًا﴾: خدا او را به رسالت برگزیده بود.
- 52- ﴿قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾: او نزدیک ساختیم و در آن حال با او سخن گفتیم.
- 58- ﴿أَجْتَبَيْنَاهُ﴾: به نبوت برگزیدیم.
- 58- ﴿بُكِّيًّا﴾: از ترس خدا گریه می‌کردند.
- 59- ﴿خَلْفٌ﴾: فرزند بد.
- 59- ﴿يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾: جزای گمراهی خود را خواهند دیدند یا «غی» وادبی است درج‌ه‌نم.
- 61- ﴿مَأْتِيًّا﴾: آمدنی.
- 62- ﴿لُعَوًّا﴾: زشت یا سخن بی‌هوده.
- 65- ﴿سَمِيًّا﴾: مانند، در ذات و صفات او، هرگز نه.
- 68- ﴿جَثِيًّا﴾: از شدت ترس به زانو درآمده‌اند.
- 69- ﴿عِتِيًّا﴾: از نافرمانی یا تهور یا فسق.
- 70- ﴿صَلِيًّا﴾: برای داخل شدن یا رنج و سختی کشیدن.
- 71- ﴿وَارِدُهَا﴾: وارد دوزخ شود با گذشتن از صراط که بر روی ج‌ه‌نم قرار دارد.
- 73- ﴿خَيْرٌ مَّقَامًا﴾: جای سکونتش زیباست.
- 73- ﴿أَحْسَنُ نَدِيًّا﴾: جلسات و اجتماعاتش نیکوتر است.
- 74- ﴿قَرْنٍ﴾: مردمان.
- 74- ﴿أَحْسَنُ أَثْنًا﴾: وسایل زندگی بهتر داشت‌ه‌اند از قبیل فرش، لباس و غیره.
- 74- ﴿رِئِيًّا﴾: ظاهر و منظر.

- 75- ﴿فَلْيَمْدُدْ لَهُ﴾: پس خدا به او مهلت می دهد و یکباره هلاکش نمی کند.
- 75- ﴿أَضْعَفُ جُنْدًا﴾: یارانش ضعیف و کم تراست.
- 76- ﴿خَيْرٌ مَّرَدًّا﴾: سرانجام خوب تر دارد.
- 77- ﴿أَفْرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- 78- ﴿أَطَّلَعَ الْغَيْبَ﴾: آیا اسرار غیب را کشف کرده، استفهام است.
- 79- ﴿نَمُدُّ لَهُ﴾: بر او دایمی می گردانیم یا می افزایشیم.
- 81- ﴿عِزًّا﴾: شفیع و ناصر و مایه عزتشان باشد.
- 82- ﴿ضِدًّا﴾: مایه ذلت و خواری آن هان هان مایه عزت یا ناصر.
- 83- ﴿تَوَزُّهُمُ أَرْأَى﴾: آن ها را به معاصی تشویق می کنند و به هیجان می آورند.
- 85- ﴿وَفَدًّا﴾: سواره.
- 86- ﴿وَرْدًا﴾: تشنه یا مانند چارپایان تشنه.
- 89- ﴿شَيْئًا إِذَا﴾: چیز زشت و ناشایست را.
- 90- ﴿يَتَفَطَّرَنَ مِنْهُ﴾: از زشتی این سخن آسمان ها متلاشی گردند.
- 90- ﴿تَخَيَّرَ الْجِبَالَ هَدًّا﴾: کوه ها فروریزند.
- 96- ﴿وَدًّا﴾: محبوب دل ها.
- 97- ﴿قَوْمًا لُدًّا﴾: گروه سرکش و باطل پرست را.
- 98- ﴿قَرْنٍ﴾: نسل ها. ﴿مُحْسٍ﴾: می آبی یا می بینی یا می دانی.
- 98- ﴿رُكْرًا﴾: کم ترین صدایی.

سوره طه

- 1- ﴿لِيَتَشَفَّى﴾: تا از اندوه و تأسف قومت، خود را خسته کنی.
- 5- ﴿عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾: استوایی که سزاوار جلالت اوست.
- 6- ﴿مَا تَحْتِ الْاَلْتَّرَى﴾: آنچه را که خاک پن هان کرده است یا ماورای زمین.

- 7- ﴿أَخْفَ﴾: سخن ن هانی دل و آنچه به ذهن می گذرد.
- 10- ﴿ءَأَنْسُتُ نَارًا﴾: آتشی دیدم.
- 10- ﴿بِقَبَسٍ﴾: شعل های از آتش را بر سر چوب.
- 10- ﴿هُدًى﴾: راه را بیابم یا راه نمایی پیدا کنم.
- 12- ﴿الْمُقَدَّسِ﴾: پاکیزه یا مبارک.
- 12- ﴿طُوى﴾: نام وادی است.
- 15- ﴿أَكَاذُ أَخْفِيهَا﴾: وقت آمدن قیامت را نزدیک است از خودم نیز نهان دارم.
- 16- ﴿فَتَرَدَى﴾: آنگاه هلاک شوی.
- 18- ﴿أَتَوَكَّوْا عَلَیْهَا﴾: هنگام راه رفتن و مانند آن بر او تکیه می کنم.
- 18- ﴿أَهْشُ بِهَا﴾: با این درخت را می زخم تا برگ هایش بریزد.
- 18- ﴿مَارِبُ أُخْرَى﴾: منافع و نیازهای دیگر.
- 20- ﴿حَيَّةٌ تَسْعَى﴾: ماری پر جنب و جوش و سریع.
- 21- ﴿سَیْرَتَهَا الْأُولَى﴾: به حالت اولی اش.
- 22- ﴿إِلَى جَنَاحِكَ﴾: به پهلویت زیر بازوی چپ.
- 22- ﴿بِیضَاءَ﴾: روشنتر از آفتاب.
- 22- ﴿غَیْرِ سُوِّءٍ﴾: بدون پیسی و مانند آن.
- 24- ﴿طَغَى﴾: درسرکشی و ستمگری از حد تجاوز کرده است.
- 29- ﴿وَزیرًا﴾: همکار و معین.
- 31- ﴿أُزْرِی﴾: پشت مرا یا قوت مرا.
- 36- ﴿أوتیت سؤلک﴾: خواسته و خواهشت به توداده شد.
- 39- ﴿فَأَقْذِفِیْهِ فِی الْیَمِّ﴾: پس او را به دریای نیل بینداز.
- 39- ﴿لِتُصْنَعَ عَلَی عَیْنِی﴾: تا زیر نظر من تربی ه شوی.
- 40- ﴿مَنْ یَكْفُلُهُ﴾: کسی که این را بگیرد، نگه داری و تربی ه اش نماید.

- 40- ﴿تَقَرَّرَ عَيْنُهَا﴾: به دیدار تو خوشحال شود.
- 40- ﴿فَتَنَّنَكَ فُتُونًا﴾: باره‌تورا از محنت نجات دادیم.
- 40- ﴿جِئْتُ عَلَى قَدَرٍ﴾: موافق زمانی که برای آغاز رسالت تعیین شده بود به مصر بازگشتی.
- 41- ﴿وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾: تورا برای رسالت و اقامه حجت خود برگزیدم.
- 42- ﴿لَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي﴾: در تبلیغ رسالت من سستی نکنید.
- 45- ﴿يُفْرِطُ عَلَيْنَا﴾: به شکنجه ما عجله نماید.
- 45- ﴿يَطْفَأُ﴾: به سرکشی و طغیان بیفزاید.
- 46- ﴿إِنِّي مَعَكُمْ﴾: من حافظ و نگهبان شما هستم.
- 50- ﴿خَلَقَهُ﴾: شکل اشیاء را که با منافع و خصوصیت مربوط به آن سازگار است.
- 50- ﴿هَدَى﴾: آنچه به خیر و صلاح اوست به او نشان داده.
- 51- ﴿فَمَا بَالُ الْقُرُونِ﴾: پس حالت ملل گذشته چه خواهد شد؟
- 52- ﴿لَا يَضِلُّ رَبِّي﴾: هیچ چیز از علم پروردگار من پوشیده نیست.
- 53- ﴿مَهْدًا﴾: محل آسایش مانند رختخواب کودک.
- 53- ﴿سُبُلًا﴾: راه‌های که برای نیازمندی‌های خویش بر آن‌ها می‌روید.
- 53- ﴿أَزْوَاجًا﴾: گوناگون یا به اشکال مختلف.
- 53- ﴿شَتَّى﴾: به صفات و خصایص گوناگون.
- 54- ﴿لِأُولِي النَّهْيِ﴾: برای صاحبان خرد و بصیرت.
- 56- ﴿أَبْنِي﴾: از ایمان و اطاعت امتناع ورزید.
- 58- ﴿مَكَانًا سَوًى﴾: جای میان‌ه یا میدان هموار.
- 59- ﴿يَوْمَ الزَّيْنَةِ﴾: روز عید شما.
- 60- ﴿فَجَمَعَ كَيْدَهُ﴾: سحرانش را جمع کرد که به وسایل آن‌ها دست به فریب بزند.
- 61- ﴿وَيَلِكُمْ﴾: هلاک شوید.

- 61- ﴿فَيْسُحِّتَكُم﴾: پس شما را نابود خواهد کرد.
- 62- ﴿أَسْرُوا النَّجْوَى﴾: در خفا با هم راز گفتند.
- 63- ﴿يَطْرِقَتِكُمُ الْمُثُلَى﴾: راه و روش و شریعت برتر شما را.
- 64- ﴿فَأَجْمَعُوا كَيْدَكُمْ﴾: پس تمام نیرنگ‌های خود را به دقت جمع کنید و به توانمندی و پایداری کامل سحر خود را انجام دهید.
- 64- ﴿أَفَلَحَ﴾: به مطلوب خود دست یابد.
- 67- ﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ﴾: ن‌ه‌ان کرد یا درن‌ه‌اد خود احساس کرد.
- 69- ﴿تَلَقَّفَ﴾: به سرعت می‌بلعد.
- 72- ﴿وَالَّذِي فَطَرَنَا﴾: و ذاتی که ما را آفریده است.
- 76- ﴿تَزَكَّى﴾: خود را از آلودگی‌های کفر و شرک پاکیزه دارد.
- 77- ﴿أَسْرٍ بَعَادَى﴾: با بندگان من شبانه از مصر برو.
- 77- ﴿يَبَسَّ﴾: خشک، بدون آب و گِل.
- 77- ﴿لَا تَخْفُ دَرَكًا﴾: از رسیدن فرعون و لشکرش نترس.
- 77- ﴿لَا تَخْشَى﴾: از غرق شدن هم بیم نداشته باش.
- 78- ﴿فَعَشِيَهُمْ﴾: امواج خروشان آن‌ها را برداشت و به کام خود فروبرد.
- 80- ﴿الْأَيْمَنَ﴾: ماده صمغی شیرین مانند عسل.
- 80- ﴿وَالسَّلْوَى﴾: پرندۀ مش‌ه‌ور به سمایی.
- 81- ﴿لَا تَطْعَوُا﴾: ناسپاسی یا ستم نکنید.
- 81- ﴿فَيَجِلَّ عَلَيْكُمْ﴾: بر شما لازم و ثابت می‌شود.
- 81- ﴿هُوَى﴾: هلاک شد یا به جه‌نم افتاد.
- 83- ﴿مَا أَعْجَلَكَ﴾: چه چیز تو را به عجل‌ه‌ واداشت؟
- 85- ﴿فَتَنَّا قَوْمَكَ﴾: قومت را آزمودیم یا به فتن‌ه‌ افکندیم.
- 86- ﴿أَسْفَا﴾: حزین یا بسیار خشمگین.

- 86- ﴿مَوْعِدِي﴾: با من وعده داشتید که به دین من ثابت و استوار می مانید.
- 87- ﴿بِمَلِكِنَا﴾: به قدرت و توان خود.
- 87- ﴿أَوْزَارًا﴾: بارهای سنگین یا گناهانی را.
- 87- ﴿مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ﴾: از زیورات قبطیان مصر.
- 88- ﴿عَجَلًا جَسَدًا﴾: مجسمه گوساله، از طلای سرخ.
- 88- ﴿لَهُ حُورٌ﴾: مانند گاو صدا داشت.
- 92- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چیز ناگزیرت ساخت.
- 95- ﴿فَمَا خَطْبُكَ﴾: این کار خطرناک را چرا انجام دادی؟
- 96- ﴿بَصُرْتُ﴾: به بصیرت آگاه شدم.
- 96- ﴿أَثَرِ الرَّسُولِ﴾: خاک زیر سم اسب جبریل.
- 96- ﴿فَتَبَدَّهَا﴾: پس آن را در زیورات ذوب شده انداختم.
- 96- ﴿سَوَّلْتُ﴾: زیبا و نیکو جلوه داد.
- 97- ﴿لَا مِسَاسَ﴾: من به تو نزدیک نمی شوم و تو هم به من نزدیک نشو.
- 97- ﴿لَنَنْسِفَنَّ﴾: پراکنده اش می کنیم.
- 100- ﴿وَزُرًّا﴾: عذاب سنگین بخاطر اعراض از قرآن.
- 102- ﴿زُرْقًا﴾: کبود چشم یا نابینا یا تشنه.
- 103- ﴿يَتَخَفَتُونَ﴾: آهسته با هم گفتگو می کنند.
- 104- ﴿أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً﴾: کسی که اندیش به برتر و روش پسندیده تر داشت.
- 105- ﴿يَنْسِفُهَا﴾: آن ها را از بیخ می کند یا آن ها را به وسیله باد پراکنده می کند.
- 106- ﴿قَاعًا﴾: زمین صاف فاقد گیاه و آبادی.
- 106- ﴿صَفْصَفًا﴾: زمین هموار یا بی گیاه.
- 107- ﴿عَوْجًا﴾: جای پست.
- 107- ﴿أُمَّتًا﴾: جای بلند.

- 108- ﴿لَا عِوَجَ لَهُ﴾: هیچ دعوت شده‌ای نمی‌تواند از آن سرپیچی کند.
- 108- ﴿هَمْسًا﴾: صدای آهسته.
- 111- ﴿عَنْتِ الْوُجُوهُ﴾: انسان‌ها فرمانبردار می‌شوند.
- 111- ﴿لِلْحَيِّ﴾: در برابر خدای جاوید و فنا ناپذیر.
- 112- ﴿الْقِيَوْمِ﴾: نگهبان جهانیان و مجری امور جهان.
- 112- ﴿حَمَلٌ ظُلْمًا﴾: بار شرک و کفر را بردوش گرفت.
- 112- ﴿هَضْمًا﴾: از کم شدن ثوابش.
- 113- ﴿صَرَفْنَا فِيهِ﴾: در قرآن به روش‌های مختلف بیان کردیم.
- 113- ﴿ذِكْرًا﴾: پند و عبرت را.
- 114- ﴿يُقْضَىٰ إِلَيْكَ﴾: بر تو کامل گردد.
- 115- ﴿عَهْدِنَا إِلَىٰ آدَمَ﴾: به آدم دستور دادیم یا وحی فرستادیم.
- 116- ﴿أَبْنَىٰ﴾: با تکبر از سجده امتناع ورزید.
- 118- ﴿لَا تَعْرَىٰ﴾: برهنه نمی‌شوی.
- 119- ﴿لَا تَضْحَىٰ﴾: در برابر گرمای آفتاب قرار نمی‌گیری.
- 120- ﴿لَا يَبْلَىٰ﴾: از بین نمی‌رود.
- 121- ﴿سَوَاءٌ تَهُمَا﴾: عورتشان.
- 121- ﴿طَفِقًا يَخْصِفَانِ﴾: شروع کردند که بچسبانند.
- 121- ﴿عَصَىٰ آدَمَ﴾: آدم به س‌ه‌ویا به تأییل نافرمانی کرد.
- 122- ﴿أَجْتَبَهُ﴾: او را به نبوت برگزید و از مقربین خود گردانید.
- 124- ﴿مَعِيْشَةً صَنْغًا﴾: حالت سخت و دشوار، در گورش.
- 128- ﴿أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ﴾: آیا به این غافلان سرانجام گذشتگان آشکار نشد.
- 128- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: کثرت نابود ساختن ما امت‌های گذشت‌ه‌را.
- 128- ﴿لَا وَّلِيَّ الْغُيِّبِ﴾: برای صاحبان عقل و بصیرت.

- 129- ﴿لَكَانَ لِرَأْمَا﴾: لازم بود که نابودی شان سرعت یابد.
- 129- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى﴾: روز قیامت، به ﴿كَلِمَةً﴾ عطف است.
- 130- ﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: نماز بخوان و خدایت را حمد و ثنا بگو.
- 130- ﴿ءَأَنَّىٰ آلَيْلٍ﴾: ساعاتی از شب.
- 131- ﴿أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ﴾: گروه‌های از کفار.
- 131- ﴿زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾: زینت و زیبایی زندگی دنیا.
- 131- ﴿لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ﴾: تا این زیبایی‌ها را وسیله آزمون و امتحان آن‌ها قرار دهیم.
- 133- ﴿بَيِّنَةً﴾: قرآن اعجاز آفرین.
- 134- ﴿مِّن قَبْلِهِ﴾: پیش از بعثت پیامبران.
- 134- ﴿مُحْزَى﴾: در آخرت عذاب و رسوا شویم.
- 135- ﴿مُتْرَبِّصٌ﴾: در انتظار نتیجه آن هستید.
- 135- ﴿الصِّرَاطِ السَّوِيِّ﴾: راه مستقیم.

سوره انبیاء

- 1- ﴿أَقْتَرَبَ﴾: نزدیک شد.
- 2- ﴿مُحَدِّثٍ﴾: تازه نزول یافت.
- 3- ﴿أَسْرُوا النَّجْوَى﴾: درپن‌هان داشتن راز خود کوشیدند.
- 5- ﴿أَضَعْتُ أَحْلَمٍ﴾: خواب‌های پریشان است.
- 8- ﴿جَسَدًا﴾: پیکره‌ها یا دارندگان جسد.
- 10- ﴿فِيهِ ذِكْرُكُمْ﴾: در آن پند و اندرز یا شرف شماس است.
- 11- ﴿كَمْ قَصَمْنَا﴾: بسیاری راه‌لاک کردیم.
- 12- ﴿أَحْسُوا بِأَسْنَاءِ﴾: عذاب شدید ما را احساس کردند.
- 12- ﴿يُرْكَضُونَ﴾: به سرعت می‌گریزند.
- 13- ﴿أُتْرِفْتُمْ فِيهِ﴾: در آن نعمت و رفاه‌های که داشتید پس سرکشی کردید.
- 15- ﴿حَصِيدًا﴾: مانند گیاه درو شده.
- 15- ﴿خَلْمِدِينَ﴾: بی‌جان، مانند آتشی که شعله‌اش خاموش شود.
- 17- ﴿نَتَّخِذْ لَهُمْ﴾: برای سرگرمی بگیریم از قبیل زن و فرزند.
- 18- ﴿نَقْدِفُ بِالْحَقِّ﴾: حق را می‌افکنیم.
- 18- ﴿فَيَدْمَغُهُ﴾: باطل را نابود می‌کند.
- 18- ﴿زَاهِقٌ﴾: از میان رفتنی است.
- 18- ﴿الْوَيْلُ﴾: هلاکت یا رسوایی یا وادایی است درجه‌نم.
- 19- ﴿لَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾: رنجور و در مانده نمی‌شوند.
- 20- ﴿لَا يَفْتُرُونَ﴾: در تسبیح و عبادت سستی نمی‌کنند.
- 21- ﴿هُمْ يُنْشِرُونَ﴾: آن‌ها مرده‌ها را زنده می‌کنند، هرگز نه.
- 22- ﴿لَفَسَدَتَا﴾: نظام آن‌ها نابسامان و در نتیجه درگیری و کشمکش ویران می‌شدند.

- 26- ﴿وَلَدًا﴾: گفتند: فرشتگان دختران خدا هستند.
- 28- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- 30- ﴿كَانَتْ رَتْقًا﴾: آسمان و زمین با هم چسبیده بودند.
- 30- ﴿فَفَتَقْنَهُمَا﴾: پس آن‌ها را به واسطه هوا از هم جدا ساختیم.
- 30- ﴿كُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾: هر موجود نشوونما کننده، حیوان یا نبات.
- 31- ﴿رَوَّاسِي﴾: کوه‌های پایدار.
- 31- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ﴾: تا زمین آن‌ها را نجنباند.
- 31- ﴿فِجَا جَا سُبُلًا﴾: راه‌های بزرگ و پرفرقت و آمد.
- 32- ﴿سَقَفًا مَّحْفُوظًا﴾: سقف محفوظ از سقوط یا دگرگونی.
- 33- ﴿كُلُّ﴾: آفتاب و ماهتاب.
- 33- ﴿فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾: در مداری می‌چرخند یا در آسمان روان هستند.
- 35- ﴿تَبْلُوكُمْ﴾: شما را می‌آزماییم، با این‌که از وضع شما آگاهیم.
- 39- ﴿لَا يَكْفُونَ﴾: نمی‌توانند دفع کنند.
- 40- ﴿يُعْتَنَهُ﴾: ناگهان.
- 40- ﴿فَتَبَّهُتُهُمْ﴾: و آن‌ها را به دهشت و حیرت می‌اندازد.
- 40- ﴿يُنظَرُونَ﴾: مهلت داده می‌شوند.
- 41- ﴿فَحَاقَ﴾: پس عذاب احاطه کرد یا نازل شد.
- 42- ﴿يَكَلُوكُمْ﴾: شما را حفظ و حراست می‌کند.
- 43- ﴿يُصْحَبُونَ﴾: پناه و نجات داده شوند یا کمک شوند.
- 46- ﴿نَفْحَةٌ﴾: بخشی اندکی.
- 47- ﴿الْفِئْطَ﴾: عدالت یا دارای عدل.
- 47- ﴿مِثْقَالَ حَبَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین چیز.
- 49- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.

- 52- ﴿الْمَائِيلُ﴾: بت‌های که خود ساخت‌ه‌اید.
- 56- ﴿فَطْرَهُنَّ﴾: آن‌ها را ایجاد کرده‌است.
- 58- ﴿جُدًّا﴾: شکسته و پاره‌پاره.
- 61- ﴿عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ﴾: در برابر چشم مردم.
- 65- ﴿نُكْسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ﴾: به باطل و ستیزه‌آوردند.
- 67- ﴿أُفٍّ لَّكُمْ﴾: گفتاری است که هنگام زشت و ناپسند دانستن چیزی گفته می‌شود.
- 71- ﴿إِلَى الْأَرْضِ﴾: به سوی سرزمین شام رفتند.
- 72- ﴿نَافِلَةً﴾: بخشش یا علاوه بر خواسته‌اش.
- 74- ﴿قَوْمَ سَوِّءٍ﴾: گروه فسادپیشه و زشت‌کردار.
- 78- ﴿الْحَرْثِ﴾: کشت یا تاک انگور.
- 78- ﴿نَفْسَتْ فِيهِ﴾: شب هنگام از غفلت چوپان پراکنده شدند و کشت را چریدند.
- 80- ﴿صَنْعَةَ لَبُوسٍ﴾: ساختن زره‌راکه در کارزار پوشیده می‌شود.
- 80- ﴿لِتُحْصِنَكُمْ﴾: تا شما را حفظ نماید.
- 80- ﴿بِأَسْكُمْ﴾: جنگ با دشمن و بدست آوردن سلاح آن.
- 81- ﴿عَاصِفَةً﴾: باد تند.
- 82- ﴿يَعُوضُونَ لَهُ﴾: در بحره غواصی می‌کردند و برای سلیمان چیزه‌ای نفیس و گران‌بها بیرون می‌آوردند.
- 82- ﴿كُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ﴾: آنان را از سرپیچی از فرمان سلیمان عليه السلام یا از تب‌ه‌کاری دور نگه‌داشتیم.
- 85- ﴿ذَا الْكِفْلِ﴾: گفته شده الیاس عليه السلام است.
- 87- ﴿ذَا التُّونِ﴾: یونس عليه السلام. ﴿مُعْضِبًا﴾: بر قوم بی‌دین خود خشمگین شد.
- 87- ﴿لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾: بازندانی کردن و دیگر چیزه‌ها، او را در تنگنا قرار نمی‌دهیم.
- 90- ﴿رَعَبًا وَرَهَبًا﴾: به امید ثواب و ترس از عذاب.
- 90- ﴿خَشِعِينَ﴾: فروتن و فرمان‌بردار.

- 91- ﴿أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا﴾: عفت خود را حفظ کرد.
- 91- ﴿مِنْ رُوحِنَا﴾: از روح خود، جبرئیل.
- 92- ﴿أُمَّتْكُمْ﴾: ملت شما، اسلام.
- 93- ﴿تَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ﴾: دین خود را به گروه‌ها و احزاب متفرق ساختند.
- 95- ﴿حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ﴾: محال است برای اهل قری‌های.
- 95- ﴿أَنَّهُمْ لَا يَرِجُعُونَ﴾: که آن‌ها به رستاخیز و حساب به سوی ما برنگردند.
- 96- ﴿حَدَبٍ﴾: زمین بلند.
- 96- ﴿يَنْسَلُونَ﴾: به شتاب بیرون می‌آیند.
- 97- ﴿الْوَعْدُ الْحَقُّ﴾: رستاخیز، حساب و جزاء.
- 97- ﴿شَلْخَصَةَ﴾: باز می‌ماند و پلک‌هایش حرکت نمی‌کند.
- 98- ﴿حَصْبُ جَهَنَّمَ﴾: هیزم دوزخ.
- 98- ﴿لَهَا وَارِدُونَ﴾: در آن داخل می‌شوید.
- 100- ﴿زَفِيرٌ﴾: تنفس شدیدی که از اثر آن قفسه‌سین‌ها بالا بیاید.
- 102- ﴿حَسِيسَهَا﴾: صدای شعل‌هور شدن آتش دوزخ را.
- 103- ﴿الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ﴾: هنگام صور رستاخیز.
- 104- ﴿السَّجِلُ﴾: صفحه‌نوشته شده.
- 104- ﴿لِلْكِتَابِ﴾: بر آنچه در صفحه‌نوشته است.
- 105- ﴿الزُّبُورِ﴾: کتاب‌های آسمانی.
- 105- ﴿الذِّكْرِ﴾: لوح محفوظ.
- 106- ﴿لَبَلَعًا﴾: پند و اندرز کافی است یا مایه رسیدن به مطلوب است.
- 109- ﴿ءَاذَنْتُمْكُمْ﴾: شما را از مأموریت خود آگاه ساختم.
- 109- ﴿عَلَى سَوَاءٍ﴾: به هم یکسان اعلام شد.
- 109- ﴿إِنْ أَدْرَى﴾: من آگاه نیستم.

111- ﴿فِتْنَةٌ لَّكُمْ﴾: امتحانی برای شماست.

سوره حجّ

- 1- ﴿زَلْزَلَةٌ أَلْسَاعَةَ﴾: هول و هراس قیامت و سختی‌های آن.
- 2- ﴿تَذْهَلُ﴾: از شدت ترس به خود گرفتار و غافل می‌شود.
- 3- ﴿مَرِيدٍ﴾: سرکش، نافرمان و کوشا در فساد.
- 4- ﴿تَوَلَّاهُ﴾: دوست و پیرو او شود.
- 5- ﴿نُطْقَةٍ﴾: منی.
- 5- ﴿عَلَقَةٍ﴾: پاره خون بست.
- 5- ﴿مُضْغَةٍ﴾: قطع گوشت به اندازه‌ای که جویده شود.
- 5- ﴿مُخَلَّقَةٍ﴾: دارای شکل که خلقتش شناخته شود.
- 5- ﴿لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ﴾: تا به کمال عقل و قوت خود برسید.
- 5- ﴿أَرْدَلِ الْعُمْرِ﴾: زبون‌ترین دوره عمر که عقل از کلانسالی تباه گردد.
- 5- ﴿هَامِدَةً﴾: خشک و بی‌جان.
- 5- ﴿أَهْتَرَّتْ﴾: به جنب و جوش می‌آید.
- 5- ﴿رَبَّتْ﴾: رشد و نمو می‌کند.
- 5- ﴿رَوْحٍ بَهِيحٍ﴾: نوع خوب و تازه.
- 9- ﴿ثَانِي عَظْفِهِ﴾: با تکبر و غرور سرپیچی می‌کند.
- 9- ﴿خِزْيٌ﴾: ذلت و خواری.
- 11- ﴿عَلَى حَرْفٍ﴾: شک و اضطراب در دین.
- 13- ﴿الْمَوْلَى﴾: یاور.
- 13- ﴿الْعَشِيرُ﴾: هم‌صحبت.
- 15- ﴿يَنْصُرُهُ اللَّهُ﴾: خدا رسول خود را کمک خواهد کرد.

- 15- ﴿يَسْبَبِ إِلَى السَّمَاءِ﴾: بارِسمانی به سقف خانه خود.
- 15- ﴿ثُمَّ لِيَقْطَعْ﴾: و خود را خفه کند تا بمیرد.
- 15- ﴿كَيْدُهُ﴾: کاری که به خود انجام داده.
- 17- ﴿وَالصَّابِغِينَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره‌ها.
- 18- ﴿يَسْجُدُ لَهُ﴾: فرمانبراو هستند.
- 18- ﴿حَقَّ عَلَيْهِ﴾: براو حتمی شده است.
- 19- ﴿خَصْمَانِ﴾: مسلمانان و کفار.
- 19- ﴿الْحَمِيمُ﴾: آب جوشان.
- 20- ﴿يُضْهَرُ بِهِ﴾: به اثر آن ذوب می‌شود.
- 21- ﴿مَقْمَعُ﴾: گرزها یا تازیانه‌ها.
- 24- ﴿صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾: راه شایسته، اسلام را به بندگان پسندیده است.
- 25- ﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: مک، حرم.
- 25- ﴿الْعَكْفُ فِيهِ﴾: ساکن و ملازم در آن.
- 25- ﴿الْبَادِ﴾: آن‌هایی که از نقاط دیگر می‌آیند.
- 25- ﴿يَا لِحَادٍ بِظُلْمٍ﴾: با انحراف از حق و تمایل به باطل.
- 26- ﴿يَوَّأُنَا لِإِبْرَاهِيمَ﴾: برای ابراهیم آماده کردیم یا آشکار نمودیم.
- 27- ﴿أَذِنَ فِي النَّاسِ﴾: مردم را دعوت کن و آگاه بساز.
- 27- ﴿رَجَالًا﴾: پیاده.
- 27- ﴿صَّامِرٍ﴾: شتر لاغر از رنج راه.
- 27- ﴿فَيْحٍ عَمِيقٍ﴾: جای دور.
- 28- ﴿بِهَيْمَةَ الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- 29- ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾: سپس از احرام خارج و چرک و ناپاکی‌ها را از خود دور نمایند یا مناسک حج را ادا کنند.

- 30- ﴿حُرْمَتِ اللَّهِ﴾: مناسک حج و غیره.
- 30- ﴿الرَّجَسِ﴾: پلیدی، مراد بت‌هاست.
- 30- ﴿قَوْلِ الزُّورِ﴾: سخنی بی‌هوده و دروغ.
- 31- ﴿حُنْفَاءَ لِلَّهِ﴾: از باطل روگردان و به دین حق باشید.
- 31- ﴿تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ﴾: باد تند او را پرتاب می‌کند.
- 31- ﴿مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾: جای دور و کشنده.
- 32- ﴿شَعَائِرَ اللَّهِ﴾: شعایر دینی را، قربانی که به کعبه برند.
- 33- ﴿مَحَلُّهَا﴾: جای وجوب ذبح آن.
- 33- ﴿إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾: ساحه حرم.
- 34- ﴿مَنْسَكًا﴾: ذبح قربانی برای تقرب به خدا.
- 34- ﴿بَشِيرِ الْمُحْبِتِينَ﴾: به فروتنان در برابر خدا مژده بده.
- 36- ﴿وَالْبُدْنَ﴾: شتر یا گاوی است که جهت قربانی به حرم برند.
- 36- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: نشان‌های آئین الهی در حج.
- 36- ﴿صَوَافٍ﴾: در صف ایستاده‌اند.
- 36- ﴿وَرَجَبَتْ جُنُوبَهَا﴾: بعد از ذبح بر زمین افتد.
- 36- ﴿أَطْعَمُوا الْقَانِعَ﴾: به سائل غذا بدهید.
- 36- ﴿الْمُعْتَرِّ﴾: کسی که پیش شما می‌آید و سؤال نمی‌کند.
- 38- ﴿خَوَانٍ كَفُورٍ﴾: خائن به امانت و منکر نعمت.
- 40- ﴿صَوَامِعُ﴾: عبادتگاه راهبان نصاری.
- 40- ﴿بِيعٍ﴾: کنیسه‌های نصاری.
- 40- ﴿صَلَوَاتٍ﴾: کنیسه‌های یهود.
- 40- ﴿مَسْجِدٍ﴾: مسجدهای مسلمانان.
- 44- ﴿أَصْحَابُ مَدْيَنَ﴾: قوم شعیب علیه السلام.

- 44- ﴿فَأَمْلَيْتُ لِّلْكَافِرِينَ﴾: به آن‌ها مهلت دادم و عقوبت‌شان را به تأخیر انداختم.
- 45- ﴿فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: ساکنان بسیاری از آبادی‌ها را.
- 45- ﴿حَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾: دیوارهای آن بر سقف‌های ویرانش افتاده است.
- 45- ﴿قَصْرٍ مَّشِيدٍ﴾: قصرهای سرب‌ه‌فلک خالی از سکن‌ه‌شد.
- 48- ﴿أَمَلَيْتُ لَهَا﴾: به او مهلت دادم.
- 51- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: گمان می‌کنند ما را ناتوان می‌سازند و نجات می‌یابند.
- 52- ﴿تَمَنَّى﴾: قرائت کرد.
- 52- ﴿أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾: شیطان در دل رفقای خود درباره آیات تلاوت شده [برای اغوای آن‌ها] شب‌ه‌افکند.
- 54- ﴿فَتُخْبِتُ لَهُ﴾: به قرآن اطمینان کند و به آن آرامش یابد.
- 55- ﴿مِرْيَةٍ﴾: درباره قرآن در شک هستند.
- 55- ﴿يَوْمٍ عَقِيمٍ﴾: آخرین روز، قیامت.
- 59- ﴿مُدْخَلًا﴾: به‌ه‌شت یا مقام‌ه‌ای عالی آن.
- 60- ﴿ثُمَّ بُعِيَ عَلَيْهِ﴾: سپس بار دوم بر او ستم شود.
- 61- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.
- 67- ﴿مَنْسَكًا﴾: شریعت خاصی و عبادتی.
- 71- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیلی و بره‌انی.
- 72- ﴿الْمُنْكَرُ﴾: حالت زشت، عبوس‌ت و ترش‌روی.
- 72- ﴿يَسْطُونَ﴾: از خشم و کین بر خیزند و هجوم‌ه‌برند.
- 74- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ﴾: عظمت و بزرگی خدا را نشناختند.
- 78- ﴿هُوَ أَجْتَبَاكُمْ﴾: او شما را برای عبادت خود و دین خود برگزیده است.
- 78- ﴿حَرَجٍ﴾: تکلیف شدید و دشوار.
- 78- ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾: خدا مالک، ناصر و عهده‌دار امور شماست.

سوره مؤمنون

- 1- ﴿أَفَلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾: مؤمنان کامیاب و سعادت‌مند شدند و نجات یافتند.
- 2- ﴿خَلِشْعُونَ﴾: فروتن، ترسان و آرام باشند.
- 3- ﴿اللَّغْوِ﴾: گفتار و کردار ناپسند.
- 7- ﴿الْعَادُونَ﴾: از حلال به حرام تجاوز کردند.
- 11- ﴿الْفِرْدَوْسِ﴾: عالی‌ترین و بهترین جای بهشت.
- 12- ﴿سُلَّةٍ﴾: شیرهای که از غذا به وجود آمده است.
- 13- ﴿قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾: جای مطمئن، رحم.
- 14- ﴿عَلَقَةً﴾: خون بست.
- 14- ﴿مُضْغَةً﴾: تک‌های گوشت به اندازه‌ای که جویده شود.
- 14- ﴿خَلْقًا آخَرَ﴾: متفاوت از اول با دمیدن روح در آن.
- 14- ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ یا خیر و احسانش فراوان است.
- 14- ﴿أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾: زبردست و ماهرترین آفرینندگان است.
- 17- ﴿سَبْعَ طَرَائِقٍ﴾: هفت طبق آسمان یا راه‌های رفت و آمد فرشتگان یا مدار ستارگان.
- 18- ﴿بِقَدْرِ﴾: به اندازه نیاز و مصالح انسان.
- 20- ﴿شَجَرَةً﴾: درخت زیتون.
- 20- ﴿بِالدُّهْنِ﴾: میوه آن دارای روغن زیتون است.
- 20- ﴿صَبْغٍ لِّلْأَكْلِيْنَ﴾: خورش انسان که با نان خوره شود.
- 21- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- 21- ﴿لِعِبْرَةٍ﴾: پند و اندرز و نشانه قدرت و رحمت خداست.
- 22- ﴿عَلَيْهَا﴾: بر شتر.
- 24- ﴿الْمَلُوءِ﴾: سران و بزرگان قوم.
- 24- ﴿يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ﴾: ریاست شما را بدست گیرد.

- 25- ﴿يَهٗءِ جِنَّةٌ﴾: گرفتار جنون شده یا جن عقل او را برده است.
- 25- ﴿فَتَرَبَّصُوا يَهٗءِ﴾: درباه او صبر کنید و در انتظار بمانید.
- 27- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و مراقبت ما.
- 27- ﴿فَارَ التَّنُّورُ﴾: آب از تنور نان فوران کرد.
- 27- ﴿فَأَسْلُكُ فِيهَا﴾: در کشتی داخل شو.
- 29- ﴿مُنزَلًا﴾: جای فرود آمدن.
- 30- ﴿لَمُبْتَلِينَ﴾: همانا بندگان خود را با این آیات می‌آزمایم.
- 31- ﴿قَرْنًا ءَاخِرِينَ﴾: قومی دیگر را، عاد اول قوم هود.
- 33- ﴿أَثَرَفْنَاهُمْ﴾: نعمت فراوان به آن‌ها دادیم اما ناسپاسی کردند.
- 36- ﴿هَيَّاتَ﴾: وقوع این وعده بسیار بعید است.
- 41- ﴿فَأَخَذْنَاهُمُ الصَّيْحَةَ﴾: پس آواز جبریل یا عذاب بنیان برانداز دیگر آن‌ها را گرفت.
- 41- ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً﴾: پس مانند کف روی سیل نابودشان ساختیم.
- 41- ﴿فَبَعْدًا...﴾: نابود باد یا از رحمت حق دور باد...
- 42- ﴿قُرُونًا ءَاخِرِينَ﴾: ملت‌های دیگری را.
- 44- ﴿تَتَرَا﴾: پی‌درپی در زمان‌های مختلف.
- 44- ﴿جَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ﴾: ایشان را تن‌ها داستان‌های شگفت انگیز قرار دادیم.
- 45- ﴿سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ﴾: حجت روشن و آشکار کننده حق.
- 46- ﴿قَوْمًا عَلِيّٰنَ﴾: گروه متکبر یا ستمگر مغرور.
- 50- ﴿ءَاوَيْنَهُمَا﴾: آن‌ها را رساندیم.
- 50- ﴿إِلَى رَبْوَةٍ﴾: به جایی بلندتر از نقاط دیگر.
- 50- ﴿مَعِينٍ﴾: چشم‌ه‌آب روان و زلال.
- 52- ﴿أُمَّتِكُمْ﴾: ملت و شریعت شما.
- 53- ﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ﴾: امور دین خود را به پراکندگی کشاندند.

- 53- ﴿زُيْرًا﴾: به گروه‌ها و فرق‌ه‌های مختلف.
- 54- ﴿غَمْرَتِهِمْ﴾: جهالت و گمراهی‌شان.
- 55- ﴿أَتَمَّا نُنِدُّهُمْ بِهِ﴾: آنچه به کمک آن‌ها قرار می‌دهیم.
- 57- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- 60- ﴿يُؤْتُونَ مَا آتَوْا﴾: زکات و صدقات می‌دهند.
- 60- ﴿فَلُوبُهُمْ وَجِلَّةٌ﴾: دل‌هایشان هراسان است که مبادا اعمال‌شان قبول نشود.
- 62- ﴿وَسَعَهَا﴾: به اندازه طاقتش، از اعمال.
- 63- ﴿غَمْرَةٌ﴾: جهالت و غفلت.
- 64- ﴿مُتْرَفِيهِمْ﴾: ثروتمندان‌شان را که ثروت آن‌ها را گمراه و ناسپاس ساخته است.
- 64- ﴿يَجْرُونَ﴾: به پیشگاه خدا زاری و ناله می‌کنند.
- 66- ﴿تَنكِصُونَ﴾: از پذیرش آن اعراض می‌کردید.
- 67- ﴿مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ﴾: به اهل حرم بودن می‌بالیدید و خود را بزرگ می‌شمردید.
- 67- ﴿سَلَمْرًا﴾: به اطراف آن جلسات شب نشینی تشکیل می‌دادید.
- 67- ﴿تَهَجَّرُونَ﴾: نسبت به قرآن سخن زشت و یاوه می‌گفتید.
- 70- ﴿بِهِ جِنَّةٌ﴾: گرفتار جنون شده است.
- 71- ﴿بِذِكْرِهِمْ﴾: قرآن را که مایه افتخار و شرف آن‌هاست.
- 72- ﴿حَرْجًا﴾: دست مزد و اجرت.
- 74- ﴿لَنَتَكَبِّرَنَّهُ﴾: از حق منحرف می‌شوند.
- 75- ﴿لَلْجَوِّ فِي طُعَيْنِهِمْ﴾: در گمراهی و کفر خود غرق می‌شوند.
- 75- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست و درست را نمی‌یابند یا حیران می‌شوند.
- 76- ﴿فَمَا أَسْتَكَاثُوا﴾: فروتنی نشان ندادند.
- 76- ﴿مَا يَتَضَرَّعُونَ﴾: در پیشگاه خدا دعا و زاری نکردند.
- 77- ﴿مُبْلِسُونَ﴾: حیران و نومید از خیر و خوبی.

- 79- ﴿ذَرَأَكُمْ﴾: شما را آفرید و ب‌ه‌زاد و ولد در زمین پراکنده ساخت.
- 83- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های که در کتاب‌هاشان نوشته است.
- 88- ﴿مَلَكُوتُ﴾: فرمان‌روایی عظیم و گسترده.
- 88- ﴿هُوَ يُجِيرُ﴾: اوست فریادرس و هرک‌ه‌را بخواد کمک و دفاع می‌کند.
- 88- ﴿لَا يُجَارُ عَلَيْهِ﴾: هیچ‌کس نمی‌تواند مانع عذاب و عقاب او شود.
- 89- ﴿فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾: پس چگونه فریب می‌خورید، از یکتا پرستی کناره می‌روید.
- 97- ﴿أَعُوذُ بِكَ﴾: ب‌ه‌تو پناه می‌برم و از تو نیرو می‌خواهم.
- 98- ﴿هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ﴾: وسوسه‌های فساد انگیز اهریمنان.
- 100- ﴿مَنْ وَرَأَيْهِمْ﴾: پیش روی آن‌ها.
- 100- ﴿بَرَزَخٌ﴾: مانعی است.
- 104- ﴿تَلْفُحٌ﴾: می‌سوزاند.
- 104- ﴿كَلِحُونَ﴾: با چهره عبوس یا لب‌ها از اثر سوختن جمع شده و دندان‌ها نمایان است.
- 106- ﴿غَلَبَتْ عَلَيْنَا﴾: بر ما چیره شد.
- 106- ﴿شَقَوْتُنَا﴾: بخت بد یا لذات و شهوات ما.
- 108- ﴿أَخَسُوا فِيهَا﴾: مثل سگ دور شوید، در دوزخ بمانید.
- 110- ﴿سِحْرِيًّا﴾: مورد است‌ه‌زاء و تمسخر.
- 116- ﴿فَتَعَلَى اللَّهِ﴾: مقام و عظمت او تعالی بلند و از بی‌هودگی‌ها منزّه است.

سوره نوره

- 1- ﴿فَرَضْنَاهَا﴾: احکام آن را بر شما فرض کردیم.
- 2- ﴿كُلِّ وَاحِدٍ﴾: هر یکی را، اگر آزاد و ازدواج نکرده باشد.
- 4- ﴿يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان پاک دامن را متهم به زنا می‌کنند.

- 8- ﴿ذَرُّوا عَنْهَا الْعَذَابَ﴾: عقوبت را از زن دفع می کند.
- 11- ﴿بِالْإِفْكِ﴾: به تان و دروغ بسیار زشت.
- 11- ﴿عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ﴾: گروهی از شما.
- 11- ﴿تَوَلَّى كِبْرَهُ﴾: بخش عمده‌ای از آن را برعهده داشت، رئیس منافقان عبد الله پسر ابی.
- 14- ﴿أَفْضَتْمْ فِيهِ﴾: در قضی‌ه افک به گفتگو پرداختید و شایع ساختید.
- 15- ﴿تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا﴾: می پنداشتید این کار ساده است و فرجام بد ندارد.
- 16- ﴿سُبْحَانَكَ﴾: سبحان الله زشتی و شناخت این تهمت بزرگ شگفت آور است.
- 17- ﴿بُهْتَنٌ﴾: دروغی است که از شناخت و زشتی بی حد شنونده را به حیرت می اندازد.
- 21- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه و روش شیطان.
- 21- ﴿بِالْفَحْشَاءِ﴾: به زشت ترین گناه.
- 21- ﴿الْمُنْكَرِ﴾: آنچه شرع او را نپذیرد و به نزد خدا ناپسند باشد.
- 21- ﴿مَا زَكَّيْ﴾: از آلودگی گناهان پاک نمی شد.
- 22- ﴿لَا يَأْتَلِ﴾: سوگند یاد نکنند یا کوتاهی نکنند.
- 22- ﴿أَوْ لَوْ الْفَضْلِ﴾: صاحبان فضیلت در دین.
- 22- ﴿السَّعَةِ﴾: ثروت.
- 23- ﴿الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان پاکدامن را، همینگونه است مردان پاک دامن.
- 25- ﴿دِينَهُمُ الْحَقُّ﴾: جزای آن‌ها را که به عدالت تثبیت شده است.
- 27- ﴿تَسْتَأْذِنُوا﴾: از کسی که صلاحیت اجازه دادن دارد اجازه بگیرید.
- 28- ﴿أَزْكَى لَكُمْ﴾: برای شما شایسته تر است از لک‌ها در شدن به گمان و پستی.
- 29- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناه.
- 29- ﴿مَتَعَ لَكُمْ﴾: منافع و مصالح شماست.
- 30- ﴿يَعْضُوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ﴾: از نگاه به نامحرمان خودداری کنند.

- 31- ﴿زَيَّنْتَهُنَّ﴾: جاه‌ای زینت خود را از بدنشان.
- 31- ﴿وَلْيَضْرِبَنَّ﴾: بیندازند.
- 31- ﴿بِخُمْرِهِنَّ﴾: چادرهای خود را.
- 31- ﴿عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾: بر سین‌هایشان و اطراف آن.
- 31- ﴿لِيُبْعُلِّتَهُنَّ﴾: برای شوهرهای خود.
- 31- ﴿نِسَائِهِنَّ﴾: زنانی که مخصوص صحبت و یا خدمت‌شان است.
- 31- ﴿أُولَى الْأَرْبَابَةِ﴾: میل به زنان.
- 31- ﴿لَمْ يَظْهَرُوا﴾: ب‌ه حد بلوغ و ش‌هوت نرسیده‌اند.
- 32- ﴿أَنْكِحُوا الْأَيْمَى﴾: زنان و مردان بی‌همسر را همسر دهید.
- 33- ﴿يَبْتَغُونَ الْكُتُبَ﴾: آزادی خود را با عقد قرارداد می‌خواهند.
- 33- ﴿فَتَنِيَّتِكُمْ﴾: کنیزان خود را.
- 33- ﴿الْبِغَاءِ﴾: زنا. ﴿تَحْصُنَا﴾: عفت و پاکدامنی.
- 35- ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ﴾: خدا روشن‌کننده آسمان و زمین یا هدایت‌کننده باشندگان این دو یا آفریدگار آن‌هاست.
- 35- ﴿مِصْبَاحٌ﴾: چراغ بزرگ فروزان.
- 35- ﴿رُجَاجَةٌ﴾: قندیلی از شیشه پاک و بسیار روشن.
- 35- ﴿كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾: ستاره درخشان.
- 36- ﴿يُيُوتِ﴾: عموم مساجد.
- 36- ﴿أَنْ تُرْفَعَ﴾: قدر و حرمت شوند، مجلل و پاکیزه باشند.
- 36- ﴿بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ﴾: اول و آخر روز.
- 38- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: بی‌ن‌هایت یا فراوان.
- 39- ﴿كَسْرَابٍ﴾: مانند سرابی است، شعاعی که در بیابان هنگام ظ‌ه‌ر و شدت گرما مانند آب روان ب‌ه نظر می‌آید.
- 39- ﴿بِقِيعَةٍ﴾: در زمین هموار و فراخ.

- 40- ﴿نَحْرٍ لُّجِّيٍّ﴾: دریای بسیار عمیق و پیرآب.
- 40- ﴿يَعْشَهُ﴾: بر فرازش قرار می گیرد و او را می پوشاند.
- 40- ﴿سَحَابٌ﴾: ابره ای که روشنی آسمان را پنهان می کنند.
- 41- ﴿صَلَفَتِ﴾: بال های خود را در هوا گشوده اند.
- 43- ﴿يُزْجِي سَحَابًا﴾: به هر جا که بخواد ابره را به آرامی سوق می دهد.
- 43- ﴿يَجْعَلُهُ رُكَّامًا﴾: آن ها را به فراز هم متراکم می سازد.
- 43- ﴿الْوَدَقِ﴾: باران را.
- 43- ﴿مِنْ خَلِيلِهِ﴾: از لابلای ابره.
- 43- ﴿سَنَا بَرْقِهَ﴾: درخشش و لمعان برق آن.
- 49- ﴿مُدْعَيْنِ﴾: فرمانبردار و فروتن.
- 50- ﴿أَنْ يَحْيَفَ﴾: که ستم روا دارد.
- 53- ﴿جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ﴾: سخت ترین سوگنده ای خود.
- 53- ﴿طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ﴾: طاعت شما شناخته شده که از روی زبان است.
- 54- ﴿مَا حُمِّلَ﴾: آنچه پیامبر به اجرای آن مأمور شده است از قبیل تبلیغ احکام.
- 54- ﴿مَا حُمِّلْتُمْ﴾: آنچه به اجرای آن مأمور شده اید از قبیل اطاعت و فرمانبرداری.
- 57- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: از عذاب ما نمی توانند فرار کنند.
- 58- ﴿جُنَاحٌ﴾: بدون اجازه داخل شدن گناه نیست.
- 60- ﴿الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾: پیره زنانی که حیض نمی بینند.
- 60- ﴿غَيْرِ مُتَّبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾: زینتی را که به آن داشتن آن مأمورند آشکار نکنند.
- 61- ﴿مَا مَلَکْتُمْ مِمَّا تَحْتَهُ﴾: از چیزه ای که وکالتاً در تصرف شماست و یا نگهبان آن ها هستید.
- 61- ﴿أَشْتَاتًا﴾: جداگان.
- 62- ﴿أَمْرٍ جَامِعٍ﴾: کار می که ایجاب می کند همه یکجا باشند.

- 63- ﴿دُعَاءَ الرَّسُولِ﴾: دعوت پیغمبر را که برای جمع شدن شما انجام می دهد یا صدا کردن شما پیامبر را.
- 63- ﴿يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ﴾: یکی پس از دیگری از میان شما ن هانی بیرون می روند.
- 63- ﴿لِوَادَاً﴾: خود را پشت سر دیگران پن هان می کنند تا بیرون روند.
- 63- ﴿يُحَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ﴾: از امر او سرپیچی می کنند یا مانع اجرای آن می شوند.
- 63- ﴿وَفِتْنَةً﴾: سختی و محنت در دنیا.

سوره فرقان

- 1- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: بزرگ و با عظمت است یا خیرش فزون است ذاتی که.
- 1- ﴿نَزَلَ الْفُرْقَانَ﴾: قرآن را که فاصل بین حق و باطل است نازل کرد.
- 2- ﴿فَقَدَرَهُ﴾: هم چیز را آماده کاری کرد که صلاحیت و شایستگی آن را دارند.
- 3- ﴿نُشُورًا﴾: رستاخیز.
- 4- ﴿إِفْئُكٌ أَفْتَرْتَهُ﴾: دروغی است که از خود ساخت.
- 4- ﴿زُورًا﴾: دروغی است بس بزرگ.
- 5- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِيْنَ﴾: دروغ های که در کتاب هاشان نوشته است.
- 5- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز، همیشه.
- 6- ﴿يَعْلَمُ الْبَيْتَ﴾: هم اسرار را می داند.
- 8- ﴿جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا﴾: باغی پر ثمر که از میوه های آن بخورد.
- 8- ﴿رَجُلًا مَّسْحُورًا﴾: انسانی که سحر عقل او را ربوده است.
- 11- ﴿سَعِيرًا﴾: آتش عظیم و شعل هور.
- 12- ﴿تَغِيْطًا﴾: صدای جوش و خروش، مثل صدای انسان خشمگین.
- 12- ﴿زَفِيرًا﴾: آواز شدید مثل صدای درندگان.
- 13- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: دست هاشان با غل و زنجیر به گردنشان بسته است.

- 13- ﴿ثُبُورًا﴾: آرزوی مرگ کنند.
- 16- ﴿وَعَدَا مَسْوَلًا﴾: وعده‌ای است حق و باید بندگان آن را از خدا بخواهند.
- 18- ﴿نَسُوا الدِّكْرَ﴾: از نشان‌ه‌ای و حدانیت غفلت ورزیدند.
- 18- ﴿قَوْمًا بُورًا﴾: گروه هلاک شده یا فاسد بودند.
- 19- ﴿صَرْفًا﴾: عذاب ال‌هی را از خود دور نمایند.
- 20- ﴿فُتْنَةً﴾: بلا و آزمایش.
- 21- ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾: امید دیدار ما را ندارند، از رستاخیز منکرند.
- 21- ﴿عُتُورًا﴾: درستمگری و سرکشی از حد تجاوز کردند.
- 22- ﴿حِجْرًا مَّحْجُورًا﴾: [امروز] بشارت بر شما حرام است.
- 23- ﴿هَبَاءً﴾: مانند گرد، چیزه‌ای که در روزنه با شعاع آفتاب دیده شود مثل غبار.
- 23- ﴿مَنْثُورًا﴾: پراکنده و ناپایدار.
- 24- ﴿مَقِيلًا﴾: جای آسایش و لذت بردن از خواب نیمروزی.
- 25- ﴿تَشَقُّقَ السَّمَاءِ﴾: آسمان‌ها شکافته شوند.
- 25- ﴿بِالْغَمَمِ﴾: با ابر سفید.
- 27- ﴿سَبِيلًا﴾: راهی به سوی هدایت یا نجات.
- 29- ﴿لِلْأَنْسَنِ خَذُولًا﴾: به دوستان خود هیچ یاری نمی‌رساند.
- 30- ﴿مَهْجُورًا﴾: متروک و مه‌مل.
- 32- ﴿رَتَّلْنَاهُ﴾: ما آیات قرآن را یکی بعد از دیگری فرستادیم یا بیان نمودیم.
- 33- ﴿أَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾: راست‌ترین شرح و بیان را.
- 36- ﴿فَدَمَّرْنَاهُمْ﴾: آن‌ها را نابود کردیم.
- 38- ﴿أَصْحَابَ الرَّيْسِ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را کشتند و در آن چاه افکندند.
- 38- ﴿قُرُونًا﴾: ملت‌ها را.
- 39- ﴿تَبَرْنَا تَبِيرًا﴾: به طرز شگفت‌انگیزی نابود کردیم.

- 40- ﴿مَطَرٌ أَلْسُوءٌ﴾: باران سنگ‌های ویرانگر.
- 40- ﴿لَا يَرْجُونَ نُشُورًا﴾: انتظار وقوع رستاخیز را ندارند بلکه منکر آن هستند.
- 41- ﴿هُزُؤًا﴾: به باد است هزاء.
- 43- ﴿أَرْءَيْتَ﴾: به من بگو.
- 43- ﴿وَكَيْلًا﴾: مراقب که او را از پرستش هوس‌هایش منع کنی.
- 45- ﴿مَدَّ الظِّلَّ﴾: بین سپیده دم و طلوع آفتاب سایه را گسترده است.
- 47- ﴿الَّيْلِ لِيَاسًا﴾: تاریکی شب را برای شما پوشش قرارداد مانند لباس.
- 47- ﴿وَالنَّوْمَ سُبَاتًا﴾: خواب را مایه آسایش شما قرارداد با متوقف شدن کار و تلاش.
- 47- ﴿النَّهَارَ نُشُورًا﴾: روز را برخاستن از خواب برای کار و کوشش.
- 48- ﴿الرِّيحَ بُشْرًا﴾: باده را بشارت دهنده باران که رحمت خداست.
- 50- ﴿صَرَفْنَاهُ بَيْنَهُمْ﴾: باران را به شکل‌های مختلف فرستادیم.
- 50- ﴿كُفُورًا﴾: به این نعمت انکار و ناسپاسی کردند.
- 53- ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ﴾: دو دریا را در محل جریانشان در کنار هم قرارداد، یا آن‌ها را جاری کرد.
- 53- ﴿عَذْبٌ فُرَاتٌ﴾: بسیار شیرین و گوارا.
- 53- ﴿مِلْحٌ أُجَاجٌ﴾: بسیار شور و تند یا بسیار تلخ.
- 53- ﴿بِرَزْحًا﴾: حایل بزرگی که مانع یکجا شدن دو دریا می‌شود.
- 53- ﴿وَحَجْرًا مَّحْجُورًا﴾: بین این دو دریا حایلی قرارداد که با هم مخلوط نشوند و صفاتشان تغییر نکند.
- 54- ﴿نَسَبًا﴾: دارای نسب ذکور که به آن‌ها منسوب است.
- 54- ﴿وَصَهْرًا﴾: خویشاوندی.
- 55- ﴿عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا﴾: در برابر پروردگارش، در راه شرک همکار شیطان است.
- 58- ﴿سَيِّحٌ﴾: او تعالی را از همه نقص‌ها پاک و منزّه بدان.
- 58- ﴿بِحَمْدِهِ﴾: او را به اوصاف کمال ستایش کن.

- 59- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ﴾: استوایی که سزاوار کمال اوست.
- 60- ﴿زَادَهُمْ نُفُورًا﴾: آنان را از ایمان دورتر ساخت.
- 61- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: برتر و با عظمت است یا خیرش فراوان است خدای که.
- 61- ﴿بُرُوجًا﴾: منازل ستارگان سیار.
- 62- ﴿خِلْفَةً﴾: دنبال هم می آیند و جانشین یکدیگر می شوند.
- 63- ﴿هُونًا﴾: به مہابت، وقار و فروتنی.
- 63- ﴿قَالُوا سَلَمًا﴾: سخن درست به زبان می آورند که با آن از رنج و آزار رهایی یابند.
- 65- ﴿كَانَ غَرَامًا﴾: عذاب جهنم دوامدار است.
- 67- ﴿لَمْ يَقْتُرُوا﴾: بخیلانہ سختی نمی کنند.
- 67- ﴿قَوَامًا﴾: حد اعتدال، میانہ این دو.
- 68- ﴿يَلْقَ أَثَمًا﴾: در آخرت عذاب و جزا خواهد دید.
- 72- ﴿مَرُّوا بِاللَّغْوِ﴾: کاری ہودہای را مشاہدہ کردند.
- 72- ﴿مَرُّوا كِرَامًا﴾: بزرگوارانہ از آن کنارہ می گیرند و می گذرند.
- 73- ﴿لَمْ يَخْرُوْا﴾: [نمی باشند] نمی افتند.
- 74- ﴿فِرَّةَ أَعْيُنٍ﴾: مایہ شادمانی.
- 74- ﴿إِمَامًا﴾: سرمشق یا پیشوا.
- 75- ﴿يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ﴾: بلندترین و بہترین جای جنت بہ آنہ پاداش دادہ می شود.
- 77- ﴿مَا يَعْبَأُ بِكُمْ﴾: ہیچ ارج و اہمیتی بہ شما نمی دہد.
- 77- ﴿دُعَاؤُكُمْ﴾: عبادت شما برای خدا.
- 77- ﴿يَكُونُ لِرَامًا﴾: جزای تکذیب شما عذابی است کہ ہموارہ با شماست.

سورہ شعراء

- 3- ﴿بِخِعُ نَفْسِكَ﴾: می خواهی خود را از حسرت و اندوہ ہلاک کنی.

- 4- ﴿أَعْنَقُهُمْ﴾: گروه‌های ایشان یا سران و پیشوایان آن‌ها.
- 7- ﴿زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾: نوع زیبا و پر منفعت.
- 19- ﴿الْكَافِرِينَ﴾: انکارکنندگان نعمت من.
- 20- ﴿الضَّالِّينَ﴾: خطا کاران نه از روی قصد.
- 22- ﴿عَبَدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾: بنی اسرائیل را خوار و برده خود ساخت‌های.
- 33- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبان‌ش بیرون آورد.
- 33- ﴿هِيَ بَيْضَاءُ﴾: آن سفید و درخشان بود که چشم‌ها را خیره می‌کرد.
- 34- ﴿لِلْمَالِ﴾: به سران و بزرگان قوم.
- 36- ﴿أَرْجِهْ وَأَخَاهُ﴾: کار او و برادرش را به تأخیر بینداز و به شکنج‌های این دو عجل‌ه نکن.
- 36- ﴿حَشِيرِينَ﴾: افراد پولیس را که تمام ساحران را جمع کنند.
- 39- ﴿هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ﴾: آیا شما هم جمع می‌شوید، مردم را به اجتماع تشویق می‌کرد.
- 44- ﴿بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ﴾: سوگند به قدرت و عظمت فرعون.
- 45- ﴿تَلْقَفُ﴾: به سرعت می‌بلعید.
- 45- ﴿مَا يَأْكُفُونَ﴾: چیزهای را که به تذویر دیگرگون نشان می‌دادند.
- 50- ﴿لَا ضَيْرَ﴾: هر چه به ما برسد به زیان ما نیست.
- 52- ﴿إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾: فرعون و سپاه او شما را تعقیب می‌کنند.
- 53- ﴿حَشِيرِينَ﴾: افرادی را برای جمع آوری سپاه تا موسی عليه السلام و پیروانش را تعقیب نمایند.
- 54- ﴿لِشِرْذَمَةٍ﴾: نسبت به ما گروهی اندکی هستند.
- 56- ﴿حَدْرُونَ﴾: آماده، هوشیار و مسلح هستیم.
- 60- ﴿مُشْرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.
- 61- ﴿تَرَاءَ الْجَمْعَانِ﴾: هر دو گروه یکدیگر را دیدند.
- 63- ﴿فَأَنفَلَقَ﴾: دریا به دوازده بخش شکافت‌ه شد.

- 63- ﴿فَرَقَ﴾: قسمتی از دریا.
- 63- ﴿كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾: مثل کوه بسیار بلند.
- 64- ﴿أَزْلَفْنَا نَمَّ الْأَخْرَيْنَ﴾: در آنجا لشکریان فرعون را نیز به دریا نزدیک ساختیم.
- 75- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ...﴾: آیا دقت کردید و دانستید...
- 84- ﴿لِسَانَ صِدْقٍ﴾: ستایش نیکو و ذکر خیر.
- 87- ﴿لَا تُخْزِنِي﴾: مرا با شکنجه و عذاب ذلیل و رسوا مکن.
- 89- ﴿يَقْلَبِ سَلِيمٍ﴾: با قلب سلیم از مرض کفر و نفاق.
- 90- ﴿أَزْلَفْتِ الْجَنَّةَ﴾: بهشت نزدیک آورده شود جای که نعمت هایش مشاهد گردد.
- 91- ﴿بُرُزَّتِ الْجَحِيمُ﴾: دوزخ نمایان شود به جایی که مناظر هول انگیزش دیده شود.
- 91- ﴿لِلْعَاوِينَ﴾: برای گمراهان از راه حق.
- 94- ﴿فَكُكِّبُوا﴾: بت‌ها سرنگون افکنده می‌شوند.
- 98- ﴿نُسَوِّبِكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: شما و خالق جهان را یکسان مستحق عبادت می‌پنداشتیم در حالی که شما بسیار ناتوان بوده‌اید.
- 101- ﴿حَمِيمٍ﴾: نزدیک یا دل‌سوزی که به حال ما اهمیت قایل باشد.
- 102- ﴿كَرَّةٍ﴾: برگشتی به دنیا.
- 111- ﴿وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ﴾: افراد پست از تو پیروی کرده‌اند.
- 118- ﴿فَأَفْتَحْ﴾: پس داوری کن.
- 119- ﴿الْمَشْحُونِ﴾: مملو از انسان، چارپا و متاع.
- 128- ﴿رَبِيعٍ﴾: راه یا جای بلند.
- 128- ﴿ءَايَةٍ﴾: عمارت بلند و نمایان مانند علم.
- 128- ﴿تَعَبْتُونِ﴾: بازی می‌کنید با ساختن این بناها یا با کسانی که از آنجا می‌گذرند.
- 129- ﴿مَصَانِعَ﴾: قلعه‌ها یا کاخ‌ها یا حوض‌های آب.
- 132- ﴿أَمَدَكُمْ﴾: به شما نعمت داد.

- 137- ﴿حُلُقُ الْأَوْلِيْنَ﴾: عادت پیشینیان که به رستاخیز باور نداشتند.
- 148- ﴿ظَلَعَهَا﴾: شکوفه که میوه می‌گردد.
- 148- ﴿هَضِيمٌ﴾: رطب پخته و رسیده یا از فراوانی آویزان.
- 149- ﴿فَرِهَيْنَ﴾: به تراشیدن آن ماهرید یا ستمگرید.
- 153- ﴿مِنَ الْمُسْحَرِيْنَ﴾: از جادو شدگانی.
- 155- ﴿لَهَا شِرْبٌ﴾: برای اوس همی از آب است.
- 166- ﴿قَوْمٌ عَادُونَ﴾: قومی هستند که در گناه از حد گذشت‌ه‌اید.
- 168- ﴿مِنَ الْقَالِيْنَ﴾: از دشمنان سرسخت.
- 171- ﴿فِي الْغَيْرِيْنَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی ماند.
- 172- ﴿دَمَرْنَا الْآخِرِيْنَ﴾: دیگران را به شدت نابود کردیم.
- 173- ﴿مَطْرًا﴾: باران کشنده.
- 176- ﴿أَصْحَابُ لَيْكَةِ﴾: صاحب‌های درختان بسیار و به هم پیچیده، نزدیک مدین.
- 181- ﴿مِنَ الْمُخْسِرِيْنَ﴾: کم‌فروشان‌ی که حقوق دیگران را کامل نمی‌دهند.
- 183- ﴿لَا تَبْخَسُوا﴾: کم نکنید.
- 183- ﴿لَا تَعْتُوا﴾: فساد و تباهی نکنید.
- 184- ﴿وَالْحِيلَةَ الْأَوْلِيْنَ﴾: ملل گذشت‌ه‌را.
- 185- ﴿الْمُسْحَرِيْنَ﴾: سحر و جادو شدگان.
- 187- ﴿كِسْفًا﴾: پاره‌های از عذاب.
- 189- ﴿الظَّلَّةَ﴾: ابری که بر آن‌ه‌سایه افکند و بعد آتش بارید.
- 196- ﴿زُبُرِ الْأَوْلِيْنَ﴾: کتاب‌های پیامبران پیشین.
- 202- ﴿بُعْتَةَ﴾: ناگ‌ه‌ان.
- 203- ﴿هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ﴾: آیا به ما مهلت داده می‌شود تا ایمان بیاوریم؟ نه، هرگز.
- 205- ﴿أَفْرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.

- 207- ﴿مَا أَعْنَى عَنْهُمْ﴾: عمر دراز ب‌ه‌آن‌ها چه نفعی رساند، یعنی نفعی نرساند.
- 215- ﴿أَخْفِضْ جَنَاحَكَ﴾: خوشرفتاری و فروتنی کن.
- 219- ﴿تَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِينَ﴾: حرکات تورا در جمع نماز گزاران مشاهده می‌کند.
- 222- ﴿أَقَالِكِ أَثِيمٍ﴾: پرگناه مانند کاه‌ها.
- 225- ﴿يَهِيمُونَ﴾: ب‌ه‌رراهی سرگردانند.

سوره نمل

- 2- ﴿هُدًى﴾: هدایت کننده از گمراهی.
- 4- ﴿فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾: آن‌ها راه راست را نمی‌یابند یا متحیر و سرگردانند.
- 7- ﴿ءَأَنْتُمْ نَارًا﴾: من آتشی را مشاهده کردم.
- 7- ﴿بِشَهَابٍ قَبَسٍ﴾: اخگر شعل‌ه‌وری را از آن بیاورم.
- 7- ﴿تَصْطَلُونَ﴾: گرم شوید.
- 8- ﴿بُورِكَ﴾: پاکیزه و مبارک گردید و خیرش فزونی یافت.
- 8- ﴿مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾: موسی عليه السلام و فرشتگان.
- 10- ﴿تَهْتَرُونَ﴾: موج‌آسا حرکت می‌کند.
- 10- ﴿كَأَنَّهَا جَانٌّ﴾: در سرعت حرکت مانند مار کوچکی است.
- 10- ﴿لَمْ يَعْقِبْ﴾: موسی ب‌ه‌عقب برنگشت و یا ب‌پشت سر خود متوجه نشد.
- 12- ﴿فِي جَيْبِكَ﴾: در گریبان.
- 12- ﴿بَبَيْضَاءَ﴾: درخشان‌تر از آفتاب.
- 12- ﴿غَيْرِ سَوْءٍ﴾: بدون برص و مانند آن.
- 13- ﴿مُبْصِرَةً﴾: واضح، آشکار و هدایت کننده.
- 14- ﴿عُلُوءًا﴾: از سرکشی و استکبار ایمان نیاوردند.
- 16- ﴿مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾: درک مقصد پرندگان از آواز آن‌ها.

- 17- ﴿فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾: گروه‌های اول آن‌ها توقف داده می‌شوند تا گروه‌های آخر برسند.
- 18- ﴿لَا يَحْطَمَنَّكُمْ﴾: شما را پامال و نابود نکند.
- 19- ﴿أَوْزَعِي...﴾: به من ال‌ها م کن و وادارم بساز...
- 21- ﴿بِسُلْطَنِ مُبِينٍ﴾: دلیلی که عذر غیابت او را روشن کند.
- 25- ﴿يُخْرِجُ الْحَبَّاءَ﴾: چیزهای پنهان را آشکار می‌کند.
- 28- ﴿تَوَلَّ عَنْهُمْ﴾: از آن‌ها اندکی دور شو.
- 31- ﴿أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ﴾: در برابر من خود را بزرگ نپندارید.
- 31- ﴿مُسْلِمِينَ﴾: به خدا ایمان بیاورید یا تسلیم و فرمانبردار شوید.
- 32- ﴿تَشْهَدُونَ﴾: شما نزد من حاضر می‌بودید یا برایم مشوره می‌دادید.
- 33- ﴿أُولَؤُلَا بَأْسٍ﴾: ما دلیران جنگ آزموده‌ایم.
- 37- ﴿لَا قَبْلَ لَهُمْ بِهَا﴾: توان مقاومت با آن را ندارند.
- 37- ﴿هُمْ صَاغِرُونَ﴾: به اسارت و بردگی خواری و ذلیل می‌شوند.
- 40- ﴿الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ﴾: کسی که از علم بهره‌ور بود، آصف یا جبریل یا فرشت‌های دیگر.
- 40- ﴿ظَرْفُكُ﴾: چشم خود را یا پلک چشمان خود را بر هم زنی.
- 40- ﴿لِيَبْلُغَنِي﴾: تا مرا بی‌آزماید.
- 41- ﴿نَكِّرُوا﴾: تغییر بدهید.
- 44- ﴿أَدْخُلِي الصَّرْحَ﴾: به قصر با شکوه یا به ساحه آن یا به حوض آن وارد شو.
- 44- ﴿حَسِبْتَهُ حُجَّةً﴾: بلقیس گمان کرد آب عمیق است.
- 44- ﴿صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ﴾: قصری است صاف و تابان.
- 44- ﴿مِن قَوَارِيرٍ﴾: از شیشه‌های شفاف.
- 47- ﴿أَطَّيَّرْنَا﴾: زمانی که به سختی‌ها گرفتار شدیم به فال بد گرفتیم.
- 47- ﴿طَبَّرَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ﴾: شومی شما عملتان است که نزد او تعالی نوشته است.
- 47- ﴿قَوْمٌ تَفْتَنُونَ﴾: قومی هستند که شیطان شما را با وسوسه به فتنه می‌افکند.

- 48- ﴿تَسْعَةُ رَهْطٍ﴾: نه نفر از بزرگان در رأس هر گروه.
- 49- ﴿تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ﴾: یکدیگر را به خدا قسم دادند یا خود به خدا قسم یاد کردند.
- 49- ﴿لُنُبَيْتَتُهُ وَأَهْلُهُ﴾: شب هنگام او و خانواده اش را بی خبر می کشیم.
- 49- ﴿مَهْلِكٌ أَهْلِهِ﴾: هلاکت خانواده او را.
- 51- ﴿دَمَّرْنَا لَهُمْ﴾: نابودشان کردیم.
- 52- ﴿خَاوِيَةً﴾: ویران و بی صاحب است.
- 54- ﴿أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ﴾: از انجام عملی لواط هیچ شرم و باکی ندارید.
- 56- ﴿يَتَطَهَّرُونَ﴾: از لواطت دوری می کنند.
- 57- ﴿قَدَّرْنَا لَهَا﴾: بر او حکم و تقدیر کردیم.
- 57- ﴿مِنَ الْغَيْرِينَ﴾: که جزو باقی ماندگان در عذاب باشد.
- 58- ﴿مَطْرًا﴾: باران سنگ و کشنده از آسمان.
- 60- ﴿حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ﴾: باغ های زیبا و بارونق.
- 60- ﴿قَوْمٌ يَعِدُلُونَ﴾: قومی هستند منحرف از حق و مایل به باطل.
- 61- ﴿الْأَرْضِ قَرَارًا﴾: زمین را محل استقرار و گسترده.
- 61- ﴿رَوَاسِي﴾: کوه های استوار تا تکان نخورد.
- 61- ﴿حَاجِزًا﴾: حایلی که مانع یکجا شدن آن ها می شود.
- 63- ﴿رَحْمَتِهِ﴾: باران که رحمت پروردگار و مایه حیات زمین است.
- 66- ﴿أَدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ﴾: احوال قیامت را کامل دریافتند، این تهمتم و استهزاء است بر آن ها، از فرط بی اطلاعی ایشان درباره آخرت.
- 66- ﴿عَمُونَ﴾: نشان های آشکار آن را نمی بینند.
- 68- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغ های که در کتب آن ها نوشته است.
- 70- ﴿ضَيْقٍ﴾: دلتنگی.
- 72- ﴿رَدِفَ لَكُمْ﴾: به شما رسیده باشد.

- 74- ﴿مَا تَكُنُّ صُدُورُهُمْ﴾: اسراری که در سین‌های خودن‌ان می‌دارند.
- 75- ﴿عَايَةَ﴾: چیزه‌ای ن‌ان از انسان.
- 82- ﴿وَقَعَ الْقَوْلُ﴾: قیامت و دشواری‌های موعودش نزدیک شود.
- 82- ﴿دَابَّةً﴾: جانوری را، این جانور از علایم قیامت کبری است.
- 83- ﴿فَوْجًا﴾: گروهی را.
- 83- ﴿فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾: دست‌های اولی توقف داده می‌شوند تا گروه‌های آخر برسند و بعد یکجا سوق داده می‌شوند.
- 87- ﴿فَفَزِعَ﴾: بترسند چنان ترسی که مرگ در پی دارد.
- 87- ﴿دَاخِرِينَ﴾: خوار و ذلیل بعد از رستاخیز.
- 90- ﴿فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ﴾: سرنگون افکنده می‌شوند.

سوره قصص

- 4- ﴿عَلَا فِي الْأَرْضِ﴾: درسزمین مصر نافرمانی و سرکشی کرد.
- 4- ﴿شِيعًا﴾: گروه‌های مختلف، گروه‌های برای خدمت و گروه‌های برای بیگاری و ذلت.
- 4- ﴿يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ﴾: دخترانشان را برای خدمت زنده می‌گذاشت.
- 6- ﴿يَحْذَرُونَ﴾: از رفتن پادشاهی‌شان هراس داشتند.
- 8- ﴿كَانُوا خَاطِبِينَ﴾: مجرم و گناه کار بودند.
- 9- ﴿فَرَّتْ عَيْنٌ﴾: مایه شادمانی است.
- 10- ﴿فَرِحًا﴾: جز یاد موسی از همه چیزت‌هی گشت.
- 10- ﴿لَتُبَدَىٰ بِهِ﴾: از شدت اندوه آشکار کند که این پسرش است.
- 10- ﴿لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا﴾: اگر با صبر استوار نمی‌داشتیم.
- 11- ﴿قُصِيهِ﴾: از دنبالش برو و از احوالش آگاه شو.
- 11- ﴿فَبَصَّرْتَهُ بِهِ﴾: او را دید. ﴿عَنْ جُنُبٍ﴾: از دور.
- 12- ﴿يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ﴾: بخاطر شما تربیت این پسر را به عهده می‌گیرند.
- 13- ﴿تَقَرَّرَ عَيْنُهَا﴾: به دیدار فرزندش خوشحال شد.
- 14- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال بالندگی و نیروی بدنی خود رسید.
- 14- ﴿وَأَسْتَوَىٰ﴾: عقلش کامل شد.
- 15- ﴿فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ﴾: موسی با مشیت به سین‌ه او زد.
- 17- ﴿ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ﴾: همکار مجرمین.
- 18- ﴿يَتَرَقَّبُ﴾: انتظار وقوع اتفاق بدی را داشت.
- 18- ﴿يَسْتَصْرِحُهُ﴾: از او کمک می‌خواهد.
- 18- ﴿إِنَّكَ لَعَوِيٌّ﴾: تو گمراه‌ستی هیچگاه اصلاح نمی‌شوی.
- 19- ﴿يَبْطِشُ﴾: به قوت و شدت بگیرد.

- 20- ﴿يَسْعَى﴾: به شتاب.
- 20- ﴿إِنَّ الْمَلَائِكَةَ﴾: سران و بزرگان قوم.
- 20- ﴿يَأْتِرُونَ بِكَ﴾: درباره توباهم مشورت دارند.
- 22- ﴿تَلْقَاءَ مَدْيَنَ﴾: به سمت مدین، قریه شعیب الطَّيِّبَةَ.
- 22- ﴿سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾: راه راست که مایه نجات است.
- 23- ﴿أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ﴾: جمعیت بسیاری از مردم را.
- 23- ﴿تَذُودَانَ﴾: گوسفندان خود را از نزدیک شدن به آب منع می کردند.
- 23- ﴿مَا خَطْبُكُمْ﴾: مقصد شما از این کار چیست؟
- 23- ﴿يُصِدِّرَ الرِّعَاءَ﴾: چوپان هارم هه ای خود را از آب دور ببرند.
- 27- ﴿تَأْجُرْنِي﴾: بخاطر چراندن گوسفندها به من اجیر باشی.
- 27- ﴿حِجَجٍ﴾: ساله.
- 29- ﴿ءَأَنَسَ﴾: مشاهده کرد.
- 29- ﴿نَارًا﴾: آتشی را، در واقع نور ربانی بود.
- 29- ﴿جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ﴾: چوبی که آتش بدون شعله دارد.
- 29- ﴿تَصْطَلُونَ﴾: خود را به آن گرم نمایید.
- 31- ﴿تَهْتَرُ﴾: به سرعت حرکت می کند.
- 31- ﴿لَمْ يُعْقَبْ﴾: بر نمی گردد یا متوجه نمی شود.
- 32- ﴿جَبِيكُ﴾: گریبان.
- 32- ﴿يَبْيَضُّ﴾: سفید، درخشانتر از آفتاب.
- 32- ﴿عَيْرِ سَوْءٍ﴾: بدون برص و امثال آن.
- 32- ﴿وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ﴾: دست راست خود را به سین هات بگذار
ترسی که از این مارداری زایل می شود.
- 34- ﴿رِدْءًا﴾: یاور.

- 35- ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ﴾: نیرومندت می سازم و کمکت می کنم.
- 35- ﴿سُلْطَنًا﴾: حجت یا غلبه.
- 36- ﴿مُقْتَرَى﴾: این را به دروغ به خدا نسبت می دهی.
- 38- ﴿صَرْحًا﴾: قصری یا عمارت بلند و نمایان.
- 40- ﴿فَنَبَذْنَهُمْ فِي الْيَمِّ﴾: آن ها را به دریا افکندیم و غرق نمودیم.
- 41- ﴿أَيِّمَةً﴾: پیشوایانی در مسیر گمراهی.
- 42- ﴿لَعْنَةً﴾: دوری از رحمت خدا.
- 42- ﴿مِنَ الْمُقْبُوحِينَ﴾: از طرد شدگان یا از زشت رویان هستند.
- 43- ﴿الْقُرُونَ الْأُولَى﴾: ملل گذشته را که پیامبران خویش را تکذیب کردند.
- 43- ﴿بَصَائِرَ لِلنَّاسِ﴾: روشنی بخش دل های مردم که با آن حقایق را مشاهده کنند.
- 44- ﴿فَضَيْنَا﴾: سپردیم.
- 45- ﴿ثَاوِيًا﴾: مقیم.
- 48- ﴿سِحْرَانِ تَظَاهَرَا﴾: قرآن و تورات هر دو سحر و پشیمانی یکدیگر.
- 51- ﴿وَوَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾: ما قرآن را برای آن ها پی در پی فرستادیم.
- 54- ﴿يَدْرُءُونَ﴾: دفع می کنند.
- 55- ﴿اللَّغْوِ﴾: دشنام را از کفار.
- 55- ﴿سَلَّمَ عَلَيْكُمْ﴾: سلام بر شما ما مثل شما رفتار نمی کنیم.
- 57- ﴿تُنْتَخِطَفُ﴾: به سرعت ربوده می شویم.
- 57- ﴿مُجْبَىٰ إِلَيْهِ﴾: از هر سمت به آنجا آورده می شود.
- 58- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: چه بسیاری راه لاک کردیم.
- 58- ﴿بَطَرْتُ مَعِيشَتَهَا﴾: در دنیا بدمست و مغرور شده بودند.
- 61- ﴿مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ.
- 63- ﴿أَعْوَيْنَا﴾: آن ها را به گمراهی دعوت کردیم و از ما پیروی کردند.

- 66- ﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ﴾: دلایل بر آن‌ها پوشیده گردد، دلیلی نمی‌یابند.
- 68- ﴿الْخَيْرَةُ﴾: اختیار.
- 69- ﴿مَا تَكُنْ صُدُورُهُمْ﴾: باطل و عداوتی که در سین‌های خود‌ها می‌دارند.
- 71- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- 71- ﴿سَرْمَدًا﴾: دایمی.
- 75- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: پندار باطلی که در دنیا به دروغ می‌بافتند.
- 76- ﴿فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ﴾: بر آن‌ها ستم یا کبر کرد.
- 76- ﴿لَتَنُوًّا بِالْعُصْبَةِ﴾: به یک گروه سنگین بود.
- 76- ﴿لَا تَفْرَحْ﴾: به کثرت دارایی خودبین و بدمست مباش.
- 78- ﴿مِنَ الْقُرُونِ﴾: از ملت‌ها.
- 78- ﴿لَا يُسْأَلُ﴾: برای معلومات از آن‌ها سؤال نمی‌شود بلکه سؤال توبیخ و سرزنش می‌شود.
- 79- ﴿فِي زِينَتِهِ﴾: در آرايشی از رفاه و ثروت خود.
- 80- ﴿وَيَلْكُمْ﴾: وای بر شما، برای منع آن‌ها از چنین آرزو‌هاست.
- 80- ﴿وَلَا يُلْقِنَهَا﴾: به انجام کارهای نیک موفق نمی‌شوند.
- 82- ﴿وَيَكُنَّ اللَّهُ﴾: آیا مشاهده نکردی که او تعالی.
- 82- ﴿يَقْدِرُ﴾: به مقتضای حکمت روزی هر که را بخواهد کم می‌کند.
- 82- ﴿وَيَكُنَّ لَهُ لَا يُفْلِحُ﴾: آیا نمی‌بینی که رستگار نمی‌شود.
- 85- ﴿مَعَادٍ﴾: به مکه پیروزمندان‌ه.
- 86- ﴿ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ﴾: پشتیبان کافران.

سورهٔ عَنكَبُوت

- 2- ﴿لَا يُفْتُونَ﴾: با گرفتاری به سختی مورد امتحان قرار نمی گیرند تا مخلص از منافق جدا شود.
- 4- ﴿أَنْ يَسْبِقُونَا﴾: ما را ناتوان سازند و از مجازات ما نجات یابند.
- 5- ﴿أَجَلٌ أَلَّهِ﴾: وقت معین برای رستاخیز و جزاء.
- 8- ﴿وَصَيَّنَا لِلْإِنْسَانِ﴾: به انسان دستور دادیم.
- 8- ﴿حُسْنًا﴾: فرمانبردار پدر و مادر و بر آن ها مهربان باشد.
- 10- ﴿فِتْنَةَ النَّاسِ﴾: شکنجه و آزاری که از مردم به او می رسد.
- 12- ﴿خَطَايَكُمْ﴾: گناهان شما را.
- 13- ﴿أَنْفَالَهُمْ﴾: خطاهای سنگین خود را.
- 13- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: سخنان دروغ و یاوه را از خود می بافتند.
- 17- ﴿تَخْلُقُونَ إِفْكًا﴾: دروغ می گویند.
- 21- ﴿إِلَيْهِ تُقَلَّبُونَ﴾: به نزد خدا بر می گردید.
- 22- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی توانید فرار کنید.
- 25- ﴿مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ﴾: برای استحکام دوستی بین خود که هم به یکسان بت پرستید.
- 25- ﴿مَأْوَنَكُمْ النَّارُ﴾: جای شما دوزخ است.
- 29- ﴿تَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ﴾: راه را می بندید با آمیزش به گناه و زشتی.
- 29- ﴿نَادِيكُمْ﴾: مجالس خود.
- 32- ﴿مِنَ الْعَلِيرِينَ﴾: مثل همتایان خود در عذاب خواهد ماند.
- 33- ﴿سَيِّءَ بِهِمْ﴾: از آمدن آن ها غمگین شد که از دست درازی قومش بر آن ها ترسید.
- 33- ﴿ضَاقَ بِهِمْ دَرْعًا﴾: بخاطر آن ها سخت دلتنگ شد که توان نجات آن ها را نداشت.
- 34- ﴿رَجْرًا﴾: عذاب شدید.
- 36- ﴿لَا تَعْتَوُوا﴾: فساد و تباهی نکنید.
- 37- ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ﴾: به سبب صیحه گرفتار زمین لرزه شدید شدند.

- 37- ﴿جَثِمِينَ﴾: خشک، بی حرکت و بی جان.
- 38- ﴿كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾: خردمند و اهل نظر بودند.
- 39- ﴿سَلِيقِينَ﴾: از عذاب خدا نجات یابند.
- 40- ﴿حَاصِبًا﴾: باد شدیدی که سنگریزه پرتاب می کرد.
- 40- ﴿أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از جانب آسمان او را گرفت.
- 41- ﴿الْعَنكَبُوتِ﴾: حشره معروف.
- 48- ﴿الْأَرْتَابِ﴾: در شک می افتادند.
- 49- ﴿مَا يَجْحَدُ﴾: انکار و تکذیب نمی کند.
- 50- ﴿آيَاتٍ مِّن رَّبِّهِ﴾: معجزه‌های خارق العاده از سوی پروردگارش.
- 53- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى﴾: روز قیامت.
- 53- ﴿بَعْتَهُ﴾: ناگهان.
- 55- ﴿يَعْمَلُهُمُ الْعَذَابُ﴾: عذاب آن‌ها را احاطه کند.
- 58- ﴿لِنُبَوِّئَنَّهُمْ﴾: آن‌ها را دایمی جای می دهیم.
- 58- ﴿عُرْفًا﴾: منازل عالی.
- 60- ﴿كَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ﴾: بسیاری از جانوران.
- 61- ﴿فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه آنان را از توحید حق منحرف می سازند؟
- 62- ﴿يَقْدِرُ لَهُ﴾: روزی هر کسی را به مقتضای حکمت کم می کند.
- 64- ﴿لَهُمْ وَلَعَبٌ﴾: لذت‌های زود گذر، عبث و بی‌هوده.
- 64- ﴿لَهُمُ الْحَيَوانُ﴾: بدون شک دیار آخرت پاینده و جاوید است.
- 65- ﴿الدِّينِ﴾: طاعت و عبادت را.
- 67- ﴿يَتَخَطَّفُ النَّاسُ﴾: مردم ربوده و سربریده می شوند.
- 68- ﴿مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾: محل اقامت کافران.

- 2- ﴿غَلِبَتِ الرُّومُ﴾: فارس روم را مغلوب کرد.
- 3- ﴿أَدْنَى الْأَرْضِ﴾: نزدیک‌ترین ساحه سرزمین روم به فارس.
- 3- ﴿غَلِبَهُمْ﴾: مغلوب شدنشان.
- 8- ﴿أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: زمان معین برای بقای آن‌ها ازانل.
- 9- ﴿أَتَارُوا الْأَرْضَ﴾: زمین را شخم زدند و برای زراعت آماده کردند.
- 10- ﴿السُّوْأَى﴾: بدترین عذاب، دوزخ.
- 12- ﴿يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ﴾: دلیل مجرمان منقطع می‌شود یا نومید می‌شوند.
- 15- ﴿يُحْبِرُونَ﴾: شاد یا گرامی داشته می‌شوند.
- 16- ﴿فِي الْعَذَابِ مُحَضَّرُونَ﴾: همیشه در عذابند.
- 18- ﴿حِينَ تَظْهَرُونَ﴾: هنگامی که به ظه‌ر می‌رسید.
- 20- ﴿تَنْتَشِرُونَ﴾: در امور زندگی دست بکار می‌شوید.
- 21- ﴿لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾: تا به آن‌ها تمایل پیدا کنید و آنس بگیرید.
- 26- ﴿لَهُ قَنُوتُونَ﴾: از اراده او تعالی فرمان می‌برند.
- 27- ﴿لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾: عالی‌ترین وصف در کمال و جلال از آن خداست.
- 30- ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ﴾: پس روی خود را راست و درست کن.
- 30- ﴿لِلدِّينِ﴾: به دین توحید و اسلام.
- 30- ﴿حَنِيفًا﴾: متمایل به سوی او.
- 30- ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ﴾: به اسلام پایدار باشید.
- 30- ﴿فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾: خدا انسان را بر آن آفریده است.
- 30- ﴿لِخَلْقِ اللَّهِ﴾: به دین الهی که انسان را بر آن آفریده است.
- 30- ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾: این است دین مستقیم.
- 31- ﴿مُنْبِيئِينَ إِلَيْهِ﴾: با توبه و اخلاص به او تعالی رجوع کنید.
- 32- ﴿كَانُوا شِيعًا﴾: از هوای نفس به صورت احزاب گوناگون درآمدند.

- 35- ﴿سُلْطٰنًا﴾: کتابی یا دلیل روشنی.
- 36- ﴿فَرِحُوا بِهَا﴾: به سبب آن متکبر و خودپسند می شوند.
- 36- ﴿هُمَّ يَقْنُطُونَ﴾: از رحمت خدا نومید می شوند.
- 37- ﴿يَقْدِرُ﴾: به اقتضای حکمت روزی هر که را بخواهد تنگ می کند.
- 39- ﴿رَبًّا﴾: همین ربای حرام معروف.
- 39- ﴿لَيَرْبُوْا﴾: تا آن ربا بیفزاید.
- 39- ﴿فَلَا يَرْبُوْا﴾: مایه برکت آن نمی شود.
- 39- ﴿الْمُضْعِفُونَ﴾: چند برابر.
- 43- ﴿لِلَّذِيْنَ اَلْقَمِيْمِ﴾: به دین مستقیم و فطرت.
- 43- ﴿لَا مَرَدَّ لَهٗ﴾: هیچ کس نمی تواند مانع وقوع آن شود.
- 43- ﴿يَصَّدَّعُونَ﴾: به سوی بهشت و دوزخ متفرق می شوند.
- 44- ﴿يَمَهْدُونَ﴾: جایگاه نعمت و ناز را می سازند.
- 48- ﴿فَتَثْبِيْرٌ سَحَابًا﴾: ابره را حرکت می دهد و پراکنده می سازد.
- 48- ﴿يَجْعَلُهُ كِسْفًا﴾: ابره را به صورت قطع هه ای پراکنده در می آورد.
- 48- ﴿الْوَدْقَ﴾: باران را.
- 48- ﴿مِنْ خَلَلِهٖ﴾: از لابلای آن.
- 49- ﴿لَمْبَلِسِيْنَ﴾: از بارش باران نومید بودند.
- 51- ﴿فَرَاوُهٗ مُصْفَرًّا﴾: گیاهان را بعد از شادابی و سبزی زرد می بینند.
- 54- ﴿شَيْبَةً﴾: حالت پیری.
- 55- ﴿يُؤَفِّكُونَ﴾: از حق و راستی دوری می جستند.
- 57- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آن ها خواسته نمی شود که با توبه و طاعت، غضب خدا را از خود دور نمایند.
- 60- ﴿لَا يَسْتَخِفَّنْكَ﴾: تو را به خفت، خواری و اضطراب وادار نکنند.

سوره لقمان

- 6- ﴿لَهُوَ الْحَدِيثُ﴾: سخن باطل که انسان را از خیر و عبادت بازدارد.
- 6- ﴿هُزُؤًا﴾: به استهزاء.
- 7- ﴿وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا﴾: با تکبر از تفکر در آن اعراض می کند.
- 7- ﴿وَقَرًّا﴾: کربی مانع از شنیدن.
- 10- ﴿بِغَيْرِ عَمَدٍ﴾: بدون پای و ستون.
- 10- ﴿رَوَّاسِي﴾: کوه‌های استوار.
- 10- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ﴾: تا شما را تکان ندهد.
- 10- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: در روی زمین پراکنده کرد.
- 10- ﴿زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾: نوع خوب و پر منفعت.
- 12- ﴿لُقْمَانَ﴾: لقمان شخصی صالح و حکیم بودن پیامبر.
- 12- ﴿الْحِكْمَةَ﴾: عقل، فهم، زیرکی و سخن راست و درست.
- 14- ﴿وَصَيَّنَّا الْأَنْسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم و موظفش ساختیم.
- 14- ﴿وَهَنَّا﴾: در حال ناتوانی.
- 14- ﴿فَصَلِّهُ﴾: پایان دوره شیرخوارگی آن.
- 15- ﴿أَنَابَ إِلَيَّ﴾: به اخلاص و طاعت به سوی من آمده است.
- 16- ﴿مِثْقَالَ حَبَّةٍ...﴾: به وزن کوچکترین چیز.
- 18- ﴿لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾: به تکبر و غرور روی خود را از مردم نگردان.
- 18- ﴿مَرَحًا﴾: به سرکشی، غرور و خودپسندی.
- 18- ﴿مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: متکبر، کسی که به خصال نیک خود فخر کند.
- 19- ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾: در راه رفتن حد وسط را اختیار کن.
- 19- ﴿أَعْضُضْ﴾: آهسته بدار.
- 20- ﴿سَخَّرَ لَكُمْ﴾: برای منافع شما مسخر کرده است.

- 20- ﴿أَسْبَغَ﴾: تمام، فراوان و کامل کرد.
- 22- ﴿يُسَلِّمُ وَجْهَهُ...﴾: هم‌ه‌امور خود را بسپارد...
- 22- ﴿أَسْتَمْسَكَ﴾: چنگزده دلبستگی یافته و پناه برده است.
- 22- ﴿بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾: به عهد و پیمان مطمئن.
- 24- ﴿عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾: عذاب شدید، دوزخ.
- 27- ﴿يَمُدُّهُ﴾: بر او افزوده شود.
- 27- ﴿سَبْعَةَ أَمْجُرٍ﴾: هفت دریای پر آب دیگر.
- 27- ﴿مَا نَفَدَتْ﴾: به پایان نرسد.
- 27- ﴿كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾: مقدرات و عجایب صنعت یا علم الهی⁽¹⁾.
- 29- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.

1- شیخ مخلوف می‌گوید: ﴿كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾ (مقدورات و عجایب و معلومات) یعنی: تقدیرها و شگفتی‌ها یا معلوماتش.

می‌گویم: تفسیر ﴿كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾ به تقدیرات و معلومات، مخالف فهم سلف در این زمین است و همچنین کنار گذاشتن ظاهر لفظ است، بلکه کلمات خداوند - پاک و منزّه - همان کلام و سخن او می‌باشد که پایان ندارد؛ زیرا اله اول است بی‌آنکه آغازی داشته باشد و آخر است بی‌آنکه پایانی داشته باشد و پیوسته و همیشه سخن گفته است و هر آنچه که بخواهد و هر گاه که اراده کند می‌گوید و کلام او در گذشته و آینده هیچ حد و مرزی نداشته و ندارد و درختان و دریاها این که مقدر نموده تا کلمات اله را بنویسند به ناچار تمام می‌شوند و پایان می‌پذیرند اما کلام اله هیچ پایانی ندارد.

تفسیر ﴿كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾ به تقدیرات یا معلومات شامل امور وجودی و امور عدمی می‌شود، در حالی که ویژگی کلمات اله این است که هیچ پایانی ندارد و از امور وجودی است. به نظر می‌رسد تفسیری که مؤلف ذکر نموده بر اساس مذهب اشاعره در مورد کلام اله است، زیرا آن‌ها می‌گویند که کلام اله معنایی واحد درونی و قدیمی است و وصف تعدد شامل آن نمی‌شود. این تعریف مخالف با مذهب اهل سنت و جماعت است که می‌گویند: «خداوند متعال پیوسته و همیشه به هر کلامی که بخواهد و هر گون که بخواهد سخن می‌گوید و کلامش پایانی ندارد و خداوند این گون و وصف می‌شود که: گفت و می‌گوید، ندا داده و ندا می‌دهد، همان‌گونه خداوند متعال درباره‌ی خودش چنین خبر داده است و از هر کسی به نفس خویش آگاه‌تر است و از آفریده‌هایش صادق‌تر و نیکو سخن‌تر است». (نگاه: تفسیر ابن جریر ۸۰/۲۱-۸۲، تفسیر بغوی ۶/۲۹۲ و تفسیر سعدی ۶/۱۶۶). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشت‌های دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 32- ﴿غَشِيَهُمْ مَوَّجٌ﴾: موجی بالای سر آن‌ها قرار بگیرد.
- 32- ﴿كَالظَّلِيلِ﴾: مانند ابریا کوه‌ای سایه افکن.
- 32- ﴿فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ﴾: عده‌ای خدا را شکر و به عهده خود وفا می‌کنند.
- 32- ﴿حَتَّىٰ كَفُورٍ﴾: غذا و ناسپاس.
- 33- ﴿يَوْمًا لَا يَجْزِي...﴾: روزی که در آن چیزی را دور نمی‌کند...
- 33- ﴿فَلَا تَعْرَنَكُمْ﴾: شما را به لذت‌های خود سرگرم نکند و فریب ندهد.
- 33- ﴿الْعُرُورِ﴾: شیطان اغواگر و امثال آن.

سوره سجده

- 3- ﴿أَفْتَرَنُ﴾: قرآن را خودش ساخته است.
- 4- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق کمال و جلال اوست.
- 5- ﴿يَعْرُجُ إِلَيْهِ﴾: این امر به سوی او بالا می‌رود.
- 7- ﴿أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ﴾: همه چیز را استوار ساخته است.
- 8- ﴿سُلَّةٍ﴾: خلاص‌های.
- 8- ﴿مَاءٍ مَّهِينٍ﴾: منی ضعیف و حقیر.
- 9- ﴿سَوَّاهُ﴾: او را صورت بخشیدن و موزون ساخت.
- 10- ﴿ضَلَّلْنَا فِي الْأَرْضِ﴾: ما خاک و در زمین گم شویم.
- 12- ﴿نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ﴾: سرهای خود را از رسوایی، شرم و ندامت به زیر افکنند.
- 13- ﴿حَقِّ الْقَوْلِ﴾: قضاء و قدر ثابت و نافذ شده است.
- 13- ﴿الْجِنَّةِ﴾: جن.
- 16- ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ﴾: پهلوه‌ایشان برای عبادت دور می‌شود.
- 16- ﴿عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾: از بسترهای خواب.

- 17- ﴿مِن قُرَّةٍ أَعْيُنٍ﴾: از اسباب شادمانی است.
- 19- ﴿نُزُلًا﴾: مہمانی و ضیافت.
- 23- ﴿فِي مِرْيَةٍ﴾: در شک.
- 23- ﴿مِن لِّقَابِهِ﴾: از پذیرفتن موسی تورات را بے خوشی.
- 26- ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ﴾: آیا مشرکان غافلند و سرانجام شان را روشن نساختہ است.
- 26- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: ہلاکت و نابودی ملتہای گذشتہ.
- 26- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملل گذشتہ.
- 27- ﴿الْأَرْضِ الْجُرُزِ﴾: زمین خشک و بی گیاه.
- 28- ﴿هَذَا الْفَتْحِ﴾: این پیروزی و نجات شما.
- 29- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: مہلت دادہ نخواہند شد تا ایمان بیاورند.

سورہ احزاب

- 1- ﴿أَتَى اللَّهَ﴾: ہموارہ از خدا بترس یا پرہیزگاری را افزون نما.
- 3- ﴿وَكَيْلًا﴾: مراقب.
- 4- ﴿تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ﴾: آنہارا مثل مادر بر خود حرام می کنید.
- 4- ﴿أَدْعِيَاءَكُمْ﴾: فرزند خواندہہای شما را.
- 5- ﴿أَقْسَطُ﴾: عادلان ہتر.
- 5- ﴿مَوَالِيكُمْ﴾: دوستان دینی شما ہستند.
- 6- ﴿أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾: مہربان تر و سودمندتر است بہ مؤمنان.
- 6- ﴿أَزْوَاجُهُمْ وَأُمَّهَاتُهُمْ﴾: ہمسرانہش مثل مادرند بہ مسلمانان در حرمت نکاح و قدرو منزلت.
- 6- ﴿أُولُوا الْأَرْحَامِ﴾: خویشاوندان.
- 7- ﴿مِيثَاقَهُمْ﴾: پیمان آنہارا، ہرچہ برعہدہ دارند بجا کنند.

- 7- ﴿مَيْثَقًا غَلِيظًا﴾: پیمان استوار به وفا.
- 9- ﴿جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ﴾: لشکرهای بزرگ به سوی شما آمدند، روز خندق سال پنجم هجرت.
- 10- ﴿زَاعَتِ الْأَبْصَارُ﴾: چشم‌ها از دهشت و حیرت کج و دیگرگون شدند.
- 10- ﴿بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ﴾: دل‌ها به گلورسید، تمثیل است برای شدت ترس.
- 11- ﴿أَبْتَلِيَ الْمُؤْمِنُونَ﴾: مؤمنان در سختی‌ها آزمایش شدند.
- 11- ﴿زُلْزِلُوا﴾: از شدت ترس بسیار مضطرب شدند.
- 12- ﴿عُرُورًا﴾: وعده بی‌عده یا فریب.
- 13- ﴿يَثْرَبَ﴾: نام سابق مدینه است.
- 13- ﴿لَا مَقَامَ لَكُمْ﴾: اینجا محل اقامت شما نیست.
- 13- ﴿إِنَّ بَيْوتَنَا عَوْرَةٌ﴾: خانه‌های ما دور و بیم تجاوز دشمن در آنجا است.
- 13- ﴿فِرَارًا﴾: فرار از جنگ در صف مسلمان‌ها.
- 14- ﴿مِنْ أَقْطَارِهَا﴾: از اطراف و نواحی مدینه.
- 14- ﴿سِيلُوا الْفِتْنَةَ﴾: از آن‌ها خواسته شود که با مسلمان‌ها بجنگند.
- 14- ﴿مَا تَلَبَّثُوا بِهَا﴾: جنگ را به تأخیر نمی‌اندازند.
- 17- ﴿يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ﴾: حکم و مشیت او را از شما دور می‌کند.
- 18- ﴿الْمُعَوِّقِينَ﴾: گروهی از شما که مردم را از همکاری با رسول خدا منع می‌کردند.
- 18- ﴿هَلُمَّ إِلَيْنَا﴾: پیش ما بیایید یا خود را به ما نزدیک بسازید.
- 18- ﴿الْبَأْسَ﴾: جنگ.
- 19- ﴿أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ﴾: به چیزهای که در نفع شماست بخالت می‌کنند.
- 19- ﴿يُعْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ﴾: از سختی مرگ بی‌هوش می‌شود.
- 19- ﴿سَلَقُوكُمْ﴾: به شما طعن می‌زنند و آزار می‌رسانند.
- 19- ﴿بِالْسِّنَةِ حِدَادٍ﴾: بازبان درازی.

- 19- ﴿أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ﴾: حریص بر مال و غنیمت.
- 19- ﴿فَأَحْبَطَ اللَّهُ﴾: خدا باطل کرد.
- 20- ﴿بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ﴾: با اعراب در بادی بودند.
- 21- ﴿أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾: سرمشق نیکو در همه امور.
- 23- ﴿قَضَىٰ نَجْبَهُ﴾: به پیمان خود وفا کردند یا جامش هادت نوشیدند.
- 26- ﴿الَّذِينَ ظَلَهُرُوهُمْ﴾: یهود بنی قریظه که به احزاب کمک کردند.
- 26- ﴿صَيَّا صِيهِمُ﴾: از قلع‌ه‌ای مستحکم خود.
- 26- ﴿الرُّعْبُ﴾: ترس شدید.
- 28- ﴿أُمْتَعَكُنَّ﴾: به شما متعه طلاق بدهم.
- 28- ﴿أَسْرَحَكُنَّ﴾: طلاقتان نمایم.
- 28- ﴿سَرَّاحًا حَمِيلاً﴾: طلاق حسن که ضرر و زیان در آن نیست.
- 30- ﴿يَفْحِشَةَ مُبَيَّنَةٍ﴾: گناه کبیره.
- 31- ﴿مَنْ يَفْنُتْ مِنْكُنَّ﴾: هر که از شما فرمانبرداری کند.
- 32- ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾: با مردان به لجه نرم و با آب و تاب سخن نگوئید.
- 33- ﴿قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾: شما و دیگر زنان در خانه‌های خود بمانید.
- 33- ﴿لَا تَبْرَجْنَ﴾: زینتی را که ستر آن واجب است آشکار نسازید.
- 33- ﴿الْجَهْلِيَّةِ الْأُولَى﴾: جاهلیت پیش از اسلام.
- 33- ﴿الرِّجْسِ﴾: گناه یا نقص را.
- 34- ﴿وَالْحِكْمَةِ﴾: سیرت پیامبر یا احکام قرآن.
- 35- ﴿الْفَلَتَيْنِ﴾: مردانی که مطیع فرمان خدا هستند.
- 36- ﴿الْخَيْرَةَ﴾: اختیار.
- 37- ﴿وَطَرًا﴾: حاجت خود را، کنایه از طلاق است.
- 37- ﴿حَرْجٌ﴾: هیچ گناهی.

- 37- ﴿أَدْعِيَا بِهِمْ﴾: فرزند خوانده‌هایشان، قبل از نسخ فرزند خواندگی.
- 38- ﴿فَرَضَ اللَّهُ لَهُ﴾: خدا بر او قسمت کرده یا مقدر گردانیده یا بر او حلال کرده.
- 38- ﴿خَلَوْا مِنْ قَبْلُ﴾: پیامبرانی که پیش از تو گذشتند.
- 39- ﴿حَسِيبًا﴾: محاسب اعمال.
- 42- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز.
- 49- ﴿سَرَّاحًا جَمِيلًا﴾: رها کردن نیکو و عاری از آزار و منع واجب.
- 50- ﴿ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ﴾: م‌هرهای ایشان را داده‌ای.
- 50- ﴿أَفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكَ﴾: خدا از راه غنیمت ب‌تو داده است.
- 51- ﴿تُرْجِي﴾: ب‌تأخیر اندازی و هم‌بستر نشوی.
- 51- ﴿تُؤَيِّ إِلَيْكَ﴾: هم‌دم خود کنی و با او هم‌بستر شوی.
- 51- ﴿أَبْتَعَيْتَ﴾: خواستی.
- 51- ﴿عَزَلْتَ﴾: کنار زده‌ای.
- 51- ﴿ذَلِكَ أَدَّتِي أَنْ تَقَرَّرَ أَعْيُنُهُنَّ﴾: این که خودت را در مورد معاشرت با آن‌ها مخیر ساختیم مایه مسرت و رضایت آن‌هاست چون می‌دانند این کار ب‌دستور خداست.
- 52- ﴿رَقِيبًا﴾: مراقب.
- 53- ﴿غَيْرَ نَظِيرِينَ إِنَّهُ﴾: منتظر پختن غذا نباشید.
- 53- ﴿فَأَنْتَشِرُوا﴾: پراکنده شوید و در نزد او درنگ نکنید.
- 53- ﴿سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَلَعًا﴾: حاجت قابل استفاده را از آن‌ها خواستید.
- 56- ﴿يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾: بر پیامبر درود می‌فرستند.
- 58- ﴿بُهْتَنًا﴾: کاربرد یا دروغ بسیار زشت.
- 59- ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ﴾: بر خود بیندازند.
- 59- ﴿جَلَبِيبِهِنَّ﴾: چادرهای خود را.
- 60- ﴿وَالْمُرْجِفُونَ﴾: آن‌ها که خبره‌ای دروغ را پخش می‌کنند.

- 60- ﴿لَتُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ﴾: تورا بر آن‌ها مسلط می‌کنیم.
- 61- ﴿ثُقُفُوا﴾: یافت شوند و ب‌ه دست آیند.
- 68- ﴿ضِعْفَيْنِ﴾: دو چند.
- 69- ﴿وَجِبَاهَا﴾: با جاه و مقام و مستجاب الدعوه.
- 70- ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾: سخن درست یا راست یا پیام‌آور حق.
- 72- ﴿عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ﴾: تکالیف، اوامر و نواهی را عرض‌ه کردیم.
- 72- ﴿فَأَبَيْنَ﴾: نپذیرفتند.
- 72- ﴿أَشْفَقْنَا مِنْهَا﴾: از خیانت در آن ترسیدند.

سوره سبأ

- 2- ﴿مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ﴾: آنچه در زمین فرومی رود، باران و غیره.
- 2- ﴿مَا يَعْرُجُ﴾: آنچه صعود می کند، فرشتگان و اعمال انسان.
- 3- ﴿لَا يَعْزُبُ عَنْهُ﴾: از وی پوشیده و پنهان نمی ماند.
- 3- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به اندازه کوچک ترین مورچه یا گرد و غبار.
- 5- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: به گمان باطلشان بر ما سبقت گیرند و از عذاب ما نجات یابند.
- 5- ﴿مِن رَّجْزٍ﴾: بدترین و سخت ترین عذاب.
- 7- ﴿مُرْقُومٍ﴾: پاره پاره شدید و خاک گشتید.
- 8- ﴿بِهِ جَنَّةٌ﴾: به جنون گرفتار شده سخنان بی هوده می گوید.
- 9- ﴿نَخَسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ﴾: آن ها را مانند قارون به کام زمین فرومی بریم.
- 9- ﴿كَسَفًا مِّن السَّمَاءِ﴾: پاره ای از آسمان مثل اصحاب ایکه.
- 9- ﴿مُنِيبٍ﴾: با توبه و طاعت به پرورگارش رجوع نماید.
- 10- ﴿أَوْبَى مَعَهُ﴾: با او در تسبیح هم صدا شوید.
- 11- ﴿أَعْمَلُ سَبْعَتِ﴾: زرهه ای کامل و فراخ بساز.
- 11- ﴿وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ﴾: زرهه را مستحکم و حلقه ها را به اندازه و متناسب به هم بساز.
- 12- ﴿عُدُّوْهَا شَهْرٌ﴾: صبحگاه مسیر یکماه را طی می کرد.
- 12- ﴿رَوَّاحُهَا شَهْرٌ﴾: شامگاه نیز مسیر یکماه را می پیمود.
- 12- ﴿عَيْنَ الْقَطْرِ﴾: چشمه مس ذوب شده که مانند آب از زمین می جوشید.
- 12- ﴿يَزِغُ مِنْهُمْ﴾: از آن ها سرپیچی می کرد.
- 13- ﴿مِن مَّحْرِبٍ﴾: قصره یا مسجدها.
- 13- ﴿تَمَثِيلٍ﴾: مجسمه ها از مس و چیزه ای دیگر.
- 13- ﴿جِفَانِ كَالْجَوَابِ﴾: کاسه های بزرگ مانند حوضه های کلان.

- 13- ﴿قُدُورٍ رَّاسِيَتٍ﴾: دیک‌های بزرگ ثابت در جای خود.
- 14- ﴿دَابَّةُ الْأَرْضِ﴾: موریان‌ها که چوب را می‌خورد.
- 14- ﴿تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ﴾: عصای او را می‌خورد.
- 15- ﴿لَيْسَبًا﴾: برای مردم سبا، قبیل‌های است به یمن.
- 15- ﴿عَايَةَ﴾: نشان‌های بر قدرت ما یا پند و عبرت است.
- 15- ﴿جَنَّاتٍ﴾: دو باغ یا دو سلسله از باغ‌ها.
- 15- ﴿بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ﴾: ش‌هری است پاکیزه و فرحت‌آور.
- 16- ﴿فَأَعْرَضُوا﴾: ش‌کر و سپاس نکردند یا پیامبران خود را تکذیب کردند.
- 16- ﴿سَيْلِ الْعَرِمِ﴾: سیلی‌که از اثر تخریب سد یا از باران شدید جاری شد.
- 16- ﴿أَكْلٍ خَمْطٍ﴾: میوه‌های تلخ، ترش و زشت.
- 16- ﴿أَثَلٍ﴾: نوعی از درخت گز.
- 18- ﴿الْفَرَى﴾: قری‌های شام.
- 18- ﴿فَرَى ظَهْرَةَ﴾: متصل و نزدیک به هم.
- 18- ﴿فَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ﴾: ما در میان این آبادی‌ها مسافت‌های نزدیک به هم تعیین کردیم.
- 19- ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ﴾: آن‌ها را اخبار سرگرم‌کننده و شگفت‌آور قرار دادیم.
- 19- ﴿مَزَقْنَاهُمْ﴾: آن‌ها را در سرزمین‌های مختلف پراکنده ساختیم.
- 20- ﴿صَدَقَ عَلَيْهِمْ﴾: درباره آن‌ها به اثبات رساند.
- 21- ﴿سُلْطَنٍ﴾: سلطه و غلبه به وسوسه و فریب.
- 22- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن یک ذره از نفع و یا ضرر.
- 22- ﴿ظَهِيرٍ﴾: یاور در آفرینش و تدبیر.
- 23- ﴿فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ﴾: از دل‌هایشان ترس و خوف دور شود.
- 23- ﴿الْحَقِّ﴾: سخن حق را گفت، اجازه شفاعت.

- 25- ﴿أَجْرَمْنَا﴾: خطاهای که ما انجام دادیم.
- 26- ﴿يَفْتَحُ بَيْنَنَا﴾: بین ما داوری و حکم می کند.
- 26- ﴿هُوَ الْفَتَّاحُ﴾: اوست قاضی و حاکم.
- 27- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست، از ادعای مشارکت بتان به خدای یکتا خودداری کنید.
- 28- ﴿كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾: به همه مردم.
- 31- ﴿مَوْفُوفُونَ﴾: در محل حساب نگه داشته می شوند.
- 31- ﴿يَرْجِعُ﴾: رد می کند و نسبت خطا می دهد.
- 33- ﴿مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾: حیل‌های شبانه روزی شما مانع هدایت ما شد.
- 33- ﴿أَنذَادًا﴾: هم‌تاهای از مخلوقات و عبادتش نماییم.
- 33- ﴿أَسْرُوا النَّدَامَةَ﴾: ندامت را نهان داشتند یا اظهار کردند.
- 33- ﴿الْأَعْلَلُ﴾: زنجیره‌ای که دست‌ها را به گردن می بندد.
- 34- ﴿مُتْرَفُوهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت و پیشوایان فاسد آنجا.
- 36- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر کسی را بخواد به مقتضای حکمت تنگ می کند.
- 37- ﴿زُلْفَى﴾: نزدیکی و تقرب.
- 37- ﴿لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ﴾: ثواب آن‌ها دوچند است.
- 37- ﴿فِي الْعُرْفَتِ﴾: در منزل‌های عالی به‌شت.
- 38- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: نگهبانان دوزخ آن‌ها را حاضر می کنند.
- 39- ﴿يَقْدِرُ لَهُ﴾: هر که را بخواد کم روزی می کند.
- 41- ﴿أَنْتَ وَلِيْنَا﴾: تو یگان‌ه یاور ماستی.
- 43- ﴿إِفْكٌ مُّفْتَرَى﴾: دروغ ساختگی.
- 45- ﴿مِعْشَارَ مَا آتَيْنَهُمْ﴾: یک دهم نعمت‌های که به آن‌ها دادیم.
- 45- ﴿كَانَ نَكِيرٍ﴾: انکار من بر آن‌ها با ویرانی و نابودیشان بود.
- 46- ﴿مِنْ جَنَّةٍ﴾: جنون.

- 48- ﴿يَقْذِفُ بِالْحَقِّ﴾: حق را به باطل می افکند و نابودش می کند.
- 51- ﴿فَزِعُوا﴾: هنگام مرگ یا رستاخیز بترسند.
- 51- ﴿فَلَا فَوْتَ﴾: جای فرار و نجات از عذاب نیست.
- 51- ﴿مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾: جای حساب.
- 52- ﴿الْتَنَائُشُ﴾: بدست آوردن ایمان و توبه.
- 52- ﴿مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾: آخرت.
- 53- ﴿يَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ﴾: به گمان می گویند.
- 54- ﴿بِأَشْيَاءِ عَمِهِمْ﴾: به امتیاز کافران.
- 54- ﴿مُرِيِبٍ﴾: شک و اضطراب آور.

سوره فاطر

- 1- ﴿فَاطِرٍ﴾: ایجاد کننده.
- 2- ﴿مَا يَفْتَحُ اللَّهُ﴾: آنچه خدا بفرستد.
- 3- ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از توحید او تعالی برگردانده می شوند.
- 5- ﴿فَلَا تَعْرَنَكُمْ﴾: آرایش و لذت های دنیا شما را نفریبد.
- 5- ﴿الْعُرُورُ﴾: هر چه بفریبد و حیل کند از قبیل شیطان و غیره.
- 8- ﴿فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ﴾: از غم و اندوه این ها که چرا در کفر روانند جان از دست نرود.
- 9- ﴿فَتَثِيرُ سَحَابًا﴾: باد ابره را حرکت می دهد.
- 9- ﴿النُّشُورُ﴾: زنده شدن مرده ها برای جزاء.
- 10- ﴿يُرِيدُ الْعِزَّةَ﴾: شرف و قدرت می خواهد.
- 10- ﴿الْكَلِمُ الطَّيِّبُ﴾: کلمه توحید و تمام عبادت های که با زبان انجام می شود.

- 10- ﴿الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾: خدا عمل صالح را بالا می برد و می پذیرد.⁽¹⁾
- 10- ﴿يَبُورُ﴾: باطل می گردد.
- 11- ﴿أَزْوَاجًا﴾: ذکور و اناث.
- 11- ﴿مُعَمَّرٍ﴾: عمر دراز.
- 12- ﴿عَذْبُ فُرَاتٍ﴾: پاکیزه، شیرین و گوارا.
- 12- ﴿سَائِغٌ شَرَابُهُ﴾: آبش گوارا و خوشمزه است.
- 12- ﴿مِلْحٌ أُجَاجٌ﴾: بسیار شور یا تلخ.
- 12- ﴿حِلْيَةً﴾: لؤلؤ و مرجان.
- 12- ﴿مَوَاحِرٍ﴾: بوسیله باد جاری هستند.
- 13- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می کند.
- 13- ﴿لِأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: تا روز معین یعنی روز قیامت.
- 13- ﴿قِطْمِيرٍ﴾: پوست نازک هسته خرما.
- 18- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ گناه کاری بردوش نمی کشد...
- 18- ﴿مُثْقَلَةً﴾: کسی که بار گناهش سنگین است.
- 18- ﴿جَمَلَهَا﴾: بار گناهان سنگینش را.
- 18- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و گناه پاکی اختیار کند.
- 21- ﴿الْحَرُورُ﴾: گرمای شدید به شب مانند باد سوزان.
- 25- ﴿بِالزُّبُرِ﴾: به کتاب‌ها مثل صحیفه ابراهیم و تورات موسی علی‌هما السلام.
- 26- ﴿كَانَ نَكِيرٍ﴾: انکار من بر آن‌ها به ویرانی و نابودی شان بود.

1- این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است. و قول دوم این است که کردار نیک، سخن نیک را بالا می برد، زیرا کردار، برهانی راستین بودن انسان در سخن نیکش است. بنابراین، هرگاه کردار شخص سخنش را تصدیق کند و گزارش مطابق گفتارش باشد، شایسته و سزاوار این است که اله آن را بالا برده و بپذیرد. و این آیه یکی از بزرگ‌ترین حجت‌های اهل سنت علی‌اهل بدعت در باب اثبات صفت علو اله متعال است. (نگاه: تفسیر ابن کثیر ۵/۵۷۲-۵۷۳). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشت‌های دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 27- ﴿جُدُدٌ﴾: راه‌ها با رنگ‌های مختلف.
- 27- ﴿عَرَابِيبُ سُودٌ﴾: نهایت سیاه مانند زاغ.
- 29- ﴿لَنْ تَبُورَ﴾: کساد یا نابود نمی‌گردد.
- 32- ﴿ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾: گناه‌انش بر حسناتش رجحان یابد.
- 32- ﴿مُقْتَصِدٌ﴾: حسنات و گناه‌انش برابر باشد.
- 32- ﴿سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ﴾: حسناتش بر گناه‌انش رجحان یابد.
- 34- ﴿الْحَزَنَ﴾: هر چیز اندوه‌آور.
- 35- ﴿دَارَ الْمَقَامَةِ﴾: بهشت.
- 35- ﴿نَصَبٌ﴾: رنج و مشقت.
- 35- ﴿لُعُوبٌ﴾: رنج از خستگی و ناتوانی.
- 37- ﴿هُمْ يَصْطَرِحُونَ﴾: آن‌ها به شدت فریاد می‌کنند و کمک می‌خواهند.
- 39- ﴿جَعَلَكُمْ خَلِيفَ﴾: شما را جانشین گذشتگان قرار داده.
- 39- ﴿مَقْتًا﴾: غضب شدید، خواری و حقارت.
- 40- ﴿أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ﴾: به من از شریک‌های خود خبر دهید.
- 40- ﴿أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ﴾: آیا آن‌ها در آفرینش با خدا شریکند.
- 40- ﴿عُرُورًا﴾: باطل یا فریب.
- 42- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سخت‌ترین سوگند.
- 42- ﴿نُفُورًا﴾: دوری و فرار از حق.
- 43- ﴿مَكْرَ السَّيِّئِ﴾: حیل‌گری‌های ناشایست، در برابر پیامبر.
- 43- ﴿لَا يَحِيقُ﴾: احاطه نمی‌کند یا نازل نمی‌شود.
- 43- ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ﴾: انتظار ندارند.
- 43- ﴿سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ﴾: سنت گذشتگان را، سنت‌ال‌هی که به جرم تکذیب انبیاء به عذاب گرفتار شوند.

سوره یس

- 7- ﴿لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ﴾: سوگند به خدا که عذاب ثابت و حتمی شد.
- 8- ﴿أَغْلَلَا﴾: زنجیره‌اکه دست‌های آن‌ها را به گردنشان می‌بندد.
- 8- ﴿فَهُمْ مُّقْمَحُونَ﴾: سره‌اشان را بالا گرفت‌ه‌اند و چشمانشان خیره‌است.
- 9- ﴿سَدًّا﴾: حایل و مانعی.
- 9- ﴿فَأَعْشَيْنَهُمْ﴾: چشم‌های آن‌ها را پرده‌پوشانده‌ایم.
- 12- ﴿ءَأَنْزَلْنَاهُمْ﴾: آنچه وضع کرده‌اند از نیکوی‌ها و زشتی‌ها.
- 12- ﴿أَحْصَيْنَاهُ﴾: او را ثبت و حفظ نمودیم.
- 12- ﴿إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾: اصل آشکار، لوح محفوظ.
- 13- ﴿الْقُرْيَةِ﴾: انطاکیه.
- 14- ﴿فَعَزَّزْنَا بِبِئَالِثِ﴾: آن‌ها را با فرستادن سومی قوت و نیرو بخشیدیم.
- 18- ﴿تَطِيرَنَا بِكُمْ﴾: شما را فال بد گرفتیم.
- 19- ﴿طَّيِّرُكُمْ مَعَكُمْ﴾: شومی شما کفرتان است که پیوسته با خود شماست.
- 19- ﴿أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ﴾: آیا اگر به شما پند و اندرز دهیم به فال بد می‌گیرید.
- 20- ﴿يَسْعَى﴾: برای نصیحت قوم خود شتابان راه می‌رفت.
- 22- ﴿فَطَرْنِي﴾: مرا آفریده‌است.
- 23- ﴿لَا تُغْنِ عَنِّي﴾: از من دفع نخواهد کرد.
- 29- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: یک آواز کشنده از جانب آسمان.
- 29- ﴿خَمِدُونَ﴾: مانند آتش خاموش شدند.
- 30- ﴿يَحْسِرَةً﴾: وادردا، واحسرتا.
- 31- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری راه‌لاک ساختیم.
- 31- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملت‌ها.

- 32- ﴿لَمَّا جَمِيعٌ﴾: هم به بدون استثناء.
- 32- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: آن‌ها را برای حساب و جزا احضار می‌کنیم.
- 34- ﴿فَجَرْنَا فِيهَا﴾: در زمین جاری ساختیم.
- 36- ﴿خَلَقَ الْأَزْوَاجَ﴾: گروه‌ها را آفرید.
- 37- ﴿نَسْلُخُ مِنْهُ النَّهَارَ﴾: روشنی آفتاب را از شب دور می‌کنیم.
- 39- ﴿كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾: مانند شاخه خشک و کهن درخت خرما.
- 40- ﴿لَا أَلِيلٌ﴾: نه آیت شب، ماه.
- 40- ﴿سَابِقُ النَّهَارِ﴾: سبقت‌کننده است از نشان‌ه‌روز، از آفتاب.
- 40- ﴿يَسْبَحُونَ﴾: گسترده سیر می‌کنند یا می‌چرخند.
- 41- ﴿ذُرِّيَّتَهُمْ﴾: فرزندان و ناتوانان آن‌ها را.
- 41- ﴿الْمَشْحُونِ﴾: مملو از انسان و سایر حیوانات.
- 43- ﴿فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ﴾: هیچ کس نیست که آن‌ها را از غرق نجات دهد.
- 49- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: نفخه مرگ.
- 49- ﴿هُمْ يَخْصَمُونَ﴾: آن‌ها بی‌خبر و با یکدیگر در خصومت و ستیزند.
- 51- ﴿نُفِخَ فِي الصُّورِ﴾: نفخه رستاخیز دمیده شود.
- 51- ﴿الْأَجْدَاثِ...﴾: قبرها... ﴿يَنْسَلُونَ﴾: در بیرون آمدن می‌شتابند.
- 53- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: یک آواز، نفخه بعث.
- 53- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: برای حساب و جزا احضارشان می‌کنیم.
- 55- ﴿فِي شُعْلِ﴾: نعمت‌های بزرگ آن‌ها را به خود مشغول و از چیزهای دیگر غافل کرده است.
- 55- ﴿فَلِكُهُونَ﴾: با لذت‌های فراوان شادند.
- 56- ﴿عَلَى الْأَرْبَابِ﴾: بر تخت‌ها در حجل‌ها.
- 57- ﴿لَهُمْ مَا يَدْعُونَ﴾: هر چه آرزو می‌کنند و یا می‌طلبند برای آن‌ها می‌رسد.

- 59- ﴿أَمْتَرُوا﴾: از مسلمانان جدا شوید.
- 60- ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ﴾: آیا به شما امر نکرده بودم یا شما را مکلف نساختم بودم.
- 62- ﴿جِبَلًا﴾: گروهی یا جماعتی بسیاری را.
- 64- ﴿أَصْلَوْهَا﴾: در آن داخل شوید یا رنج و سختی آن را بکشید.
- 66- ﴿لَطَمَسْنَا﴾: محو و ناپدید کنیم.
- 66- ﴿فَأَسْتَبْقُوا الصِّرَاطَ﴾: بشتابند و از یکدیگر پیشی گیرند.
- 66- ﴿فَأَتَى يُبَصِّرُونَ﴾: پس چگونه راه را می بینند؟
- 67- ﴿عَلَى مَكَانَتِهِمْ﴾: در محل گناهشان.
- 68- ﴿مَنْ نُعَمِّرُهُ﴾: هر که را عمر دراز دهیم.
- 68- ﴿نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ﴾: او را به ازل عمر برمی گردانیم.
- 72- ﴿ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ﴾: چارپایان را برای انسان رام نمودیم.
- 75- ﴿وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ﴾: بتها سپاه آماده کافران هستند هم را یکجا بخاطر عذاب در جهنم احضار می کنیم.
- 77- ﴿هُوَ خَصِيمٌ﴾: در دشمنی و ستیز کوشاست.
- 78- ﴿هِيَ رَمِيمٌ﴾: این استخوانها پوسیده اند.
- 81- ﴿بَلَى﴾: بله، او تواناست که امثال اینها را بیافریند.
- 83- ﴿مَلَكُوتٌ﴾: پادشاهی کامل.

سوره صافات

- 1- ﴿وَالصَّفَّاتِ صَفًّا﴾: قسم به گروه‌های که برای عبادت صف می کشند.
- 2- ﴿فَالزَّجْرَاتِ زَجْرًا﴾: و قسم به آن‌های که با گفتار و کردار از ارتکاب معاصی منع می کنند.
- 3- ﴿فَالْتَلِيَاتِ ذِكْرًا﴾: قرآن را برای آموختن تلاوت می کنند.

- 4- ﴿إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ﴾: یقیناً خدای شما یکتاست، جواب قسم.
- 7- ﴿شَيْطَانٍ مَّارِدٍ﴾: شیطان نافرمان و متمرد.
- 8- ﴿يُقَدِّفُونَ﴾: تیر باران می شوند.
- 9- ﴿دُحُورًا﴾: دور کرده می شوند.
- 9- ﴿عَذَابٌ وَاصِبٌ﴾: عذاب دائمی.
- 10- ﴿حَظْفٌ أَحْظَفَةٌ﴾: سخنی را دزدان به سرعت بشنود.
- 10- ﴿شَهَابٌ﴾: شعل‌های که به نظر می رسد، مانند ستاره از آسمان فرود می آید. تَأْقِيبٌ: روشن کننده یا سوزان.
- 11- ﴿طِينٍ لَّازِبٍ﴾: گل با هم چسبیده.
- 12- ﴿بَلَّ عَجْبَتٌ﴾: تواز قدرت خدا بر آفرینش و انکار این‌ها به رستاخیز تعجب می کنی.
- 12- ﴿يَسْخَرُونَ﴾: ولی آن‌ها به تعجب تو تمسخر می کنند.
- 14- ﴿يَسْتَسْخَرُونَ﴾: در تمسخر و استهزاء افراط می کنند.
- 18- ﴿أَنْتُمْ دَاخِرُونَ﴾: شما بیچاره و ذلیل باشید.
- 19- ﴿زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: یک صدا، نفع رستاخیز.
- 20- ﴿يَوَيْلَنَا﴾: ای مرگ زودتر بیا.
- 20- ﴿يَوْمُ الدِّينِ﴾: روز جزا و حساب.
- 22- ﴿أَرْوَاهُمْ﴾: امثال آن‌ها یا همنشین‌های آن‌ها را.
- 24- ﴿فَفُوهُمْ﴾: این‌ها را در میدان حساب نگه دارید.
- 30- ﴿قَوْمًا ظَلِغِينَ﴾: گروه نافرمان.
- 31- ﴿فَحَقَّ عَلَيْنَا﴾: بر ما ثابت و حتمی شده است.
- 32- ﴿فَأَعْوَيْنَاكُمْ﴾: شما را به گمراهی دعوت کردیم و پذیرفتید.
- 40- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: کسانی که خدا آن‌ها را برای طاعت خود برگزیده است.
- 45- ﴿بِكَأْسٍ﴾: شراب یا پیاله شراب.

- 45- ﴿مِن مَّعِينٍ﴾: از شرابی که از چشم‌ها جاری می‌شود.
- 47- ﴿لَا فِيهَا غَوْلٌ﴾: ضرره‌ای که در شراب دنیا است در آن نیست.
- 47- ﴿عَنْهَا يُزْفُونَ﴾: به سبب آن مست می‌شوند و خردشان زایل می‌گردد.
- 48- ﴿قَلَصِرْتُ الظَّرْفِ﴾: زیبا رویان به هشتی که غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی‌کنند.
- 48- ﴿عَيْنٌ﴾: چشمان بزرگ در کمال زیبایی.
- 49- ﴿يَبِيضُ مَكْنُونٌ﴾: تخم مرغ‌های پوشیده، گردی هم بر آن‌ها نرسیده است.
- 53- ﴿لَمَدِينُونَ﴾: محاسبه و جزاء داده می‌شویم.
- 55- ﴿سَوَاءِ الْجَحِيمِ﴾: میان دوزخ.
- 56- ﴿إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينَ﴾: نزدیک بود مرا گمراه و نابود کنی.
- 57- ﴿الْمُحْضَرِينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ مانند خودت.
- 62- ﴿خَيْرٌ نُّزُلًا﴾: م‌ه‌مانی، اکرام و لذت است.
- 62- ﴿شَجَرَةُ الزَّقُّومِ﴾: خبیث‌ترین درختی که در دوزخ می‌روید.
- 63- ﴿وَتِنَّةٍ لِلظَّالِمِينَ﴾: بلا و عذابی است برستمگران در آخرت.
- 64- ﴿أَصْلِ الْجَحِيمِ﴾: قعر جهنم.
- 65- ﴿ظَلَعُهَا﴾: میوه آن که مانند خوش‌ه خرماست.
- 65- ﴿كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ﴾: مانند سره‌ای شیاطین، تمثیل است برای نه‌ایت زشتی.
- 67- ﴿لَشَوَّبًا﴾: مخلوطی.
- 67- ﴿مِنْ حَمِيمٍ﴾: از آب جوشان.
- 70- ﴿عَلَى آثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ﴾: به شتاب به دنبال پدرانشان رانده می‌شوند.
- 83- ﴿مِنْ شِيعَتِهِ﴾: از کسانی که اندیش‌ه و راه نوح را دنبال کردند.
- 86- ﴿أَيْفَاكَ﴾: آیا باطل و دروغی؟
- 88- ﴿فَنظَرَ﴾: همچو کاملان به دقت نگریست.

89- ﴿إِنِّي سَقِيمٌ﴾: من بیمارم، مرادش این بود که قلبش از مشاهده کفر آن‌ها بیمار است.

91- ﴿فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِتِهِمْ﴾: نانی به سوی بت‌ها رفت تا آن‌ها را بشکند.

93- ﴿صَرَبًا بِالْيَمِينِ﴾: آن‌ها را به شدت کوبید.

94- ﴿يَزْفُونَ﴾: به شتاب می‌آمدند.

101- ﴿بُعَلِّمِ حَلِيمٍ﴾: به نوجوانی بردبار، بسیاری از عالمات ترجیح داده‌اند که اسماعیل علیه السلام است.

102- ﴿بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ﴾: به مرتب‌های رسید که همراه پدر نیازمندی‌های او را انجام دهد.

103- ﴿أَسْلَمًا﴾: به امر خدا تسلیم شدند.

103- ﴿تَلَّهُ لِّلْجَبِينِ﴾: او را خوابانید و جبینش را بر خاک نهاد.

106- ﴿الْبَلْتُؤُ الْمُبِينِ﴾: آزمون روشن یا بلای آشکار است.

107- ﴿بِذَبْحٍ﴾: به کوچی که ذبح شود.

125- ﴿أَتَدْعُونَ بَعْلًا﴾: آیا بعل را پرستیش می‌کنید، نام بت است.

127- ﴿لَمُحْضَرُونَ﴾: آن‌ها را فرشتگان در دوزخ حاضر می‌کنند.

130- ﴿إِلَٰ يَاسِينَ﴾: الیاس یا او پیروانش.

135- ﴿فِي الْعَذِيرِينَ﴾: از باقی ماندگان در عذاب.

136- ﴿دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ﴾: بقی‌ها را هلاک کردیم.

137- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: صبحگاهان.

140- ﴿أَبَقَ﴾: گریخت. ﴿الْمَشْحُونِ﴾: پر.

141- ﴿فَسَاهَمَ﴾: اهل کشتی قرع‌ه زدند.

141- ﴿الْمُدْحَضِينَ﴾: از مغلوب شدگان به قرع‌ه.

142- ﴿فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ﴾: ماهی او را بلعید.

142- ﴿هُوَ مُلِيمٌ﴾: او کار ملامت‌آور انجام داده بود.

143- ﴿الْمُسَبِّحِينَ﴾: بسیار تسبیح می‌گفت.

- 145- ﴿فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ﴾: او را به سرزمین په‌ناور افکندیم.
- 146- ﴿يَقْطِينِ﴾: همین کادوی معروف و گفته شده چیز دیگر است.
- 151- ﴿إِنْفِكِهِمْ﴾: دروغ‌شان بر خدا.
- 153- ﴿أَصْطَفَى﴾: اختیار کرده، استفهام توبیخی است.
- 156- ﴿سُلْطَنٌ﴾: دلیل روشن.
- 158- ﴿الْحِنَّةُ﴾: فرشتگان یا شیاطین.
- 158- ﴿إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾: بدون شک کافرا به دوزخ حاضر کرده می‌شوند.
- 162- ﴿عَلَيْهِ بَقْتَيْنِ﴾: هیچ کس را نمی‌توانید فاسد و از خدا دور نمایید.
- 163- ﴿صَالِ الْجَحِيمِ﴾: اهل دوزخ.
- 165- ﴿الصَّافُونَ﴾: ما خود در مقام عبادت به صف ایستاده‌ایم.
- 166- ﴿الْمُسَبِّحُونَ﴾: خدا را از آنچه سزاوار جلالت او نیست پاکیزه می‌دانیم.
- 177- ﴿بِسَاحَتِهِمْ﴾: به ساحت منزل آن‌ها مراد خود آن‌هاست.
- 180- ﴿رَبِّ الْعِزَّةِ﴾: پروردگار توانا.

سوره ص

- 1- ﴿وَالْقُرْآنِ﴾: قسم به قرآن. جواب قسم: واقعیت امر چنانچه شما می‌پندارید نیست.
- 1- ﴿ذِي الذِّكْرِ﴾: امور مورد نیاز در دین را بیان می‌کند.
- 2- ﴿عِزَّةٍ﴾: از پذیرش حق تکبر و سرپیچی می‌کنند.
- 2- ﴿شِقَاقٍ﴾: در مخالفت و دشمنی با خدا و رسول او هستند.
- 3- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری را نابود کردیم.
- 3- ﴿قَرْنٍ﴾: امت‌ها.
- 4- ﴿فَنَادُوا﴾: هنگام مشاهده عذاب فریاد کردند.
- 4- ﴿لَاتٍ حِينَ مَنَاصٍ﴾: آن وقت، مجال خلاصی و فرار نیست.

- 5- ﴿عَجَابٌ﴾: شگفت انگیز.
- 6- ﴿الْمَلَأُ مِنْهُمْ﴾: سران کفار قریش.
- 6- ﴿أَمْشُوا﴾: به دین خود رفتار نمایید.
- 7- ﴿الْمِلَّةِ الْأَخْرَةَ﴾: آیین قریش.
- 7- ﴿أَخْتَلَقُ﴾: دروغ و افترای خود اوست.
- 10- ﴿الْأَسْبَبِ﴾: وسایل رفتن به آسمان.
- 11- ﴿جُنْدٌ مَّا﴾: آن ها گروه حقیرند «ما» زاید است.
- 11- ﴿هُنَالِكَ﴾: روز فتح مکه یا بدر.
- 12- ﴿ذُو الْأَوْتَادِ﴾: صاحب لشکره یا ساختمان های مستحکم.
- 13- ﴿أَصْحَابُ لَيْكَةِ﴾: ساکنان دیار پر درخت و دره‌م پیچیده، قوم شعیب.
- 15- ﴿مَا يَنْظُرُ﴾: انتظار نمی کشند.
- 15- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: نفعه رستاخیز.
- 16- ﴿قَطْنَا﴾: س هم ما را از عذابی که وعده داده‌ای.
- 17- ﴿ذَا الْأَيْدِ﴾: دارای نیرو در دین و عبادت.
- 17- ﴿إِنَّهٗ رَآبٌ﴾: به فرمان خدا رجوع می کرد.
- 18- ﴿بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾: شام و چاشت.
- 20- ﴿شَدَدْنَا مُلْكَهٖ﴾: با اسباب قوت و نیرو، پادشاهی و قدرتش را افزودیم.
- 20- ﴿ءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ﴾: برای او نبوت، دانش و عمل درست دادیم.
- 20- ﴿فَصَلِّ الْخِطَابِ﴾: دانش فیصله خصومت‌ها.
- 21- ﴿تَسْوَرُوا الْحِرَابِ﴾: از دیوار مسجد بلند شدند و به نزد او آمدند.
- 22- ﴿بَعِي بَعْضُنَا﴾: یکی از ما ستم کرده است.
- 22- ﴿لَا تُشْطِطْ﴾: بی انصافی نکن.
- 22- ﴿سَوَاءٌ الصِّرَاطِ﴾: راه راست که حقیقت است.

- 23- ﴿أَكْفَلْنِيهَا﴾: آن را به من بده تا از او سرپرستی کنم.
- 23- ﴿عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ﴾: در اظهار حجت بر من فشار آورده و سخت گرفته است.
- 24- ﴿الْخُلَطَاءِ﴾: شریک‌ها.
- 24- ﴿فَتَنَّهُ﴾: او را آزموده‌ایم.
- 24- ﴿خَرَّ رَاكِعًا﴾: به خدا سجده کرد.
- 24- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.
- 25- ﴿لُزِّلْنِي﴾: قربت و منزلت است.
- 25- ﴿حُسْنَ مَآبٍ﴾: در آخرت سرانجام نیکو دارد، بهشت.
- 27- ﴿بَطِلًا﴾: بی‌هوده و عبث.
- 27- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا وادایی است درجه‌نم.
- 30- ﴿إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾: به درگاه خدا همواره با توبه رجوع می‌کرد.
- 31- ﴿بِالْعِشِيِّ﴾: بعد از زوال تا غروب.
- 31- ﴿الْصَّافِنَتْ﴾: اسب‌های که به سه پا و نوک سم چه‌ارم ایستاد شوند.
- 31- ﴿الْحَيَّادُ﴾: اسبان تیز و سبقت گیرنده بردشمن.
- 32- ﴿أَحَبَّبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ﴾: علاقه‌مندی به اسب‌ها را ترجیح دادم.
- 32- ﴿عَنْ ذِكْرِ رَبِّي﴾: برادای نماز عصر.
- 32- ﴿تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾: آفتاب غروب کرد یا در تاریکی شب اسب‌ها از نظرش نهان شد.
- 33- ﴿رُدُّوَهَا عَلَيَّ﴾: اسب‌ها را نزد من بیاورید.
- 33- ﴿نَطْفِقُ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾: سپس به منظور تقرب به خدا به بریدن سرو ساق اسب‌ها شروع کرد، این کار در آیین او مشروع بود.
- 34- ﴿فَتَنَّا سُلَيْمَانَ﴾: سلیمان را آزمودیم و مجازات کردیم.
- 34- ﴿جَسَدًا﴾: انسان ناقص خلقت را که همسرش به دنیا آورده بود.
- 34- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.

- 36- ﴿رُحَاءَ حَيْثُ أَصَابَ﴾: نرم یا فرمانبردار هر جاکه بخواید.
- 37- ﴿عَوَاصٍ﴾: برای استخراج نفایس غواصی می کردند.
- 38- ﴿الْأَصْفَادِ﴾: غل که دست‌ها را به گردن‌ها می‌بندد.
- 39- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: در هیچ کدام از این دو امر محاسبه نمی‌شوی.
- 40- ﴿لِزُلْفَى﴾: قربت و منزلت است.
- 40- ﴿حُسْنَ مَآبٍ﴾: سرانجام نیکوست در آخرت.
- 41- ﴿بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ﴾: به سختی و مشقت، رنج و عذاب.
- 42- ﴿أَرْكُضٍ بِرِجْلِكَ﴾: پای خود را بر زمین بزن.
- 42- ﴿هَذَا مُغْتَسَلٌ﴾: این چشمه است خود را شستشو کن، در آن شفای تو است.
- 44- ﴿ضِعْثًا﴾: یک دسته شاخه درخت یا خوشه خرما یا نارس.
- 45- ﴿أُولَى الْأَيْدِي﴾: دارای نیرو در طاعت خدا.
- 45- ﴿وَالْأَبْصَرِ﴾: و بیصرت در دین و دانش.
- 46- ﴿أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ﴾: آن‌ها را به خصلت نیک و ویژگی بخشیدیم.
- 52- ﴿فَنَصَرْتُ الظَّرْفِ﴾: بجزاز شوهران خود به کسی نگاه نمی‌کنند.
- 52- ﴿أَتْرَابٍ﴾: هم‌ه جوان و هم‌سن و سال هستند.
- 54- ﴿نَفَادٍ﴾: فنا ناپذیر.
- 55- ﴿لَشَرِّ مَآبٍ﴾: بازگشت بد است.
- 56- ﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا﴾: به دوزخ داخل می‌شوند یا سختی آن را می‌کشند.
- 56- ﴿فَيْتَسَّ الْمِهَادِ﴾: ج‌ه‌نم جای بد است.
- 57- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان است.
- 57- ﴿عَسَاقٍ﴾: ریمی که از بدن دوزخیان جاری می‌شود.
- 58- ﴿ءَاخِرُ﴾: عذاب دیگر.
- 58- ﴿مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجُ﴾: مانند این عذاب‌های دیگر هم است.

- 59- ﴿هَذَا فَوْجٌ﴾: این جماعت انبوه پیروان گمراه شماست.
- 59- ﴿تُقَاتِلُكُمْ مَعَكُمْ﴾: با شما یکجا وارد دوزخ می شوند.
- 59- ﴿لَا مَرْحَبًا بِهِمْ﴾: خوش نیامدند و آسایش نبینند.
- 59- ﴿صَالُوا النَّارِ﴾: در دوزخ داخل خواهند شد یا سختی‌های آن را خواهند چشید.
- 60- ﴿فَبَيْتُ الْقُرْآنِ﴾: ج‌ه‌نم بره‌م‌ه‌آن‌ه‌ا جای بسیار بد است.
- 63- ﴿أَتَّخَذْتَهُمْ سِحْرِيًّا﴾: آیا ما آن‌ه‌ا را در دنیا به‌است‌ه‌زا گرفتیم، کار ما نادرست بوده؟
- 63- ﴿زَاعَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ﴾: چشم ما به‌آن‌ه‌ا نمی‌افتد و جای آن‌ه‌ا را نمی‌بینیم.
- 69- ﴿بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى﴾: به فرشتگان.
- 69- ﴿إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾: زمانی که در مورد آدم و خلقت او اختلاف داشتند.
- 72- ﴿سَوِيَّتُهُ﴾: آفرینش او را به‌صورت انسان به‌تمام رساندم.
- 72- ﴿سَلْجِدِينَ﴾: سجده تحیت و سلام.
- 75- ﴿الْعَالِينَ﴾: مستحق بزرگی، نه هرگز چنین نیست.
- 77- ﴿رَجِيمٌ﴾: دور از خبر.
- 79- ﴿فَأَنْظِرْنِي﴾: مه‌لتم بده و زنده‌ام بمان.
- 81- ﴿يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾: روز نفخه اول.
- 82- ﴿فَبِعِزَّتِكَ﴾: قسم به‌توانایی و قدرتت.
- 82- ﴿لَأُغْوِيَنَّهُمْ﴾: با آراستن گناه به‌چشم آن‌ه‌ا گمراه‌شان می‌کنم.
- 86- ﴿الْمُتَكَلِّفِينَ﴾: از تظاهر کنندگان و سخن‌سازان نسبت به‌خدا.
- 88- ﴿نَبَأُهُ﴾: صدق اخبار او را.

سورة زمر

2- ﴿مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾: طاعت و عبادت را خالص برای او.

3- ﴿زُلْفَى﴾: نزدیک گردانیدن.

- 4- ﴿سُبْحٰنَهُ﴾: خدا از اختیار فرزند پاک و منزّه است.
- 5- ﴿يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ﴾: شب را بر روز می پیچد مانند لباس بر انسان پس روزن هان و تاریکی ظاهر می گردد.
- 6- ﴿أَنْزَلَ لَكُمْ﴾: برای شما آفرید.
- 6- ﴿مِنْ الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- 6- ﴿ظَلُمْتِ ثَلَاثٍ﴾: سه تاریکی، تاریکی بطن، رحم و مشیمه.
- 6- ﴿فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او روگردان می شوید؟
- 7- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ گناه کاری بردوش نمی کشد...
- 8- ﴿مُنِيبًا إِلَيْهِ﴾: به فریاد و زاری به خدا رجوع می کند.
- 8- ﴿حَوْلَهُ نِعْمَةٌ﴾: از فضل و احسان به او نعمت بزرگ بدهد.
- 8- ﴿أَنْدَادًا﴾: هم‌تایانی و آن‌ها را عبادت می کند.
- 9- ﴿هُوَ قَلْبٌ﴾: وی عابد و مطیع فرمان خداست.
- 9- ﴿ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ﴾: ساعت‌های از شب.
- 10- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: بی‌نهایت یا فراوان.
- 16- ﴿ظَلَّلَ مِنَ النَّارِ﴾: طبقه‌های متراکم دوزخ.
- 17- ﴿أَجْتَنَّبُوا الطَّغُوتَ﴾: از بت‌ها و معبوده‌های باطل اجتناب کردند.
- 17- ﴿أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ﴾: به عبادت خدا رجوع کردند.
- 19- ﴿حَقَّ عَلَيْهِ﴾: بر او واجب و ثابت شد.
- 20- ﴿لَهُمْ عُرْفٌ﴾: در جنت برای آن‌ها قصره‌ای عالی است.
- 21- ﴿فَسَلَكُوهُ يَنْبِيعٍ﴾: پس آن را در چشم‌ها و مجراه‌ها وارد نمود.
- 21- ﴿يَهِيحُ﴾: خشک می شود.
- 21- ﴿يَجْعَلُهُ حُطَمًا﴾: آن را شکسته و ریزه ریزه می کند.
- 22- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.

- 23- ﴿أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾: رساترین و راست‌ترین سخن را، قرآن.
- 23- ﴿كِتَابًا مُتَشَبِهًا﴾: کتابی که بعضی از آن مشابه برخی دیگر است در اعجاز، هدایت و خصوصیات دیگر.
- 23- ﴿مَثَانِي﴾: در آن احکام، موعظه‌ها، قصه‌ها و غیره به تکرار بیان شده است.
- 23- ﴿تَقْشَعِرُ مِنْهُ﴾: از وعیده‌ای قرآن می‌لرزد و مضطرب می‌شود.
- 23- ﴿تَلِيْنٌ جُلُوْدُهُمْ﴾: پوست‌های آن‌ها آرامش می‌یابد.
- 26- ﴿الْحَزِيْءِ﴾: ذلت و خواری را.
- 28- ﴿عَوَجٍ﴾: اختلافی و اختلالی.
- 29- ﴿شُرَكَاءَ مُتَشَكِّسُونَ﴾: شریکان بدخوک‌ه‌مواره با هم در نزاع هستند.
- 29- ﴿سَلَمًا لِّرَجُلٍ﴾: تن‌ها از یک نفر باشد.
- 32- ﴿مَثْوَىٰ لِّلْكَافِرِيْنَ﴾: جایگاهی برای کافران.
- 38- ﴿أَفْرَاءَ يَتَمُّ﴾: به من خبر دهید.
- 38- ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾: در همه امور خدا مرا بس است.
- 39- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: توانایی خود.
- 40- ﴿بُخْزِيْهِ﴾: ذلیلش گرداند.
- 40- ﴿مَجْلٌ عَلَيْهِ﴾: براو واجب شود.
- 42- ﴿يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ﴾: جان را قبض می‌کند.
- 44- ﴿لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيْعًا﴾: هیچ کس در حضور خدا شفاعت نمی‌کند مگر به اجازه او.
- 45- ﴿أَشْمَأَزَّتْ﴾: از یکتا پرستی متنفر و دلیگر شود.
- 46- ﴿فَاطِر...﴾: ای آفریدگار...
- 47- ﴿يَحْتَسِبُونَ﴾: گمان می‌کردند و انتظارش را داشتند.
- 48- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آن‌ها را احاطه کند یا بر آن‌ها فرود آید.
- 49- ﴿حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً﴾: از فضل و احسان به او نعمتی بدهیم.

- 49- ﴿هِيَ فِتْنَةٌ﴾: آن نعمت آزمایشی است.
- 51- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب الهی نمی‌توانند فرار نمایند.
- 52- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر که را بخواهد به روی حکمتی کم می‌کند.
- 53- ﴿أَسْرَفُوا﴾: در ارتکاب معاصی از حد تجاوز کردند.
- 53- ﴿لَا تَقْنَطُوا﴾: نومید نشوید.
- 53- ﴿الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾: همه گناهان را به جز از شرک.
- 54- ﴿أَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾: با توبه و طاعت به خدای خود رجوع کنید.
- 54- ﴿أَسْلِمُوا لَهُ﴾: او تعالی را به اخلاص عبادت کنید.
- 55- ﴿بَعْتَهُ﴾: ناگهان.
- 56- ﴿يَحْسَرَتَىٰ﴾: وای اندوه بی‌کران، وای ندامت و پشیمانی.
- 56- ﴿فَرَطْتُ﴾: کوتاهی کردم.
- 56- ﴿فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾: در طاعت، اجرای دستور و حق او تعالی.
- 56- ﴿السَّخِرِينَ﴾: اسلام، آقران و مسلمانان را به استهزا می‌گرفتند.
- 58- ﴿كِرَّةً﴾: بازگشت به دنیا.
- 60- ﴿مَثْوَىٰ لِلْمُتَكَبِّرِينَ﴾: جای متکبران.
- 61- ﴿بِمَفَازَتِهِمْ﴾: به سبب دست یافتن ایشان به مطلوب.
- 63- ﴿لَهُ، مَقَالِيدُ...﴾: کلیده‌ها یا خزان‌ه‌های... از آن اوست.
- 65- ﴿لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ﴾: عملت باطل می‌گردد.
- 67- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ...﴾: خدا را نشناختند یا به عظمت او پی‌نبردند...
- 67- ﴿قَبْضَتُهُ﴾: در توان و تصرف اوست.
- 67- ﴿مَطْوِيَّتٌ بِيَمِينِهِ﴾: به قدرت خدا در هم پیچیده می‌شوند، مانند پیچاندن نویسنده نام‌ها را.
- 68- ﴿الصُّورِ﴾: شاخی که اسرافیل در آن می‌دمد، در نَفخه اول.

- 68- ﴿فَصَعِقَ﴾: بمیرد.
- 69- ﴿وَضَعَّ الْكِتَابُ﴾: نامه اعمال انسان داده شود.
- 71- ﴿زُمَرًا﴾: گروه‌های پراکنده و پی در پی.
- 71- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و ثابت شد.
- 73- ﴿طَبَّئْتُمْ﴾: از لوث گناه پاک شدید.
- 74- ﴿صَدَقْنَا وَعَدُّهُ﴾: نعمت‌های که به ما وعده داده بود وفا کرد.
- 74- ﴿نَتَّبِعُوا﴾: جای می‌گیریم.
- 75- ﴿حَافِينَ﴾: احاطه کرده‌اند.

سوره غافر

- 3- ﴿غَافِرِ الذَّنْبِ﴾: گناه مسلمانان را می پوشاند.
- 3- ﴿قَابِلِ التَّوْبِ﴾: توبه هر گناه کار را می پذیرد.
- 3- ﴿ذِي الطُّوْلِ﴾: توانگریا دارای فضل، انعام و احسان.
- 4- ﴿فَلَا يَعْزُرُكَ﴾: تورا نفریبند.
- 4- ﴿تَقَلَّبُهُمْ﴾: رفت و آمد پر منفعت آن ها زیرا این استدراج است.
- 5- ﴿لِيَدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ﴾: تا بوسیله باطل حق را نابود کنند.
- 6- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و مقرر شد ب ه نابود ساختن.
- 7- ﴿سَبِيلَكَ﴾: راه هدایت، اسلام.
- 7- ﴿وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾: آن ها را از عذاب جحیم نگه دار.
- 9- ﴿وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ﴾: آن ها را از گناه یا از عذاب آن نگه دار.
- 10- ﴿لَمَقْتُ اللَّهِ﴾: دشمنی و غضب شدید خدا بر شما.
- 12- ﴿تُؤْمِنُوا﴾: باور می کردید.
- 13- ﴿يُنِيبَ﴾: با تفکر در آیات رجوع می کند.
- 15- ﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ﴾: آسمان ها را بر فراز هم افراشته است.
- 15- ﴿يُلْقِي الرُّوحَ﴾: وحی یا قرآن یا جبریل را می فرستد.
- 15- ﴿يَوْمَ التَّلَاقِ﴾: روز اجتماع در محشر.
- 16- ﴿بَرَزُونَ﴾: از قبره ها آشکار بیرون می آیند و هیچ چیز آن ها را پنهان نمی کند.
- 18- ﴿يَوْمَ الْأَرْفَةِ﴾: روز نزدیک، روز قیامت.
- 18- ﴿الْحَنَاجِرِ﴾: حلقه ها.
- 18- ﴿حَمِيمٍ﴾: دوست مشفق که ب ه آن ها اهمیت بدهد.
- 19- ﴿حَايِنَةَ الْأَعْيُنِ﴾: نگاه خائنان ه را.

- 21- ﴿وَأَقِ﴾: مدافعی که از آن‌ها عذاب را دور کند.
- 25- ﴿أَسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ﴾: دختران آن‌ها را برای خدمت زنده بگذارید.
- 25- ﴿ضَلَّلِ﴾: نابودی و بطلان.
- 27- ﴿عُدْتُ بِرَبِّي﴾: به خدایم پناه گرفتم.
- 29- ﴿ظَلَّهِرِينَ﴾: پیروز و برترید.
- 29- ﴿بَأْسِ اللَّهِ﴾: عذاب و انتقام خدا.
- 29- ﴿مَا أُرِيكُمْ﴾: شما را راه‌نمایی نمی‌کنم.
- 30- ﴿الْأَحْزَابِ﴾: ملت‌های گذشته که علی‌ه انبیاء یا وره‌م بودند.
- 31- ﴿ذَابِ قَوْمِ نُوحٍ﴾: عادت آن‌ها در تکذیب پیامبران.
- 32- ﴿يَوْمَ التَّنَادِ﴾: روز قیامت، در آن روز مردم را به محشر می‌خوانند.
- 33- ﴿عَاصِمٍ﴾: دفاع کننده.
- 34- ﴿مُرْتَابٍ﴾: شک و تردید کننده در دین و بیگانگی خدا.
- 35- ﴿بِغَيْرِ سُلْطَانٍ﴾: بدون دلیل.
- 35- ﴿كَبُرَ مَقْتًا﴾: جدال بدون دلیل آن‌ها دشمنی بزرگ است.
- 36- ﴿صَرَخًا﴾: قصری یا ساختمان بلند و نمایان.
- 36- ﴿أَبْلُغَ الْأَسْبَابِ﴾: به دره‌ها یا به راه‌ها برسم.
- 37- ﴿تَبَابٍ﴾: تبه‌ای و نابودی.
- 40- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: اعطای رازق مطلق بی‌نهایت است.
- 43- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و ثابت است یا در حقیقت.
- 43- ﴿مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ﴾: باز گشت ما بعد از مرگ به سوی خداست که همه را کیفر و پاداش می‌دهد.
- 45- ﴿حَاقٍ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.
- 46- ﴿غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾: صبح و شام یا دایم در برزخ.

- 47- ﴿سُعْنُونَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می کنید یا به جای ما بر می دارید.
- 51- ﴿يَقَوْمُ الْأَشْهَادُ﴾: فرشتگان، پیامبران و مؤمنان به شهادت برخیزند.
- 52- ﴿مَعَذِرْتُهُمْ﴾: بهانه یا عذر خواهی ایشان.
- 55- ﴿بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾: هر صبح و شام یا دایم.
- 56- ﴿مَا هُمْ بِبَلِيغِيهِ﴾: هرگز به اسباب کبر و بزرگ نمایی نخواهند رسید.
- 60- ﴿ذَاخِرِينَ﴾: باپستی و حقارت.
- 62- ﴿فَأَتَى تَوَفُّكُونَ﴾: پس چگونه از توحید او تعالی منحرف می شوید؟
- 63- ﴿يُؤْفِكُ﴾: از توحید حق منحرف می شوند.
- 64- ﴿الْأَرْضُ قَرَارًا﴾: زمین را محل زندگی و آرامش.
- 64- ﴿السَّمَاءُ بِنَاءً﴾: آسمان را سقف برافراشته مانند قبه بالای سر شما.
- 64- ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فراوان است.
- 66- ﴿أَنْ أَسْلِمَ﴾: که فرمانبردار باشم یا دین خود را خالص گردانم.
- 67- ﴿لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ﴾: تا به کمال عقل و قوت برسید.
- 68- ﴿فَضَى أَمْرًا﴾: اراده ایجاد کاری را بکند.
- 69- ﴿أَتَى يُصْرَفُونَ﴾: چگونه از آیات با هم راستی و وضاحت آن ها منحرف ساخت می شوند؟
- 71- ﴿الْأَغْلُلُ﴾: زنجیره ای که دست ها و گردن ها را با هم می بندد.
- 72- ﴿الْحَمِيمِ﴾: آب جوشان.
- 72- ﴿يُسْجَرُونَ﴾: سوزانده می شوند یا دوزخ از آن ها پر می شود.
- 75- ﴿تَفْرَحُونَ﴾: سرمستی و تکبر می نمودید.
- 75- ﴿تَمْرَحُونَ﴾: بسیار کبر می کردید.
- 76- ﴿مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾: جایگاه متکبران.
- 80- ﴿حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ﴾: به چیزه ای می که به آن ارزش قایلید.

- 82- ﴿فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ﴾: از آن‌ها دفع نکرد و ب‌ه‌آن‌ها نفع نرسانید.
- 83- ﴿مِنَ الْعِلْمِ﴾: از دانشش ب‌ه‌امور دنیا، دین را مسخره می‌کردند.
- 83- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آن‌ها را احاطه کرد یا بر آن‌ها فرود آمد.
- 84- ﴿رَأَوْا بَاسَنَا﴾: شدت عذاب ما را در دنیا مشاهده کردند.
- 85- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشت‌ه‌است.

سوره فصلت

- 3- ﴿فُصِّلَتْ آيَاتُهُ﴾: آیات آن دست‌ه‌بندی شده‌است یا ب‌ه‌روشنی بیان شده‌است.
- 5- ﴿فِي أَكِنَّةٍ﴾: از خلقت در پوششی‌است که مانع ف‌ه‌م و درک می‌شود.
- 5- ﴿وَقُرَّةٍ﴾: سنگینی‌است که مانع شنیدن می‌گردد.
- 5- ﴿حِجَابٍ﴾: پرده‌ای ضخیمی‌است که مانع سازگاری ما با تو می‌شود.
- 6- ﴿فَأَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ﴾: با طاعت و عبادت متوجه او تعالی باشید.
- 6- ﴿وَيَلِّ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾: بر مشرکین هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید باد.
- 8- ﴿غَيْرِ مَمْنُونٍ﴾: جاودانی.
- 9- ﴿أَنذَادًا﴾: ه‌م‌تایانی از مخلوقات و آن‌ها را پرستش می‌کنید.
- 10- ﴿رَوَّسِي﴾: کوه‌های استوار که مانع تکان زمین می‌شوند.
- 10- ﴿بَرَكَ فِيهَا﴾: منافع و خیر زمین را بسیار کرد. ﴿أَقْوَاتَهَا﴾: مواد غذایی و مصالح زندگی ساکنان زمین را.
- 10- ﴿فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ﴾: در چ‌ه‌ار روز تمام.
- 11- ﴿أَسْتَوَىٰ﴾: قصد ساختن کرد.
- 11- ﴿هِيَ دُحَانٌ﴾: او از ماده شبی‌ه‌دود ساخته شده بود.
- 11- ﴿أَتَيْنَا﴾: دستورات مرا ب‌ه‌جا کنید.
- 12- ﴿فَقَضَّاهُنَّ﴾: پس آن‌ها را ساخت.

- 12- ﴿حِفْظًا﴾: آن را از آفات، نیکو حفظ کردیم.
- 13- ﴿أَنْذَرْتُكُمْ صَلْعَةً﴾: شما را از عذاب شدید و کشنده بر حذر می‌دارم.
- 16- ﴿رِيحًا صَرْصَرًا﴾: باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.
- 16- ﴿أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ﴾: روزه‌های شوم یا روزه‌های پر غبار و خاک باد.
- 16- ﴿أَخْرَجِي﴾: ذلت و اهانت شدید.
- 17- ﴿فَهَدَيْتَهُمْ﴾: راه‌های گمراهی و هدایت را به آن‌ها نشان دادیم.
- 17- ﴿الْعَذَابِ الْهُونِ﴾: عذاب ذلت‌آور.
- 19- ﴿فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾: گروه‌های پیشرو را نگه می‌دارند تا گروه‌های دنبال برسند.
- 22- ﴿وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ﴾: هنگام ارتکاب گناه خود را نهان نمی‌کردید.
- 22- ﴿أَنْ يَشْهَدَ...﴾: از ترس شهادت دادن...
- 22- ﴿ظَنَنْتُمْ﴾: هنگام نهان داشتن از مردم باور داشتید.
- 22- ﴿كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ﴾: بسیاری از اعمالی را که در نهان انجام می‌دادید.
- 23- ﴿أَرَدْنَاكُمْ﴾: شما را نابود کرد.
- 24- ﴿مَثْوَى لَهُمْ﴾: اقامتگاه دایمی آن‌هاست.
- 24- ﴿إِنْ يَسْتَعْتِبُوا﴾: اگر در آن روز رضای پروردگار خود را بجویند.
- 24- ﴿مِنَ الْمُعْتَبِينَ﴾: از آن‌ها که خواسته‌شان پذیرفته شود.
- 25- ﴿فَيُضْنَا لَهُمْ﴾: برای آن‌ها گماشتیم و م‌ها کردیم.
- 25- ﴿حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾: وعید عذاب بر آن‌ها تحقق یافت.
- 26- ﴿وَالْعَوَا فِيهِ﴾: هنگام قرائت قرآن سخنان بی‌هوده بگویید.
- 29- ﴿الْأَسْفَلِينَ﴾: در قعر دوزخ.
- 30- ﴿أَسْتَقْمُوا﴾: به اعتقاد، عمل و اخلاص در راه حق پایداری کردند.
- 31- ﴿مَا تَدْعُونَ﴾: آنچه درخواست و آرزو کنید.
- 32- ﴿نُزُلًا﴾: روزی یا م‌همانی یا بخشش.

- 34- ﴿زَلَّيْ حَمِيمٌ﴾: دوست نزدیکی است که به تواهمیت می دهد.
- 35- ﴿مَا يُلْقَاهَا﴾: به این خصلت نیکو نایل نمی شود.
- 36- ﴿يَنْزَعَنَّكَ﴾: به تو برسد یا مانع تو گردد.
- 36- ﴿نَزَعٌ﴾: وسوس های یا مانع شونده ای.
- 38- ﴿لَا يَسْمُونَ﴾: از تسبیح گفتن به ستوه نمی آیند.
- 39- ﴿الْأَرْضِ خَشَعَةً﴾: زمین را خشک، آرام و بی سبزه و گیاه.
- 39- ﴿أَهْتَرَّتْ﴾: به سبزه و گیاه به جنب و جوش می آید.
- 39- ﴿رَبَّتْ﴾: بالا می آید.
- 40- ﴿يُلْحِدُونَ﴾: از حق و راستی منحرف می شوند.
- 44- ﴿قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا﴾: قرآن به زبان عجم چنانچه پیشین هاد می کنند.
- 44- ﴿لَوْلَا فَضَلَتْ ءَايَاتُهُ﴾: چرا این قرآن به زبانی که ما شناسستیم بیان نشد.
- 44- ﴿ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ﴾: آیا کتابی که به زبان عجم است به پیامبری که عرب است نازل شد.
- 44- ﴿فِي ءَأَذَانِهِمْ وَقُرْءَانِهِمْ﴾: در گوش های ایشان کبری است که مانع شنیدن قرآن می شود.
- 45- ﴿مُرِيْبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- 47- ﴿أَكْمَامِهَأ﴾: پوست هاش.
- 47- ﴿ءَأَذْنَكَ﴾: تو را خبر دادیم و آگاه ساختیم.
- 48- ﴿ظَنُّوَأ﴾: یقین دانستن.
- 48- ﴿مَحِيصٍ﴾: جای فرار و گریز از عذاب.
- 49- ﴿لَأَ يَسْمُ الْإِنْسَانُ﴾: انسان مانده نمی شود.
- 49- ﴿دُعَأءَ الْحَيْرِ﴾: طلب عافیت و فراوانی نعمت.
- 49- ﴿فَيَوْسُ قَنُوطٌ﴾: از فضل و رحمت خدا نومید است.
- 50- ﴿هَذَا لِي﴾: این حق من است من به لیاقت خود سزاوارش هستم.

- 50- ﴿عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾: عذاب شدید و دائمی.
- 51- ﴿نَاجِيَانِيهِ﴾: با تکبر از شکر و سپاس دوری گیرند.
- 51- ﴿دُعَاءٍ عَرِيضٍ﴾: دعای بسیار و مداوم.
- 53- ﴿الْأَفَاقِ﴾: کران‌ه‌ای آسمان‌ها و زمین.
- 54- ﴿فِي مَرِيَّةٍ﴾: در شکنند.

سوره شوری

- 5- ﴿يَتَفَطَّرْنَ﴾: از عظمت و جلال خدا پاره پاره شوند.
- 6- ﴿أَوْلِيَاءَ﴾: معبوده‌ای که به کمک آن‌ها باور دارند.
- 7- ﴿اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ﴾: خدا مراقب اعمال و پاداش دهنده آن‌هاست.
- 7- ﴿بِوَكِيلٍ﴾: امور آن‌ها به تو سپرده شده باشد.
- 7- ﴿أُمَّ الْقُرَىٰ﴾: مکه یعنی اهالی آنجا را.
- 7- ﴿يَوْمَ الْجُمُعِ﴾: روز قیامت.
- 10- ﴿إِلَيْهِ أُنِيبُ﴾: در همه حال به درگاه او رجوع می‌کنم.
- 11- ﴿فَاطِرُ...﴾: آفریننده...
- 11- ﴿مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾: همسرانی از جنس خودتان.
- 11- ﴿مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا﴾: از چارپایان نرو ماده.
- 11- ﴿يَذَرُوكُمْ فِيهِ﴾: به سبب ازدواج تعداد شما را زیاد می‌کند.
- 12- ﴿لَهُ مَقَالِيدُ﴾: کلیده‌ها یا خزان‌ها از آن اوست.
- 12- ﴿يَقْدِرُ﴾: به حکمت بالغه روزی هرک‌ها را بنخواهد تنگ می‌کند.
- 13- ﴿شَرَعَ لَكُمْ﴾: راه روشن را به شما آشکار کرد.
- 13- ﴿مَا وَصَّى﴾: آیینی که امر کرده و موظف ساخته بود.
- 13- ﴿أَقِيمُوا الدِّينَ﴾: دین توحید را به پادارید، اسلام.

- 13- ﴿كَبُرَ...﴾: بزرگ و دشوار است...
- 13- ﴿يَجْتَبِي﴾: برمی‌گزیند.
- 13- ﴿يُنِيبُ﴾: به اورجوع می‌کند و به طاعت او رو می‌آورد.
- 14- ﴿بَعِيثًا بَيْنَهُمْ﴾: از دشمنی یا از دنیا طلبی.
- 14- ﴿مُرِيبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- 15- ﴿أَسْتَقِمَّ﴾: به راه راست و روشن ادامه بده.
- 15- ﴿لَا حُجَّةَ﴾: به خصومت و بیان حجت مجال نماند برای این که حق به ظهور پیوست.
- 16- ﴿أَسْتُجِيبَ لَهُ﴾: مردم دین خدا را پذیرفتند و به آن گردن نه‌ادند.
- 16- ﴿حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً﴾: دلیل آن‌ها باطل و ناپایدار است.
- 17- ﴿الْمِيزَانَ﴾: عدالت و راستی در حقوق را.
- 18- ﴿مُشْفِقُونَ مِنْهَا﴾: با این که به آن توجه دارند از آن هراسانند.
- 18- ﴿يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ﴾: در وقوع قیامت مجادل‌ه می‌کنند یا شک دارند.
- 19- ﴿لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ﴾: به بندگان خود مهربان است.
- 20- ﴿حَرَّتِ الْأَخِرَةُ﴾: ثواب آخرت را.
- 21- ﴿كَلِمَةُ الْفَصْلِ﴾: حکم قطعی به تأخیر عذاب تا روز آخرت.
- 22- ﴿رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ﴾: زیباترین، پاکیزه‌ترین و نزهت‌افزاترین ساحه به‌شت.
- 23- ﴿يَقْتَرِفُ حَسَنَةً﴾: طاعت ورزد.
- 27- ﴿لَبَعَاؤُا﴾: طغیان یا ستم می‌نمودند.
- 27- ﴿يُنزِلُ بِقَدَرٍ﴾: به اندازه‌ای که حکیم توانا بخواد می‌فرستد.
- 28- ﴿فَنَطَوَأُ﴾: از بارش آن نومید شدند.
- 29- ﴿بَثَّ فِيهِمَا﴾: در آسمان و زمین پراکنده ساخت‌ه است.
- 31- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب ال‌ه‌ی نمی‌توانید فرار نمایید.

- 32- ﴿الْجَوَارِ﴾: کشتی‌هاست.
- 32- ﴿كَالْأَعْلَمِ﴾: مانند کوه‌ها یا کاخ‌های بلند.
- 33- ﴿فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ﴾: کشتی‌ها ساکن و بی حرکت می شوند.
- 34- ﴿يُوبِقُهُنَّ﴾: آن‌ها را یا کسانی که در آن‌ها هستند غرق می کند.
- 35- ﴿مَّحِيصٍ﴾: جای فرار و نجات از عذاب.
- 37- ﴿وَالْفَوَاحِشِ﴾: زشت‌ترین گناهان.
- 38- ﴿أَمْرُهُمْ شُورَى﴾: در کارهای خود با هم مشوره می کنند.
- 39- ﴿أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ﴾: ظلم و ستم بر آن‌ها برسد.
- 39- ﴿يَنْصُرُونَ﴾: از کسی که ب‌ه آن‌ها ظلم کرده انتقام می گیرند و تجاوز نمی کنند.
- 42- ﴿يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ﴾: در زمین فساد یا سرکشی می کنند.
- 45- ﴿خَشِيعِينَ﴾: کوچک و حقیر.
- 45- ﴿يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ﴾: از شدت ترس دزدان‌ها نگاه می کنند.
- 47- ﴿نَكِيرٍ﴾: از گناهان خود انکار کنید.
- 48- ﴿فَرِحَ بِهَا﴾: بخاطر آن متکبر و خودپسند می شود.
- 52- ﴿رُوحًا﴾: قرآن یا نبوت یا جبریل را.
- 52- ﴿الْإِيمَانُ﴾: قوانین گستره‌ای که تن‌ها به وسیله وحی آن را شناختی.
- 52- ﴿صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾: دین راست و درست، اسلام.

سوره زخرف

- 4- ﴿أَمْ أَلْكَتَبِ﴾: لوح محفوظ یا علم ازلی.
- 5- ﴿أَفَنضْرُبُ عَنْكُمُ الدِّكْرَ﴾: آیا از اتمام حجت و پند و اندرز شما با قرآن صرف نظر کنیم.
- 5- ﴿صَفْحًا﴾: به سبب اعراض از شما.
- 5- ﴿أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ﴾: به علت این که شما درجه‌الت و گمراهی افراط می‌کنید؟ نه، هرگز ترک نکنیم.
- 6- ﴿كَمْ أَرْسَلْنَا﴾: بسیار فرستادیم.
- 6- ﴿فِي الْأَوَّلِينَ﴾: به سوی ملت‌های گذشته.
- 8- ﴿بَطْشًا﴾: از روی قوت.
- 8- ﴿مَثَلُ الْأَوَّلِينَ﴾: او صاف یا داستان شگفت انگیز پیشینیان.
- 10- ﴿الْأَرْضِ مَهْدًا﴾: زمین را فرش گسترده برای استقرار بر آن.
- 10- ﴿سُبُلًا﴾: راه‌های رفت و آمد یا اسباب زندگانی.
- 11- ﴿مَاءٍ يَّقْدِرُ﴾: آب را به اندازه ضرورت.
- 11- ﴿فَأَنْشَرْنَا بِهِ﴾: پس به وسیله آب زنده کردیم.
- 12- ﴿خَلَقَ الْأَزْوَاجَ﴾: انواع و اقسام مخلوقات را آفرید.
- 12- ﴿وَالْأَنْعَامَ﴾: و از چارپایان از قبیل شتر.
- 13- ﴿لِيَتَسْتَوْأُوا﴾: تا قرار بگیری.
- 13- ﴿سَحْرًا﴾: رام کرد.
- 13- ﴿مُقْرِنِينَ﴾: توانا و غالب یا نگه‌دارنده.
- 16- ﴿أَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ﴾: پسران را برای شما برگزیده است.
- 17- ﴿مَثَلًا﴾: مثل و مانند.

- 17- ﴿هُوَ كَبِيمٌ﴾: قلبش پراز خشم و اندوه است.
- 18- ﴿يُنشَأُ فِي الْحَلِيَّةِ﴾: درزینت و نعمت پرورش می یابد، دختران.
- 18- ﴿فِي الْخِصَامِ﴾: در خصومت.
- 20- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: هر چه می گویند دروغ می گویند.
- 22- ﴿عَلَى أُمَّةٍ﴾: بر آیین و روشی.
- 23- ﴿قَالَ مُتْرَفُوهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت و غرق ش هوات آن دیار گفتند.
- 26- ﴿إِنِّي بَرَاءٌ﴾: من بیزارم.
- 27- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده است.
- 28- ﴿كَلِمَةً بَاقِيَةً﴾: کلمه توحید یا بیزاری از بت پرستی را.
- 28- ﴿فِي عَقِبِهِ﴾: در نسل خود تا روز قیامت.
- 31- ﴿مِنَ الْقَرَيْتَيْنِ﴾: از یکی از این دو قریه، مکه و طایف.
- 32- ﴿سُخْرِيًّا﴾: فرمان بردار و خدمتکار.
- 33- ﴿أُمَّةً وَاحِدَةً﴾: یک ملت، از محبت دنیا هم کافر شوند.
- 33- ﴿مَعَارِجَ﴾: نردبان ها و پلگان رفیع از نقره.
- 33- ﴿يُظْهَرُونَ﴾: بالا می شدند.
- 35- ﴿رُحْرَفًا﴾: طلا یا آراسته و مزین.
- 35- ﴿لَمَّا مَتَلَعُ...﴾: مگر متاع...
- 36- ﴿مَنْ يَعِشُ﴾: کسی که روی برگرداند و غافل شود.
- 36- ﴿نُقِيصٌ لَهُ﴾: برای او آماده کنیم.
- 36- ﴿لَهُ قَرِينٌ﴾: همنشینی که هیچ گاه از او جدا نشود.
- 44- ﴿إِنَّهُ وَلِذِكْرٍ﴾: قرآن شرف بزرگ است.
- 49- ﴿بِمَا عَاهَدَ عِنْدَكَ﴾: به اساس عهدهی که با تو بسته، دور داشتن راه راست یافتگان از عذاب.

- 50- ﴿يَنْكُثُونَ﴾: پیمان خود را که به راه نیک می روند، می شکنند.
- 52- ﴿هُوَ مَهِينٌ﴾: او کوچک و حقیر است.
- 52- ﴿يُبَيِّنُ﴾: از لکنت زبان سخن را روشن بیان کند.
- 53- ﴿مُقْتَرِنِينَ﴾: همراه با او که تصدیقش نمایند.
- 54- ﴿فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ﴾: قوم خود را سبک عقل یافت.
- 55- ﴿ءَأَسْفُونَا﴾: با این کاره ما را سخت خشمگین ساختند.
- 56- ﴿سَلَفًا﴾: سرمشق کافران در استحقاق عذاب.
- 56- ﴿مَثَلًا لِلَّٰخِرِينَ﴾: پند و عبرت به کافران بعد از آن ها.
- 57- ﴿مِنْهُ يَصُدُّونَ﴾: بخاطر آن از خوشحالی فریاد می کشند.
- 58- ﴿قَوْمٌ خَصِمُونَ﴾: گروهی ستیزه گردند.
- 59- ﴿مَثَلًا﴾: نشان ه و عبرتی شگفت انگیز، مانند مثل، زبان زد هم.
- 60- ﴿لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ﴾: به جای شما قرار می دادیم.
- 61- ﴿وَأَنَّهُ لَعَلَّمُ لِّلسَّاعَةِ﴾: نزول عیسی عليه السلام نشان ه نزدیکی قیامت است.
- 61- ﴿فَلَا تَمَتَّرْنَ بِهَا﴾: در آمدن قیامت شک نکنید.
- 65- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.
- 66- ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ﴾: آیا انتظار خواهند کشید.
- 66- ﴿بَعْتَهُ﴾: ناگهان.
- 67- ﴿الْأَخِلَاءُ﴾: دوستان غیر خدایی.
- 70- ﴿تُحْبَرُونَ﴾: شاد و خندان باشید.
- 71- ﴿أَكْوَابٍ﴾: صراحی ها.
- 75- ﴿لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ﴾: عذاب آن ها تخفیف نمی یابد.
- 75- ﴿مُبْلِسُونَ﴾: خاموشند یا از نومیدی بسیار اندوه گینند.
- 77- ﴿لِيَقْضِ عَلَيْنَا رُبُّكَ﴾: کاش خدایت ما را بکشد تا از این عذاب خلاص شویم.

- 79- ﴿أَمْ أَرْمُوا أُمَّرًا﴾: بلکه در برابر پیامبر دست به دسیه قوی زدند.
- 80- ﴿مَجْنُونُهُمْ﴾: سخنان آست ه آراکه با هم می گویند.
- 83- ﴿يَخْوُضُوا﴾: در باطل فروروند.
- 84- ﴿فِي السَّمَاءِ إِلَهُ﴾: او خدای آسمان ه است.
- 85- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: برتر است یا خیر و احسانش فراوان است.
- 87- ﴿فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او تعالی منحرف می شوند.
- 88- ﴿قِيلَ﴾: خدا از گفتار پیامبر آگاه است.
- 89- ﴿فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ﴾: از آن ه دور شو.
- 89- ﴿سَلَّمَ﴾: کار من متارک ه و دوری از شماست.

سوره دخان

- 3- ﴿لَيْلَةَ مُبْرَكَةٍ﴾: شب قدر از ماه رمضان.
- 4- ﴿فِيهَا يُفْرَقُ﴾: در آن شب فیصله و بیان می شود.
- 4- ﴿أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾: کاره ای م ه م یا با حکمت.
- 10- ﴿فَأَرْتَقِبْ﴾: پس در انتظار شک کنندگان باش.
- 10- ﴿يَدْخَانِ﴾: دودی، کنایه از گرفتاری آن ه اب ه خشکسالی و گرسنگی است.
- 11- ﴿يَغْشَى النَّاسَ﴾: مردم را احاطه کند.
- 13- ﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى﴾: چگونه ه پند بگیرند؟
- 14- ﴿مُعَلَّمٍ﴾: انسانی ب ه او آموخته است.
- 16- ﴿يَوْمَ نَبِطِشُ﴾: روزی که ب ه شدت بگیریم، روز بدریا قیامت.
- 17- ﴿فَتَنَّا﴾: آزمودیم.
- 18- ﴿أَدْوَا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ﴾: بنی اسرائیل را ب ه من بسپارید.
- 19- ﴿لَا تَعْلُوا﴾: برتری نجوید یا افترا نکنید.

- 19- ﴿بِسُلْطَنِ﴾: دلیل روشن به صدق گفتارم.
- 20- ﴿إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي﴾: من به خدای خود پناه گرفتم.
- 20- ﴿تَرْجُمُونَ﴾: به من آزار برسانید یا مرا با سنگ بکشید.
- 23- ﴿فَأَسْرِبِ بَعَادَى لَيْلًا﴾: شب هنگام بنی اسرائیل را با خود ببر.
- 23- ﴿إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾: فرعون و لشکرش دنبال شما می آیند.
- 24- ﴿الْبَحْرَ رَهْوًا﴾: دریا را آرام یا شکافت.
- 24- ﴿جُنْدٌ﴾: گروهی.
- 27- ﴿نِعْمَةً﴾: ناز و نعمت یا زیبایی و لذت‌های زندگی.
- 27- ﴿فَكَهِنِينَ﴾: آسوده و مرفه.
- 29- ﴿مَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾: عذاب آن‌ها تا وقت دیگر مهلت نمی‌یابد.
- 31- ﴿كَانَ عَالِيًا﴾: متکبر و سرکش بود.
- 32- ﴿الْعَلَمِينَ﴾: ج‌هانیان دوران خود.
- 33- ﴿بَلْتَأْوُا مُبِينٌ﴾: آزمایش یا نعمت آشکار بود.
- 35- ﴿بِمُنشَرِينَ﴾: بعد از مرگ زنده نمی‌شویم.
- 37- ﴿قَوْمٌ تَبِعَ﴾: قوم ابوکرب حمیری پادشاه یمن.
- 40- ﴿يَوْمَ الْفُصْلِ﴾: روز قیامت و حساب.
- 41- ﴿لَا يُعْنِي مَوْلًى...﴾: هیچ دوست و قریبی نمی‌تواند دفاع کند...
- 43- ﴿شَجَرَتِ الزَّقُّومِ﴾: خبیث‌ترین درخت که در دوزخ می‌روید.
- 45- ﴿كَالْمُهْلِ﴾: مانند دُرد روغن زیتون یا فلز ذوب شده.
- 46- ﴿الْحَمِيمِ﴾: آب جوشان.
- 47- ﴿فَاعْتَلَوْهُ﴾: او را به تندی و قهر بکشید.
- 47- ﴿سَوَاءِ الْجَحِيمِ﴾: میان دوزخ.
- 50- ﴿بِهِ تَمْتَرُونَ﴾: درباره آن شک داشتید و مجادل‌ه می‌کردید.

- 53- ﴿سُنْدُسٍ﴾: دیبای نازک.
- 53- ﴿اِسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- 54- ﴿رَوَّجْنَهُمْ مِجُورٍ عَيْنٍ﴾: زنان سفید چهره و زیبا چشم بهشتی راه مدم و همراهان ه می کنیم.
- 55- ﴿يَدْعُونَ فِيهَا﴾: در بهشت طلب می کنند.
- 59- ﴿فَأَرْتَقِبْ﴾: منتظر عذاب بر آن ها باش.
- 59- ﴿إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ﴾: آن ها هم انتظار دارند که به تو چیزی برسد.

سوره جاثیه

- 4- ﴿يَبِثُّ﴾: پخش و پراکنده می سازد.
- 5- ﴿تَصْرِيفِ الرِّيْحِ﴾: تغییر جهت وزش و احوال بادها.
- 7- ﴿وَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.
- 7- ﴿أَفَاكُ أَثِيمٍ﴾: دروغگوی سرتاپا گناه.
- 9- ﴿أَتَّخَذَهَا هُزُوًا﴾: او را مسخره می کند.
- 10- ﴿لَا يُعْنِي عَنْهُمْ﴾: از آن ها دفاع نمی کند.
- 11- ﴿رَجْزٍ﴾: عذاب شدید.
- 14- ﴿لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾: انتظار آمدن عذاب الهی بر دشمنانش را ندارند.
- 17- ﴿بَغِيًّا بَيْنَهُمْ﴾: از حسد و دشمنی با یکدیگر.
- 18- ﴿شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ﴾: راه و روش روشن از امر دین.
- 19- ﴿لَنْ يُعْنُوا عَنْكَ﴾: هرگز از تو دور نخواهند کرد.
- 20- ﴿بَصِيرٍ لِلنَّاسِ﴾: دلایل روشنی است که راه نجات را به مردم نشان می دهد.
- 21- ﴿أَجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ﴾: گناه کردند و کفر ورزیدند.
- 23- ﴿أَفْرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.

- 23- ﴿غَشَوَةٌ﴾: پرده تاراه درست را نبیند.
- 28- ﴿جَائِيَةً﴾: از شدت ترس برزانو درآمده.
- 28- ﴿كِتَابَهَا﴾: نامه اعمالش.
- 29- ﴿نُسْتَنْسِخُ...﴾: فرشتگان را به نوشتن امر کرده بودیم...
- 33- ﴿حَاقَّ بِهِمْ﴾: فرود می آید یا آن‌ها را احاطه می کند.
- 34- ﴿نَنْسَبُكُمْ﴾: شما را در عذاب می گذاریم.
- 34- ﴿مَأْوَلَكُمْ أَلْتَّارُ﴾: جایگاه شما دوزخ است.
- 35- ﴿غَرَّتْكُمْ...﴾: شما را فریفت...
- 35- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آن‌ها خواسته نمی شود که برگردند و خوشنودی خدا را بدست آورند.
- 37- ﴿لَهُ الْكِبْرِيَاءُ﴾: جاه و جلال و فرمانروایی مخصوص اوست.

سوره احقاف

- 3- ﴿أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: زمان معین، روز قیامت.
- 4- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- 4- ﴿لَهُمْ شُرَكَاءُ﴾: شرکتهای با خدا دارند.
- 4- ﴿أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ﴾: اثر علمی از گذشتگان نزد شماست.
- 8- ﴿تُفِيضُونَ فِيهِ﴾: به طعن و تکذیب قرآن می پردازید.
- 9- ﴿مَا كُنْتُ بِدَعَاةٍ﴾: من چیزنوی نیاوردم.
- 10- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید حال شما چه خواهد بود.
- 11- ﴿إِنكُم قَدِيمٌ﴾: دروغ دیرینه.
- 15- ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم.
- 15- ﴿كُرْهَا﴾: به سختی و مشقت.

- 15- ﴿حَمَلُهُ وَفَضْلُهُ﴾: مدت حمل او و از شیر جدا شدنش.
- 15- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت و عقل خود برسد.
- 15- ﴿رَبِّ أَوْزَعَيْ﴾: پرودگارا به من ال‌ه‌ام کن و کمکم نما.
- 17- ﴿أَفِ لَكُمْ﴾: از شما دلتنگ شدم، سخن دلتنگ کننده و ناپسند، از امری اظهار آزرده‌گی کردن.
- 17- ﴿أَنْ أُخْرَجَ﴾: بعد از مرگ زنده می‌شوم.
- 17- ﴿خَلَّتِ الْقُرُونُ﴾: ملت‌ها از جهان رفتند و هیچ کدام دوباره زنده نشدند.
- 17- ﴿وَيَلِّكَ﴾: وای بر تو تباه شدی، مراد تشویق او به اسلام است.
- 17- ﴿ءَامِنٌ﴾: به خدا و رستاخیزایمان بیاور.
- 17- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: سخنان باطلی که در کتب آن‌ها نوشته است.
- 18- ﴿حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾: وعده عذاب بر آن‌ها لازم و ثابت شد.
- 18- ﴿قَدْ خَلَتْ﴾: گذشت‌ه‌اند.
- 20- ﴿عَذَابَ الْهُونِ﴾: عذاب، خواری و ذلت.
- 21- ﴿أَخَا عَادٍ﴾: برادر قوم عاد، هود را.
- 21- ﴿بِالْأَحْقَافِ﴾: به احقاف، وادی است بین عُمَان و سرزمین مَهَنَبَرَه.
- 22- ﴿لِتَأْفِكَنَّا﴾: تا ما را برگردانی یا با دروغ دور کنی.
- 24- ﴿عَارِضًا﴾: ابری گسترده در افق.
- 25- ﴿تُدْمِرُ﴾: هلاک می‌کند.
- 26- ﴿مَكَّنَّ لَهُمْ﴾: ایشان را قوت و شوکت داده بودیم.
- 26- ﴿فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ﴾: نیروی آن‌ها را به شما ندادیم.
- 26- ﴿فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ﴾: پس از آن‌ها دور نکرد.
- 26- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آن‌ها را احاطه کرد یا برایشان فرود آمد.
- 27- ﴿صَرَفْنَا الْآيَاتِ﴾: به اسلوب‌های مختلف آیات را تکرار کردیم.

- 28- ﴿قُرْبَانًا إِلَىٰ إِلَٰهَةِ﴾: معبودانی که آن‌ها را به خدا نزدیک می‌کنند.
- 28- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: افتراء می‌کردند.
- 29- ﴿صَرَفْنَا إِلَيْكَ﴾: به سوی تو فرستادیم.
- 29- ﴿أَنْصِتُوا﴾: خاموش شوید و به دقت بشنوید.
- 29- ﴿فُضِيَ﴾: تلاوت قرآن تمام شد.
- 32- ﴿فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ﴾: نمی‌تواند از عذاب او فرار نماید.
- 33- ﴿لَمْ يَعْ يَخْلُقْهُمْ﴾: از آفرینش آن‌ها خسته یا ناتوان نگردد.
- 33- ﴿بَلَىٰ﴾: بل‌ه، خدا می‌تواند مرده‌ها را زنده کند.
- 35- ﴿أُولَٰئِكَ الْعَزْمُ﴾: صاحبان صبر، ثبات و جدیت.
- 35- ﴿بَلَّغٌ﴾: این تبلیغ است از جانب پیامبر ما.

سوره محمد

- 1- ﴿أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ﴾: خدا اعمال آن‌ها را باطل و بی‌فایده کرد.
- 2- ﴿كَفَرَ عَنْهُمْ﴾: از آن‌ها دور کرد.
- 2- ﴿أَصْلَحَ بِالْهَمِّ﴾: حال ایشان را در دین و دنیا به صلاح آورد.
- 4- ﴿فَضْرَبَ الرِّقَابِ﴾: پس گردن آن‌ها را بزنید.
- 4- ﴿أَخْتَنُتُمْهُمْ﴾: کشت‌ه، زخمی و اسیر فراوان از آن‌ها گرفتید.
- 4- ﴿فَشَدُّوا لَوْلَا﴾: اسرای آن‌ها را بند و زنجیر کنید.
- 4- ﴿مَنْأًا﴾: اسیره‌ها را بدون عوض آزاد و بر آن‌ها منت گزارید.
- 4- ﴿فِدَاءً﴾: از آن‌ها فدی‌ه بگیرید یا در برابر اسرای مسلمین آزادشان کنید.
- 4- ﴿حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾: تا این‌که جنگ آلات و باره‌ای سنگین خود را بر زمین نهد، پایان جنگ.
- 4- ﴿لِيَبْلُو...﴾: تا امتحان کند... و بار گناه مسلمانان را کاهش دهد و کافران را تباه کند.

4- ﴿فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ﴾: هرگز اعمال آن‌ها را باطل نمی‌کند بلکه اجر و پاداش آن‌ها را کامل می‌دهد.

8- ﴿فَتَعَسَا لَهُمْ﴾: بر آن‌ها مرگ یا شقاوت و بدبختی باد.

9- ﴿فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾: خدا اعمال آن‌ها را باطل کرد که از قرآن نفرت داشتند.

10- ﴿دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: خدا نابودشان کرد.

11- ﴿مَوْلَى...﴾: دوست و ناصر...

12- ﴿مَثْوَى لَهُمْ﴾: محل سکونت آن‌هاست.

13- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: بسیارش هره‌اکه.

15- ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ﴾: وصف بهشت.

15- ﴿غَيْرِ ءَاسِنٍ﴾: تغییر نمی‌کند و گنده و بدبوی نمی‌شود.

15- ﴿عَسَلٍ مُّصَفًّى﴾: عسل پاکیزه و صاف.

15- ﴿مَاءٍ حَمِيمًا﴾: آب جوشان.

16- ﴿مَاذَا قَالَ ءَانفَا﴾: همین حالا یا همین ساعت چه گفت.

18- ﴿جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾: علایم قیامت آمده است از جمله بعثت رسول خدا.

18- ﴿فَأَنَّى لَهُمْ﴾: پس چگونه یا از کجا باشد برای ایشان.

19- ﴿يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ﴾: خدا از حرکات شما آگاه است.

19- ﴿مَثْوَلَكُمْ﴾: جای استقرار شما را.

20- ﴿الْمُعْتَبِي عَلَيْهِ﴾: کسی که دچار بی‌هوشی و مستی باشد.

20- ﴿فَأَوْلَى لَهُمْ﴾: اسباب نابودی این‌ها نزدیک است یا سزاوار عذابند، «لام» زاید است.

21- ﴿طَاعَةٌ﴾: فرمانبرداری برای آنان بهتر است یا دستور ما طاعت است.

21- ﴿عَزَمَ الْأَمْرُ﴾: فرمان‌جهد قطعیت یافت و برعهده آنان قرار گرفت.

22- ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ﴾: آیا می‌توان از شما انتظار داشت، یعنی می‌توان.

22- ﴿تَوَلَّيْتُمْ﴾: فرمانروای مردم شوید.

- 24- ﴿أَقْفَالَهَا﴾: قفل آن‌هاست که باز نمی‌شود.
- 25- ﴿سَوَّلَ لَهُمْ﴾: شیطان خطاهای آن‌ها را آراست و آسان نشان داد و امیدوارشان ساخت.
- 25- ﴿أَمَلَى لَهُمْ﴾: خدا بر آن‌ها با آرزوهای پوچشان مهلت داد.
- 26- ﴿يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ﴾: خدا از تمام زشتی‌های پنهان آن‌ها آگاه است.
- 29- ﴿أَضَعْنَهُمْ﴾: کینه‌های شدید و نمان ایشان را.
- 30- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از علایم مشخصه‌چهره‌شان.
- 30- ﴿فِي لَحْنِ الْقَوْلِ﴾: از اسلوب سخن‌شان.
- 31- ﴿لَبَلُّوْا كُمْ﴾: همانا شما را به تکالیف شاقه می‌آزمایم.
- 31- ﴿نَبَلُّوْا أَخْبَارَكُمْ﴾: خبره‌ای شما را آشکار کنیم.
- 35- ﴿فَلَا تَهِنُوا﴾: از جهاد علی‌ه کفار سستی نکنید.
- 35- ﴿السَّلْمِ﴾: صلح و آشتی.
- 35- ﴿لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَلَكُمْ﴾: خدا هرگز از اجرا عمل شما نمی‌کاهد.
- 37- ﴿فِي حِفْظِكُمْ﴾: و به اصرار اموال شما را بخواهد.
- 37- ﴿أَضَعْنَكُمْ﴾: کینه‌های شدید شما را در برابر اسلام.

سوره فتح

- 1- ﴿فَتْحًا مُبِينًا﴾: پیروزی درخشان، صلح حدیبی در سال ششم هجری.
- 4- ﴿السَّكِينَةَ﴾: آرامش خاطر و ثبات را.
- 6- ﴿ظَنَّ السَّوْءَ﴾: گمان بد.
- 6- ﴿عَلَيْهِمْ دَابِرَةُ السَّوْءِ﴾: دعاء است بر هلاکت و نابودی ایشان.
- 9- ﴿تُعَزِّرُوهُ﴾: به کمک دین خدا پردازید.
- 9- ﴿تُوقِّرُوهُ﴾: او تعالی را تعظیم کنید و گرامی بدارید.
- 9- ﴿تُسَبِّحُوهُ﴾: او را از آنچه لایق جلالت او نیست پاک و منزّه بدانید.

27- ﴿فَتَحَا قَرِيبًا﴾: پیروزی نزدیک، صلح حدیبی ه یا فتح خیبر.

28- ﴿لِيُظْهِرَهُ﴾: تا او را برتری دهد و نیرومندش کند.

29- ﴿سِيَمَاهُمْ﴾: نشان ه آن ه.

29- ﴿مَثَلُهُمْ﴾: وصف شگفت انگیز ایشان.

29- ﴿فَازَرَهُ﴾: پس آن جوان ه را تقویت کند.

29- ﴿فَأَسْتَغْلَظُ﴾: محکم شود.

29- ﴿فَأَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ﴾: و بر ساق ه خود ایستاد شود.

سوره حجرات

1- ﴿لَا تُقَدِّمُوا﴾: در هیچ کاری تصمیم نگیرید و امری را فیصله نکنید.

2- ﴿أَنْ تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ﴾: مبدا اعمال شما باطل شود.

3- ﴿يَغْضُوبُونَ أَصْوَاتَهُمْ﴾: صدای خود را پایین می آورند و آهسته سخن می گویند.

3- ﴿أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾: خدا دل های آنان را امتحان کرده و برگزیده است.

4- ﴿الْحُجْرَاتِ﴾: حجره های همسران پیامبر.

7- ﴿لَعْنَتُمْ﴾: گرفتار گناه و نابود می شود.

9- ﴿بَعَثُ﴾: تجاوز و سرکشی کرد و صلح را نپذیرفت.

9- ﴿تَفِيءُ﴾: رجوع کند.

9- ﴿أَقْسَطُوا﴾: در همه امور عدالت را رعایت نمایند.

9- ﴿الْمُقْسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان را و ب ه آن ه پاداش نیکو می دهد.

11- ﴿لَا يَسْخَرُ﴾: تمسخر و عیب نکند.

11- ﴿لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: یکدیگر را طعن و بدگویی نکنید.

11- ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِ﴾: یکدیگر را ب ه لقب های زشت صدا نکنید.

12- ﴿كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾: بسیاری از گمان ه، گمان بد ب ه اشخاص نیک.

- 12- ﴿لَا تَحْسَبُوا﴾: در جستجوی رازن‌ها ن مسلمان‌ها نباشید.
- 12- ﴿فَكَرِهْتُمُوهُ﴾: به یقین از آن بیزارید پس انجامش ندهید.
- 14- ﴿ءَامَنَّا﴾: به زبان و دل تصدیق کردیم.
- 14- ﴿لَمْ نُؤْمِنُوا﴾: به دل تصدیق نکرده‌اید.
- 14- ﴿أَسْلَمْنَا﴾: از ترس و حرص و آزرگردان‌ها ادیم.
- 14- ﴿لَا يَلْتَكُمُ﴾: کم نمی‌کند.
- 16- ﴿أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ﴾: آیا خدا را از ایمان خود آگاه می‌سازید.

سوره ق

- 1- ﴿وَالْقُرْآنِ﴾: به قرآن قسم است که مبعوث می‌شوید.
- 3- ﴿رَجْعٌ بَعِيدٌ﴾: حیات دوباره غیر ممکن است.
- 5- ﴿أَمْرٍ مَّرِيجٍ﴾: کاری پریشان و اضطراب‌آور.
- 6- ﴿فُرُوجٍ﴾: شکافی.
- 7- ﴿الْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا﴾: زمین را برای استقرار بر آن گسترش دادیم.
- 7- ﴿رَوَاسِيٍّ﴾: کوه‌های استوار که زمین را از تکان خوردن منع می‌کنند.
- 7- ﴿زُوجٍ بَهِيحٍ﴾: نوع زیبا و شاداب.
- 8- ﴿عَبْدٍ مُّنبِئٍ﴾: بنده‌ای که با باور کامل به قدرت ما به ما رجوع کند.
- 9- ﴿حَبِّ الْخَلْحَلِ﴾: دان‌ه گیاه‌ی که درو می‌شود.
- 10- ﴿وَالْتَّخَلَّ بِاسْقَتٍ﴾: درخت بلند و تناور خرما.
- 10- ﴿لَهَا ظَلْعٌ﴾: خرما‌ی که هنوز در غلاف است.
- 10- ﴿تَضِيدٌ﴾: متراکم یکی بالای دیگری.
- 11- ﴿كَذَلِكَ الْخُرُوجُ﴾: همین‌گونه است زنده شدن بعد از مرگ هنگام رستاخیز.
- 12- ﴿أَصْحَابِ الرَّسِّ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را در چاه افکندند و نابود شدند.

- 14- ﴿أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ﴾: باشندگان ناحیہ جنگلزار، دارای درختان انبوه و درہم پیچیدہ، قوم شعیب.
- 14- ﴿قَوْمُ تَبَعٍ﴾: قوم ابو کرب حَمیری شاه یمن.
- 15- ﴿أَفَعَيَيْنَا بِالْخَلْقِ﴾: آیا در آفرینش عاجز شدہ بودیم، نہ ہرگز.
- 15- ﴿فِي لَيْسٍ﴾: در شک و اشتباہ ہستند.
- 16- ﴿حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾: رگ گردن.
- 17- ﴿يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ﴾: دو فرشتہ مراقبند و می نویسند.
- 17- ﴿قَعِيدٌ﴾: فرشتہ ای نشستہ است.
- 18- ﴿رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾: فرشتہ ای حاضر و آمادہ، مراقب گفتار اوست.
- 19- ﴿سَكْرَةُ الْمَوْتِ﴾: سختی مرگ کہ عقل را می برد.
- 19- ﴿تَحِيدٌ﴾: از آن فرار می کردی.
- 22- ﴿غِطَاءَكَ﴾: پردہ ای کہ تورا از آخرت غافل ساخت.
- 22- ﴿حَدِيدٌ﴾: تیز و نافذ است.
- 23- ﴿عَتِيدٌ﴾: برای عرضہ داشتن آمادہ است.
- 24- ﴿عَيْنِدٌ﴾: ستیزہ گرو دور از حق را.
- 25- ﴿مُعْتَدٌ﴾: ظالم و متجاوز از حد.
- 25- ﴿مَرِيْبٌ﴾: شک کنندہ بہ خدا و دین.
- 27- ﴿مَا أَطْعَيْتُهُ﴾: من او را بہ طغیان و سرکشی مجبور نکردم.
- 31- ﴿أُزْلِفَتْ الْجَنَّةُ﴾: جنت نزدیک آورده شود.
- 32- ﴿أَوَابٍ﴾: تائب و رجوع کنندہ بہ خدا.
- 33- ﴿بِقَلْبٍ مُنِيبٍ﴾: با قلب مخلص و پذیرای فرمان حق.
- 36- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری راہ لاک کردیم.
- 36- ﴿قَرْنٍ﴾: نسلہ.

- 26 - ﴿بَطْشًا﴾: از روی قوت.
- 26 - ﴿فَتَقَبَّوْا فِي الْبَلَدِ﴾: از ترس مرگ روی زمین را گردش کردند.
- 26 - ﴿مُحْيِصٍ﴾: جای فرار و نجات از عذاب خدا.
- 38 - ﴿لُغُوبٍ﴾: ماندگی.
- 39 - ﴿سَبَّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را از هر نقص منزّه بدان یا حمد و سپاس نما.
- 40 - ﴿أَذْبَرَ السُّجُودِ﴾: بعد از نماز.
- 42 - ﴿يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ﴾: نفخه رستاخیز را می شنوند.
- 44 - ﴿تَشَقُّقُ الْأَرْضِ...﴾: زمین بشکافد...
- 44 - ﴿سِرَاعًا﴾: به جانب دعوتگر بشتابند.
- 45 - ﴿مُجَبَّرًا﴾: مسلط که آن‌ها را به اجبار مسلمان کنی.

سوره ذاریات

- 1 - ﴿وَالذَّارِيَّتِ ذَرَوًا ۝۱﴾: قسم به باده‌اکه خاک و چیزه‌ای دیگر را پراکنده می سازند.
- 2 - ﴿فَالْحَمَلَتِ وَقْرًا ۝۲﴾: ابره‌اکه باران را حمل می کنند.
- 3 - ﴿فَالْجَرِيَّتِ يُسْرًا ۝۳﴾: کشتی‌های که بر روی آب به سهولت حرکت می کنند.
- 4 - ﴿فَالْمُقْسِمَتِ أَمْرًا ۝۴﴾: فرشتگانی که مقدرات ربانی را تقسیم می کنند.
- 5 - ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ ۝۵﴾: رستاخیز که به شما وعده شده، جواب قسم است.
- 5 - ﴿لَصَادِقٌ ۝۵﴾: راست و درست است.
- 6 - ﴿إِنَّ الدِّينَ ۝۶﴾: بی شک جزای بعد از حساب.
- 7 - ﴿ذَاتِ الْخُبُكِ ۝۷﴾: دارای راه‌اکه مدار ستارگان است.
- 8 - ﴿قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ۝۸﴾: گفتار ضد و نقیض دارید.
- 9 - ﴿يُؤَفِّكُ عَنْهُ ۝۹﴾: از قرآن منحرف می شود.
- 10 - ﴿قَتِلَ الْخَرَّاصُونَ ۝۱۰﴾: دروغ‌گویان از رحمت دور و زشت هستند.

- 11- ﴿غَمْرَةً﴾: از امور آخرت نمی دانند.
- 11- ﴿سَاهُونَ﴾: از دستورات الهی غافلند.
- 12- ﴿آيَانَ يَوْمِ الدِّينِ﴾: روز جزاء چه وقت است، از آن منکرند.
- 13- ﴿يُفْتَنُونَ﴾: تعذیب و سوزانده می شوند.
- 17- ﴿يَهْجَعُونَ﴾: می خوابیدند.
- 18- ﴿بِالْأَسْحَارِ﴾: آخره ای شب.
- 19- ﴿وَالْمَحْرُومِ﴾: کسی که از صدقه بی بهره است برای این که با هم نیازمندی از سؤال اجتناب می کند.
- 24- ﴿ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ﴾: مہمانان ابراهیم از فرشتہ ہا.
- 25- ﴿قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾: آن ہا را نشناخت با خود گفت گروہ ناشناسند.
- 26- ﴿فَرَّغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ﴾: پنہان از مہمانان نزد خانوادہ خود رفت.
- 28- ﴿فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ﴾: درنہاد خود از آن ہا احساس کرد.
- 28- ﴿بِعُلْمِ عَلِيِّ﴾: پسردانا، اسحاق عليه السلام در نزد جمہور.
- 29- ﴿صَرَّةٍ﴾: فریاد.
- 28- ﴿فَصَكَّتْ وَجْهَهَا﴾: از تعجب بروی خود زد.
- 31- ﴿فَمَا خَطْبُكُمْ﴾: کار مہم شما چیست؟
- 34- ﴿مُسَوَّمَةً﴾: نشانی شدہ کہ سنگ عذاب است.
- 38- ﴿فِي مُوسَىٰ﴾: در قصہ موسی عليه السلام آیتی قرار دادیم.
- 39- ﴿فَتَوَلَّىٰ بُرْكُنَيْهِ﴾: فرعون بہ سبب فرمانروایی از ایمان بہ خدا اعراض کرد.
- 40- ﴿هُوَ مُلِيمٌ﴾: فرعون طغیان کردہ و در خور سرزنش بود.
- 41- ﴿الرِّيحِ الْعَقِيمِ﴾: تند باد بی باران کہ آن ہا را نابود و نسل شان را منقرض ساخت.
- 42- ﴿كَالرَّمِيمِ﴾: مانند چیزہ ای پوسیدہ و ریز ریز شدہ.
- 44- ﴿فَعَتَوْا﴾: پس سرکشی کردند.

- 44- ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ﴾: پس صدای مهیب یا آتشی از آسمان آن‌ها را نابود کرد.
- 47- ﴿بَنَيْنَهَا بِأَيْدِي﴾: آسمان را با قوت و قدرت بنا کردیم.
- 47- ﴿إِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾: ما تواناستیم.
- 48- ﴿الْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا﴾: برای استقرار بر روی زمین آن را مانند فرش گستریدیم.
- 48- ﴿فَنِعْمَ الْمُهَدُونَ﴾: و ما چه نیکو هموار و درسکننده هستیم.
- 49- ﴿خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ﴾: دو نوع آفریدیم.
- 50- ﴿فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ﴾: از عذاب خدا به سوی ثواب او بگریزید.
- 53- ﴿طَاغُونَ﴾: در کفر از حد گذشت‌ه‌اند.
- 56- ﴿لِيَعْبُدُونَ﴾: برای این که مرا بشناسند یا فرمانبردار من باشند.
- 59- ﴿ذُنُوبٍ﴾: س‌همی از عذاب.
- 60- ﴿فَوَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.

سوره طور

- 1- ﴿وَالطُّورِ﴾: قسم به طور سینا که خدا در آنجا با موسی عليه السلام سخن گفت.
- 2- ﴿كِتَابٍ مَّسْطُورٍ﴾: قسم به کتابی که به نظام درست نوشته شده است.
- 3- ﴿فِي رَقٍ﴾: در صفحه، آنچه در آن بنویسند جلد باشد و یا چیز دیگر.
- 3- ﴿مَنْشُورٍ﴾: گشوده و م‌ر نشده.
- 4- ﴿وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾: قسم به بیت المعمور، خانه است در آسمان یا کعبه.
- 5- ﴿وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ﴾: قسم به آسمان.
- 6- ﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾: قسم به دریای شعل‌هور در روز قیامت.
- 7- ﴿إِنَّ عَذَابَ﴾: که عذاب، جواب قسم‌های است که در بالا آمد.
- 9- ﴿تَمُورُ السَّمَاءِ﴾: آسمان به شدت دور می‌خورد، مانند آسیاب.
- 11- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا شدت عذاب.

- 12- ﴿خَوْضٍ﴾: غرق در سخنان بی‌هوده و دروغ.
- 13- ﴿يَدْعُونَ﴾: به تندی و خشونت رانده می‌شوند.
- 16- ﴿أَصْلَوْهَا﴾: در دوزخ داخل شوید یا سختی آن را بکشید.
- 18- ﴿فَكَهَيْنَ﴾: متلذذ، مرفه و مسرور.
- 20- ﴿سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ﴾: تخت‌های یکسان کنار هم.
- 20- ﴿زَوَّجْنَاهُمْ﴾: جفت و همدم گردانیدیم.
- 20- ﴿بِحُورٍ عَيْنٍ﴾: با زیبا چشمان سفید پوست به‌شتی.
- 21- ﴿مَا آتَيْنَاهُمْ﴾: از پاداش پدران چیزی را کم نمی‌کنیم.
- 21- ﴿رَهِيْنٌ﴾: نزد خدا گرواست.
- 23- ﴿يَتَنَزَّعُونَ﴾: از یکدیگر می‌گیرند.
- 23- ﴿كَأْسًا﴾: شراب یا جام شراب را.
- 23- ﴿لَا لَعُوْ فِيهَا وَلَا تَأْتِيْمٌ﴾: هنگام نوشیدن آن بی‌هوده نمی‌گویند و حرکت موجب گناه انجام نمی‌دهند.
- 24- ﴿لَوْ لَوْ مَكْنُونٌ﴾: مروارید نمان در صدف.
- 26- ﴿مُشْفِقِينَ﴾: ترسان از عاقبت.
- 27- ﴿عَذَابِ السَّمُومِ﴾: آتش جهنم که وارد مسامات می‌شود.
- 28- ﴿هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾: او تعالی احسان کننده، مهربان و بسیار بخشنده است.
- 30- ﴿رَيْبَ الْمُنُونِ﴾: حوادث کشنده روزگار.
- 32- ﴿قَوْمٌ طَاغُونَ﴾: قومی ستیزه‌گر و متجاوز.
- 33- ﴿تَقْوَلَهُ﴾: قرآن را از پیش خود ساخته است.
- 37- ﴿خَزَائِنِ رَبِّكَ﴾: خزان‌های رزق و رحمت یا مقدرات خدایت.
- 37- ﴿هُمُ الْمُصْطَبُونَ﴾: آن‌ها صاحبان قدرت و سیطره‌اند.
- 38- ﴿لَهُمْ سُلَّمٌ﴾: نردبانی دارند که با آن به آسمان می‌روند.

- 40- ﴿مِن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾: از پرداخت غرامت در رنجند.
- 42- ﴿هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾: جزای حیل و مکر خود را می یابند.
- 44- ﴿كِسْفًا﴾: قطع بزرگی.
- 44- ﴿سَحَابٌ مَّرْكُومٌ﴾: ابر متراکم است که باران می بارد.
- 45- ﴿فِيهِ يُصْعَقُونَ﴾: روز بدر نابود می شوند.
- 46- ﴿لَا يُغْنِي عَنْهُمْ﴾: از آن‌ها دور نمی کند.
- 47- ﴿عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ﴾: عذابی پیش از این، قحطی.
- 48- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و حراست ما.
- 48- ﴿سَيِّحٍ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را پاک و منزّه بدان و حمد و سپاس بگو.
- 49- ﴿إِذْ بَرَّ الْأُجُومَ﴾: وقت ن‌ه‌ان شدن ستارگان در روشنی سحر.

سوره نجم

- 1- ﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ﴾: قسم به ستاره وقتی که غروب می کند.
- 2- ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ﴾: پیامبر از حق و هدایت عدول نکرده، جواب قسم است.
- 2- ﴿مَا غَوَىٰ﴾: هرگز به باطل اعتقاد نداشته است.
- 5- ﴿شَدِيدِ الْقُوَىٰ﴾: بسیار نیرومند، امین وحی جبریل.
- 6- ﴿ذُو مِرَّةٍ﴾: توانا یا زیبا یا دارای آثار بدیع.
- 6- ﴿فَأَسْتَوَىٰ﴾: به صورت اصلی و ملکوتی خود ایستاد.
- 8- ﴿ذَنَّا﴾: جبریل به رسول خدا نزدیک شد.
- 9- ﴿قَابَ قَوْسَيْنِ﴾: فاصله او و پیامبر خدا به اندازه دو کمان یا دو ذراع بود.
- 10- ﴿عَبْدِهِ﴾: بنده خدا، محمد ﷺ.
- 12- ﴿أَفْتُمِرُونَ﴾: آیا پیامبر را تکذیب و با او مجادله می کنید.
- 13- ﴿نَزْلَهُ أْحْرَىٰ﴾: یک بار دیگر به صورت اصلی.

- 14- ﴿سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى﴾: جایی که دانش مخلوقات به انت‌ها می‌رسد.
- 15- ﴿جَنَّةُ الْمَأْوَى﴾: بهشت که آرامگاه ارواح ش‌ه‌داست.
- 16- ﴿يَعْنَى السِّدْرَةَ﴾: سدره را پوشیده بود.
- 17- ﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ﴾: نگاه او از آنچه به دیدنش مأمور بود منحرف نشد.
- 17- ﴿مَا طَعَى﴾: از آنچه به دیدنش مأمور بود تجاوز نکرد.
- 18- ﴿لَقَدْ رَأَى﴾: بی‌شک به شب معراج دید.
- 19- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید آیا این بت‌ها توانایی دارند.
- 19- ﴿اللَّتِّ وَالْعُرَّى ۝ وَمَنۡوَةَ﴾: لات، منات و عزا بت‌های که در جاه‌لیت پرستش می‌شدند.
- 22- ﴿قِسْمَةٌ ضِيزَى﴾: قسمت ظالمان‌ه یا نادرست.
- 24- ﴿أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى ۝﴾: آیا انسان به هم‌آرزو‌های خود می‌رسد. ن‌ه، هرگز.
- 26- ﴿لَا تُعْنِي شَفَعَتُهُمْ﴾: شفاعت آن‌ها مدافع یا سودمند نیست.
- 32- ﴿الْفَوَاحِشَ﴾: گناهان کبیره و ن‌ه‌ایت زشت.
- 32- ﴿اللَّمَمَ﴾: گناهان صغیره.
- 32- ﴿فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ﴾: با اعمال نیک خودستایی نکنید.
- 34- ﴿أَكْدَى﴾: احسان خود را بخیلان‌ه قطع کرد.
- 37- ﴿الَّذِي وَفَّى﴾: دستورات ال‌ه‌ی را کامل انجام داد.
- 38- ﴿أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ مجرمی بار گناه دیگری را بردوش نمی‌گیرد.
- 42- ﴿الْمُنْتَهَى﴾: بازگشت در آخرت برای دریافت پاداش.
- 46- ﴿تُمْنَى﴾: در رحم می‌ریزد.
- 47- ﴿النَّشْأَةَ الْآخِرَى﴾: زنده کردن مرده‌ها چنانچه وعده کرده است.
- 49- ﴿الشَّعْرَى﴾: ستاره معروف که در جاه‌لیت پرستش می‌شد.
- 50- ﴿عَادًا الْأُولَى﴾: عاد نخستین، قوم هود عليه السلام.

- 51- ﴿ثُمُودٌ﴾: قوم صالح عليه السلام.
- 53- ﴿وَالْمُؤْتَفِكَةَ﴾: ش هره ای قوم لوط.
- 53- ﴿أَهْوَى﴾: بلند کرد و بر زمین کوبید.
- 54- ﴿فَعَسَلْنَاهَا﴾: آن را به انواع عذاب گرفتار کرد.
- 55- ﴿ءِآلَاءِ رَبِّكَ﴾: نعمت های پروردگارت از جمله دلایل قدرت او.
- 55- ﴿تَتَمَارَى﴾: شک می کنی.
- 57- ﴿أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ﴾: قیامت نزدیک شد.
- 58- ﴿كَاشِفَةٌ﴾: کسی که سختی و هول آن را دفع کند.
- 61- ﴿أَنْتُمْ سَمِدُونَ﴾: شما غافلید.

سوره قمر

- 1- ﴿أَنْشَقَّ الْقَمَرَ﴾: ماه آسمان به دو نیمه، شق شد، معجزه پیامبر است.
- 2- ﴿سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾: سحر دائمی یا استوار یا ناپایدار است.
- 3- ﴿مُسْتَقَرٌّ﴾: سرانجامی دارد که به آن استقرار می یابد.
- 4- ﴿مُزْدَجَرٌ﴾: بازداشتن از کفر است.
- 5- ﴿الْتُدْرُ﴾: پیامبران یا امور هشدار دهنده دیگر.
- 6- ﴿شَيْءٍ نُكْرٍ﴾: چیزی زشت و وحشت انگیز، هول قیامت.
- 7- ﴿خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ﴾: چشمه ایشان از شدت ترس به زیر افتاده است.
- 7- ﴿الْأَجْدَاثِ﴾: قبرها.
- 8- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: شتابان.
- 8- ﴿يَوْمٍ عَسِيرٍ﴾: روز سختی است.
- 9- ﴿وَأَزْدُجِرٍ﴾: با دشنام و حرکات دیگر از تبلیغ رسالت منع شد.
- 10- ﴿مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرُ﴾: مغلوب شدم انتقام مرا از این ها بگیر.

- 11- ﴿أَبْوَابَ السَّمَاءِ﴾: دره‌ای ابر را.
- 11- ﴿بِمَاءٍ مِّنْهُمْ﴾: باران تند که به شدت می‌بارید.
- 12- ﴿فَجَرْنَا الْأَرْضَ﴾: زمین را شکافتیم.
- 12- ﴿أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾: هلاکت ایشان به اثر طوفان مقدر شده بود.
- 13- ﴿دُسرٍ﴾: میخ‌های که با آن‌ها تخت‌ها را محکم می‌کنند.
- 14- ﴿تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا﴾: به محافظت ما یا زیر نظر ما یا به امر ما روان بود.
- 15- ﴿تَرَكْنَهَا آيَةً﴾: داستان این کشتی را باقی گذاشتیم تا مایه‌پند و عبرت باشد.
- 15- ﴿مَدَّ كِرِي﴾: پند و عبرت گیرنده.
- 16- ﴿نُذْرٍ﴾: هشداره‌ای من.
- 19- ﴿رِيحًا صَرَّصًا﴾: باد سوزان یا سرد یا با آواز شدید.
- 19- ﴿يَوْمَ نَحْسِ﴾: روزی که بر آن‌ها شوم بود.
- 19- ﴿مُسْتَمِرٍّ﴾: شومی آن دائمی یا شدید یا زشت است.
- 20- ﴿تَنْزِعُ النَّاسَ﴾: مردم را می‌کند و پرتاب می‌کند.
- 20- ﴿أَعْجَازُ خَلِّ﴾: تنه درخت خرما. مُنْفَعِرٍ: ریشه کن شده.
- 24- ﴿سُعْرٍ﴾: عذاب شدید و آتش یا جنون.
- 25- ﴿كَذَّابٌ أَشْرٌ﴾: دروغگوی متکبر است.
- 27- ﴿فِتْنَةً لَهُمْ﴾: برای امتحان و ابتلای آن‌ها.
- 27- ﴿أَصْطَبِرٍ﴾: به آزار و اذیت آن‌ها صبور باش و عجله نکن.
- 28- ﴿قِسْمَةً بَيْنَهُمْ﴾: بین آن‌ها و شتر تقسیم شده است.
- 28- ﴿كُلُّ شَرِبٍ﴾: هر سهم از آب.
- 28- ﴿مُحْتَضِرٌ﴾: صاحب نوبت حاضر می‌شود.
- 29- ﴿فَتَعَاطَى﴾: شتر را به شمشیر بست.
- 34- ﴿حَاصِبًا﴾: بادی که ریگ‌ها را بر آن‌ها پرتاب می‌کند.

- 34- ﴿تَجِيئَلَهُمْ دِسْحَرٍ﴾: وقت طلوع فجر آن‌ها را نجات دادیم.
- 36- ﴿أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا﴾: لوط آن‌ها را از عذاب شدید ما ترساند.
- 36- ﴿فَتَمَارَوْا بِاللُّذْرِ﴾: ولی آن‌ها در آن هشداره‌اشک و تکذیب کردند.
- 37- ﴿رَاوَدُوهُ عَنْ صَيْفِهِ﴾: آن‌ها از لوط عليه السلام خواستند م‌همان‌های خود را در اختیارشان بگذارند.
- 37- ﴿فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ﴾: ما آن‌ها را کور ساختیم یا چشمانشان را محو کردیم.
- 38- ﴿بُكْرَةً﴾: اول روز.
- 43- ﴿فِي الزُّبُرِ﴾: در کتاب‌های آسمانی.
- 44- ﴿نَحْنُ جَمِيعٌ﴾: ما یک گروه هستیم و متحدان‌ه عمل می‌کنیم.
- 44- ﴿مُنْتَصِرٌ﴾: توانایم و مغلوب نمی‌شویم.
- 46- ﴿وَالسَّاعَةَ أَذْهَى﴾: و قیامت دشوارتر است.
- 46- ﴿أَمْرٌ﴾: تلختر از عذاب دنیا.
- 47- ﴿سُعْرٍ﴾: آتش شعل‌ه‌وریا جنون.
- 49- ﴿خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾: ب‌ه تقدیر ازلی یا محکم و ب‌ه اندازه مقرر.
- 50- ﴿إِلَّا وَاحِدَةً﴾: مگر یک کلمه، لفظ «کن» است.
- 51- ﴿أَشْيَاءَ عَكْمٌ﴾: هم‌تایان شما در کفر را.
- 52- ﴿الزُّبُرِ﴾: نام‌ه‌های اعمال.
- 53- ﴿مُسْتَطْرٌ﴾: در لوح محفوظ نوشته شده است.
- 54- ﴿نَهْرٍ﴾: چشم‌ه‌ها.
- 55- ﴿مُقَعَدٍ صِدْقٍ﴾: جایگاه شایسته‌ه.

سوره رحمان

- 2- ﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾: قرآن را ب‌ه انسان آموخت.

- 5- ﴿يُحْسِبَانِ﴾: به حساب منظم در برج خود در گردش هستند.
- 6- ﴿التَّجْمُ﴾: گیاه بی ساقه.
- 6- ﴿يَسْجُدَانِ﴾: مطیع فرمان خدا هستند در اموری که برای آن آفریده شده‌اند.
- 7- ﴿وَضَعَ الْمِيزَانَ﴾: نظام عدل را روشن کرد و مردم را به پیروی از آن دستور داد.
- 8- ﴿أَلَّا تَطْغَوْا﴾: تا این که از حق و عدالت تجاوز نکنید.
- 9- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.
- 9- ﴿لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾: در وزن کردن، کم و کاست نکنید.
- 11- ﴿ذَاتُ الْأَكْمَامِ﴾: خوشه‌های نارس و غلاف دار خرما.
- 12- ﴿ذُو الْعَصْفِ﴾: پوست‌هداریا گاه یا دارای برگ خشک.
- 12- ﴿الرَّيْحَانُ﴾: گیاه خوش بو.
- 13- ﴿ءَاآءِ رَبِّكُمَا﴾: نعمت‌های خدای خود.
- 13- ﴿تُكَدِّبَانِ﴾: ای انسان و ای جن ناسپاسی می‌کنید.
- 14- ﴿صَلْصَلٍ﴾: گل خشک صدا دهند.
- 14- ﴿كَالْفَخَّارِ﴾: مانند گلی که به اثر سوزاندن مثل سنگ گردد.
- 15- ﴿مَّارِجٍ﴾: شعله بی دود.
- 19- ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ﴾: دو دریای شیرین و شور را در محل جریانشان روان ساخت.
- 19- ﴿يَلْتَقِيَانِ﴾: در جوار هم هستند یا کناره آن دو بهم پیوسته است.
- 20- ﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ﴾: میان آن دو پرده است از زمین یا از قدرت الهی.
- 20- ﴿لَا يَبْغِيَانِ﴾: یکی بر حد دیگری تجاوز نمی‌کند.
- 24- ﴿لَهُ الْجَوَارِ﴾: کشتی‌های روان از آن اوست.
- 24- ﴿الْمُنشَاتُ﴾: بادبان بلند.
- 24- ﴿كَالْأَعْلَامِ﴾: مانند کوه‌های سرافراشته یا کاخ‌ها.
- 26- ﴿فَإِنِ﴾: هلاک شونده است.

- 27- ﴿ذُو الْجَلَالِ﴾: دارای جاه و جلال و استغنائی مطلق.
- 27- ﴿الْإِكْرَامِ﴾: احسان کامل.
- 29- ﴿فِي شَأْنٍ﴾: درکاری است، به مقتضای حکمت حالت‌های را ایجاد می‌کند و حالت‌های را از میان می‌برد.
- 31- ﴿سَنْفُرٌ لَكُمْ﴾: بعد از مهلت دادن به محاسبه شما می‌پردازیم.
- 31- ﴿آيَةُ الثَّقَلَانِ﴾: ای انسان و جن.
- 33- ﴿تَنْفُذُوا﴾: از ساحه فرمان من بیرون روید.
- 33- ﴿فَأَنْفُذُوا﴾: پس بروید، امر اعجازی است.
- 34- ﴿بِسُلْطَنِ﴾: به نیرو، قهر و غلبه خیلی بعید است...!
- 35- ﴿شُؤَاظُ﴾: شعله‌های بی‌دود.
- 35- ﴿نُحَاسٌ﴾: مس گداخته یا دود بدون شعله.
- 37- ﴿فَكَانَتْ وَرْدَةً﴾: مانند گل سرخ گردد.
- 37- ﴿كَالِدِهَانٍ﴾: مانند روغن زیتون در زوبان.
- 41- ﴿بِسِيمَاهُمْ﴾: از سیاه‌ی روی و کبودی چشم آن‌ها.
- 41- ﴿فَيُؤَخِّدُ بِالْتَّوَصِيِّ﴾: موی پیشانی آن‌ها را می‌گیرند.
- 44- ﴿حَمِيمٍ ءَانٍ﴾: آب جوشان.
- 46- ﴿جَنَّتَانٍ﴾: دو بوستان یکی داخل و دیگری بیرون قصر.
- 48- ﴿ذَوَاتَا أَفْنَانٍ﴾: دارای شاخه‌ها یا انواع میوه‌ها.
- 50- ﴿عَيْنَانٍ﴾: دو چشم، تسنیم و سلسبیل.
- 52- ﴿رُوحًا﴾: دو گونه یکی مش‌ه‌ور و دیگری ناشناخته.
- 54- ﴿إِسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- 54- ﴿رَجَى الْجَنَّتَيْنِ﴾: میوه‌ای رسیده این دو باغ.
- 54- ﴿ذَانٍ﴾: به دسترس تناول کننده است.

- 56- ﴿فَصِرَتْ الظُّرْفُ﴾: غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی کنند.
- 56- ﴿لَمْ يَطْمِئُنُّ﴾: پیش از شوهر هیچ کس با آن ها مقاربت نکرده است.
- 62- ﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ﴾: غیر از آن دو باغ، دو باغ دیگر بالاتر یا پایین تر نیز است.
- 64- ﴿مُدَّهَا مَتَانِ﴾: هر دو بسیار سرسبزند.
- 66- ﴿نَضَّاخَتَانِ﴾: دایم در فورانند.
- 70- ﴿خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾: خوش خلق و خوش صورت.
- 72- ﴿حُورٌ﴾: زنان سفید چهره و زیبا.
- 72- ﴿مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾: پرده نشینان در خان ه های از مروارید.
- 76- ﴿رُفْرِفٌ﴾: ناز بالشت ها یا فرش های عالی.
- 76- ﴿عَبَقَرِيٌّ﴾: فرش های نفیس.
- 78- ﴿تَبْرَكٌ﴾: برتر یا خیر و احسانش بسیار است.
- 78- ﴿ذِي الْجَلَالِ﴾: با شکوه و استغنا ی مطلق.
- 78- ﴿الْإِكْرَامِ﴾: فضل و احسان کامل.

سوره واقعه

- 1- ﴿وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾: با نفع هرستاخیز قیامت برپا شود.
- 3- ﴿خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ﴾: آن روز گناه کاران را پست و نیکو کاران را سرفراز می گرداند.
- 4- ﴿رُجَّتِ الْأَرْضُ﴾: زمین به شدت لرزانده شود.
- 5- ﴿بُسَّتِ الْجِبَالُ﴾: کوه ها مانند تلخان کوبیده و ریزش شوند.
- 6- ﴿هَبَاءٌ مُنَبِّئًا﴾: غبار پراکنده.
- 7- ﴿كُنْتُمْ أَزْوَاجًا﴾: شما دست به دست شوید.
- 8- ﴿فَأَصْحَبُ الْمِئْمَنَةِ﴾: اهل سعادت و برکت یا ناحی راست.
- 9- ﴿أَصْحَبُ الْمَشْأَمَةِ﴾: اهل شقاوت یا ناحی چپ.

- 13- ﴿ثُلَّةٌ﴾: گروه بیشتر.
- 15- ﴿سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ﴾: به تخت‌های که به استحکام خاص از طلا بافته شده‌اند.
- 17- ﴿وَلِدَانٌ فُحْلَدُونَ﴾: نوجوانانی که همیشه جوان و زیبا باقی می‌مانند.
- 18- ﴿بِأَكْوَابٍ﴾: با جام‌ها.
- 18- ﴿أَبَارِيقٍ﴾: ظرف‌ها.
- 18- ﴿كَأْسٍ﴾: شراب یا جام شراب.
- 18- ﴿مِّن مَّعِينٍ﴾: از چشم‌ه‌ای شراب.
- 19- ﴿يُصَدِّعُونَ عَنَّا﴾: نوشیدن این شراب‌ها در دسرن دارد.
- 19- ﴿لَا يُزْفُونَ﴾: به سبب نوشیدن آن مست نمی‌شود.
- 22- ﴿حُورٌ عِينٌ﴾: زنان سفید اندام با چشمان فراخ و زیبا.
- 23- ﴿اللُّلُؤُا۟ الْمَكْنُونِ﴾: مرواریدن‌ها در صدف و مصون از تغییر.
- 25- ﴿لَعَوَا﴾: سخن بی‌خیر یا باطل.
- 25- ﴿لَا تَأْتِيْمًا﴾: نه سخن گناه‌آلود یا موجب گناه.
- 28- ﴿فِي سِدْرٍ﴾: در سایه درخت نبق در ناز و نعمت زندگی می‌کنند.
- 28- ﴿مَخْضُودٍ﴾: بی‌خار.
- 29- ﴿طَلْحٍ﴾: درخت موزیا مانند آن.
- 29- ﴿مَنْضُودٍ﴾: میوه آن از پایین تا بالا روی هم افتاده است.
- 30- ﴿ظَلٍ مَّمدُودٍ﴾: سایه دائمی یا گسترده.
- 31- ﴿مَاءٍ مَّسْكُوبٍ﴾: آبی که از آبشاره‌ها می‌ریزد و پیوسته در روی زمین جاری است.
- 34- ﴿مَرْفُوعَةٍ﴾: گرانب‌ها، بر روی تخت‌ها یا چارپای‌های بلند.
- 37- ﴿عُرْبًا﴾: شوهر دوست.
- 37- ﴿أَتْرَابًا﴾: هم‌سن و سال.
- 42- ﴿سَمُومٍ﴾: باد سوزان که در مسامات وارد شود.

- 42- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- 43- ﴿يَجْمُومِ﴾: دود غلیظ یا آتش.
- 44- ﴿لَا كَرِيمٍ﴾: در آن گرمی آزار دهنده سودی نمی‌رساند.
- 45- ﴿مُتْرَفِينَ﴾: در ناز و نعمت و نفس پرست.
- 46- ﴿الْحَنِثِ الْعَظِيمِ﴾: گناه بزرگ، شرک.
- 52- ﴿زُقُومٍ﴾: درخت بسیار زشت در دوزخ.
- 55- ﴿شُرَبِ الْهَيْمِ﴾: مانند شترتشنه که سیراب نشود.
- 56- ﴿هَذَا نُزُلُهُمْ﴾: این کیفی است که به آن‌ها می‌دهند.
- 56- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز قیامت.
- 58- ﴿أَفْرَاءَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- 58- ﴿مَا تُمْنُونَ﴾: منی که در رحم می‌ریزید.
- 59- ﴿تَخْلُقُونَهُ﴾: به صورت انسان آفریدید.
- 60- ﴿يَمَسُّبُوقِينَ﴾: مغلوب و عاجز.
- 63- ﴿مَا تَحْرُثُونَ﴾: دان‌های که در زمین می‌کارید.
- 64- ﴿تَزْرَعُونَهُ﴾: او را می‌رویاند تا به کمال برسد.
- 65- ﴿حُطَمَاءَ﴾: گیاه خشک و بی‌فایده.
- 65- ﴿تَفَكَّهُونَ﴾: از دگرگونی و حالت بد او تعجب می‌کردید.
- 66- ﴿إِنَّا لَمُعْرَمُونَ﴾: بدون شک، با از بین رفتن خوردنی‌ها نابود خواهیم شد.
- 67- ﴿مَحْرُومُونَ﴾: همگی از رزق محروم شدیم.
- 69- ﴿الْمُنْزِلُونَ﴾: ابریا ابرسفید.
- 70- ﴿جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا﴾: این آب شیرین را نمک یا تلخ می‌گردانیم که نوشیدنش ممکن نباشد.
- 71- ﴿التَّارِ الَّتِي تُورُونَ﴾: آتشی را که می‌افروزید.

- 73- ﴿مَتَعَا لِمُؤْمِنِينَ﴾: برای استفاده‌ی مسافران صحراء یا آن‌ها‌ی که به آن نیاز دارند.
- 75- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: پس سوگند می‌خورم «لا» زائد و برای تأکید است.
- 75- ﴿بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾: به غروب ستارگان یا مدار آن‌ها.
- 77- ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ﴾: این کتاب قرآنی است بسیار سودمند یا با ارزش.
- 78- ﴿كِتَابٍ مَّكْنُونٍ﴾: کتابی است نزد پروردگار در لوح محفوظ ن‌ان و موصون از بدی.
- 79- ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾: جز پاکیزگان نمی‌توانند به آن دست زنند صفت دیگر قرآن است.

- 81- ﴿أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ﴾: شما اهمیت نمی‌دهید یا تکذیب می‌کنید.
- 83- ﴿بَلَغَتْ آلُحُلُقُومِ﴾: هنگام مرگ جان به گلورسد.
- 85- ﴿نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ﴾: ما به علم و قدرت خویش به او نزدیک‌تریم.
- 86- ﴿غَيْرِ مَدِينِينَ﴾: مغلوب حکم ال‌هی نباشید.
- 89- ﴿فَرُوحٌ﴾: برای او آسایش یا رحمت است.
- 89- ﴿رِيحَانٌ﴾: رزق نیکو.
- 93- ﴿فَنَزَّلُ﴾: م‌همانی اوست.
- 93- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- 94- ﴿تَصْلِيَةً جَحِيمٍ﴾: رنج آتش دوزخ را می‌کشد یا به آن انداخته می‌شود.

سوره حدید

- 1- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی یاد و ستایش کرد.
- 1- ﴿الْعَزِيزُ﴾: بر همه چیز توانا و غالب است.
- 3- ﴿الْأَوَّلُ﴾: از همه موجودات پیش است.
- 3- ﴿الْآخِرُ﴾: بعد از نابودی موجودات باقی است.
- 3- ﴿الظَّاهِرُ﴾: وجود او با دلایل روشن، آشکار است.

- 3- ﴿الْبَاطِنُ﴾: حقیقت ذات او تعالی از عقل و ادراک پنهان است.⁽¹⁾
- 4- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوای که شایان کمال او تعالی است.
- 4- ﴿مَا يَلِجُ﴾: آنچه داخل می شود از قبیل باران و غیره.
- 4- ﴿مَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾: آنچه به سوی آسمان بالا می رود از قبیل فرشتگان و اعمال بندگان.
- 4- ﴿هُوَ مَعَكُمْ﴾: او از هم چیز آگاه و با شماست.
- 6- ﴿يُولِجُ اللَّيْلَ﴾: شب را داخل می کند.
- 10- ﴿قَبْلِ الْفَتْحِ﴾: پیش از فتح مکه یا صلح حدیبی.
- 10- ﴿الْحُسْنَىٰ﴾: پاداش نیکو، جنت.
- 11- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: کار ثوابی را از طیب خاطر انجام بدهد.
- 13- ﴿أَنْظِرُونَا﴾: منتظر ما بمانید.
- 13- ﴿نَقْتَبِسُ﴾: روشنایی بگیریم.
- 14- ﴿بِسُورٍ﴾: دیواری بین بهشت و دوزخ، اعراف.
- 14- ﴿يُنَادُونَهُمْ﴾: منافق‌ها مسلمانان را صدا می کنند.
- 14- ﴿فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾: با اختیار نفاق خود را نابود کنید.
- 14- ﴿تَرَبَّصْتُمْ﴾: انتظار داشتید به مسلمانان حوادث ناگوار برسد.
- 14- ﴿عَرَّتْكُمْ الْأَمَانِيُّ﴾: آرزوهای بی هوده شما را فریفت.
- 14- ﴿الْعُرُورُ﴾: شیطان و هر فریبنده‌ای.
- 15- ﴿هِيَ مَوْلَاكُمْ﴾: دوزخ به شما مناسب است.

1- ب‌ترو شایسته‌ترین بود که این دو نام خداوند یعنی ظاهر و باطن را بر اساس همان تفسیری که پیامبر ﷺ تفسیر نموده تفسیر می کرد. پیامبر ﷺ می فرماید: «وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيسَ فَوْقَ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيسَ دُونَهُ شَيْءٍ» «تو ظاهر هستی پس هیچ چیزی بالاتر از تو نیست و تو باطن هستی پس هیچ چیزی از تو دور و مخفی نیست». بنابراین اسم ظاهر بیانگر بالا بودن او بر آفریده‌هایش دارد و اسم باطن بیانگر احاطه‌ی علم او است و اینکه هیچ چیز از او پنهان نمی ماند، شنوایی اش گنجایش تمامی صداها را دارد و بینایی اش هم‌هی آفریده‌ها را زیر نظر دارد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشت‌های دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 16- ﴿أَلَمْ يَأْنِ﴾: آیا وقت آن نرسیده. ﴿أَنْ تَخْشَعَ﴾: که فروتنی کند.
- 16- ﴿الْأَمْدُ﴾: زمان.
- 20- ﴿تَكَاثُرٌ...﴾: مباحات است به افزونی...
- 20- ﴿أَعْجَبَ الْكُفَّارَ﴾: کشاورزان را به شگفت آورد.
- 20- ﴿يَهْبِجُ﴾: بسیار خشک شود.
- 20- ﴿يَكُونُ حُطْمًا﴾: بعد از خشک شدن بشکند و پوسیده گردد.
- 21- ﴿سَابِقُوا﴾: بشتابید.
- 22- ﴿تَبَرَّأَهَا﴾: این کائنات را خلق نمایم.
- 23- ﴿لَكَيْلًا تَأْسُوهُ﴾: تا حزین و نومید نشوید.
- 23- ﴿لَا تَفْرَحُوا﴾: به غرور و تکبر شادی نکنید.
- 23- ﴿مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: متکبر خودستارا.
- 25- ﴿الْمِيزَانَ﴾: عدالت را که به اجرای آن دستور دادیم یا همین ترازوی معروف را.
- 25- ﴿أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾: آهن را آفریدیم یا برای مردم م‌یا ساختیم.
- 25- ﴿بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾: نیروی قوی.
- 27- ﴿فَقَفَيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ﴾: بعد از آن‌ها فرستادیم.
- 27- ﴿الْإِنجِيلَ﴾: انجیل را، سپس تحریفش نمودند.
- 27- ﴿الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾: کسانی که از دین او پیروی کردند.
- 27- ﴿رَأْفَةً وَرَحْمَةً﴾: نرمی و مهربانی.
- 27- ﴿رَهْبَانِيَّةً﴾: زیاده روی در عبادت.
- 27- ﴿مَا كَتَبْنَا عَلَيْهَا﴾: ما این رهبانیت را بر آن‌ها فرض نکرده بودیم بلکه آن‌ها از پیش خود ساختند.
- 27- ﴿فَمَا رَعَوْهَا﴾: آن را رعایت نکردند، بلکه جانشین‌های ایشان آن گم و ب‌ه‌دین عیسی انکار کردند.
- 28- ﴿يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ﴾: به شما دو اجر می‌دهد.

29- ﴿لَيْلًا يَعْلَمُ﴾: تا بداند «لا» زاید است.

سوره مُجَادَلَه

- 1- ﴿تُجَادِلُكَ﴾: با تو گفتگو می کرد و سخن را تکرار می نمود.
- 1- ﴿تَحَاوَرَكُمَا﴾: گفتگوی شما را.
- 2- ﴿يُظَاهِرُونَ﴾: همسر خود را مانند مادر خود تحریم می کنند.
- 2- ﴿مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ﴾: سخن زشت که شایسته شرع و عقل نباشد.
- 2- ﴿زُورًا﴾: دروغ، بی هوده و منحرف از حق.
- 3- ﴿يَتَمَاسَا﴾: به مقاربت یا انگیزه آن از هم لذت ببرند.
- 5- ﴿يُخَادُونَ﴾: مخالفت و دشمنی می کنند.
- 5- ﴿كُتِبُوا﴾: خواریا نابود یا لعنت می شوند.
- 6- ﴿أَخَصَّهُ اللَّهُ﴾: خدا از آن کاملاً آگاه است.
- 7- ﴿مَجْوَى ثَلَاثَةٍ﴾: سه نفر با هم زارن هانی بگویند.
- 7- ﴿هُوَ رَابِعُهُمْ﴾: خدا چه هارم آن ها و از نجوای آن ها آگاه است.
- 7- ﴿هُوَ مَعَهُمْ﴾: خدا با آن ها و از هم چیز آگاه است.
- 8- ﴿لَوْلَا يُعَذِّبُنَا﴾: چرا ما را عذاب نمی کند.
- 8- ﴿حَسَبُهُمْ جَهَنَّمُ﴾: برای تعذیب و شکنجه آنان جهنم کافی است.
- 8- ﴿يَصَلُّونَهَا﴾: به دوزخ داخل می شوند یا سختی آن را می کشند.
- 10- ﴿إِنَّمَا التَّجْوَى﴾: بدون شک نجوای که ن هی شده.
- 10- ﴿لِيَحْزَنَ﴾: تا انده گین کند.
- 11- ﴿تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ﴾: در مجالس جای را بر دیگران فراخ کنید و پیوست با هم ننشینید.
- 11- ﴿أَنْشُرُوا﴾: بخاطر فراخ شدن مجلس یا عبادت یا کار خیر دیگر برخیزید.

- 13- ﴿عَاشَفَقْتُمْ﴾: آیا از فقر ترسیدید.
- 13- ﴿تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾: با نسخ حکم آن بر شما آسان کرد.
- 14- ﴿إِلَى الَّذِينَ﴾: منافقانی را که.
- 14- ﴿تَوَلَّوْا قَوْمًا﴾: بای هود دوستی کردند.
- 14- ﴿غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: خدا بری هود غضب کرده است.
- 16- ﴿جَنَّةٍ﴾: به جان و مال خود سپر قرار دادند.
- 17- ﴿لَنْ تُغْنِيَ...﴾: هرگز دفاع نمی کند...
- 19- ﴿أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ﴾: بر عقل آن‌ها غلبه یافت‌ه است.
- 20- ﴿يُجَادُونَ﴾: مخالفت و دشمنی می کنند.
- 20- ﴿فِي الْأَذْلِينَ﴾: در میان ذلیل‌ترین مردمانند.
- 21- ﴿عَزِيزٌ﴾: همواره بردشمنانش پیروز و شکست ناپذیر است.
- 22- ﴿بِرُوحٍ مِّنْهُ﴾: به نوری که بر دل آن‌ها می افکند یا به قرآن.

سوره حشر

- 1- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را پاک و منزّه می‌داند و ستایش می‌کند.
- 2- ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾: یهود بنی‌نضیر را در نزدیک مدینه.
- 2- ﴿لِأَوَّلِ الْحَشْرِ﴾: در اولین اخراج و تبعید به شام.
- 2- ﴿فَأَتْلَهُمُ اللَّهُ﴾: امر و عذاب خدا بر آن‌ها آمد.
- 2- ﴿لَمْ يَحْتَسِبُوا﴾: گمان نمی‌کردند و به ذهن آن‌ها هم خطور نمی‌کرد.
- 2- ﴿قَذَفَ﴾: افکند.
- 3- ﴿الْحِلَاءِ﴾: بازن و فرزندان از وطن بیرون شدن.
- 4- ﴿شَاقُوا﴾: دشمنی و نافرمانی کردند.
- 5- ﴿مِّن لَّيْنَةٍ﴾: درخت خرما یا درخت شایسته خرما را.
- 5- ﴿عَلَىٰ أَصُولِهَا﴾: بر ساق‌هاش.
- 6- ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ﴾: آنچه خدا عاید گردانید.
- 6- ﴿فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ﴾: بخاطر بدست آوردن آن نتاختید.
- 6- ﴿رِكَابٍ﴾: آنچه سوار شوند خصوصاً شتر.
- 7- ﴿دَوْلَةً بَيْنَ الْأَعْنِيَاءِ﴾: این اموال تن‌ها در میان توانگران دست بدست نگردد.
- 9- ﴿تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ﴾: مدینه را وطن خود قرار دادند و به خلوص نیت ایمان آوردند.
- 9- ﴿حَاجَةً﴾: سوزش دل و حسد.
- 9- ﴿خِصَاصَةً﴾: فقر و احتیاج.
- 9- ﴿مَنْ يُوقَ﴾: کسی که دور نگاه داشته شود.
- 9- ﴿شُحَّ نَفْسِهِ﴾: از بخل و حرص خویش.
- 10- ﴿غِلًّا﴾: هیچ‌حق، کینه و خیانتی.

- 14- ﴿بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ﴾: جنگ آن‌ها در میان خودشان سخت‌تر است.
- 14- ﴿قُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾: بین خود اختلاف دارند و دل‌هاشان پراکنده است.
- 15- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِمْ﴾: عاقبت بد کفر خود را.
- 19- ﴿نَسُوا اللَّهَ﴾: اوامرو نواهی خدا را مراعات نکردند.
- 19- ﴿فَأَنسَلَهُمْ أَنفُسَهُمْ﴾: پس خداهم خود آن‌ها را از یاد خودشان برد، کار خیری به نفع آخرت خود انجام ندادند.
- 21- ﴿خَلْشَعًا﴾: فروتن و فرمان بردار.
- 21- ﴿مُتَّصِدِّعًا﴾: پاره پاره.
- 23- ﴿الْمَلِكُ﴾: مالک و متصرف تمام اشیاء.
- 23- ﴿الْقُدُّوسُ﴾: دور از همه نقص‌ها و در کمال پاکیزگی است.
- 23- ﴿السَّلَامُ﴾: سالم از عیب و نقص.
- 23- ﴿الْمُؤْمِنُ﴾: پیامبران خود را با معجزه تأیید و تصدیق می‌کند.
- 23- ﴿الْمُهَيِّمِنُ﴾: حافظ و مراقب تمام اشیاء.
- 23- ﴿الْعَزِيزُ﴾: قوی و غالب.
- 23- ﴿الْجَبَّارُ﴾: قهار یا بلند مرتبه.
- 23- ﴿الْمُتَكَبِّرُ﴾: کبریا و با جاه و جلال.
- 24- ﴿الْبَارِئُ﴾: ایجاد کننده.
- 24- ﴿الْمُصَوِّرُ﴾: خالق صورت‌ها به هر شکل که بخواهد.
- 24- ﴿الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾: نام‌های نیکو با معانی نیکو.

سوره مُمْتَحِنَه

- 1- ﴿أُولِيَاءَ﴾: یاورانی که با آن‌ها دوستی و خیر خواهی می‌کنید.
- 1- ﴿أَن تُوْمِنُوا﴾: بخاطر ایمان‌تان یا نفرتی که از دین شما داشتند.

- 2- ﴿يَتَّقُوكُمْ﴾: به شما دست یابند یا با شما روبرو شوند.
- 2- ﴿يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ﴾: به سوی شما بکشایند.
- 4- ﴿أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾: سرمشق خوبی در اظهاری بیزاری از گمراهان.
- 4- ﴿إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ﴾: ما از شما بیزاریم.
- 4- ﴿إِلَيْكَ أُنَبِّئُكَ﴾: توبه کنان به درگاه تو رجوع کردیم.
- 5- ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾: ما را به دست کافران عذاب نکن.
- 8- ﴿تَبَرُّوهُمْ﴾: به آن ها احسان و احترام نمایید.
- 8- ﴿وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾: با آن ها به عدل و انصاف رفتار کنید.
- 9- ﴿ظَهَرُوا﴾: با کسانی که با شما پیکار و اخراجتان نمودند، همکاری کردند.
- 9- ﴿أَنْ تَوَلَّوهُمْ﴾: که با آن ها طرح دوستی بریزید.
- 10- ﴿فَأَمَّا حُنُوهُنَّ﴾: آن ها را آزمایش نمایید، این حالت در صلح حدیبی ه بود.
- 10- ﴿أَجُورَهُنَّ﴾: مهر آن ها را.
- 10- ﴿بِعِصْمِ الْكُوفِرِ﴾: به عقد نکاح زنان مشترک.
- 11- ﴿فَاتَّكُمُ شَيْءٌ﴾: یکی مرتد شد و گریخت.
- 11- ﴿فَعَاقَبْتُمْ﴾: با آن ها پیکار کردید و غنیمت گرفتید.
- 12- ﴿بِئِهْتِنِ﴾: نسبت کودکان یافت شده به شوهر.
- 12- ﴿يَفْتَرِيْنَهُ﴾: او را به دروغ می سازند.
- 13- ﴿لَا تَتَوَلَّوْا﴾: دوست نگیرید.
- 13- ﴿قَوْمًا﴾: می هود را یا عامه کفار را.

سوره صَف

- 1- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی و بزرگی می ستاید و فروتنی می کند.
- 3- ﴿كَبُرَ مَقْتًا﴾: بسیار خشم آور است.

- 4- ﴿صَفَّاءَ﴾: خود صف بست‌ه‌اند یا به صف ایستاد کرده شده‌اند.
- 4- ﴿بُنَيْنٌ مَّرْصُوصٌ﴾: عمارتی مستحکم و به هم پیوسته.
- 5- ﴿زَاعُوا﴾: به اختیار خود از حق منحرف شدند.
- 5- ﴿أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾: خدا توفیق‌شان نداد که به راه حق بروند.
- 8- ﴿نُورَ اللَّهِ﴾: حقیقتی را که پیامبر آورده است.
- 13- ﴿الْأُخْرَى﴾: نعمت دیگری هم نصیب شماست.
- 14- ﴿الْحَوَارِيِّينَ﴾: خاصان عیسی علیه السلام.
- 14- ﴿فَأَيَّدْنَا﴾: مؤمنان را قوت و نیرو دادیم.
- 14- ﴿ظَاهِرِينَ﴾: با دلایل آشکار پیروزی یافتند.

سوره جمعه

- 1- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی می ستایند.
- 1- ﴿الْمَلِكِ﴾: مالک تمام اشیاء.
- 1- ﴿الْقُدُّوسِ﴾: از همه عیب‌ها پاک است.
- 1- ﴿الْعَزِيزِ﴾: قادر، غالب و تواناست.
- 2- ﴿الْأَمِينِ﴾: عرب معاصر پیامبر.
- 2- ﴿يُزَكِّيهِمْ﴾: آن‌ها را از آلودگی‌های جاهلیت پاک می کند.
- 3- ﴿ءَاخِرِينَ مِنْهُمْ﴾: بر گروه دیگری از عرب.
- 3- ﴿لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾: هنوز به آن‌ها نپیوست‌ه‌اند و به زودی خواهند پیوست.
- 5- ﴿حُمِلُوا التَّوْرَةَ﴾: مکلف شدند که به تورات عمل نمایند، ی‌هود.
- 5- ﴿يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾: کتاب‌های بزرگ را برمی دارد و از آن‌ها بهره نمی گیرد.
- 6- ﴿هَادُوا﴾: ی‌هودیت را پذیرفت‌ه‌اید.
- 9- ﴿ذَرُوا الْبَيْعَ﴾: خرید و فروش را رها کنید.

- 10- ﴿فَأَنْتَشِرُوا﴾: برای بدست آوردن نیازمندی‌های خود پراکنده شوید.
 11- ﴿أَنْفَضُوا إِلَيْهَا﴾: از نزد تو پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند.

سوره منافقون

- 2- ﴿جُنَّةً﴾: سپری برای حفظ جان و مال خود.
 3- ﴿أَمْنًا﴾: تن‌ها به زبان ایمان آوردند.
 4- ﴿فَطَبِعَ﴾: بخاطر کفرشان م‌رن‌ها ده شد.
 5- ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾: حقیقت ایمان را نمی‌دانند.
 4- ﴿حُشْبٌ مُّسْنَدَةٌ﴾: چوب تکی‌ها داده بر دیوارند، اجسام بی‌خردند.
 4- ﴿هُمُ الْعَدُوُّ﴾: دشمنانی سرسختند.
 4- ﴿أَلَيْ يُوَفِّكُونَ﴾: چگونه از راه حق منحرف می‌شوند؟
 5- ﴿لَوْ أُرُوا رُءُوسَهُمْ﴾: به است‌ه‌زاء و تمسخر روی خود را می‌گردانند.
 7- ﴿حَتَّى يَنْفَضُوا﴾: تا از کنار پیامبر پراکنده شوند.
 8- ﴿رَجَعْنَا﴾: از غزوه بنی‌مصطلق برگشتیم.
 8- ﴿لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ﴾: قوی‌تره‌ها [خود آن‌ها] بیرون می‌کنند.
 8- ﴿الْأَذَلَّ﴾: ضعیف‌تره‌ها [رسول خدا] را.
 8- ﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ﴾: غلبه‌ه‌وق‌ه‌ر خاص‌ه‌ خداست.
 9- ﴿لَا تُلْهِكُمْ﴾: شما را مشغول نگرداند.
 9- ﴿عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾: از طاعت و عبادت خدا.
 10- ﴿لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي﴾: چرا م‌ه‌لتم ندادی و مرگم را به تأخیر نینداختی.

سوره تَعَابِن

- 1- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی می ستاید و ثنا می گوید...
- 1- ﴿لَهُ الْمُلْكُ﴾: در همه امور اختیار کامل دارد.
- 3- ﴿بِالْحَقِّ﴾: به حکمت بالغه.
- 3- ﴿فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ﴾: صورت های شما را نیکو ساخت.
- 5- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِمْ﴾: سرانجام بد کفر خود را در دنیا.
- 6- ﴿تَوَلَّوْا﴾: از ایمان به پیامبران سرپیچی کردند.
- 8- ﴿وَالثَّوْرِ﴾: به قرآن.
- 9- ﴿لِيَوْمِ الْجُمُعِ﴾: در قیامت که خلاق برای حساب و جزاء جمع می شوند.
- 9- ﴿يَوْمِ التَّعَابِنِ﴾: روزی که زیان کافر به ترک ایمان و غفلت مسلمان به کوتاهی از احسان آشکار گردد.
- 11- ﴿بِإِذْنِ اللَّهِ﴾: به اراده، قضاء و قدر او.
- 11- ﴿يَهْدِي قَلْبَهُ﴾: خدا دلش را به یقین، صبر و تسلیم هدایت می کند.
- 15- ﴿فِتْنَةً﴾: بلاء، محنت و آزمون است.
- 16- ﴿يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ﴾: از بخل شدید و حرص خویشتن دور بماند.
- 17- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: اعمال را به اخلاص، طیب خاطر و امید ثواب انجام دهید.

سوره طلاق

- 1- ﴿فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ﴾: زن ها را در زمان پاکی که در آن مقاربت نشده باشد طلاق دهید.
- 1- ﴿أَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾: عده را شمار و سه حیض یا سه پاکی را کامل نمایید.
- 1- ﴿بِفَلْحِشَةِ مُبَيَّنَةٍ﴾: گناه کبیره آشکار.

- 2- ﴿بَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ﴾: زنان طلاق شده به پایان عده خود نزدیک شوند.
- 2- ﴿مُخْرَجًا﴾: راه نجات از تمام سختی‌ها و بلاها.
- 3- ﴿لَا يَحْتَسِبُ﴾: به ذهنش خطور نمی‌کند.
- 3- ﴿فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: خدا در همه امور به او بس است.
- 3- ﴿قَدْرًا﴾: وقت معین یا تقدیر ازلی.
- 4- ﴿يَيْسُنْ﴾: زنانی که امید بچه دار شدن ندارد.
- 4- ﴿وَأَلَّتْ لَمْ يَحِضْنَ﴾: عده زنان نابالغ سه ماه است.
- 4- ﴿يُسْرًا﴾: آسانی را.
- 6- ﴿وُجِدْكُمْ﴾: وسع و توان خود.
- 6- ﴿وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ﴾: درباره شیر دادن و اجرت آن با هم مشوره نمایید.
- 6- ﴿تَعَاسَرْتُمْ﴾: درباره شیر دادن و اجرت آن مضایقه کردید.
- 7- ﴿ذُو سَعَةٍ﴾: غنی و توانگری.
- 7- ﴿فُدِرَ عَلَيْهِ﴾: فقیر و تنگدست.
- 8- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: بسیاری از اهالی قری‌های.
- 8- ﴿عَتَّتْ﴾: سرکشی کرد.
- 8- ﴿عَذَابًا نُكْرًا﴾: عذاب زشت در آخرت.
- 9- ﴿وَبَالَ أَمْرَهَا﴾: عاقبت بد نافرمانی خود را.
- 9- ﴿خُسْرًا﴾: خسران و هلاکت.
- 10- ﴿ذِكْرًا﴾: قرآن را.
- 11- ﴿رَسُولًا﴾: پیامبری یا جبریل را فرستاده است.
- 12- ﴿يَنْزِلُ الْأَمْرُ﴾: قضا و قدر یا تدبیر او تعالی جریان دارد.

- 1- ﴿مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾: خدا نوشیدن عسل را برای تو حلال کرده است.
- 1- ﴿تَبَتَّغِي﴾: طلب می کنی.
- 2- ﴿تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ﴾: کشودن قسم های شما را با کفاره.
- 2- ﴿اللَّهُ مَوْلَاكُمْ﴾: خدا ناصر و متولی امور شماست.
- 3- ﴿نَبَأَتْ بِهِ﴾: این راز را به دیگری خبر داد.
- 3- ﴿أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾: خدا پیامبر را از افشا شدن این راز آگاه ساخت.
- 4- ﴿صَعَتْ قُلُوبُكُمْ﴾: دل های شما از حق پیامبرک ه بر شماست منحرف شده است.
- 4- ﴿إِنْ تَظْهَرَا عَلَيْهِ﴾: اگر شما به رنجاندن و اندوه گین ساختن او ﷺ همدست شوید.
- 4- ﴿هُوَ مَوْلَاهُ﴾: خدا یار و یاور اوست.
- 4- ﴿ظَهِيرٌ﴾: پشتیبان او می باشند.
- 5- ﴿قَنِينَتٍ﴾: مطیع و فرمانبردار خدا.
- 5- ﴿سَبِيحَتٍ﴾: هجرت کنندگان یا روزه داران.
- 6- ﴿فُؤَا أَنفُسِكُمْ﴾: خود را با طاعت و عبادت دور نگاه دارید.
- 6- ﴿غَلَاظُ شِدَادٍ﴾: نگاه بانان دوزخ قوی و سنگدل هستند.
- 8- ﴿تَوْبَةَ نَصُوحًا﴾: توبه خالصانه یا صادقانه یا مقبول.
- 8- ﴿لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ﴾: خدا پیامبر خود را خوار نمی کند بلکه عزت او را می افزاید.
- 9- ﴿أَغْلَظُ عَلَيْهِمْ﴾: بر آن ها سخت بگیر یا در برابر ایشان سنگدل باش.
- 10- ﴿فَخَانَتْهُمَا﴾: به منافقت یا به نمایی به آن دو خیانت کردند.
- 10- ﴿فَلَمْ يُعْنِيَا عَنْهُمَا﴾: از آن دو دفاع نکردند.
- 12- ﴿أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾: دامان خود را از مردان دور نگاه داشت.
- 12- ﴿مِنْ رُوحِنَا﴾: از روحی که مخلوق ماست بدون واسطه پدر، عیسی الطَّلِيلَا.
- 12- ﴿مِنَ الْقَنِينِينَ﴾: از بندگان مطیع و فرمانبردار خدا.

- 1- ﴿تَبَرَّكَ الَّذِي﴾: بلند و با عظمت یا خیرش فراوان است ذاتی ک‌ه.
- 1- ﴿بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾: امرونی و فرمانروایی از آن اوست.
- 2- ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ﴾: مرگ را آفریده یا از ازل مقدر کرده است.
- 2- ﴿لِيَبْلُوَكُمْ﴾: تا شما را بیازماید.
- 2- ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: نیکو کارتر و مخلص‌تر یا فرمانبرتر است.
- 3- ﴿طِبَاقًا﴾: هر آسمان بر فراز دیگری است.
- 3- ﴿تَفْؤُوتٍ﴾: اختلاف و عدم تناسب.
- 3- ﴿فُطُورٍ﴾: شکاف‌ها یا خلل و نابسامانی.
- 4- ﴿كَرَّتَيْنِ﴾: دوباره.
- 4- ﴿خَاسِنًا﴾: خوار و ذلیل از نیافتن خلل و نابسامانی.
- 4- ﴿هُوَ حَسِيرٌ﴾: او از کثرت مراجعت خسته و مانده است.
- 5- ﴿بِمَصْبِيحٍ﴾: به ستاره‌ای درخشان.
- 5- ﴿رُجُومًا لِلشَّيْطَانِ﴾: وسیله طرد شیاطین با پرتاب شهاب از ستارگان بر آن‌ها.
- 7- ﴿شَهِيْقًا﴾: آواز زشت مانند آواز خر.
- 7- ﴿تَفُورٌ﴾: آن‌ها را می‌جوشاند.
- 8- ﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ﴾: نزدیک است بترکد و از هم بپاشد.
- 8- ﴿فَوْجٌ﴾: جماعتی از کفار.
- 11- ﴿فَسْحَقًا﴾: از رحمت و بخشش دور باد.
- 15- ﴿الْأَرْضَ ذُلُولًا﴾: زمین را رام، نرم و هموار کرد که در آن قرار گیرید.
- 15- ﴿مَنَا كِبَهَا﴾: نواحی آن یا راه‌ها و گذرگاه‌های آن.
- 15- ﴿إِلَيْهِ النُّشُورُ﴾: از قبرها برانگیخته می‌شوید و پیش او می‌روید.
- 16- ﴿مَنْ فِي السَّمَاءِ﴾: کسی که فرمان‌روای آسمان‌هاست.
- 16- ﴿يُخَسِّفُ بِكُمْ﴾: شما را فرو برد.

- 16- ﴿هِيَ تَمُورٌ﴾: زمین لرزه کند.
- 17- ﴿حَاصِبًا﴾: بادی از سوی آسمان که در آن سنگریزه است.
- 17- ﴿كَيْفَ نَذِيرٍ﴾: ت هدید، هشدار و توانایی من در فرستادن عذاب چگونه است.
- 18- ﴿كَانَ نَكِيرٍ﴾: هلاک ساختن من چگونه بود.
- 19- ﴿صَلَفْتِ وَيَقِضْنَ﴾: هنگام پرواز بال های خود را می گشایند و جمع می کنند.
- 20- ﴿أَمَّنْ هَذَا﴾: آیا این کیست؟
- 20- ﴿جُنْدٌ لَّكُمْ﴾: یار و یاور و پناگاه شماست.
- 20- ﴿غُرُورٍ﴾: گرفتار فریب شیطان و لشکر او هستند.
- 21- ﴿لَجُؤًا فِي عُتُوٍّ﴾: در سرکشی و ستیز ادامه دادند.
- 21- ﴿نُفُورٍ﴾: فرار و دوری از حق.
- 22- ﴿مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ﴾: به روی افتاده که از لغزش در امان نیست.
- 22- ﴿يَمْسِي سَوِيًّا﴾: ایستاده راه می رود و نمی افتد، مثل است برای مشرکین و یکتا پرستان.
- 24- ﴿ذَرَأَكُمُ﴾: شما را آفرید و پخش کرد.
- 27- ﴿رَأَوْهُ زُلْفَةً﴾: عذاب را نزدیک خود ببینند.
- 27- ﴿سَيْتٍ﴾: از ذلت و اندوه سیاه می شود.
- 27- ﴿بِهِ تَدْعُونَ﴾: به تمسخر تقاضا داشتید، هر چه زودتر بیاید.
- 28- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- 28- ﴿مُجِيرُ الْكَافِرِينَ﴾: کافره را نجات یا پناه می دهد.
- 30- ﴿عَوْرًا﴾: در زمین فرورود و دست رسی به آن ممکن نباشد.
- 30- ﴿بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾: آب روان که به س هولت بدست بیاید.

- 1- ﴿وَالْقَلَمِ﴾: قسم به قلم.
- 1- ﴿مَا يَسْطُرُونَ﴾: قسم به آنچه می نویسند.
- 2- ﴿مَا أَنْتَ﴾: ای محمد تو نیستی، جواب قسم.
- 3- ﴿غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾: دایمی.
- 6- ﴿بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ﴾: کدام یک از شما دیوانه است.
- 9- ﴿وَدُّوْا لَوْ تَدَّهِنُ﴾: دوست دارند که با ایشان نرمی و مدارا کنی.
- 9- ﴿فَيُدْهِنُونَ﴾: آن‌ها نیز با تو نرمی و مدارا کنند.
- 10- ﴿حَلَّافٍ﴾: حق و ناحق قسم می خورد.
- 10- ﴿مَّهِينٍ﴾: پست و بی تمیزی یا دروغ گو.
- 11- ﴿هَمَّازٍ﴾: عیبجویا غیبتگر.
- 11- ﴿مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ﴾: برای سخن چینی و فتنه انگیزی بین مردم رفت و آمد دارد.
- 13- ﴿عُتْلٍ﴾: بدخلق و فرومایه یا خشن و بد رفتار.
- 13- ﴿زَنِيٍّ﴾: حرامزاده، بی اصل و نسب یا بدکار.
- 15- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: چیزه‌ای باطل که نوشته‌اند.
- 16- ﴿سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطومِ﴾: او را گرفتار رنگ دایمی سازیم، مانند داغ بر بینی.
- 17- ﴿بَلَوْنَهُمْ﴾: اهل مکه را به قحطی آزمودیم.
- 17- ﴿الْجَنَّةِ﴾: باغی بود نزدیک صنعاء.
- 17- ﴿لَيَصْرُمُنَّهَا﴾: میوه‌های رسیده باغ را بچینند.
- 17- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: صبحگاهان.
- 18- ﴿لَا يَسْتَنْوُونَ﴾: برخلاف پدر خود حصه نیازمندان را جدا نکنند.
- 19- ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ﴾: آتشی در آن باغ افتاد.
- 20- ﴿كَالْصَّرِيمِ﴾: مانند خاکستر سیاه و شب تاریک.
- 21- ﴿فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ﴾: هنگام صبح یکدیگر را صدا کردند.

- 22- ﴿أَعْدُوا عَلَيَّ حَرْثَكُمْ﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار حرکت کنید.
- 22- ﴿صَرِمِينَ﴾: قصد چیدن میوه‌ها را دارید.
- 23- ﴿يَتَخَفَتُونَ﴾: آهسته به یکدیگر می‌گفتند.
- 25- ﴿عَدُوا﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار خود رفتند.
- 25- ﴿عَلَى حَرَدٍ﴾: به تن‌هایی و بدون مساکین.
- 25- ﴿قَدْرِينَ﴾: می‌توانند میوه‌ها را بچینند.
- 26- ﴿إِنَّا لَصَالُونَ﴾: ما راه گم کرده‌ایم این باغ ما نیست.
- 28- ﴿أَوْسَطَهُمْ﴾: عاقلتر و با اندیش‌تر آن‌ها.
- 28- ﴿لَوْلَا تُسَبِّحُونَ﴾: چرا از این کار و خبث نیت خود از خدا آمرزش نمی‌خواهید.
- 30- ﴿يَتَلَوُّونَ﴾: یکدیگر را ملامت می‌کردند.
- 32- ﴿إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾: از خدای خود خیر و عفو می‌خواهیم.
- 38- ﴿لَمَّا تَخَيَّرُونَ﴾: هر چه را شما انتخاب می‌کنید و مشتاق آن هستید.
- 39- ﴿لَكُمْ أَيْمَنٌ عَلَيْنَا﴾: با ما پیمان‌های مؤکد به سوگند بست‌ه‌اید.
- 39- ﴿لَمَّا تَحْكُمُونَ﴾: هر چه به نفع خود حکم کنید.
- 42- ﴿يُكْشَفُ عَن سَاقٍ﴾: کنایه از شدت هول و وحشت قیامت است.¹

1- این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است و قول دوم چنین است: منظور این است که اله ساقش را آشکار می‌کند. و حدیثی که صحت آن ثابت است دلیل این قول است. (نگاه: صحیح بخاری - کتاب التوحید باب قول اله تعالی: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٤﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿٢٣﴾﴾ (431/13) حدیث شماره (7439) و همچنین امام مسلم این حدیث را به شماره (183) از طریق عطاء بن یسار عن ابي سعيد الخدري روایت کرده است).

همچنین سلف صالح در اثبات صفت ساق همانند صفت پا و دست اختلافی نداشته‌اند و تن‌ها در تفسیر این آیه اختلاف کرده‌اند. برخی از آن‌ها گفت‌ه‌اند: «منظور از ساق، ساق اله است، بنابراین اله ساق خویش را آشکار نموده و در این هنگام مؤمنان برایش سجده می‌کنند همانگونه که در صحیحین وارد شده است». (لفظ این حدیث در صحیح بخاری چنین است که از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که گفت: به رسول اله صلی الله علیه و آله گفتیم: آیا پروردگارتان را در قیامت می‌بینیم؟ فرمود: آیا در دیدن خورشید و ماه در هوای صاف دچار مشکل می‌شوید؟ گفتیم: نه. فرمود: پس شما در دیدن پروردگارتان در آن

43- ﴿خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ﴾: چشمانشان به زیر افتاده است.

43- ﴿تَرَهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾: ذلت و ندامت وجود آن‌ها را فرا گیرد.

44- ﴿نَذَرْنِي﴾: به من بگذار، ت‌ه‌دید شدید است.

هنگام نیز دچار مشکل نمی‌شوید. سپس فرمود: منادی ندا سر می‌دهد که هر قومی به سوی آنچه عبادت می‌کردند بروند. پس اصحاب صلیب با صلیبشان و بت پرستان بابت‌ه‌ایشان می‌روند و هر کس معبودی را می‌پرستیده با آن می‌رود تا اینکه افرادی می‌مانند که اله را عبادت کرده‌اند چه نیکوکار باشند یا تب‌ه‌کار و غیره از اهل کتاب. سپس چه‌نم آورده شده و عرض می‌شود که گویی سراب است. به‌ی‌ه‌ود گفته می‌شود: شما چه کسی را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما عزیر پسر اله را می‌پرستیدیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید اله‌ه‌مسرو فرزندى نداشت‌ه‌است (و ندارد) پس چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته می‌شود: بنوشید پس در چه‌نم سقوط می‌کنند. سپس به‌نصاری گفته می‌شود که شما چه را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما مسیح پسر اله را پرستش می‌کردیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید اله‌ه‌مسرو فرزندى نداشت‌ه‌است (و ندارد) گفته می‌شود: چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته می‌شود: بنوشید پس در چه‌نم سقوط می‌کنند تا اینکه کسانی باقی می‌مانند که اله را پرستش می‌کردند چه نیکوکار و چه تب‌ه‌کار. به آن‌ها گفته می‌شود: اکنون که مردم رفت‌ه‌اند چه چیزی شما را نگه داشت‌ه‌است. می‌گویند: ما آن هنگام که بیشتر به آن‌ها نیاز داشتیم از آن‌ها جدا شدیم و ما ندای ندا دهنده‌ای را شنیدیم که ندا سر داده هر کس به آنچه می‌پرستید پیوندد و ما منتظر پروردگارمان هستیم، می‌گوید: خداوند جبار با هیئتى متفاوت از آنچه در ابتدا دیده بودند می‌آید و می‌گوید: من پروردگار شما هستم، می‌گویند: تو پروردگارمان هستی، و جز بیامبران کسی با او سخن نمی‌گوید. می‌گوید: آیا شما نشان‌ه‌ای دارید که او را با آن بشناسید؟ می‌گویند: ساق، پس اله ساقش را آشکار نموده و هر مؤمنی برای او به سجده می‌افتد و کسانی که از روی خودنمایی و ریا و ش‌ه‌رت خدا را سجده می‌کردند باقی می‌مانند پس می‌روند تا سجده کنند اما کمرشان یک پارچه صاف می‌ماند... الحدیث».

برخی نیز گفته‌اند: (إن المراد شدة ال هول) منظور ترس و هراس بسیار شدید است. در نتیجه آن‌ه‌این‌آی‌ه‌ را از آیات صفات به‌شمار نیآورده‌اند اما صفت ساق که در سنت ثابت است را انکار نکرده‌اند یعنی صفت ساق را با نص قرآن ثابت نمی‌دانند بلکه از طریق سنت آن را به اثبات می‌رسانند. و به‌ه‌ر حال تضادی میان دو قول وجود ندارد زیرا اله در روزی بسیار هراسناک ساق خویش را آشکار می‌گرداند. بر خلاف معطل‌ه‌که به‌صفت ساق ایمان ندارند و نه از قرآن و نه از سنت آن را ثابت نمی‌دانند بلکه‌ه‌آی‌ه‌ و حدیث را به شدت عذاب تعبیر می‌کنند و اگرچه این را می‌توان از آی‌ه‌ برداشت کرد ولی در تفسیر حدیث نمی‌توان چنین برداشتی داشت، زیرا در حدیث ساق به‌ضمیری اضافه شده که به‌ه‌ اله‌ه‌ متعال باز می‌گردد. (نگاه: تفسیر ابن جریر ۲۹-۳۸-۴۲ و تفسیر ابن کثیر ۹۰/۷-۹۱). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشت‌ه‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 44- ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾: آن‌ها را زمان می‌دهیم و یکباره گرفتارشان نمی‌کنیم.
- 45- ﴿أُمِّلِي لَهُمْ﴾: به آن‌ها مهلت می‌دهم.
- 46- ﴿مَّعْرَمٍ﴾: غرامت آن مزد.
- 46- ﴿مُتَّقِلُونَ﴾: سنگین بارند.
- 48- ﴿كَصَاحِبِ الْحُوتِ﴾: مانند صاحب ماهی، یونس عليه السلام.
- 48- ﴿مَكْظُومٌ﴾: از نا فرمانی قوم خود دل پراز خشم و اندوه داشت.
- 49- ﴿لَتُبَدَّ بِالْعُرَاءِ﴾: از شکم ماهی به صحرای خالی و مه‌لک افکنده می‌شد.
- 50- ﴿فَأَجْتَبَهُ رَبُّهُ﴾: پروردگارش او را برگزید و دوباره به او وحی فرستاد.
- 51- ﴿لِيُرِيَهُ لِقَوْمَكَ﴾: پایت را بلغزانند و چشم زخمت بزنند.

سوره حاقّه

- 1- ﴿الْحَاقَّةُ﴾: قیامت، هر چه را انکار کرده‌اند در آن روز تحقق یابد.
- 2- ﴿مَا الْحَاقَّةُ﴾: قیامت و صحنه‌های هول‌انگیزش چیست.
- 4- ﴿بِالْقَارِعَةِ﴾: به قیامت که هول و هراسش دل‌ها را می‌کوبد.
- 5- ﴿بِالطَّاغِيَةِ﴾: به آواز بسیار شدید.
- 6- ﴿بِرِيحٍ صَّارِصٍ﴾: به باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.
- 6- ﴿عَاتِيَةٍ﴾: طوفان شدید.
- 7- ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ﴾: آفریدگار باد را بر آن‌ها مسلط کرد.
- 7- ﴿حُسُومًا﴾: پی‌درپی یا شوم.
- 7- ﴿أَعْجَازٌ مَّخْلٍ﴾: تنه درخت خرما.
- 7- ﴿خَاوِيَةٍ﴾: بر زمین افتاده یا پوسیده.
- 9- ﴿وَالْمُؤْتَفِكْتُ﴾: اهالی قریه‌های قوم لوط.
- 9- ﴿بِالْحَاطِئَةِ﴾: خطای بزرگ.

- 10- ﴿أَخَذَ رَابِعَةً﴾: شدیدتر از عذاب‌های دیگر.
- 11- ﴿الْجَارِيَةِ﴾: کشتی نوح.
- 12- ﴿تَذَكِّرَةً﴾: پند و عبرت.
- 12- ﴿تَعِيَهَا﴾: او را به خاطر بسپارد.
- 13- ﴿نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: یک نفخه، نفخه اول برای تخریب عالم.
- 14- ﴿حُمِلَتِ الْأَرْضُ﴾: زمین به دستور ما از جایش برداشته شود.
- 14- ﴿فَدُكَّتَا﴾: کوبیده یا هموار شوند.
- 15- ﴿وَوَقَعَتِ الْوَاقِعَةَ﴾: قیامت قائم شود.
- 16- ﴿أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ﴾: آسمان از ترس پاره و پراکنده گردد.
- 16- ﴿وَاهِيَةً﴾: بعد از آن همه استحکام شکسته و ویران است.
- 17- ﴿عَلَى أَرْجَائِهَا﴾: کناره‌ها و اطراف آسمان.
- 18- ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ﴾: بعد از نفخه دوم برای حساب و جزا پیش خدا می‌آیند.
- 19- ﴿هَأْوِمُ﴾: بگیرید یا بیایید.
- 19- ﴿كِتَابِيَّةٍ﴾: نامه اعمال مرا.
- 21- ﴿رَاضِيَةً﴾: پسندیده.
- 23- ﴿قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ﴾: میوه‌های آن در دسترس است.
- 24- ﴿هَنِيئًا﴾: گوارا.
- 27- ﴿كَانَتْ الْقَاضِيَةَ﴾: مرگ پایان کارم بود، زنده نمی‌شدم.
- 28- ﴿مَا أَغْنَى عَنِّي﴾: عذاب را از من دفع نکرد.
- 28- ﴿مَالِيَةَ﴾: آنچه داشتم، مال و مانند آن.
- 29- ﴿سُلْطَانِيَةَ﴾: حجت یا سلطه و قدرت من.
- 30- ﴿فَعُلُّوهُ﴾: دست و گردنش را با زنجیر ببندید.
- 31- ﴿الْجَحِيمَ صَلْوَهُ﴾: او را در جهنم بیفکنید یا بسوزانید.

- 32- ﴿فَأَسْلُكُوهُ﴾: داخلش نماید.
- 34- ﴿لَا يَحُضُّ﴾: تشویق نمی‌کند.
- 35- ﴿حَمِيمٌ﴾: خویشتاوند مهربان که از او دفاع کند.
- 36- ﴿غَسَلِينَ﴾: ریم اهل دوزخ.
- 37- ﴿الْحَاطُونَ﴾: کافرا.
- 38- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: قسم می‌خورم و «لا» زاید است.
- 40- ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾: این قرآن را خدا به رسول کریم وحی کرده و او به مردم می‌رساند.
- 44- ﴿لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا﴾: اگر پیامبر سخنانی را می‌ساخت و به ما نسبت می‌داد.
- 45- ﴿بِالْيَمِينِ﴾: دست راست او را یا به قوت و قدرت.
- 46- ﴿الْوَتِينَ﴾: رگ قلب یا حرام مغز.
- 47- ﴿عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾: مانع هلاکت او.
- 50- ﴿لِحَسْرَةٍ﴾: مایه ندامت بزرگ است.
- 52- ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را از آنچه سزاوار او نیست پاک و منزّه بشمار.

سوره معارج

- 1- ﴿سَأَلَ سَائِلٌ﴾: درخواست کننده‌ای بر خود و قومش درخواست کرد.
- 3- ﴿ذِي الْمَعَارِجِ﴾: صاحب آسمان‌ها، جای بالا رفتن فرشتگان.
- 4- ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ﴾: فرشتگان از این مدارج بالا می‌روند.
- 4- ﴿وَالرُّوحُ﴾: جبریل.
- 4- ﴿فِي يَوْمٍ﴾: در روز قیامت.
- 4- ﴿مَقْدَارُهُ﴾: مقدار آن در حق کفار.
- 5- ﴿صَبْرًا جَمِيلًا﴾: در برابر رنج و آزار قومت تن‌ها به خدا شکوه کن.

- 8- ﴿السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ﴾: آسمان مانند فلز گداخته یا دُرد روغن زیتون.
- 9- ﴿الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ﴾: کوه‌ها مانند پشم رنگارنگ.
- 10- ﴿حَمِيمٌ﴾: خویشاوند مشفق، از شدت ترس.
- 11- ﴿يُبْصِرُ وَهُمْ﴾: خویشاوندان یکدیگر را می‌شناسند.
- 13- ﴿فَصِيلَتِهِ﴾: عشیره نزدیکش را.
- 13- ﴿تُؤَيِّبُهُ﴾: در نسب یا روز سختی او را به خود پیوست می‌کردند.
- 15- ﴿إِنَّهَا لَطَلَى﴾: ج‌ه‌نم یا درک دوم دوزخ شعل‌ه‌ور است.
- 16- ﴿نَزَاعَةَ لِّلشَّوْءِ﴾: دست و پا یا پوست سر مجرم را می‌کند.
- 18- ﴿فَأَوْعَى﴾: مال خود را از حرص و آزد در ظرفی ذخیره کرد.
- 19- ﴿هَلُوعًا﴾: ناشکیبا و حریص.
- 20- ﴿جَزُوعًا﴾: بسیار نومید می‌شود.
- 21- ﴿مُنُوعًا﴾: بسیار بخیل است و از احسان منع می‌کند.
- 25- ﴿وَالْمَحْرُومِ﴾: محروم از عطا و بخشش که سؤال نمی‌کند.
- 27- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: از کبریایی او تعالی ترسانند.
- 31- ﴿الْعَادُونَ﴾: متجاوز از حلال به حرام.
- 36- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: گردن‌های خود را دراز کرده به سوی تو می‌شتابند.
- 37- ﴿عَزِينَ﴾: گروه‌های پراکنده.
- 39- ﴿مِمَّا يَعْلَمُونَ﴾: از آنچه خود می‌دانند، نطفه کوچک.
- 40- ﴿فَلَا أَقْسِمُ﴾: قسم می‌خورم «لا» زاید است.
- 41- ﴿بِمَسْبُوقِينَ﴾: مغلوب و ناتوان.
- 42- ﴿فَذَرَهُمْ﴾: آن‌ها را به حال خود بگذار.
- 42- ﴿يُخَوِّضُونَ﴾: در باطل غوط‌ه‌ور شوند.
- 43- ﴿مِنَ الْأَجْدَاثِ﴾: از قبرها.

- 43- ﴿سِرَاعًا﴾: شتابان به سوی دعوت کننده.
- 43- ﴿نُصْبٍ﴾: سنگ‌های که در جاه‌لیت مورد احترام آن‌ها بود.
- 43- ﴿يُوفِضُونَ﴾: می‌دوند.
- 44- ﴿خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ﴾: نمی‌توانند بالا نگاه کنند.
- 44- ﴿تَرَهَقَهُمْ ذِلَّةٌ﴾: در ذلت و خواری غرقند.

سوره نوح

- 4- ﴿إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ﴾: اگر ایمان نیاورید وقت آمدن عذاب ال‌هی.
- 6- ﴿فِرَارًا﴾: دوری و رمندگی از ایمان.
- 7- ﴿وَأَسْتَعْشُوا نِيَابَهُمْ﴾: از تنفر زیاد خود را در لباس‌هاشان پنهان کردند.
- 7- ﴿أَصْرُوا﴾: در راه کفر پایداری کردند.
- 11- ﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ﴾: باران را روان می‌کند.
- 11- ﴿مِدْرَارًا﴾: فراوان و پی در پی.
- 13- ﴿لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾: به کبر یابی خدا معتقد نیستید یا از جاه و جلالش نمی‌ترسید.
- 14- ﴿خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾: شما را به تدریج در حالت‌های مختلف آفرید.
- 15- ﴿سَمَوَاتٍ طِبَاقًا﴾: آسمان‌ها را بر فرازم.
- 16- ﴿نُورًا﴾: روشن‌گر زمین در تاریکی شب.
- 16- ﴿الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾: آفتاب را چراغ فروزان که تاریکی را محو می‌کند.
- 17- ﴿أَنْبِئْتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ﴾: شما را از خاک آفرید.
- 19- ﴿الْأَرْضِ بَسَاطًا﴾: زمین را برای استقرار بر روی آن گسترده.
- 20- ﴿سُبُلًا فِجَاجًا﴾: راه‌های وسیع.
- 21- ﴿خَسَارًا﴾: گمراهی در دنیا و عذاب در آخرت.
- 22- ﴿مَكْرًا كِبَارًا﴾: مکرن‌های بزرگ.

- 23- ﴿وَدَّآ...﴾: بت‌های هستند که قوم نوح پرستش می‌کردند سپس این روش به عرب انتقال یافت، «ود» بت قبیل ه «کلب»
- 23- ﴿سُوَاعًا﴾: سواع بت قبیل ه بنی‌ذیل.
- 23- ﴿يُعُوْثٌ﴾: یعوث بت غطفان.
- 23- ﴿يُعُوْقٌ﴾: یعوق بت بنی‌مدان.
- 23- ﴿نَسْرًا﴾: نسرت آذی کلاع از قبیل ه حمیر بود.
- 25- ﴿مِمَّا حَطِيَّتِهِمْ﴾: از سبب گناه‌انسان و «ما» زاید است.
- 26- ﴿دِيَارًا﴾: یکی راک ه به روی زمین حرکت کند.
- 28- ﴿تَبَارًا﴾: هلاکت و نابودی.

سوره جن

- 1- ﴿قُرْءَانًا عَجَبًا﴾: قرآنی شگفت‌انگیز در فصاحت و بلاغت.
- 2- ﴿الرُّشْدِ﴾: حق یا توحید و ایمان.
- 3- ﴿تَعَلَّى﴾: بلند و با عظمت است.
- 3- ﴿جَدُّ رَبِّنَا﴾: مقام یا قدرت پروردگار ما.
- 4- ﴿يَقُولُ سَفِيْهُنَا﴾: جاهل ما می‌گفت، ابلیس.
- 4- ﴿شَطَطًا﴾: سخنان دروغ و دور از حق.
- 6- ﴿يَعُوْذُوْنَ﴾: پناه می‌جستند.
- 6- ﴿فَزَادُوْهُمْ رَهَقًا﴾: به گناه یا سرکشی و سفاهت آنان افزودند.
- 8- ﴿حَرَسًا شَدِيْدًا﴾: نگاه‌بان‌های قوی از فرشتگان.
- 8- ﴿شُهَبًا﴾: شهاب‌های شعل‌ه‌وری که مانند ستاره به سرعت فرود می‌آیند.
- 9- ﴿شُهَابًا رَّصَدًا﴾: شهابی در کمین که او را هدف قرار می‌دهد.
- 10- ﴿رَشَدًا﴾: خیر، صلاح و رحمت.

- 11- ﴿ظُرِّبَتْ قِدَدًا﴾: دارای مذاہب گوناگون.
- 12- ﴿ظَنَّنَا﴾: اینک دانستیم و یقین کردیم.
- 13- ﴿فَلَا يَخَافُ بَخْسًا﴾: از نقصان ثواب حسنائش نمی ترسد.
- 13- ﴿لَا رَهَقًا﴾: از رسیدن ذلت نمی ترسد [کہ گناہ دیگری براو بارشود]
- 14- ﴿مِنَّا أَلْقَسِطُونَ﴾: گروهی از ما کافرو از راه حق منحرف شدند.
- 14- ﴿تَحْرُورًا رَشَدًا﴾: بہ سوی خیر، صلاح و ہدایت رفتند.
- 15- ﴿لِحَبْتِهِمْ حَطَبًا﴾: ہیزم دوزخ ہستند.
- 16- ﴿عَلَى الطَّرِيقَةِ﴾: راہ ہدایت، اسلام.
- 16- ﴿مَاءً غَدَقًا﴾: آب فراوان کہ بہ آن زندگانی بہ تر می شود.
- 17- ﴿لِنُفِثَتْهُمْ فِيهِ﴾: تا با این نعمت ہ آن ہ را بیازمایم.
- 17- ﴿يَسْلُكُهُ﴾: اورا داخل می کند.
- 17- ﴿عَذَابًا صَعَدًا﴾: عذاب مشقت آور و طاقت فرسا.
- 19- ﴿عَبْدُ اللَّهِ﴾: نبی کریم کہ خدا را عبادت می کند.
- 19- ﴿عَلَيْهِ لِبَدًا﴾: از تعجب اطراف او ازدحام می کردند.
- 21- ﴿رَشَدًا﴾: نفعی یا ہدایتی.
- 22- ﴿لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ﴾: اگر فرمان خدا را بجا نکنم ہیچ کس عذاب اورا از من دفع نمی کند.
- 22- ﴿مُلْتَحِدًا﴾: پناہ گاہی یا جای استواری کہ بہ آن پشت گرمی یابم.
- 25- ﴿أَمَدًا﴾: زمانی دور.
- 27- ﴿رَصَدًا﴾: نگاہ بانی از فرشتگان کہ اورا حراست می کنند.
- 28- ﴿أَحَاطَ﴾: بہ تمام و کمال آگاہ است.
- 28- ﴿أَحْصَى﴾: کاملاً ضبط کردہ است.

- 1- ﴿الْمُرْمَلُ﴾: خود را در جامه پیچنده، نبی کریم.
- 4- ﴿رَتِّلِ الْقُرْآنَ﴾: قرآن را به آهستگی بخوان، حروف را از منخرج ادا کن.
- 5- ﴿قَوْلًا ثَقِيلًا﴾: سخنی که بر مکلفین مشقت آوراست، قرآن.
- 6- ﴿نَاشِئَةَ اللَّيْلِ﴾: عبادتی که در شب انجام می شود.
- 6- ﴿أَشَدُّ وَطْأً﴾: ثابت ترو استوارتر است.
- 6- ﴿أَقْوَمُ قِيْلًا﴾: خواندن قرآن ثابت تر است زیرا در شب حضور قلب بیشتر است.
- 7- ﴿سَبْحًا﴾: مشغولیت و تلاش.
- 8- ﴿تَبَتَّلْ إِلَيْهِ﴾: یکسره به عبادت او پرداز.
- 10- ﴿هَجْرًا حَمِيْلًا﴾: کناره گیری شایسته با شکیبایی.
- 11- ﴿ذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ﴾: تکذیب کنندگان را به خود من واگذار من بر آن ها بسنده ام.
- 11- ﴿أُولَى النَّعْمَةِ﴾: صاحبان ناز و نعمت و زندگانی خوش.
- 11- ﴿مَهْلُهُمْ قَلِيْلًا﴾: آن ها را اندک زمانی مهلت بده بعد از آن عذاب و عقوبت است.
- 12- ﴿أَنْكَالًا﴾: زنجیره ای محکم و سنگین.
- 13- ﴿طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ﴾: غذای گلوگیر.
- 14- ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ﴾: روزی که زمین به شدت تکان بخورد، روز قیامت.
- 14- ﴿كَثِيْبًا مَّهِيْلًا﴾: توده ای ریگ روان.
- 16- ﴿أَخْذًا وَبِيْلًا﴾: گرفتن شدید و عاقبت ناگوار.
- 18- ﴿السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ﴾: آسمان در آن روز از ترس شکافته گردد.
- 20- ﴿لَنْ تُحْصَوْهُ﴾: نمی توانید وقت قیام شب را به دقت تعیین کنید.
- 20- ﴿فَتَابَ عَلَيْكُمْ﴾: خدا بر شما رحم کرد و اجازه داد که وقت معین برای قیام شب را ترک نمایید.
- 20- ﴿فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾: در شب هر اندازه به شما آسان است نماز بخوانید و در این نماز آنچه آسان است از قرآن قرائت نمایید.
- 20- ﴿يَضْرِبُونَ﴾: برای تجارت و مقاصد دیگر سفر می کنند.

- 20- ﴿أَقِمْوْا الصَّلَاةَ﴾: نماز فرض را ادا کنید.
 20- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: به طیب خاطر و برای کسب رضای خدا.

سوره مدثر

- 1- ﴿الْمُدَّثِّرِ﴾: پنهان کننده خود را به لباس هایش، نبی کریم.
 3- ﴿رَبِّكَ فَكْبِّرْ﴾: تنها پروردگارت را بزرگ بشمار و تعظیم نما.
 4- ﴿ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾: لباس هایت را پاک کن کنایه از پاکیزگی نفس از بدی است.
 5- ﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾: از گناه که موجب عذاب است دوری گزین.
 6- ﴿لَا تَمُنْ نَسْتَكْثِرُ﴾: به امید آن نبخش که بیشتر بگیری.
 8- ﴿نُقِرَ فِي الْأَقْوَارِ﴾: بخاطر رستاخیز در صورت دمیده شود.
 11- ﴿ذَرْنِي﴾: به من واگذار، تها دید و وعید است.
 12- ﴿مَالًا مَّمْدُودًا﴾: مال فراوان.
 13- ﴿بَنِينَ شُهُودًا﴾: پسران که همیشه در حضور او هستند و هیچگاه برای کسب و کار از او جدا نمی شوند چون نیازی به آن ندارند.
 14- ﴿مَهَّدْتُ لَهُ﴾: نعمت، ریاست و مقام او را گسترش دادم.
 16- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نخواهد شد.
 16- ﴿لَا يَتِنَا عَيْنِدَا﴾: نسبت به آیات ما دشمنی می ورزد یا از حق دوری می جوید.
 17- ﴿سَأَرْهُقُهُ وَّصَعُودًا﴾: به زودی به عذاب پر مشقت و طاقت فرسا دچارش می کنم.
 18- ﴿قَدَّرَ﴾: سخن طعن آمیزی نسبت به خدا و پیامبر در ذهن خود آماده کرد.
 19- ﴿فَقْتَلِ﴾: لعنت و عذاب بر او باد یا از نیکی و خیر دور باد.
 21- ﴿نَظَرَ﴾: درباره سخن طعن آمیزی که آماده کرده بود تأمل کرد.
 22- ﴿عَبَسَ﴾: هنگامی که میدان حیل ه برایش تنگ شد ابرو درهم کشید.
 22- ﴿بَسَرَ﴾: در عبوست چه ره اش افزود.

- 24- ﴿سِحْرٌ يُؤْتِرُ﴾: سحری است که از ساحران می آموزد.
- 26- ﴿سَأْصَلِيهِ سَقَرَ﴾: به زودی به جهنم داخلش می کنم.
- 29- ﴿لَوْأَحَهُ لِّلْبَشْرِ﴾: پوست دوزخیان را سیاه می کند و می سوزاند.
- 31- ﴿فِتْنَةً﴾: سبب فتنه و گمراهی.
- 31- ﴿مَا هِيَ﴾: نیست دوزخ.
- 33- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾: قسم به شب وقتی که دور شود.
- 34- ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾: قسم به صبح هنگامی که روشن شود.
- 35- ﴿إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبْرَى﴾: قطعاً همین جهنم یکی از بلاهای عظیم است، جواب قسم.
- 37- ﴿أَنْ يَتَقَدَّمَ﴾: به سوی خیر و طاعت پیش رود.
- 38- ﴿بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً﴾: نزد او تعالی در گرو اعمال خویش است.
- 42- ﴿مَا سَلَكَكُمْ﴾: چه چیز شما را وارد کرد؟
- 45- ﴿كُنَّا نَحْوُ﴾: ما غرق در باطل بودیم.
- 46- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: به روز رستاخیز، حساب و جزا.
- 50- ﴿حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ﴾: خرهای وحشی و رمنده.
- 51- ﴿فَسُورَةٌ﴾: شیر یا تیرانداز.
- 56- ﴿أَهْلُ التَّقْوَى﴾: سزاوار است که بندگان از او بترسند.

سوره قیامت

- 1- ﴿لَا أُقْسِمُ﴾: قسم می خورم «لا» زاید است.
- 2- ﴿اللَّوَامَةِ﴾: بر آنچه از دست رفته سرزنش و پشیمانی می کند.
- 4- ﴿بَلَى﴾: بل، آن را بعد از پراکنده شدن جمع می کنیم.
- 4- ﴿نُسُوی بَنَانَهُ﴾: سرانگشتان او را مرتب کنیم
- 5- ﴿لِیَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾: به تمام عمر خود به فسق و فجور ادامه دهد.
- 7- ﴿بَرِیقَ الْبَصْرِ﴾: چشم از آنچه مشاهده می کند به دهشت و حیرت افتد.
- 8- ﴿خَسَفَ الْقَمَرُ﴾: روشنی ماه برود.
- 9- ﴿جُمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾: آفتاب و ماهتاب در حالی که تاریکند از مغرب ظاهر شوند.
- 10- ﴿أَیْنِ الْمَفْرُ﴾: جای فرار از عذاب یا نجات از ترس کجاست؟
- 11- ﴿لَا وَرَرَ﴾: جای نجات و پناه از عذاب خدا ندارد.
- 14- ﴿بَصِیرَةً﴾: دلیل آشکاریا چشم بینا.
- 15- ﴿لَوْ أَلْفَى مَعَاذِرَهُ﴾: هر قدر عذر بیاورد برایش سودمند نیست.
- 17- ﴿جَمَعَهُ﴾: جمع قرآن در سینه و حفظ تو.
- 17- ﴿قُرْآنَهُ﴾: که هر وقت خواسته باشی آن را بخوانی.
- 18- ﴿قَرَأْنَهُ﴾: قرائت آن را برای توبه زبان جبریل به اتمام رساندیم.
- 19- ﴿بِیَانَهُ﴾: تفسیر معانی مشکل آن.
- 22- ﴿نَاضِرَةً﴾: زیبا، شاد و خندان.
- 24- ﴿بَاسِرَةً﴾: بسیار عبوس و افسرده.
- 25- ﴿فَاقِرَةً﴾: بلای بزرگ کمر شکن.
- 26- ﴿بَلَغَتِ التَّرَاقِی﴾: جان به گلورسد.
- 27- ﴿مَنْ رَاقِ﴾: او را که مداوا می کند و از مرگ نجات می دهد؟

- 29- ﴿وَالْتَفَّتِ السَّاقُ...﴾: پیچد یا بچسبد...
- 30- ﴿الْمَسَاقُ﴾: روان کردن انسان برای جزا و پاداش.
- 33- ﴿يَتَمَطَّى﴾: به کبر و ناز راه می‌رفت.
- 34- ﴿أَوْلَىٰ لَكَ﴾: آنچه مایه نابودی توست به تونزدیک است.
- 36- ﴿يُتْرَكَ سُدًى﴾: سرخور گذاشته می‌شود که نه مورد امر و نه قرار گیرد و نه ثواب و عقاب شود.
- 37- ﴿مَنْيَ يُمْنَى﴾: منی که در رحم می‌ریزد.
- 38- ﴿فَسَوَّىٰ﴾: درست و کاملش کرد و در او روح دمید.

سوره انسان

- 2- ﴿أَمْشَاجٍ﴾: مختلط دارای صفات متفاوت.
- 2- ﴿نَبْتَلِيهِ﴾: انسان را با تعیین تکالیف آزمایش می‌کنیم.
- 3- ﴿هَدَيْنَهُ السَّبِيلَ﴾: برای او راه هدایت و گمراهی را نشان دادیم.
- 4- ﴿سَلَاسِلًا﴾: زنجیره‌ای که با آن بست و ب‌آتش کشیده می‌شوند.
- 4- ﴿أَعْلَالًا﴾: غل‌های که دست‌های آن‌ها را به گردنشان می‌بندند.
- 5- ﴿كَأْسٍ﴾: شراب یا جام شراب.
- 5- ﴿مِرْآجُهَا﴾: آنچه شراب با آن آمیخته شود.
- 5- ﴿كَافُورًا﴾: آبی مانند کافور در بهترین حالت.
- 6- ﴿عَيْنًا﴾: آب چشمه یا شراب آن.
- 6- ﴿يَشْرَبُ بِهَا﴾: که از آن می‌نوشند.
- 6- ﴿يُفَجِّرُوهَا﴾: به هر جای خانه که بخواهند روانش می‌سازند.
- 7- ﴿مُسْتَطِيرًا﴾: گسترده است.
- 10- ﴿يَوْمًا عَبُوسًا﴾: روزی که از هول و هراس آن چهره‌ها ترش و عبوس می‌شوند.

- 10- ﴿قَمَطِرًا﴾: عبوست شدید.
- 11- ﴿لَقَلْبُهُمْ نَضْرَةٌ﴾: به آن‌ها چهره شاد و زیبا بخشید.
- 13- ﴿أَلَّا رَأَيْكَ﴾: تخت‌ها در حجل‌ها.
- 13- ﴿زَمَّهْرِيرًا﴾: سرمای شدید یا ماه.
- 14- ﴿دَانِيَةً عَلَيْهِمْ﴾: درختان آنجا بر آن‌ها سایه افکن است.
- 14- ﴿ذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا﴾: میوه‌های آن به دسترس تناول کننده است.
- 15- ﴿أَكْوَابٍ﴾: صراحی‌ها.
- 15- ﴿قَوَارِيرًا﴾: مانند شیشه صافند.
- 16- ﴿قَدَّرُوهَا﴾: ساقیان به هشتی به اندازه سیراب شدن در آن شراب می‌ریزند.
- 17- ﴿كَأَسَا﴾: شرابی که یا جام شرابی که.
- 17- ﴿مِزَاجُهَا﴾: آمیزه آن.
- 17- ﴿زَنْجَبِيلًا﴾: آبی که در خوبی مانند زنجبیل است.
- 19- ﴿وَلَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ﴾: نوجوانانی که همیشه جوان و زیبا خواهند ماند.
- 19- ﴿لَوْ لَوْأَا مَنثورًا﴾: مروارید پراکنده در زیبایی و صفایی.
- 21- ﴿ثِيَابٌ سُندُسٍ﴾: لباس‌های از حریر نازک.
- 21- ﴿إِسْتَبْرَقٌ﴾: دیبای ضخیم.
- 25- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز یا مدام.
- 27- ﴿يَوْمًا ثَقِيلًا﴾: روز بسیار هراس‌انگیز، روز قیامت.
- 28- ﴿شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ﴾: خلقت آن‌ها را مستحکم کردیم.

سوره مرسلات

- 1- ﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾: قسم به باده‌ای عذاب که مانند یال اسب به ردیف قرار دارند.
- 2- ﴿فَالْعَصْفَتِ عَصْفًا﴾: قسم به باده‌ای تند و نابود کننده.
- 3- ﴿وَالنَّشِيرَاتِ دَشْرًا﴾: و قسم به فرشتگانی که بال‌های خود را در فضا هنگام آوردن وحی می‌گسترانند.
- 4- ﴿فَالْفَرَقَاتِ فَرَقًا﴾: و قسم به فرشتگان حامل وحی که حق و باطل را از هم جدا می‌کند.
- 5- ﴿فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا﴾: و قسم به فرشتگانی که به انبیاء وحی می‌رسانند.
- 6- ﴿عَذْرًا﴾: برای دفع عذوب به آن‌ها بنده‌ها.
- 6- ﴿نُذْرًا﴾: برای انداز و ترسانیدن از عذاب.
- 7- ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ﴾: آنچه به شما درباره رستاخیز وعده داده‌اند، جواب قسم.
- 8- ﴿الْجُومِ طُمِسَتْ﴾: ستارگان تاریک شوند.
- 9- ﴿السَّمَاءِ فُرِجَتْ﴾: آسمان بشکافت.
- 10- ﴿الْجِبَالِ نُسِفَتْ﴾: کوه‌ها به سرعت کنده شوند.
- 11- ﴿الرُّسُلِ أَقْتَتْ﴾: پیامبران به وعده‌گاه رسانده شوند، روز قیامت.
- 12- ﴿لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ﴾: گفته می‌شود برای چه روزی به تأخیر افتاده است.
- 13- ﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾: برای روز جدایی بین خلائق یا حق و باطل.
- 15- ﴿وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ﴾: نابودی در آن روزه‌راس انگیز.
- 20- ﴿مَاءٍ مَّهِينٍ﴾: منی ضعیف و حقیر.
- 21- ﴿قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾: رحم.
- 23- ﴿فَقَدَرْنَا﴾: پس آن را به اندازه مناسب قرار دادیم.
- 25- ﴿الْأَرْضِ كِفَاتًا﴾: زمین را برای اجتماع انسان.

- 25- ﴿أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾: زنده‌ها بر روی زمین جمع و مرده‌ها در دل خاک ن‌ه‌ان می‌شوند.
- 27- ﴿رَوَّسِي سَلْمِخْتٍ﴾: کوه‌های بلند و استوار.
- 27- ﴿مَاءً فُرَاتًا﴾: آب شیرین گوارا.
- 30- ﴿ظِلِّ﴾: دودج‌نم.
- 30- ﴿ثَلْثِ شُعْبٍ﴾: سه شاخه مانند گیسوان.
- 31- ﴿لَا ظَلِيلٍ﴾: سای‌های که گرمی را دور کند.
- 31- ﴿لَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ﴾: اندکی از گرمای آتش را دفع نمی‌کند.
- 32- ﴿تَرْمِي بِشَرِّرٍ﴾: شراره پرتاب می‌کند.
- 32- ﴿كَالْقَصْرِ﴾: در شراره مانند کاخ بلند و بزرگ.
- 33- ﴿كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ﴾: انگار آن شراره‌ها شتران سیاه‌تاب هستند. عرب شتر سیاه‌تاب را از سبب کثرت، سرعت حرکت و رنگ آن زرد می‌نامند.
- 39- ﴿لَكُمْ كَيْدٌ﴾: حیل‌های دارید برای حفظ خود از عذاب.

سوره نبأ

- 1- ﴿عَمَّ﴾: از چه چیز پراهمیت.
- 2- ﴿عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ﴾: از قرآن یا از رستاخیز.
- 4- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست.
- 6- ﴿الْأَرْضَ مَهْدًا﴾: زمین را محل آرامش و استقرار.
- 7- ﴿وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا﴾: کوه‌ها را مانند میخ برای زمین تا تکان نخورد.
- 8- ﴿خَلَقْنَاكُمْ أَرْوَاجًا﴾: شما را به شکل مذکر و مؤنث آفریدیم برای زاد و ولد.
- 9- ﴿نَوْمَكُمْ سُبَاتًا﴾: خواب را برای فراغت و آرامش جسمی شما.
- 10- ﴿الَّيْلِ لِبَاسًا﴾: شب را پرده‌ای که شما را با تاریکی خود می‌پوشاند.

- 11- ﴿التَّهَارَ مَعَاشًا﴾: روز را برای بدست آوردن وسایل زندگانی.
- 12- ﴿سَبْعًا شِدَادًا﴾: هفت آسمان محکم و استوار.
- 13- ﴿سِرَاجًا وَهَاجًا﴾: چراغ درخشان، آفتاب.
- 14- ﴿الْمُعْصِرَاتِ﴾: ابره‌ای بارنده.
- 14- ﴿مَاءً ثَجَّاجًا﴾: آب فراوان که به وفرت و پیاپی می بارد.
- 16- ﴿جَدَّتِ أَلْفَافًا﴾: باغ‌های که درختانش در هم پیچیده است.
- 18- ﴿فَتَاتُونَ أَفْوَاجًا﴾: گروه گروه به حالت‌های مختلف می آید.
- 19- ﴿فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾: آسمان دارای دره و راه‌های بسیاری می گردد.
- 20- ﴿فَكَانَتْ سَرَابًا﴾: کوه‌ها مانند سراب شوند.
- 21- ﴿كَانَتْ مِرْصَادًا﴾: ج‌ه‌نم در کمین و چشم به راه کافران است.
- 22- ﴿لِللَّظْفِغِينَ مَابًا﴾: جای بازگشت سرکشان است.
- 23- ﴿أَحْقَابًا﴾: روزگار دراز و بی‌ن‌هایت.
- 24- ﴿بَرْدًا﴾: خوابی یا آسایشی از گرمی آتش.
- 25- ﴿حَمِيمًا﴾: آب جوشان.
- 25- ﴿عَسَاقًا﴾: زردابی که از بدن اهل دوزخ جاری می شود.
- 26- ﴿جَزَاءً وَفَاقًا﴾: آن‌ها را موافق اعمالشان جزاء دادیم.
- 28- ﴿كِدَابًا﴾: تکذیب شدید.
- 29- ﴿أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا﴾: به صورت نوشته ضبطش کردیم.
- 31- ﴿مَفَازًا﴾: پیروزی بر تمام خواهشات.
- 33- ﴿كُوَاعِبَ﴾: دختران انارپستان، زنان بهشت.
- 33- ﴿أَتْرَابًا﴾: هم سن و سال.
- 34- ﴿كَأَسَا دِهَاقًا﴾: جام‌های سرشار از شراب بهشت.
- 35- ﴿لُغْوًا﴾: سخنان بی‌هوده یا زشت.

- 35- ﴿كِذَّابًا﴾: دروغ.
- 36- ﴿عَطَاءً حِسَابًا﴾: احسان به اندازه کفایت یا فراوان.
- 37- ﴿خُطَابًا﴾: سخن گفتن مگر به اجازه او تعالی.
- 38- ﴿الرُّوحُ﴾: جبریل.
- 39- ﴿مَابًا﴾: راه بازگشت به ایمان و عبادت.
- 40- ﴿يَلِيَّتِي كُنْتُ تُرْبًا﴾: ای کاش در این روز خاک بودم و عذاب نمی شدم.

سورة نازعات

- 1- ﴿وَالنَّازِعَاتِ﴾: قسم به فرشتگانی که جان کافره را می گیرند.
- 1- ﴿عَرَقًا﴾: به سختی و درد.
- 2- ﴿وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا﴾: سوگند به فرشتگانی که جان مسلمانان را به آرامی و مهربانی می گیرند.
- 3- ﴿السَّابِحَاتِ سَبْحًا﴾: سوگند به فرشتگانی که از آسمان برای اجرای فرمان ال‌هی شتابان و شناکنان فرود می آیند.
- 4- ﴿فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا﴾: و قسم به فرشتگانی که ارواح را شتابان به بهشت یا دوزخ می برند.
- 5- ﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾: و فرشتگانی که برای تدبیر و مأموریت خویش فرود می آیند.
- 6- ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾: روزی که نفعه اول با آواز هول انگیزش اجرام را بلرزاند.
- 7- ﴿تَتَّبُعُهَا الرَّادِفَةُ﴾: نفعه رستاخیز به دنبال او می آید.
- 8- ﴿وَاجِفَةٌ﴾: مضطرب یا ترساننده.
- 9- ﴿أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ﴾: چشمانشان از ترس به زیر افتاده است.
- 10- ﴿فِي الْخَافِرَةِ﴾: به حالت اولی، زندگانی.
- 11- ﴿كُنَّا عِظْمًا نَّخِرَةً﴾: استخوان‌های پوسیده شویم.
- 12- ﴿كَرَّةٍ خَاسِرَةٍ﴾: بازگشت زیان آوری خواهد بود.

- 13- ﴿زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: تن ها یک صدا، نفخه رستاخیز.
- 14- ﴿هُم بِالسَّاهِرَةِ﴾: هم زنده و بر روی زمین باشند.
- 16- ﴿طَوَى﴾: نام وادی است.
- 17- ﴿طَعَى﴾: از حد در گذشته و به خدای یکتا کفر ورزیده است.
- 18- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و طغیان پاک شوی.
- 20- ﴿الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾: معجزه بزرگ، عصا و ید بیضاء.
- 22- ﴿يَسْعَى﴾: در فساد می کوشید.
- 23- ﴿فَحْشَرَك﴾: ساحران و یا سپاه خود را گجمع کرد.
- 25- ﴿نَكَالَ﴾: به عذاب.
- 28- ﴿رَفَعَ سَمَكَهَا﴾: آسمان را بلند و استوار ساخت.
- 28- ﴿فَسَوَّيْنَهَا﴾: آن را برابر و بی عیب گردانید.
- 29- ﴿أَغْطَشَ لَيْلَهَا﴾: شب آن را تاریک گردانید.
- 29- ﴿أَخْرَجَ ضُحَاهَا﴾: روز آن را بوسیله آفتاب روشن گردانید.
- 30- ﴿دَحَلَهَا﴾: زمین را برای سکونت اهلیش گسترش داد.
- 31- ﴿مَرَعَهَا﴾: غذای انسان و چارپا.
- 32- ﴿وَالْحِبَالِ أَرْسَلَهَا﴾: کوهه را مانند میخ در زمین ثابت و استوار گردانید.
- 34- ﴿الظَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾: بلای بزرگ، قیامت.
- 36- ﴿بُرْرَتِ الْجَحِيمِ﴾: دوزخ آشکار ساخته می شود.
- 39- ﴿هِيَ الْمَأْوَى﴾: تن ها چه نام مقام اوست.
- 42- ﴿آيَاتٍ مُّرْسَلَهَا﴾: خدا چه وقت قیامت را برپا می کند؟

سوره عَبَسَ

- 1- ﴿عَبَسَ﴾: پیامبر ابرو دردم کشید.

- 1- ﴿تَوَلَّى﴾: روگرداند.
- 3- ﴿لَعَلَّهُ يَرْزُقَ﴾: شاید این نابینا به تعلیم توازج هل پاک می شد.
- 4- ﴿يَذَّكَّرُ﴾: پند می گرفت.
- 6- ﴿لَهُ وَتَصَدَّى﴾: توبه او متوجه می شوی.
- 8- ﴿جَاءَكَ يَسْعَى﴾: نزد توبه شتاب آمد تا بیاموزد.
- 10- ﴿عَنْهُ تَلَهَى﴾: به وی توجه نمی کنی و خود را مشغول می سازی.
- 11- ﴿كَلَّا﴾: هرگز این کار را تکرار نکن.
- 11- ﴿إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ﴾: آیات قرآن پند و اندرز است.
- 13- ﴿فِي صُحُفٍ﴾: در صحیفه‌های که از لوح محفوظ نوشته شده است.
- 14- ﴿مَرْفُوعَةٍ﴾: نزد خدا قدر و منزلت عالی دارد.
- 15- ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾: به دست فرشتگانی قرار دارد که آن را از لوح محفوظ می نویسند.
- 16- ﴿بَرَزَةٍ﴾: به فرمان خدا هستند یا صادقند.
- 17- ﴿قُتِلَ الْإِنْسَانُ﴾: کافر دور ساخته یا به عذاب گرفتار شود.
- 19- ﴿فَقَدَرَهُ﴾: او را از حالتی به حالت دیگر سامان داد تا این که خلقتش کامل شد یا او را برای آنچه شایسته آن است آماده کرد.
- 20- ﴿السَّبِيلَ يَسْرُهُ﴾: راه‌های هدایت و گمراهی را بر او آسان ساخت.
- 21- ﴿فَأَقْبَرَهُ﴾: برای گرامی داشت مقام انسان دستور داد به قبر دفن شود.
- 22- ﴿أَنْشَرَهُ﴾: بعد از مرگ او را زنده می کند.
- 23- ﴿لَمَّا يَفِضْ مَا أَمَرَهُ﴾: دستورات او تعالی را به جان نکرده بلکه کوتاه‌ی ورزیده است.
- 26- ﴿شَقَقْنَا الْأَرْضَ﴾: زمین را با رویاندن گیاه یا کشت شکافتیم.
- 28- ﴿فَضْبًا﴾: علف تازه برای چارپایان، مانند شبدر.
- 30- ﴿حَدَائِقِ غُلَبًا﴾: باغ‌های بزرگ پر درخت.
- 31- ﴿أَبًا﴾: علف و گیاه یا کاه.

- 33- ﴿جَاءَتْ الصَّاحَّةُ﴾: صدای شدید بیاید و گوش‌ها را کر کند، نفخه دوم.
 38- ﴿مُسْفِرَةٌ﴾: روی مسلمان‌ها درخشان است.
 40- ﴿عَبْرَةٌ﴾: غبار و کدورت است، بر روی کفار.
 41- ﴿تَرَهُّفَهَا قَتْرَةٌ﴾^(۱): تاریکی و سیاه‌ی آن روی‌ها را بیپوشاند.

سوره تکویر

- 1- ﴿السَّمْسُ كَوِّرَتْ﴾: روشنایی آفتاب از بین برده شود یا در هم پیچیده شود.
 2- ﴿النُّجُومُ أَنْكَدَرَتْ﴾: ستارگان سقوط کنند.
 3- ﴿الْحِبَالُ سُيِّرَتْ﴾: کوه‌ها کنده شوند.
 4- ﴿الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾: شتران ماده باردار بدون نگاه‌بان رها کرده شوند.
 5- ﴿الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾: جانوران وحشی از هر طرف جمع کرده شوند.
 6- ﴿الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾: دریاها آتش شعل‌هور گردند.
 7- ﴿النَّفُوسُ زُوِّجَتْ﴾: هر کس با هم‌تای خود جفت کرده شود.
 8- ﴿الْمَوءُ وَدَةٌ﴾: دخترزنده به گور.
 10- ﴿الْصُّحُفُ نُذِرَتْ﴾: نامه‌های اعمال پخش شود.
 11- ﴿السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾: آسمان برکنده شود.
 12- ﴿الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ﴾: دوزخ برای تعذیب کافرا شعل‌هور گردد.
 13- ﴿الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ﴾: بهشت را نزدیک پرهیزگاران بیاورند.
 14- ﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ﴾^(۱): هر کس به اعمال نیک و بد خود آگاه شود،
 جوابِ اِذَا است.
 15- ﴿فَلَا أَقْسَمُ﴾: سوگند می‌خورم «لا» زاید است.
 15- ﴿بِالْحُنَّسِ﴾: به ستارگان سیار که روزها به افق پن‌هان و شب ظاهر می‌شوند.

- 17- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ﴾: و قسم به شب هنگامی که تاریک شود یا تاریکی آن پایان یابد.
- 18- ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾: و قسم به صبح هنگامی که بدرخشد یا جهان را روشن کند.
- 19- ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ﴾: بدون شک قرآن کلام فرستادهٔ پروردگار، جبریل است که از سوی خدا آورده، جواب قسم.
- 20- ﴿مَكِينٍ﴾: دارای مقام رفیع و بزرگ است.
- 23- ﴿رِءَاءُ﴾: پیامبر جبریل را به صورت اصلیش دیده است.
- 24- ﴿الْغَيْبِ﴾: وحی و خبر آسمان‌ها.
- 24- ﴿بِضُنِينٍ﴾: بخیل که به رساندن وحی کوتاه می‌کند.

سوره انفطار

- 1- ﴿السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾: هنگام وقوع قیامت آسمان شکافته شود.
- 2- ﴿الْكَوَاكِبُ أَنْتَرَتْ﴾: ستارگان پراکنده می‌شوند و سقوط می‌کنند.
- 3- ﴿الْبِحَارُ فُجِرَتْ﴾: کناره‌ها شق شود و همه به یک بحر تبدیل گردند.
- 4- ﴿الْقُبُورُ بُعِثَتْ﴾: خاک قبرها زیر و رو گردد و مرده‌ها بیرون آیند.
- 6- ﴿مَا عَرَكَ بِرَبِّكَ﴾: چه تو را فریفت و به عصیان در برابر خدا جسورت ساخت؟
- 7- ﴿فَسَوَّكَ﴾: و اندامت را برابر و سالم ساخت.
- 7- ﴿فَعَدَلَكْ﴾: راست و خوش اندامت کرد.
- 9- ﴿تُكَدِّبُونَ بِاللِّدِينِ﴾: از رستخیزی قیامت یا اسلام منکرید.
- 13- ﴿الْأَبْرَارَ﴾: نیکوکاران با ایمان.
- 15- ﴿يَصْلَوْنَهَا﴾: درج‌نم داخل می‌شوند یا سختی گرمای آن را می‌کشند.

سوره مطففین

- 1- ﴿وَيْلٌ﴾: عذاب یا هلاکت باد یا وادی است درجه‌نم.
- 1- ﴿لِلْمُطَفِّينَ﴾: به کسانی که حقوق دیگران را در وزن و پیمان ه کم می‌کنند.
- 2- ﴿اَكْتَالُوا﴾: به پیمان ه و وزن بگیرند.
- 3- ﴿كَالْوَهْمِ﴾: به دیگران با پیمان ه بدهند.
- 3- ﴿وَزُنُوهُمْ﴾: به دیگران به وزن بدهند.
- 3- ﴿يُخْسِرُونَ﴾: وزن و پیمان ه را کم می‌کنند.
- 6- ﴿لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: به دستور پروردگار ه ان.
- 7- ﴿كِتَابِ الْفَجَّارِ﴾: نامه اعمال بدکاران.
- 7- ﴿لَفِي سَجِينٍ﴾: در دیوان شرثبت است.
- 9- ﴿كِتَابٌ مَّرْقُومٌ﴾: کتابی که به وضاحت نوشته شده یا دارای علامت خاص است.
- 12- ﴿مُعْتَدٍ﴾: بدکار و متجاوز از راه حق.
- 13- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: چیزه‌ای باطلی که در کتب آن ه اثبت است.
- 14- ﴿كَلًّا﴾: چنین نیست.
- 14- ﴿رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾: بردل آن ه غالب شده یا م‌رن هاده است.
- 16- ﴿لِصَالُوا الْجَحِيمِ﴾: یقیناً به دوزخ داخل می‌شوند یا سختی آن را می‌چشند.
- 18- ﴿كِتَابِ الْأَبْرَارِ﴾: نامه اعمال نیکوکاران.
- 18- ﴿لَفِي عَلِيَّينَ﴾: در دیوان خیرثبت است.
- 23- ﴿عَلَى الْأَرَائِكِ﴾: تخت‌های گذاشته شده در حجل هه.
- 24- ﴿نَضْرَةَ النَّعِيمِ﴾: شادابی و تازگی نعمت هارا.
- 25- ﴿رَجِيقٍ﴾: باده ناب.
- 25- ﴿مَخْتُوٍ﴾: در ظرف‌های سربسته تا نیکوکاران خود آن را باز کنند.
- 26- ﴿خِثْمُهُ وَمِسْكٌ﴾: م‌ر ظرف‌های بهشت از مُشک است.

- 26- ﴿فَلْيَتَنَفَّسْ﴾: پس بشتابند یا بریکدیگر پیشی گیرند.
- 27- ﴿مِرْأَجَه﴾: ترکیب آن.
- 27- ﴿تَسْنِيمٍ﴾: چشم‌های که شراب آن به‌ترین شراب است.
- 28- ﴿يَشْرَبُ بِهَا﴾: از آن می‌نوشند.
- 30- ﴿يَتَعَامَرُونَ﴾: به استهزاء به سوی آن‌ها با چشم اشاره می‌کردند.
- 31- ﴿فَكَيْهِنَّ﴾: از این‌که مسلمان‌ها را ناچیز می‌شمردند لذت می‌بردند.
- 36- ﴿ثُوبَ الْكُفَّارِ﴾: کافره‌ای که مؤمنان را تمسخر می‌کردند جزا داده شدند.

سوره انشقاق

- 1- ﴿السَّمَاءُ انشَقَّتْ﴾: روز قیامت آسمان پاره پاره شود.
- 2- ﴿أَذْنَتْ لِرَبِّهَا﴾: آسمان گوش به فرمان خدا سپارد و مطیع باشد.
- 2- ﴿حَقَّتْ﴾: شایسته است که فرمان بردار باشد.
- 3- ﴿الْأَرْضُ مَدَّتْ﴾: زمین گسترده و هموار شود.
- 4- ﴿أَلْقَتْ مَا فِيهَا﴾: زمین مردگان را بیرون می‌اندازد.
- 4- ﴿تَخَلَّتْ﴾: کاملاً خالی می‌شود.
- 6- ﴿كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ﴾: با تلاش و رنج به ملاقات پروردگارت روانی.
- 6- ﴿فَمَلَقِيهِ﴾: پس ناگزیر جزای عمل خویش را خواهی دید.
- 11- ﴿يَدْعُوا ثُبُورًا﴾: مرگ می‌خواهد و می‌گوید: ای مرگ به دادم برس.
- 12- ﴿يَصْلَى سَعِيرًا﴾: به دوزخ داخل می‌شود یا زحمت آن را می‌کشد.
- 14- ﴿لَنْ يَجُورَ﴾: هرگز به سوی خدا بر نمی‌گردد، به رستاخیز منکر است.
- 16- ﴿فَلَا أَقْسِمُ﴾: سوگند می‌خورم «لا» زاید است.
- 16- ﴿بِالسَّفْقِ﴾: به شفق، سرخی افق بعد از غروب.
- 17- ﴿مَا وَسَقَ﴾: آنچه جمع می‌کند که در روز پراکنده بود.

- 18- ﴿أَتَسْقُ﴾: فروغش کم کم کامل و بدر گردد.
- 19- ﴿لَتَرْكَبُنَّ﴾: ای انسان، می رسی، جواب قسم است.
- 19- ﴿طَبَقًا﴾: به حالت های گوناگون که در شدت و سختی مطابق هم هستند.
- 23- ﴿بِمَا يُوعُونَ﴾: کارهای ناشایست را پنهان یا جمع می کنند.
- 25- ﴿عَيْرٌ مَّمْنُونٍ﴾: انقطاع ناپذیر.

سوره بروج

- 1- ﴿وَالسَّمَاءِ﴾ به آسمان قسم.
- 1- ﴿ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾: دارای منازل مشهور برای ستارگان.
- 2- ﴿وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ﴾: روز قیامت.
- 3- ﴿شَاهِدٌ﴾: کسی که در آن روز درباره دیگران گواهی می دهد.
- 3- ﴿مَشْهُودٌ﴾: کسی که در آن روز دیگران درباره اش گواهی می دهند.
- 4- ﴿قَتِيلٌ﴾: مورد لعنت قرار گرفتند، جواب قسم.
- 4- ﴿الْأَخْذُودِ﴾: گودال بزرگ مانند خندق.
- 8- ﴿مَا نَقْمُوا﴾: هیچ عیبی نگرفتند و زشت و ناپسند نشمردند.
- 10- ﴿فَتَنُوا﴾: شکنجه کردند یا سوزاندند.
- 12- ﴿بَطْشَ رَبِّكَ﴾: مجازات پروردگارت بر تعذیب ستمگران سرکش.
- 13- ﴿هُوَ يُبْدِي﴾: او آغازگر آفرینش به قدرت خود است.
- 13- ﴿يُعِيدُ﴾: مردگان را روز قیامت زنده می کند.
- 14- ﴿الْوَدُودِ﴾: بزرگوار و دوستدار اولیای خود است.
- 15- ﴿الْمَجِيدُ﴾: با جاه و جلال است.

سوره طارق

- 1- ﴿وَالطَّارِقِ﴾: قسم به ستارهٔ رخشنده در شب‌ها.
- 3- ﴿التَّجْمُ الْقَاقِبُ﴾: ستارهٔ درخشان و روشن کننده تاریکی یا عالی و بلند است.
- 4- ﴿إِنْ كُلُّ نَفْسٍ﴾: هیچ کسی نیست، جواب قسم است.
- 4- ﴿لَمَّا عَلَيْهَا﴾: مگر براو.
- 4- ﴿حَافِظٌ﴾: نگاه‌بان است، مراد ذات او تعالی است.
- 6- ﴿مَاءٍ﴾: آبی مخلوط از آب مرد وزن.
- 6- ﴿دَافِقٌ﴾: جهنده که به سرعت در رحم می‌ریزد.
- 7- ﴿مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ﴾: از پشت مرد وزن.
- 7- ﴿وَالترَّابِ﴾: استخوان سینه یا اطراف بدن هردو، یا از تمام بدن هردو، پشت و سینه کنایه از تمام بدن است.
- 8- ﴿رَجْعِهِ﴾: زنده کردن انسان بعد از فنا.
- 9- ﴿تُبْلِ السَّرَائِرِ﴾: اسرار قلب‌ها آشکار می‌شود.
- 11- ﴿ذَاتِ الرَّجْعِ﴾: دارای باران، چون باران باره به زمین می‌بارد.
- 12- ﴿ذَاتِ الصَّدْعِ﴾: دارای شکاف که گیاهان از آن می‌رویند.
- 13- ﴿لَقَوْلٍ فَصْلٌ﴾: یقیناً قرآن جدا کننده حق از باطل است.
- 16- ﴿أَكِيدُ كَيْدًا﴾: من هم برابر اعمالشان آن‌ها را مجازات می‌کنم.
- 17- ﴿فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ﴾: به تعذیب و نابودی کافران شتاب نکن.
- 17- ﴿أَمَهُلُهُمْ رُويْدًا﴾: اندک زمانی به آن‌ها مهلت بده، تا گرفتار عذاب شوند.

سورهٔ اعلیٰ

- 1- ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ﴾: اسم پروردگارت را از آنچه شایسته او نیست پاک و منزّه بدان.⁽¹⁾

1- بقیه آی، یعنی کلمه «الْأَعْلَى» را ذکر نکرده است. معنایش چنین است که خداوند بالاتر از هر چیزی است و از باب «أَفْعَل تَفْضِيلًا» است و بیانگر این است که خداوند دارای علو است با تمامی مفاهیمی

- 2- ﴿خَلَقَ﴾: تمام اشیا را به قدرت خود آفریده است.
- 2- ﴿فَسَوَّيْ﴾: نظام خلقت را منظم و استوار ساخت.
- 3- ﴿قَدَّرَ﴾: موجودات را به اندازه‌های مخصوص قرار داد.
- 3- ﴿فَهَدَى﴾: و موجودات را به سوی چیزه‌ای که برایشان شایسته است هدایت کرد.
- 4- ﴿أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾: گیاهان سبز و خرم رویانید.
- 5- ﴿فَجَعَلَهُ غُثَاءً﴾: سپس این گیاه سبز را مانند خاشاک خشک و ریزریز کرد.
- 5- ﴿أَحْوَى﴾: سیاه.
- 6- ﴿سَنُقْرِئُكَ﴾: بزودی قرآن را بر تو قرائت می‌کنیم.
- 6- ﴿فَلَا تَنْسَى﴾: هرگز فراموش نخواهی کرد، از قوت حافظه.
- 8- ﴿نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى﴾: تو را به راه آسان هدایت می‌کنیم.
- 12- ﴿يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى﴾: به ج‌ه‌نم داخل می‌شود یا سختی آتش سوزان او را می‌چشد.
- 14- ﴿أَفَلَحَ﴾: به خواسته خود پیروز شد.
- 14- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و عصیان پاکی جست.
- 18- ﴿إِنَّ هَذَا﴾: بدون شک حقایقی که در چ‌ه‌ار آیه قبل ذکر شد.

سوره غاشیه

- 1- ﴿الْغَشِيَّةِ﴾: قیامت که حوادث هول‌انگیزش هم‌ه‌را فرامی‌گیرد.
- 2- ﴿خَلْشَعَةً﴾: از رسوایی حقیر و ه‌راسانند.
- 3- ﴿عَامِلَةٌ﴾: زنجیره و غل‌ه‌را در دوزخ با خود می‌کشند.

که‌ه‌ علو در بر دارد. بنابراین، او بالاتر است از نظر قدر و منزلت، او بالاتر است در چیرگی و غلبه و ذات‌الل‌ه‌ نیز بالاتر از هر چیزی است و ذکر نام‌اعلی‌ در این بخش از آی‌ه‌ بیانگر علت شایستگی خداوند برای تسبیح و پاک دانسته شدن از کاستی‌ه‌ و نقایص است. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشت‌ه‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- 3- ﴿نَاصِبَةٌ﴾: از عذاب و محنت دوزخ خسته و رنجورند.
- 4- ﴿تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً﴾: به آتش سوزان داخل می شود یا رنج و محنت آن را می کشد.
- 5- ﴿عَيْنٍ ءَانِيَةٍ﴾: چشم ه جوشان.
- 6- ﴿صَّرِيحٌ﴾: چیزی است در آتش، مانند خارزه آگین و بد بوی.
- 7- ﴿لَا يُغْنِي مِّنْ جُوعٍ﴾: گرسنگی را رفع نمی کند.
- 8- ﴿نَاعِمَةٌ﴾: شاداب، زیبا و تروتاز هاند.
- 11- ﴿لَٰغِيَةً﴾: سخن باطل و بی هوده.
- 13- ﴿سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾: تخت های بلند یا عالی قدر.
- 14- ﴿أَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ﴾: پیش به هشتی ه جام ه را گذاشت هاند تا از آن بنوشند.
- 15- ﴿نَمَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ﴾: پشته ه و نازبالش ه کنار ه م گذاشته شده هاند.
- 16- ﴿زَرَائِبٌ مَّبْتُوثَةٌ﴾: در مجالس به هشتی ه فرش های فاخر گسترده است.
- 17- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ﴾: آیا به دقت نمی اندیشند تا درک نمایند.
- 22- ﴿يُمَصِّطِرِي﴾: مسلط و اجبار کننده.
- 25- ﴿إِيَابَهُمْ﴾: بازگشت آن ه، به روز رستاخیز.

سوره فجر

- 1- ﴿وَالْفَجْرِ﴾: به سپیده دم قسم.
- 2- ﴿لَيَالٍ عَشْرٍ﴾: به ده شب اول ذی الحج ه قسم.
- 3- ﴿وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ﴾: به روز عید قربان و روز عرف ه قسم.
- 4- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسَّرَ﴾: قسم به شب چون سپری شود یا در آن راه سپرند.
- 5- ﴿هَلْ فِي ذَٰلِكَ﴾: آیا در آنچه ذکر شد و ما به او قسم یاد کردیم.
- 5- ﴿قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ﴾: سوگندی است سزاوار تعظیم در نزد خردمندان - آری، ما کافران را حتمی عذاب و شکنج ه می کنیم، جواب قسم است.

- 6- ﴿بِعَادٍ﴾: با قوم هود، به نام پدریاد می شوند.
- 7- ﴿إِرمَ﴾: ارم نام پدر کلان ایشان است این قبیل ه به این نام یاد می شوند.
- 7- ﴿ذَاتِ الْعِمَادِ﴾: دارای نیرو و قدرت یا دارای کاخ های بلند و استوار به ستون ها.
- 9- ﴿جَابُوا الصَّخْرَ﴾: سنگ را می بردند و در آن خانه می ساختند.
- 10- ﴿ذِي الْأَوْتَادِ﴾: صاحب سپاه بزرگ که سلطنت او را استوار می داشتند.
- 13- ﴿سَوْطَ عَذَابٍ﴾: تازیانه عذاب، درد آور و دایمی را.
- 14- ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِ الْمِرْصَادِ﴾: به یقین خدای تو مراقب اعمال آن ها و پاداش دهنده است.
- 15- ﴿أَبْتَلَنَّهُ رَبُّهُ﴾: پروردگارش او را به نعمت و یا رنج بیازماید.
- 16- ﴿فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ﴾: روزیش را کم کند.
- 17- ﴿كَلَّا﴾: زجر و توبه دید است برای انسان درباره آنچه در این دو حالت گفته است.
- ﴿بَل﴾: بلکه اعمال شما بدتر از آن است.
- 18- ﴿لَا تَحْضُونَ﴾: یکدیگر را تشویق نمی کنید.
- 19- ﴿تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ﴾: میراث زنان و کودکان را می خورید.
- 19- ﴿أَكْثَلَا لَمَّا﴾: حلال و حرام را یکجا می خورید.
- 20- ﴿حُبًّا جَمًّا﴾: حرص و آزار حد افزون.
- 21- ﴿دُكَّتِ الْأَرْضُ﴾: زمین با تکان های سخت کوبیده و ریزش می شود.
- 21- ﴿دَكَّا دَكًّا﴾: کوبیدن پیاپی تا این که گرد و غبار گردد.
- 22- ﴿وَالْمَلَكِ﴾: فرشته های آسمان ها.
- 23- ﴿أَنَّى لَهُ الْإِدْكَرَى﴾: از کجا این پند برای او نفع رساند؟ خیلی بعید است.
- 26- ﴿لَا يُؤْتِقُ﴾: به غل و زنجیر بسته نشود.

- 1- ﴿لَا أُقْسِمُ﴾: قسم می خورم «لا» زاید است.
- 1- ﴿بِهَذَا الْبَلَدِ﴾: به این شهر.
- 3- ﴿وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ﴾: قسم به آدم و فرزندانش یا فرزندان صالح او.
- 4- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ﴾: بدون شک انسان را آفریدیم، جواب قسم.
- 4- ﴿كَبِدٍ﴾: مشقت و رنج کشیدن.
- 6- ﴿أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾: من مال فراوانی را برای کسب افتخار و بزرگ منشی نابود کردم.
- 10- ﴿هَدَيْنَاهُ آلَ الْجَدِّينَ﴾: راه خوب و بدر را به او نشان دادیم.
- 11- ﴿فَلَا أُقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾: پس چرا در کار خیر تلاش نکرد.
- 13- ﴿فَكَ رَقَبَةٍ﴾: آزاد کردن برده‌ای.
- 14- ﴿ذِي مَسْعَبَةٍ﴾: قحطی و گرسنگی.
- 15- ﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾: یتیم خویشاوند.
- 16- ﴿مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾: بینوای خاکنشین و نیازمند.
- 17- ﴿بِالْمَرْحَمَةِ﴾: به مهربانی با یکدیگر.
- 18- ﴿أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾: اهل سعادت یا جانب راست.
- 19- ﴿أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾: افراد شوم یا ناحی‌ه‌چپ.
- 20- ﴿نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾: آتشی که آن‌ها را احاطه کرده و امکان فرار ندارند.

سوره شمس

- 1- ﴿وَالشَّمْسِ﴾: به آفتاب قسم.
- 1- ﴿وَضَحَلَهَا﴾: به روشنائی آن قسم.
- 2- ﴿تَلَّهَا﴾: بعد از غروب آفتاب ماه پرتو افشاند.
- 3- ﴿جَلَدَهَا﴾: آفتاب را بر بینندگان آشکار کند.
- 4- ﴿يَعْشَلَهَا﴾: هنگام غروب، آفتاب را پنهان کند و کرانه‌های آسمان تاریک گردد.

- 5- ﴿مَا بَدَّلَهَا﴾: خدای که آسمان را آفرید.
- 6- ﴿مَا طَحَّنَهَا﴾: ذاتی که زمین را گسترده و نرم و هموار ساخت.
- 7- ﴿مَا سَوَّيَهَا﴾: ذاتی که اعضای وی را متناسب ساخت و نیرو بخشید.
- 8- ﴿فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾: سرکشی، طاعت و خیر و شر او را.
- 9- ﴿قَدْ أَفْلَحَ﴾: به خواست هاشم دست یافت و رستگار شد، جواب قسم است.
- 9- ﴿مَنْ زَكَّيْهَا﴾: کسی که نفس را تزکیه کرد و به پرهیزگاری افزود.
- 10- ﴿قَدْ خَابَ﴾: زیانمند شد.
- 11- ﴿يَطْعُونَهَا﴾: به سبب گمراهی و بیدادگری‌های خود.
- 12- ﴿أَتَّبَعَتْ أَشْقَاهَا﴾: شقی‌ترین آن‌ها به سرعت برخاست که پی شتر را ببرد.
- 13- ﴿نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾: از بریدن پی شتر و دست درازی به سهم آب آن بر حذر باشید.
- 14- ﴿فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ﴾: نابودشان ساخت و هم‌راهِ دچار عذاب کرد.
- 14- ﴿فَسَوَّيْنَاهَا﴾: هم‌راهِ را یکسان هلاک کرد.
- 15- ﴿عُقْبَاهَا﴾: از فرجام این مجازات.

سوره لیل

- 1- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ﴾: قسم به شب وقتی که هم‌جاتاریک شود.
- 2- ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾: قسم به روز چون روشن شود.
- 4- ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ﴾: بدون شک جزای اعمال شما مختلف است، جواب قسم.
- 6- ﴿صَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ﴾: به آیین برتر باور داشت، اسلام.
- 7- ﴿فَسَسَّيْرُهُ﴾: پس به زودی راه‌نمایی و آماده‌اش می‌کنیم.
- 7- ﴿لِلْيُسْرَىٰ﴾: به خوی و عادت‌هایی که باعث سهولت و راحت است.
- 10- ﴿لِلْعُسْرَىٰ﴾: به خوی و خصلتی که موجب سختی و دشواری است.
- 11- ﴿مَا يُعْنَىٰ﴾: عذاب را از او دفع نخواهد کرد.

- 11- ﴿تَرَدَّى﴾: هلاک شود یا در دوزخ سقوط کند.
- 12- ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾: به یقین راه‌نمایی بر عهده ماست.
- 14- ﴿نَارًا تَلَطَّى﴾: آتشی که شعل‌ه‌ور و افروخت‌ه می‌گردد.
- 15- ﴿لَا يَصْلَهُنَّ﴾: به آن داخل نمی‌شود یا محنت گرمای او را نمی‌کشد.
- 17- ﴿سَيُجَنَّبُهَا﴾: به زودی از آن دور داشته می‌شود.
- 18- ﴿يَتَزَكَّى﴾: به واسطه آن از گناه پاک شود.
- 19- ﴿مُجْرَىٰ﴾: به او پاداش داده شود، درباره ابوبکر صدیق نازل شده است.

سوره ضحیٰ

- 1- ﴿وَالضُّحَىٰ﴾: قسم به وقت ارتفاع آفتاب.
- 2- ﴿سَجَىٰ﴾: آرامش یابد یا بسیار تاریک شود.
- 3- ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ﴾: پروردگارت از وقتی تو را برگزیده ترکت نکرده جواب قسم است.
- 3- ﴿مَا قَلَىٰ﴾: از زمانی که تو را دوست داشت بر تو خشمگین نشده است.
- 6- ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ﴾: آیا خدایت از تو آگاه نبود، بدون شک بود.
- 6- ﴿يَتِيمًا﴾: پدرت قبل از به دنیا آمدنت از جهان رفت‌ه بود.
- 6- ﴿فَأَوَىٰ﴾: و تو را به کسی ملحق کرد که نگه‌بان و سرپرست باشد.
- 7- ﴿ضَالًّا﴾: ناآگاه از احکام شرع.
- 7- ﴿فَهَدَىٰ﴾: به تو وحی فرستاد و به راه روشن هدایت کرد.
- 8- ﴿عَابِلًا﴾: فقیر و تنگ‌دست.
- 8- ﴿فَأَعْنَىٰ﴾: با آنچه برایت بخشید خوشنودت کرد.
- 9- ﴿فَلَا تَقْهَرْ﴾: مال یتیم را تصاحب و تحقیرش نکن.
- 10- ﴿فَلَا تَنْهَرْ﴾: سائل را زجر و طرد نکن با او مهربان باش.

سوره شرح

- 1- ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ﴾: آیا برای حکمت و نبوت فراخ نساختیم- به یقین ساختیم.
- 2- ﴿وَضَعْنَا عَنكَ﴾: بر تو سبک و آسان کردیم.
- 2- ﴿وَزُرْكَ﴾: بارت را، بار سنگین رسالت.
- 3- ﴿الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ﴾: باری که بر دوشت سنگینی می کرد.
- 7- ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ﴾: پس هنگامی که از عبادتی فارغ شدی.
- 7- ﴿فَأَنْصَبْ﴾: به عبادت دیگری بکوش.
- 8- ﴿فَارْغَبْ﴾: در همه احوال متوجه خدا باش.

سوره تین

- 1- ﴿وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾: قسم به سرزمین مبارکی که انجیر و زیتون در آنجا می روید.
- 2- ﴿طُورِ سِينِينَ﴾: قسم به طور سینا، کوه محل مناجات موسی.
- 3- ﴿الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾: مکه مکرمه.
- 4- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا﴾: به یقین انسان را آفریدیم، جواب قسم است به چه از چیز قبلی.
- 5- ﴿أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ﴾: اعتدال کامل و صورت زیبا.
- 5- ﴿رَدَدْنَاهُ﴾: کافران یا انسان را بازگردانیدیم.
- 5- ﴿أَسْفَلَ سَفِيلِينَ﴾: به دوزخ یا نهایت سالخوردگی و پست ترین دوران عمر.
- 6- ﴿عَيْرٌ مَّمْنُونٍ﴾: انقطاع ناپذیر.
- 7- ﴿بِالْيَدَيْنِ﴾: به روز جزاء بعد از رستاخیز و حساب.

سوره علق

- 2- ﴿عَلَقٌ﴾: خون بسته، منی به این حالت تحوّل یافته است.

- 4- ﴿عَلَّمَ﴾: به انسان نوشتن با قلم را آموخت.
- 6- ﴿كَلَّا﴾: در حقیقت.
- 6- ﴿لِيَطَّعَى﴾: به یقین در نافرمانی از حد تجاوز می کند.
- 8- ﴿الرُّجْعَى﴾: بازگشت در آخرت برای جزاء.
- 9- ﴿أَرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- 15- ﴿لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾: از موی پیشانی او گرفت به دوزخ می کشانیم.
- 17- ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾ (۱۷): اهل مجلس، قوم و قبیل ه خود را صدا بزند.
- 18- ﴿سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾ (۱۸): ما هم ملائکه عذاب را می خواهیم تا او را به دوزخ بکشند.

سوره قدر

- 1- ﴿أَنْزَلْنَاهُ﴾: نزول قرآن کریم را آغاز کردیم.
- 1- ﴿لَيْلَةَ الْقَدْرِ﴾: شب پرشرف و با عظمت.
- 4- ﴿الرُّوحِ﴾: جبریل.
- 4- ﴿مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾: برای هر امری از خیر و برکت.
- 5- ﴿سَلَّمَ هِيَ﴾: شبی است سرتاسر سلامت برای اولیای خدا و اهل طاعت.

سوره بینه

- 1- ﴿مُنْفَكِينَ﴾: آیین خود را ترک نمی کنند.
- 1- ﴿تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾: دلیل روشن برای آن ها بیاید مرادشان رسول خداست.
- 2- ﴿صُحُفًا﴾: صحیفه های که قرآن نوشته است.
- 2- ﴿مُطَهَّرَةً﴾: منزه از باطل و شک و تردید.
- 3- ﴿فِيهَا كُتِبَ﴾: در آن آیات و احکام نوشته است.

- 3- ﴿قَيِّمَةٌ﴾: راست، درست و محکم.
- 4- ﴿مَا تَفَرَّقَ﴾: اهل کتاب به مؤمن و کافر متفرق نشدند [بلکه همه یکسان پیامبر آخر زمان را تکذیب کردند].
- 4- ﴿جَاءَتْهُمْ أَلْبَيِّنَةُ﴾: دلیل آشکار برای هدایت آن‌ها آمد و سزاوار بود که متفرق نشوند.
- 5- ﴿الَّذِينَ﴾: عبادت را.
- 5- ﴿حُفَاءَ﴾: از باطل دور و به اسلام مایل باشند.
- 5- ﴿دِينِ الْقَيِّمَةِ﴾: دین راست و درست یا کتاب‌های که حق را از باطل جدا می‌کنند.
- 6- ﴿الْبَرِيَّةِ﴾: مخلوقات یا بنی آدم.

سوره زُلْزَلَه

- 1- ﴿زُلْزَلَتِ الْأَرْضُ﴾: زمین هنگام نفخه اول به شدت و پیاپی تکان داده شود.
- 2- ﴿أَثْقَالَهَا﴾: گنج‌ها و مرده‌های بطن خود را در نفخه دوم.
- 4- ﴿تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾: هر چه بر روی آن انجام شده بیان نماید.
- 6- ﴿يَصْدُرُ النَّاسُ﴾: انسان از قبرها بیرون و به سوی محشر روان می‌شود.
- 6- ﴿أَشْتَاتًا﴾: پراکنده مطابق احوال خود.
- 7- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا ذره.

سوره عَادِيَات

- 1- ﴿وَالْعَادِيَاتِ﴾: به اسب‌های دوندۀ در عرصه کارزار قسم.
- 1- ﴿ضَبْحًا﴾: صدای نفس اسب‌هاست هنگام دویدن.
- 2- ﴿فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا﴾: از برخورد تند سم اسب‌ها با سنگ‌ها جرقه آتش می‌جهد.
- 3- ﴿فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾: و غافلگیر کنندگان دشمن هنگام صبح.
- 4- ﴿فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا﴾: هنگام صبح گرد و غبار برانگیختند.

- 5- ﴿فَوَسَّطَنَ بِهِ جَمْعًا﴾: در آن هنگام در قلب دشمن یورش بردند.
- 6- ﴿الْإِنْسَانَ﴾: سرشت انسان مگر آن‌ها که مورد رحمت خدا باشند، جواب قسم است.
- 6- ﴿لَا كُنُودٌ﴾: ناسپاس و منکر حق است.
- 8- ﴿إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ﴾: همانا انسان در مال دوستی.
- 8- ﴿لَشَدِيدٌ﴾: برای بدست آوردن آن خیلی کوشا و حریص است.
- 9- ﴿بُعْثِرَ﴾: بیرون آورده و پراکنده شود.
- 10- ﴿حُصِّلَ﴾: فاش شود یا متمایز گردد.

سوره قارعه

- 1- ﴿الْقَارِعَةُ﴾: قیامت که با صحنه‌های هول انگیزش دل‌ه‌ارامی کوید.
- 4- ﴿كَالْفَرَّاشِ﴾: مانند پروانه.
- 4- ﴿الْمَبْثُوثِ﴾: پراکنده.
- 5- ﴿كَالْعِهْنِ﴾: مانند پشم رنگارنگ.
- 5- ﴿الْمَنْفُوشِ﴾: پراکنده شده با انگشت و مانند آن.
- 6- ﴿ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ﴾: مقدار حسنات وی رجحان یابد.
- 8- ﴿حَقَّتْ مَوَازِينُهُ﴾: اندازه کارهای زشتش رجحان یابد.
- 9- ﴿فَأُمُّهُ وَهَاوِيَةٌ﴾: جای او جهنم است که در آن سقوط می‌کند.
- 10- ﴿مَا هِيَ﴾: او چیست، «۵» برای سکت‌ه است

سوره تکوین

- 1- ﴿الْهَٰكُمُ﴾: شمارا از خدا غافل کرده است.
- 1- ﴿التَّكَاثُرُ﴾: افتخار به کثرت اموال دنیا.

- 2- ﴿زُرْتُمْ الْمَقَابِرَ﴾: مرید و ب به قبر دفن شدید.
- 5- ﴿لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾: اگر از عاقبت خود ب به یقین آگاه می بودید مباحات ب به مال دنیا شما را از خدا غافل نمی کرد.
- 6- ﴿لَتَرُونَ الْجَحِيمَ﴾: قطعاً شما ج ه ن م را می بینید.
- 7- ﴿عَيْنَ الْيَقِينِ﴾: ب به مشاهده چشم.
- 8- ﴿التَّعِيمِ﴾: نعمت ه ای که شما را از طاعت خدا غافل کرد.

سوره عَصْر

- 1- ﴿وَالْعَصْرِ﴾: قسم ب به زمان یا عصر نبوت.
- 2- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ﴾: جنس انسان، جواب قسم است.
- 2- ﴿لَفِي خُسْرٍ﴾: در خسران، نقصان و نابودی است.
- 3- ﴿تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾: یکدیگر را ب به خیر عملی و اعتقادی وصیت کرده اند.
- 3- ﴿تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾: یکدیگر را ب به خودداری از گناه و شکیبایی در برابر سختی ه اتوصی ه کرده اند.

سوره هُمَزَه

- 1- ﴿وَيْلٌ﴾: عذاب یا ه لاکت باد یا وادی است درج ه ن م.
- 1- ﴿هُمَزَةٌ لَّمْرَةٌ﴾: بد زبان، غیبت گو و عیب جو.
- 2- ﴿عَدَدَةٌ﴾: او را شمار کرده یا برای حوادث و پیش آمده ای ب د م یا کرده است.
- 3- ﴿أَخْلَدَهُ﴾: مالش او را در دنیا جاودان می کند.
- 4- ﴿لِيُثَبِّدَنَّ﴾: حتماً انداخته می شود.
- 4- ﴿فِي الْخُطْمَةِ﴾: درج ه ن م، برای این که ه رچه در او پرتاب شود خرد می کند.
- 7- ﴿تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئَةِ﴾: گرمای آن در قلب ه انفوذ می کند.

8- ﴿مُؤَصَّدَةٌ﴾: سرپوشیده و دربسته است.

سوره فیل

- 1- ﴿بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾: به صاحبان فیل این قصه به سال اول ولادت پیامبر خدا واقع شده است.
- 2- ﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ﴾: آیا تلاش ایشان برای تخریب کعبه را قرار نداد.
- 2- ﴿تَضَلِيلٍ﴾: تباهی و بی‌هودگی.
- 3- ﴿طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾: پرندگان ابابیل را دست‌ه‌دست‌ه‌دستی در پی.
- 4- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل پخته مانند سنگ، خشت پخته.
- 5- ﴿كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾: مانند گاه‌گه چارپا بخورد و سرگین افکند.

سوره قریش

- 1- ﴿لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ﴾: شگفت‌نماید به انس و الفت دادن قریش به سفره‌ای زمستانی و تابستانی و سرپیچی آن‌ها از عبادت پروردگار کعبه.

سوره ماعون

- 1- ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي﴾: مرا آگاه کن کسی که تکذیب می‌کند کیست؟
- 1- ﴿يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ﴾: از ستاخیز منکر است جزای اعمال را تکذیب می‌کند.
- 2- ﴿يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾: حق یتیم را به شدت پا مال می‌کند.
- 3- ﴿لَا يُحِضُّ﴾: کسی را تشویق نمی‌کند.
- 4- ﴿فَوَيْلٌ﴾: عذاب یا نابودی یا وادبی است درجه‌نم.
- 4- ﴿لِّلْمُصَلِّينَ﴾: برای نماز گزارانی که به منافقت یا ریا نماز می‌خوانند.

- 5- ﴿سَاهُونَ﴾: غافلند و به آن اهمیت نمی دهند.
- 6- ﴿يُرَاءُونَ﴾: اعمال خویش را به قصد ریا انجام می دهند.
- 7- ﴿يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾: از بخیلی اشیای کارآمد معمولی را به هم‌دیگر عاریت نمی دهند.

سوره کوثر

- 1- ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ﴾: ما برای تون هری درجنت یا خیر فراوان دادیم.
- 2- ﴿أَنْحَرُ﴾: برای عبادت و شکرگزاری از او تعالی، قربانی کن.
- 3- ﴿شَانِئَكَ﴾: دشمن تو، یکی از مشرکین قریش.
- 3- ﴿هُوَ الْأَبْتَرُ﴾: اوست بی اثر یا بی خیر.

سوره کافرون

- 6- ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ﴾: شرک و کفرتان یا جزای آن برای خودتان.
- 6- ﴿وَلِي دِينِ﴾: اخلاص و یکتاپرستی من برای خودم یا جزای آن.

سوره نصر

- 1- ﴿جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ﴾: نصرت ال‌هی در برابر دشمنان به‌تورسد.
- 1- ﴿الْفَتْحِ﴾: فتح مکه در سال هشتم هجری.
- 2- ﴿أَفْوَاجًا﴾: گروه گروه.
- 3- ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را ثنا و ستایش نما و او را پاک و منزّه بدان.
- 3- ﴿كَانَ تَوَّابًا﴾: خدا همواره توبه‌بندگان خویش را می‌پذیرد.

سوره مَسَد

- 1- ﴿تَبَّتْ﴾: هلاک بادیازیانمند باد.
- 1- ﴿تَبَّ﴾: هلاک شدیازیانمند گردید.
- 2- ﴿مَا أَعْنَى عَنْهُ﴾: از او دفاع نکرد.
- 2- ﴿مَا كَسَبَ﴾: آنچه بدست آورده بود.
- 3- ﴿سَيَصْلَى نَارًا﴾: به زودی در دوزخ داخل می شود یا سختی آن را می کشد.
- 5- ﴿فِي جِيدِهَا﴾: در گردن او.
- 5- ﴿مِّن مَّسَدٍ﴾: از پوست درخت خرما ریسمانی که سخت بافته شود.

سورةِ اِخْلَاصِ

- 2- ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾: خدا بی نیاز است، ذاتی که همگان حاجت خود را از او می خواهند.
4- ﴿كُفُوًا﴾: همتا، مانند و نظیر.

سورةِ فَلَقِ

- 1- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می گیرم.
1- ﴿بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾: به پروردگار صبح یا هم مخلوقات.
3- ﴿شَرِّ غَاسِقٍ﴾: شر شب.
3- ﴿وَقَبْ﴾: تاریکی او در همه جا برسد.
4- ﴿الَّتَفَثَّتْ فِي الْعُقَدِ﴾: زنان جادوگری که هنگام جادوگری در گره تار می دمند.

سورةِ نَاسِ

- 1- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می برم.
1- ﴿بِرَبِّ النَّاسِ﴾: به پروردگار مردم و مدیر حال آن ها.
2- ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾: فرمان روای کامل مردم.
3- ﴿إِلَهِ النَّاسِ﴾: معبود حقیقی و ثابت انسان.
4- ﴿الْوَسْوَاسِ﴾: وسوسه کننده جن باشد یا انسان.
4- ﴿الْحَنَاسِ﴾: پنهان شونده.
6- ﴿الْجِنَّةِ﴾: جن.

منابع مورد استفاده مترجم

- 1- أحكام القرآن جصاص، جصاص احمد بن على.
- 2- أيسر التفاسير، أبو بكر الجزائري، سعودى، چاپ سوم، سال 1418 هـ.
- 3- برنامج التفسير وعلوم القرآن.
- 4- برنامج المكتبة الشاملة.
- 5- برنامج مكتبة طالب العلم الشرعي 800 مجلد كتاب.
- 6- برنامج مكتبة الألفية.
- 7- برنامج نرم افزار تفاسير قرآن جامع
- 8- برنامج نور جامع التفاسير 2/1، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى.
- 9- التبيان في إعراب القرآن، ابو البقاء عكبرى، متوفى 616 هـ.
- 10- ترجمه صفة التفاسير، محمد على صابونى، نشر احسان، تهران، 1383.
- 11- ترجمه قرآن كريم نوشته شاه ولي الله دهلوى.
- 12- تفسير ابن كثير، ابن كثير دمشقى 701- 774 هـ بيروت، سال 1401.
- 13- تفسير انوار القرآن، استاد عبد الرؤف مخلص، احمد جام، چاپ اول 1381.
- 14- تفسير جلالين، محلى جلال الدين و جلال الدين سيوطى.
- 15- تفسير حسينى، ملا حسين كاشفى سبزوارى.
- 16- تفسير روح المعانى، شاهاب الدين آلوسى، بيروت، سال چاپ، 1415 هـ.ق.
- 17- تفسير فتح القدير، شوكانى، متوفى 1250 هـ.
- 18- تفسير كشف، جار الله زمخشرى 467 - 538 هـ، بيروت، سال 1407 هـ.
- 19- تفسير نور، دكتور مصطفى خرم دل، تولد 1315، ناشر نشر احسان.
- 20- جامع البيان في تأويل آي القرآن، طبرى، 224-310 هـ، بيروت، سال 1405.
- 21- الجامع لأحكام القرآن، محمد پسر احمد قرطبى متوفى سال 671 هـ.

- 22- در المنثور، جلال الدین سیوطی 849 - 911 هـ، مصر، 1424 هـ. ق.
- 23- صفوة البیان لمعانی القرآن، حسنین محمد مخلوف، 1307 - 1410 هـ. ق.
- 24- فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی به فارسی، نجفعلی میرزایی، قم، 1379.
- 25- فرهنگ الرائد عربی به فارسی، جبران مسعود، آستان قدس، سال 1376.
- 26- فرهنگ فارسی عمید، سه جلدی حسن عمید، تهران، چاپ اول، سال 1363.
- 27- فرهنگ لاروس عربی به فارسی، دکتر خلیل جر، مترجم طبیبیان، 1379.
- 28- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، سال 1375.
- 29- قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، هشتم، تهران، سال 1378 هـ. ش.
- 30- لغت نامہ فارسی، علامہ دہخدا.
- 31- مفردات در غریب قرآن، راغب اصفهانی حسین بن محمد، وفات 425 ق.